

کیمهان ۵۰۷

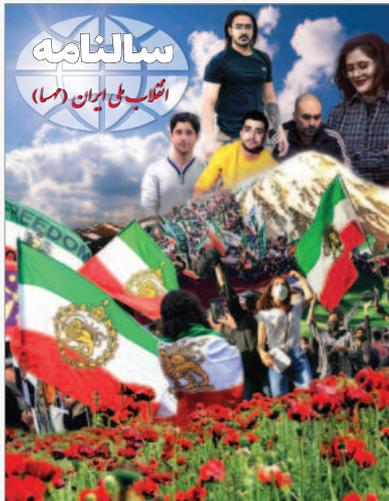
KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۲ تا پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۷۳



کارت برنده
در دست مردم است!

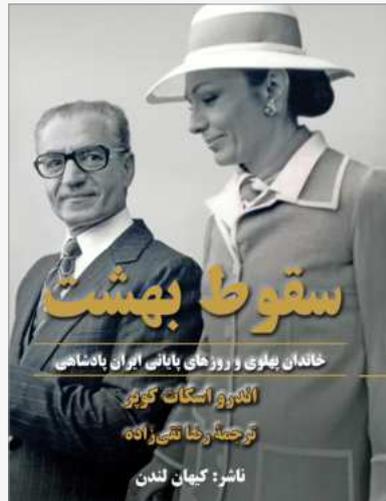
خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۷۳ (۵۰۷)
جمعه ۲۲ تا پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۴
۱۱ تا ۱۷ آوریل ۲۰۲۵



کارت برنده
در دست مردم است!

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHAN LONDON
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا
لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهرپیرنیا
شماره تلفن: ۳۰۱۲۲۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۲۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com

کیمهان

فهرست مطالب**

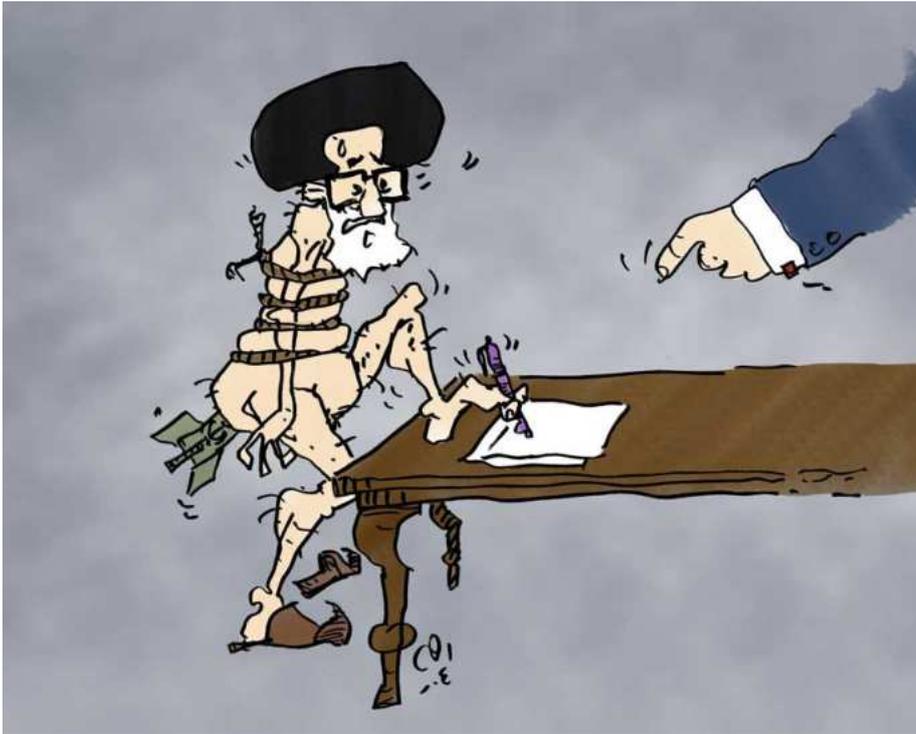
۴ مقاله -سیاست «با توافق بامب» بارژیمی که نماینده طرفدارانش هم نیست؟! /! الاله بقرات
 ۴-۵ تیر هفته - کارت برنده در دست مردم است... /
 ۶ آکسیوس: نتانیاهو معتقد است شانس برای توافق آمریکای و جمهوری اسلامی... /
 ۶-۷ ترامپ: فکرمی کنیم ایران خواهان گفتگوی مستقیم است... /
 ۷ سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی: آغاز مذاکره با آمریکا کذب است... /
 ۸ رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی: مذاکرات غیر مستقیم با آمریکا برای ندارد... /
 ۸-۹ مورگان اورنگاس: دولت ترامپ در نله طولانی شدن مذاکرات با جمهوری اسلامی... /
 ۹ گزارش میدانی؛ حدس و نظر شهر وندان در مورد احتمال حمله نظامی... /
 ۱۰-۱۱ اصلاح باید کرد... /
 ۱۱ خیر اندیش (احمد احرار) /
 ۱۲-۱۳ قاضی پروگیر فاش می کند: آنچه نتوانستیم بگویم (۱) ... /
 ۱۴ طبل جنگ بامدکره؟ ... /
 ۱۴ احسن فصیح (ابندیندنت عربی) /
 ۱۵ دو مسیر ترامپ در برخورد با نظام جمهوری اسلامی... /
 ۱۵ اولید فارس (ابندیندنت عربی) /
 ۱۶-۱۷ وال استری تروزال: ترامپ به دنبال مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی است و نه... /
 ۱۷ نتانیاهو: حکومت ایران تمدن غرب را هدف قرار داده است... /
 ۱۷ عباس عراقچی و استیو ویتکاف در عمان مذاکره می کنند... /
 ۱۸ کیمهان تهران بار دیگر دونالد ترامپ را تهدید به قتل کرد؛ «بادوها کپ کردند»... /
 ۱۹ اعزام بمب افکن های «B-2» پیام به جمهوری اسلامی است؟... /
 ۲۰ دادستان آرژانتین خواستار صدور حکم بازداشت خامنه ای به دلیل دخالت در بمب گذاری... /
 ۲۰-۲۱ افشای یک سند محرمانه؛ حماس برای نابودی اسرائیل از رژیم ایران ۵۰۰ میلیون دلار... /
 ۲۱ رویترز: چند گروه شبه نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق برای... /
 ۲۲ رویترز: خامنه ای دستور «آماده باش نظامی» صادر کرد؛ هشدار به کشورهای منطقه... /
 ۲۲-۲۳ وزیر اطلاعات رسانی یمن: شماری از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در... /
 ۲۳ از دولت سازی تا تمدن نمایی و پل های جهانی (بخش ۲) - دکتر مهدی میر سعیدی... /
 ۲۴-۲۵ کمپین همبستگی مادران دادخواه: «من هم مادر کسی هستم»... /
 ۲۶ سومین روز از اعتصاب غذای نامحدود در ضامن محمد حسینی زندانی مشروطه خواه... /
 ۲۷ دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی باعث حمله «هفت اکتبر» به اسرائیل بود... /
 ۲۸ نتانیاهو در دیدار با ترامپ خواستار اجرای «مدل لیبی» برای برچیدن... /
 ۲۸ اعلام آمادگی کرملین برای کمک به حل مسالمت آمیز پرونده اتمی... /
 ۲۹ «آنچه باقی ماند»، یادآور بیش از چهار دهه جنایت جمهوری اسلامی... /
 ۲۹ آغاز پایان سخاوت آمریکای؟... /
 ۲۹ دونالد ترامپ: مذاکرات اتمی شکست بخورد، اسرائیل «رهبر» حمله نظامی به... /
 ۳۰ رافائل گروسی: ایران بسیاری از مواد و قسمت های بازل ساخت یک سلاح هسته ای را... /
 ۳۰-۳۱ تحریرهای جدید علیه به نامه هسته ای جمهوری اسلامی پیش از مذاکرات در عمان... /
 ۳۱ جز آنسل نوجوانان امروز ایران اینقدر خشمگین است؟... /
 ۳۲ اعتراضات در عزم علیه حماس، هشدار به رژیم ایران... /
 ۳۳ تاربخچه شیر و خورشید از احمد کسروی (بخش ۲) /
 ۳۴-۳۵ بر خلاف ادعای دولت، افزایش و کمیوداد و در ۱۴۰۴ ادامه دارد... /
 ۳۶-۳۷ معاون وزیر خارجه روسیه: در صورت حمله به ایران، موظف به ارائه کمک نظامی نیستیم... /
 ۳۷ پس از افضاح «سفر تقریحی به قطب جنوب»، معاون پارلمانی پزشکیان برکنار شد... /
 ۳۸ «انقلاب فرهنگی»؛ بلغار در نهاد دانشگاه... /
 ۳۹-۴۱ دیپلماسی گروگان گیری و خاطرات کامران قادری از هفت سال و نیم حبس در زندان اوین... /
 ۴۱ شاهنامه خوانی به انگلیسی در جشنواره نوروزی لندن... /
 ۴۱ طالبان کنترل پایگاه هوایی «بگرام» را در اختیار آمریکایی ها داد... /
 ۴۲ روزنامه «تایمز»: جمهوری اسلامی در آستانه مذاکره با آمریکا برای نیابتی ها در... /
 ۴۲-۴۳ کدام کشورها بیشتر از آن بنده در جهان هستند؟... /
 ۴۳ آدم ربایی در ایران و جهان... /
 ۴۳ وقت کشی با «مذاکرات غیر مستقیم»؛ توجیه عقب نشینی تحقیر آمیز خامنه ای: پیامبر هم... /
 ۴۴ برگزاری «جلسه غیر علنی» در مجلس شورای اسلامی برای یافتن راه های مقابله با... /
 ۴۵ غزاله مدنی، پزشک ایرانی، نامزد دریافت جایزه استارت آپ برتر آلمان... /
 ۴۵ تشکیل پرونده قضایی برای حادثه معدن «جواهر زغال»... /
 ۴۶ حادثه مرگبار دیگری در معادن ایران با یک کشته و دوزخمی... /
 ۴۷ تغییر الگوی سفر در ایران به علت تورم؛ اقامت در جادر و کاهش مراجعه به رستوران... /
 ۴۸ تشکیل پرونده قضایی برای حادثه معدن «جواهر زغال»... /
 ۴۹ نیروی کار افغانستانی در ایران؛ تهدید با پادفراست؟... /
 ۵۰-۵۱ جمهوری اسلامی عامدانه بر آتش «جنگ آب میان شهر وندان» می دمدم... /
 ۵۱-۵۲ جمهوری اسلامی در باره شکست پروژه افزایش جمعیت هم «دشمن» را مقصر می داند... /
 ۵۲-۵۳ تعرفه ۱۰۰ درصدی برای واردات اتومبیل؛ انفجار قیمت هادر بازار اتومبیل ایران... /
 ۵۴ هشدار درباره رفرو و پاشی اقتصادی ایران؛ سران قوادر توهم «وفاق» برای سرمایه گذاری... /
 ۵۵ روزهای سخت تر اقتصاد ایران در پیش است؛ توافق احتمالی فقط یک مسکن است... /
 ۵۶ بحران جدی کمیودر ق در سال جدید؛ احتمال قطع گسترده خطوط مخابرات و اینترنت... /
 ۵۷ جان باختن ۸۳ نفر در تصادفات نوروزی؛ نقش کلیدی کیفیت پایین اتومبیل ها... /
 ۵۸ کمیودر گرانی دارو به «بحران اجتماعی-امنیتی» تبدیل می شود؟... /
 ۵۹ ایران دچار ورشکستگی آبی می شود؟... /
 ۶۰ نمایشگاه کتاب های عکاسان ایران در پاریس... /
 ۶۱ جیره بندی سراسری برق بخش خانگی و صنعت... /
 ۶۲ روند نزولی نرخ اشتغال در ایران با وجود ادعای کاهش نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۳... /
 ۶۳ خبرهای کوتاه... /
 ۶۴-۶۵ پشت جلد - عکس هفته /ها یابد... /
 ۶۶

بازنشر
بازنشر

بازنشر



سرمقاله

تیر هفته
کارتِ برنده در دست مردم است!

● در انتظار آغاز مذاکرات علنی فرستادگان جمهوری اسلامی و ایالات متحده، مردم ایران و جامعه جهانی به چند گروه تقسیم شده‌اند که کفه‌ی بدین‌ها حتی در صفوف خود دو دولت سنگین‌تر است!

دیدار شنبه ۲۳ فروردین در عمان را نباید آغاز مذاکرات بین تهران و واشنگتن دانست. در مسقط نمایندگان اعزامی دو کشور که ریاست آنها با عباس عراقچی وزیر خارجه دولت مسعود پزشکیان و استیو ویتکاف نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا برای خاورمیانه است، تازه در مورد روند و چگونگی پیش بردن مذاکرات احتمالی تبادل نظر خواهند داشت.

بدبینی در مورد موفقیت مذاکرات

در انتظار آغاز این مذاکرات علنی، مردم ایران و جامعه جهانی به چند گروه تقسیم شده‌اند که کفه‌ی بدبین‌ها سنگین‌تر است. عده‌ای معتقدند که این مذاکرات به چند دلیل نمی‌تواند موفق باشد. اخیراً حتی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا که این مذاکرات برای اولین بار در نامه او خطاب به علی خامنه‌ای مطرح شد و همیشه با خوش‌بینی بیش از حد در مورد نتایج آن صحبت می‌کرد، روز چهارشنبه به جبهه نامبدها پیوست. او در پاسخ به پرسش یک خبرنگار در مورد نتیجه قابل پیش‌بینی این مذاکرات گفت: «وقتی مذاکراتی را آغاز می‌کنید باید دید چگونه پیش می‌رود. من فکر می‌کنم خوب پیش نخواهد رفت، البته این یک احساس است و باید منتظر آغاز بود.»

کارشناسان هسته‌ای در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین معتقدند که تبدیل اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی به ۹۰ درصدی که غلظت لازم برای ساخت بمب هسته‌ای است، به دو تا سه هفته زمان احتیاج دارد. بر پایه آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی در ابتدای اسفند سال ۱۴۰۳ خورشیدی ذخیره اورانیوم غنی‌سازی شده ۶۰ درصدی را به ۲۷۵ کیلوگرم رسانده بود و امروز احتمالاً از مرز ۳۰۰ کیلوگرم هم عبور کرده است.

مذاکرات مستقیم هم غیرمستقیم خواهد بود!

این مذاکرات حتی اگر عباس عراقچی و استیو ویتکاف بر سر یک میز هم بنشینند، که به احتمال زیاد خواهند نشست، چنانکه زمانی محمدجواد ظریف و جان کری نه تنها بر سر یک میز نشستند بلکه قدم‌زنی‌ها آنها در ژنو و وین در دوران مذاکرات هسته‌ای دهه نود خورشیدی توجه بسیاری را به خود جلب کرد، باز هم غیرمستقیم خواهند بود. اگر فرستاده دونالد ترامپ می‌تواند به نمایندگی از دولت آمریکا تصمیماتی را اتخاذ کند و به چانه‌زنی بپردازد، عباس عراقچی اما مثل محمدجواد ظریف در زمان مذاکرات برجام، برای هر کلمه‌ای که قرار است در نتیجه نهایت این مذاکرات گنجانده شود باید از مسقط به تهران پرواز کند و نظر علی خامنه‌ای را جویا شود.

یکی دیگر از دلایلی که برای عدم موفقیت این

سیاست «یا توافق یا بمب»

بارژیمی که نماینده طرفدارانش هم نیست؟!

جمهوری اسلامی با «جام زهر» خمینی در سال ۱۳۶۷ پس از جنگ بی‌سرانجام هشت ساله و «نرمش قهرمانانه» خامنه‌ای در سال ۱۳۹۲ برای رسیدن به توافقی که به جایی نرسید، اکنون به خیال خود برای «حفظ نظام» با ذلت و پس‌گردنی وادار به «مذاکراتی» شده که فقط می‌تواند با اعلام تسلیم به نتیجه برسد تا از حمله نظامی به آن اجتناب شود. آنهم در حالی که هیچ تضمینی برای تعهد به چنین «توافقی» وجود ندارد!



در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۴۰۳ در تهران / رویترز

درست است که رژیم برنامه اتمی و موشکی و نیابتی‌ها را برای گسترش اسلام سیاسی و صدور انقلاب خود با هدف «محو اسرائیل» در منطقه و «ارزش‌های غربی» در جهان پیش برده؛ و درست است که اسرائیل برای موجودیت خود و غرب برای محافظت از ارزش‌های خویش در برابر خطر بنیادگرایی اسلامی که ابزارش ترور و وحشت‌آفرینی و حذف دیگران است، می‌خواهند جمهوری اسلامی را مهار کنند و اگر مهار نشد آن را تضعیف سازند، اما چه کسانی طی بیش از چهار دهه تاوان سنگین این حکومت ضدایرانی و ضدبشری را پرداخته‌اند جز ملت و مملکت ایران؟!

جمهوری اسلامی اینبار با عقب‌نشینی، در شرایطی که گردش اطلاعات و ابراز نظر با دهه شصت «جام زهر» و حتا دهه نود «نرمش قهرمانانه» که هنوز اصلاح‌طلبان و لایبگرا به عنوان خندق نظام حضور فعال داشتند، قابل مقایسه نیست، به مرحله جدیدی رسیده است: اینبار از یکسو رژیم فقط با مخالفان و معترضان روبرو نیست بلکه می‌تواند هوادارانش را هم که هرچه زمان گذشت کمتر و کمتر شدند، قانع کند. و از سوی دیگر، مردمی که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند رساتر از همیشه آنچه را فریاد می‌زنند که می‌خواهند: رهایی از فشار سنگین بهمنی که از سال ۵۷ بر زندگی آنها آوار شده و قرار گرفتن دوباره در مسیری که پهلوی‌ها پنجاه سال برای هموار کردن آن تلاش کردند. مسیری که شاهزاده رضا پهلوی سال‌ها در سخنانی شفاف نشان داده و در سال‌های اخیر با برنامه و اهدافی کاملاً روشن که مردم می‌توانند نقش تعیین‌کننده خود را در آن ببینند، به غرب نیز ارائه می‌دهد: از مبارزات ایرانیان پشتیبانی کنید تا از شر جمهوری اسلامی و برنامه‌هایش راحت شوید! در حالی که نه توافق، که هیچ تضمینی ندارد، و نه حمله نظامی که نتیجه‌اش نامعلوم است، این مشکل مزمن را حل نخواهد کرد.

در عین حال، این نکته را نیز باید افزود که: حتا با وجود توافق یا حمله نظامی، عامل اصلی و تعیین‌کننده در موفقیت یا عدم موفقیت هر کدام از آنها، باز مردم هستند! همان عامل مهم تاریخی که در جنگی که به «جام زهر» انجامید، فقط گوشت دم توپ بودند؛ و در معامله‌ای که با «نرمش قهرمانانه» به توافق موسوم به «برجام» رسید، فقط غارت شدند!

اکنون رژیم طرف توافق یا حمله است که هیچ نمایندگی از سوی ملت ایران، و حتا از سوی هواداران خودش هم ندارد! این یک «فرصت» و «بیخت» تاریخی است که بار دیگر در برابر هم مردم، هم سیاست بین‌المللی و هم رهبر انقلاب ملی و مدافع حاکمیت ملت ایران قرار گرفته؛ فرصتی که هیچ روزنه‌ی امیدی در آن برای رژیم دیده نمی‌شود.

داخل کشور و هم برون از مرزها با آنها روبروست، احتمال بازگشت مردم به خیابان و آغاز دور جدیدی از اعتراضات گسترده روز به روز افزایش پیدا می‌کند. اقتصادی ورشکسته

رئیس دولت اسرائیل بر آن تاکید دارد نیز نمی‌تواند پایان برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را تضمین کند. توافق لیبی در سال ۲۰۰۳ میلادی، خلع سلاح یکجانبه بود. معمر

مذاکرات آورده می‌شود، عدم امکان راست آزمائی متعهد ماندن جمهوری اسلامی حتی در صورت دستیابی به یک توافق احتمالی در مذاکرات سلطان‌نشین عمان است.



که زیر تحریم‌های سخت قرار دارد، سقوط وحشتناک ارزش پول ملی، بحران آب، برق و سوخت تنها برخی از مشکلاتی هستند که شهروندان روزانه با آنها درگیرند. در خارج از مرزهای ایران نیز تضعیف نیروهای نیابتی چون حماس، جهاد اسلامی در غزه، حزب‌الله در لبنان و انصارالله در یمن، از دست دادن سوریه با سقوط بشار اسد و روابط بحرانی با همسایگان از ترکیه تا جمهوری آذربایجان و برخی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، جمهوری اسلامی را در موقعیتی بحرانی قرار داده است.

برای گذر از برخی از این بحران‌ها یا حداقل کاهش آنها، جمهوری اسلامی نیاز به مذاکراتی دارد که به آن فرصتی بدهد بدون آنکه خواست‌های زیادی را بر حکومت تحمیل کند. تنها با خرید زمان و کاهش برخی تحریم‌ها که اجازه بازگشت جمهوری اسلامی به بازارهای جهانی را بدهند تا شاید در وضعیت اسفناک اقتصادی بهبودی حاصل شود، رژیم خواهد توانست از فشارهای اقتصادی بر مردم در سطح محدودی بکاهد و همزمان به بازسازی نیروهای نیابتی‌اش بپردازد. نقشه‌ای حسابگرانه و البته تکراری که بی‌تردید از نگاه آمریکا و اسرائیل و همچنین مردم معترض و مخالفان جمهوری اسلامی پنهان نیست.

دقیقا برای مقابله با این وضعیت است که شاهزاده رضا پهلوی در سخنانی اخیرش در مرکز «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در واشنگتن از آمریکا و غرب خواست سیاست تکراری و ناکام یا توافق یا حمله نظامی را کنار گذاشته و حمایت از مردم ایران را که خواهان تغییر نظام و استقرار دموکراسی و حفاظت از حقوق بشر و ارزش‌های مشترک هستند در دستور کار قرار دهند. تا کنون اما آمریکا و جهان غرب و حتی اسرائیل نیز بجای اینکه برای زدن سر افعی در تهران برنامه‌ریزی کنند، به دنبال کوتاه کردن بازوهای هستند که با گذشت زمان می‌توانند دوباره رشد کنند.

قذافی رهبر لیبی در آن دوران، اعلام کرد داوطلبانه تمامی برنامه‌های تسلیحات کشتار جمعی‌اش را کنار می‌گذارد. این تصمیم پیامد مذاکراتی طولانی و محرمانه با دولت‌های آمریکا و بریتانیا بود. پس از این توافق بازرسان بین‌المللی به لیبی رفتند تا بر روند نابودی کامل برنامه‌های هسته‌ای و شیمیایی نظارت کنند. تنها پس از اتمام این روند بود که تحریم‌ها برداشته و روابط دیپلماتیک احیا شدند. با وجود این در سال ۲۰۱۱، به دنبال اعتراضات مردمی و سرکوب خونین آنها توسط نیروهای وفادار به معمر قذافی، شورای امنیت سازمان ملل مجوز مداخله نظامی برای «حفاظت از غیرنظامیان» را صادر کرد و نیروهای ناتو به این کشور حمله کردند و حکومت سرهنگ کودتاچی به پایان رسید و خودش نیز در اکتبر همان سال دستگیر و به طرز فجیعی کشته شد.

مخالفت جمهوری اسلامی با «مدل لیبی»

علت مخالفت جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه‌ای با «مدل لیبی» هم دقیقا همین است و خطر یک حمله نظامی را برای به تعویق انداختن برنامه هسته‌ای به برچیدن تمامی برنامه‌ها و تأسیسات که می‌بایست تحت نظارت و تأیید بین‌المللی انجام شود، ترجیح می‌دهند. این در حالیست که علی خامنه‌ای در سخنانی‌اش به مناسبت پایان ماه رمضان احتمال وقوع جنگ را بسیار پائین اعلام کرد ولی از «فتنه» با حمایت کشورهای خارجی سخن گفت. در زبان جمهوری اسلامی از کلمه «فتنه» برای اعتراضات و خیزش‌های مردمی استفاده می‌شود. در سال ۲۰۱۱ در پیامد اعتراضات گسترده در لیبی و سرکوب وحشیانه این اعتراضات به ویژه در شهر بندری بنغازی بود که نیروهای بین‌المللی دخالت کردند و پایان رژیم معمر قذافی را رقم زدند. با توجه به بحران‌های کنونی که جمهوری اسلامی هم در

تجربه ناموفق تلاش‌های بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در آینده چون گذشته موفق خواهد شد که برخی فعالیت‌های هسته‌ای را در تأسیسات اعلام‌نشده کاملا مخفی نگهدارد و اجازه هیچگونه بازرسی در آنها ندهد. البته روسیه خود را کاندیدای راست آزمائی در صورت دستیابی به توافق کرده است. بدون شک بازرسان روس بیش از بازرسان هر کشور دیگری، با توجه به نفوذ گسترده آنها در نهادهای جمهوری اسلامی، قادر خواهند بود این وظیفه را به عهده بگیرند، ولی اینجا پرسش دیگری برای آمریکا و دیگر کشورهای نگران برنامه هسته‌ای وجود دارد: چقدر می‌توان به خود روسیه اطمینان کرد؟!

بی‌اعتمادی متقابل

البته بی‌اعتمادی متقابل جمهوری اسلامی و آمریکا که قرار است مذاکرات عمان را انجام دهند، سابقه تاریخی دارد. مذاکرات در دوران ریاست جمهوری جو بایدن هم از جمله به دلیل همین بی‌اعتمادی به نتیجه نرسید. جمهوری اسلامی که می‌دانست با پایان دوران ریاست جمهوری جو بایدن و ورود رئیس‌جمهور جدیدی به کاخ سفید، چنانکه در سال ۲۰۱۸ میلادی در دوران ریاست جمهوری قبلی دونالد ترامپ اتفاق افتاد، توافق به دست آمده می‌تواند به کاغذ پاره تبدیل شود، خواهان ضمانتی بود که در آینده آمریکا به توافق پایبند بماند. ضمانتی که هیچ رئیس‌جمهوری در آمریکا نمی‌تواند بدهد. حتی اگر توافق به تصویب کنگره هم برسد، با تغییر آرایش نمایندگان می‌تواند لغو شود. البته آمریکا هم که به دلیل عدم رعایت توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ توسط جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد، نمی‌تواند به وعده اجرای تعهدات از سوی حکومت ایران اعتماد کند. دقیقا به همین دلایل «مدل لیبی» که بنیامین نتانیاهو

آکسیوس: نتانیاهو معتقد است شانسی برای توافق آمریکا و جمهوری اسلامی وجود ندارد



دیدار دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در ماه فوریه ۲۰۲۵ / رویترز

ترامپ: فکر می‌کنم ایران خواهان گفتگوی مستقیم است؛ وزیر خارجه اسرائیل: تعجب نمی‌کنیم

● دونالد ترامپ روز پنجشنبه سوم آوریل (۱۴ فروردین) در پاسخ به پرسش خبرنگاران در هواپیمای ریاست جمهوری در مسیر فلوریدا گفت: «فکر می‌کنم بهتر است گفتگوها با [رژیم] ایران به صورت مستقیم انجام شود. این کار سریع‌تر پیش می‌رود و طرف مقابل را بهتر درک می‌کنید تا اینکه از طریق واسطه‌ها اقدام کنید. آنها می‌خواستند از واسطه استفاده کنند، اما فکر می‌کنم دیگر چنین باشد.»

● ابوالفضل ظهروند عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با وبسایت «خبر۲۴» ادعاهای ترامپ مبنی بر امکان پذیرش شرایط تحمیلی از سوی حکومت ایران را رد کرد و مدعی شد، «ایران اوکراین نیست و هرگز در برابر زورگویی‌های آمریکا تسلیم نخواهد شد.»

● در واکنش به اظهارات ترامپ، گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل گفت، «مسیر دیپلماتیک را برای پیشگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای رد می‌کنیم.» او توضیح داد، «همانطور که می‌دانید ما با ایرانی‌ها صحبت نمی‌کنیم، اما آنها روشن کرده‌اند که آماده مذاکره غیرمستقیم با آمریکا هستند و ما از آغاز چنین مذاکراتی متعجب نخواهیم شد.»

در شرایطی که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بارها گفته است مخالف مذاکره با آمریکاست اما دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا ادعا می‌کند که رژیم «ایران می‌خواهد مستقیم با ما مذاکره کند.»

ترامپ روز پنجشنبه سوم آوریل (۱۴ فروردین) در پاسخ به پرسش خبرنگاران در هواپیمای ریاست جمهوری در مسیر فلوریدا گفت: «فکر می‌کنم بهتر است گفتگوها با [رژیم] ایران به صورت مستقیم انجام شود. این کار سریع‌تر پیش می‌رود و طرف مقابل را بهتر درک می‌کنید تا اینکه از طریق واسطه‌ها اقدام کنید. آنها می‌خواستند از واسطه استفاده کنند، اما فکر می‌کنم دیگر چنین باشد.»

رئیس‌جمهور آمریکا ۳۰ مارس ۲۰۲۵ در مصاحبه با ان‌بی‌سی نیز تهدید کرد و به صراحت گفت، «اگر توافق نکنند، مہباران خواهند شد.»

ابوالفضل ظهروند عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به وبسایت «خبر۲۴» گفت: ←

● پایگاه خبری آکسیوس می‌نویسد نخست‌وزیر اسرائیل بر این باور است که احتمال اینکه آمریکا با جمهوری اسلامی به یک توافق جدید برسد بسیار پایین است.

● بنیامین نتانیاهو قصد دارد طی این سفر با ترامپ به توافقی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در صورت شکست دیپلماتی دست یابد.

چهار منبع مطلع به آکسیوس گفته‌اند بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل قصد دارد روز دوشنبه ۷ آوریل (۱۸ فروردین) به کاخ سفید برود. محور این دیدار درباره لغو تعرفه‌ها، بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی و همچنین وضعیت غزه خواهد بود.

اگر این دیدار طبق برنامه انجام شود، نتانیاهو نخستین رهبر خارجی خواهد بود که برای مذاکره رو در رو با رئیس‌جمهور ترامپ درباره لغو تعرفه‌های گمرکی او دیدار می‌کند. همچنین انتظار می‌رود که دو طرف درباره بحران هسته‌ای رژیم ایران و جنگ در غزه گفتگو کنند.

با این حال، برای اینکه نتانیاهو بتواند این هفته سفر کند، باید از قضات پرونده اتهام فساد خود بخواهد جلسات رسیدگی برنامه‌ریزی شده را که قرار بود در آنها به شهادت ادامه دهد، لغو کند.

منابع مطلع می‌گویند به‌دلیل همین موضوع، هنوز امکان تغییر در برنامه سفر وجود دارد.

اسرائیل تلاش کرده بود با اعلام اینکه به صورت پیش‌دستانه تمامی تعرفه‌ها بر کالاهای آمریکایی را حذف خواهد کرد، از تعرفه‌های اعمال‌شده توسط ترامپ بر تقریباً تمام کشورها اجتناب کند اما این راهکار مؤثر واقع نشد.

تعرفه ۱۷ درصدی که ترامپ برای اسرائیل تعیین کرده، به دلیل کسری تجاری دوجانبه قابل توجه آمریکا با این کشور

بود. ترامپ روز پنجشنبه سوم آوریل (۱۴ فروردین) زمانیکه نتانیاهو در بوداپست بود، با او و نخست‌وزیر مجارستان، ویکتور اوربان، تماس گرفت.

علت اصلی تماس، تصمیم مجارستان برای خروج از دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) بود، اما نتانیاهو موضوع تعرفه‌های جدید را نیز مطرح ساخت.

ترامپ پیشنهاد داد که نتانیاهو برای گفتگو به کاخ سفید برود، بدون آنکه تاریخ مشخصی تعیین کند.

چند ساعت بعد، ترامپ به خبرنگاران در هواپیمای ریاست جمهوری گفت که نتانیاهو به زودی به واشنگتن خواهد رفت و افزود: «شاید حتی هفته آینده.»

این اظهار نظر ترامپ هم برای تیم نتانیاهو و هم برای برخی مشاوران ترامپ غافلگیرکننده بود.

در ابتدا مقامات آمریکایی و اسرائیلی انتظار داشتند که این سفر اواخر آوریل و احتمالاً در هفته پاک انجام شود.

اما در جریان گفتگوهای روز جمعه بین دفتر نخست‌وزیری اسرائیل و کاخ سفید، ایده سفر زودتر از موعد قوت گرفت. همچنین گفته شده است ایران و غزه، علاوه بر موضوع تعرفه‌ها، از محورهای اصلی گفتگو میان نتانیاهو ترامپ خواهند بود.

یک مقام ارشد اسرائیلی در همین ارتباط گفت: نتانیاهو معتقد است احتمال رسیدن به توافق هسته‌ای بین آمریکا و ایران بسیار پایین است و می‌خواهد با ترامپ درباره حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در صورت شکست دیپلماتی، به تفاهم برسد.

همچنین ترامپ و نتانیاهو احتمالاً درباره تلاش‌های متوقف‌شده برای دستیابی به توافق جدید درباره گروگان‌های غزه و آتش‌بس گفتگو خواهند کرد.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی: آغاز مذاکره با آمریکا کذب است



اسماعیل بقایای سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی اقدام نظامی شود. یک مقام ارشد جمهوری اسلامی ۱۷ فروردین به خبرنگاری رویترز گفت که حکومت ایران در مقابل درخواست‌های آمریکا برای مذاکره مستقیم درباره برنامه هسته‌ای یا مواجه شدن با حمله نظامی مقاومت می‌کند اما آماده مذاکرات غیرمستقیم با میانجیگری عمان است. همچنین در این گزارش تأکید شد جمهوری اسلامی به کشورهای عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر، ترکیه و بحرین هشدار داده است که هرگونه حمایت از حمله آمریکا به نقاطی در ایران، از جمله در اختیار قرار دادن حرم هوایی یا قلمرو سرزمینی برای عملیات نظامی، اقدامی خصمانه تلقی خواهد شد.

پیشتر یک مقام ارشد دولت آمریکا به «والاستریت ژورنال» گفته بود، ترامپ خواستار مذاکره مستقیم میان مقامات ارشد دو طرف است و می‌خواهد از وضعیتی که در آن مذاکره‌کنندگان در طبقات مختلف یک هتل فقط پیام‌ها را به یکدیگر منتقل می‌کنند، اجتناب کند. در دوران بایدن، آمریکا گفتگوهای غیرمستقیمی با رژیم ایران انجام داد، چون تهران از نشست‌های رو در رو خودداری می‌کرد. البته چه مذاکرات رو در رو با مقامات آمریکا در دولت اوپاما که به برجام در ژوئیه ۲۰۱۵ انجامید و چه مذاکرات غیرمستقیم با دولت بایدن که به احیای آن نیانجامید، نتوانست مانع پیش برده شدن برنامه اتمی توسط جمهوری اسلامی شود. حالا دولت ترامپ به دنبال توافق جدیدی است که بر اساس آن نه تنها برنامه اتمی بلکه برنامه‌های موشکی و حمایت از گروه‌های تروریستی و نیابتی و تنش‌آفرینی‌های نظام اساسا برچیده شود تا آمریکا نیز اقدام به رفع تحریم‌ها کند. مقامات رژیم این شروط را «خلع سلاح» نظام می‌دانند.

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اخبار منتشر شده درباره مذاکرات با آمریکا و تشکیل «کمیته مذاکرات» را رد کرد و گفت: «وزارت خارجه مسئول پیشبرد هر مذاکره‌ای است و صحبت‌هایی که گاه و بیگاه شنیده می‌شود، صرفا حدس و گمانی است که هیچ مبنا و پایه‌ای ندارد».

● اسماعیل بقایای روز دوشنبه ۱۸ فروردین ماه در نشست خبری هفتگی وزارت خارجه «آغاز مذاکره با آمریکا را کذب دانست» و توضیح داد که مذاکرات با روسیه و چین در مورد برجام همچنان ادامه دارد. وی عنوان کرد که «به زودی در سطح معاونین، با مسئولین جدید اتحادیه اروپا هم نشستی خواهیم داشت».

● یک فعال سیاسی اصولگرا عنوان کرد که سه نفر شامل «لاریجانی، ظریف و فروزنده» برای مذاکره غیرمستقیم با طرف آمریکایی انتخاب شده‌اند. محمدجواد ظریف اما این ادعا را شبیه «شوخی سیزده» دانسته و گفته که نامه ترامپ را اصلا ندیده است.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اخبار منتشر شده درباره مذاکرات با آمریکا و تشکیل «کمیته مذاکرات» را رد کرد و گفت: «وزارت خارجه مسئول پیشبرد هر مذاکره‌ای است و صحبت‌هایی که گاه و بیگاه شنیده می‌شود، صرفا حدس و گمانی است که هیچ مبنا و پایه‌ای ندارد».

اسماعیل بقایای روز دوشنبه ۱۸ فروردین ماه در نشست خبری هفتگی وزارت خارجه «آغاز مذاکره با آمریکا را کذب دانست» و توضیح داد که مذاکرات با روسیه و چین در مورد برجام همچنان ادامه دارد و عنوان کرد: «به زودی در سطح معاونین با مسئولین جدید اتحادیه اروپا هم نشستی خواهیم داشت».

برخی منابع غیررسمی مدعی شدند که با میانجیگری عمان گفتگوها میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا به صورت غیرمستقیم در مسقط آغاز شده است. همچنین عباس امیری فر فعال سیاسی اصولگرا عنوان کرد که سه نفر شامل «لاریجانی، ظریف و فروزنده» برای مذاکره غیرمستقیم با طرف آمریکایی انتخاب شده‌اند.

محمدجواد ظریف اما این ادعا را شبیه «شوخی سیزده» دانسته و گفته که نامه ترامپ را اصلا ندیده است. رسانه‌های داخلی دوشنبه ۱۸ فروردین در همین ارتباط نوشته‌اند که ظریف «در پاسخ به شایعات متفاوت مطرح شده درباره حضور او در روندهای جاری در حوزه سیاست خارجی کشور» گفته است: «این شایعات بیشتر به شوخی سیزده شبیه است که از قبل شروع شده و هنوز ادامه دارد. بنده حتی نامه ترامپ و پاسخ به او را ندیده و از محتوای آن خبری جز آنچه در رسانه‌ها آمده ندارم».

اسماعیل بقایای در بخش دیگری از نشست خبری خود به سفر نخست وزیر اسرائیل به آمریکا برای دیدار با دونالد ترامپ اشاره کرد و گفت: «به هر گونه تعرض یا تجاوز به خاک کشورمان با تمام قوا پاسخ خواهیم داد».

برخی منابع نزدیک به دولت اسرائیل گزارش دادند که بنیامین نتانیاهو تلاش‌های ترامپ برای مذاکره و دستیابی به توافق با جمهوری اسلامی را بی‌نتیجه می‌داند و به دنبال آن است که ترامپ را متقاعد کند تا علیه برنامه‌های اتمی

«نزدیک بودن جنگ علیه ایران، فشار روانی آمریکا است.» او ادعاهای ترامپ مبنی بر امکان پذیرش شرایط تحمیلی از سوی حکومت ایران را رد کرد و گفت: «ایران اوکراین نیست و هرگز در برابر زورگویی‌های آمریکا تسلیم نخواهد شد.»

مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند، آمریکا به دنبال «خلع



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

سلاح» آنها است و زیربار چنین مذاکراتی نخواهند رفت اما در مقابل ترامپ دو گزینه پیش روی تهران گذاشته است: مذاکره و رسیدن به یک توافق یا مبارز!

در واکنش به اظهارات ترامپ، گیدئون ساعر وزیر خارجه اسرائیل گفت، «مسیر دیپلماتیک را برای پیشگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای رد نمی‌کنیم.» او توضیح داد، «همانطور که می‌دانید ما با ایرانی‌ها صحبت نمی‌کنیم، اما آنها روشن کرده‌اند که آماده مذاکره غیرمستقیم با آمریکا هستند و ما از آغاز چنین مذاکراتی متعجب نخواهیم شد.»

گیدئون ساعر پس از دیدار با هم‌تای فرانسوی خود، ژان نوئل بارو در جمع خبرنگاران تأکید کرد: «افراطی‌ترین رژیم جهان نباید به خطرناکترین سلاح جهان دست یابد. هدف ممانعت از دستیابی [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای بین فرانسه و اسرائیل مشترک است.»

مسعود پزشکیان دهم فروردین ماه ۱۴۰۴ در جلسه هیأت دولت گفت، پاسخ نامه دونالد ترامپ از طریق عمان به نماینده آمریکا رسیده است و علی‌خامنه‌ای تأکید کرده مذاکره غیرمستقیم با آمریکا می‌تواند ادامه داشته باشد.

دیدار گیدئون ساعر با وزیر خارجه فرانسه در پاریس پس از آن انجام شد که، ژان نوئل بارو گفت، «بدون توافق جدید برخورد نظامی اجتناب‌ناپذیر است.»

در یک رویداد کم‌سابقه امانوئل ماکرون روز چهارشنبه نشستی را در کاخ الیزه با حضور وزرا و مقامات بلندپایه دفاعی کشورش با موضوع «ایران» برگزار کرد. در اینباره خبرنگاری فرانسه گزارش داد «شورای دفاع و امنیت ملی فرانسه» در کاخ الیزه تشکیل جلسه داد تا درباره [رژیم] ایران و فعالیت‌های هسته‌ای این کشور آنهم در اوج تنش‌های منطقه گفتگو کنند.

ترامپ در دیدار با نتانیاهو: مذاکرات مستقیم با ایران آغاز شد، امیدواریم نتیجه بدهد!



دیدار ترامپ و نتانیاهو در کاخ سفید / آوریل ۲۰۲۵

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی: مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا ایرادی ندارد

● محمد باقری روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۴ در جمع فرماندهان، مدیران و کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی «خاتم الانبیاء»، گفت: «در مسئله هسته‌ای به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و نیازهای ملت خودمان را در هسته‌ای دنبال می‌کنیم. مذاکره مستقیم نخواهیم کرد، اما مذاکره غیرمستقیم ایرادی ندارد».

● او پاسخ خامنه‌ای به نامه دونالد ترامپ را «معقول و بسیار حکیمانه» دانست و در ادعایی عجیب گفت: «جمهوری اسلامی ایران جنگ‌طلب نیست، اما قلدری و زورگویی را نمی‌پذیرد و در مقابل آن ایستادگی خواهد کرد.» این در حالیست که از وقتی جمهوری اسلامی روی کار آمده نه تنها ایران و منطقه روی خوش ندیده بلکه تروریسم دولتی و نیابتی‌های آن به کشورهای دیگر نیز صادر شده است!

● عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز شامگاه شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۴ در دیدار با تعدادی از سفرا و رؤسای نماینده‌های خارجی اعلام کرد که در ازای برداشته شدن تحریم‌ها، جمهوری اسلامی حاضر به مذاکره درباره برنامه‌های هسته‌ای است.

محمدباقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی می‌گوید، علی‌خامنه‌ای با مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا موافقت کرده است.

باقری روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۴ در جمع فرماندهان، مدیران و کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی «خاتم الانبیاء»، گفت: «در مسئله هسته‌ای به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و نیازهای ملت خودمان را در هسته‌ای دنبال می‌کنیم. مذاکره مستقیم نخواهیم کرد، اما مذاکره غیرمستقیم ایرادی ندارد، چراکه ایران راه را نمی‌بندد و راه مذاکره غیرمستقیم را باز می‌گذارد تا اگر صادقاته حرکت کنید بشود مذاکره کرد».

او پاسخ خامنه‌ای به نامه دونالد ترامپ را «معقول و بسیار حکیمانه» دانست و در ادعایی عجیب گفت: «جمهوری اسلامی ایران جنگ‌طلب نیست، اما قلدری و زورگویی را نمی‌پذیرد و در مقابل آن ایستادگی خواهد کرد.» این در حالیست که از وقتی جمهوری اسلامی روی کار آمده نه تنها ایران و منطقه روی خوش ندیده بلکه تروریسم دولتی و نیابتی‌های آن به کشورهای دیگر نیز صادر شده است!

وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز شامگاه شنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۴ در دیدار با تعدادی از سفرا و رؤسای نماینده‌های خارجی اعلام کرد که در ازای برداشته شدن تحریم‌ها، جمهوری اسلامی حاضر به مذاکره درباره برنامه‌های هسته‌ای است.

عباس عراقچی گفت: «حاضریم بر اساس منطق اعتمادسازی به‌ازای رفع تحریم‌های ظالمانه علیه

نکرده است. ترامپ تأکید کرد که مذاکرات با ایران مستقیم خواهد بود و نه از طریق واسطه‌ها و در «تقریباً بالاترین سطح» انجام خواهد شد.

وی همچنین گفت: «فکر می‌کنم همه توافق دارند که رسیدن به یک معامله بهتر از سایر کارها است و آن کارها چیزهایی نیستند که من بخواهم در آن دخیل باشم، یا صادقاته بگویم، اسرائیل بخواهد دخیل باشد، اگر بشود از آن اجتناب کرد».

او افزود: «پس ما خواهیم دید که آیا می‌توان از آن اجتناب کرد یا نه. اما این موضوع دارد به مرز بسیار خطرناکی وارد می‌شود، و امیدوارم آن مذاکرات موفق باشند و فکر می‌کنم به نفع جمهوری اسلامی است که این مذاکرات موفقیت‌آمیز باشند.» به گفته یک مقام ارشد اسرائیلی، نتانیاهو معتقد است احتمال رسیدن به توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و آمریکا بسیار پایین است، اما قصد داشت در جلسه روز دوشنبه با ترامپ نشان دهد که «یک توافق خوب باید چگونه باشد». این مقام گفت: «نتانیاهو خواهان مدل لیبی است، یعنی برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران.» رژیم ایران ادعا می‌کند که به دنبال ساخت بمب نیست، اما با تعطیلی برنامه هسته‌ای خود مخالفت می‌کند.

این مقام همچنین افزود نتانیاهو می‌خواهد با ترامپ به تفاهمی برسد که در صورت شکست دیپلماسی، به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله شود.

دونالد ترامپ در نشست خبری بعد از دیدار با نتانیاهو گفت: «اگر مذاکرات نتیجه ندهند، [رژیم] ایران در خطر جدی خواهد بود. این رژیم نباید به سلاح هسته‌ای برسد. موضوع پیچیده‌ای نیست؛ ایران نباید و نمی‌تواند چنین سلاحی داشته باشد. فردای بی‌توافق، روزی خطرناک برای [جمهوری اسلامی] ایران است.»

ادعای ترامپ در مورد آغاز مذاکرات مستقیم با جمهوری اسلامی در حالیست که پیش از این عباس عراقچی وزیر خارجه و محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی گفته بودند با آمریکا «مذاکره مستقیم» نخواهد شد.

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دوشنبه هفتم آوریل (۱۸ فروردین) در جریان دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل اعلام کرد که ایالات متحده در حال انجام «مذاکرات مستقیم» با ایران است و یک «نشست بسیار مهم» با حضور مقاماتی «در سطوح بسیار بالا» روز شنبه برگزار خواهد شد.

● ترامپ همچنین گفت: «فکر می‌کنم همه توافق دارند که رسیدن به یک معامله بهتر از سایر کارها است و آن کارها چیزهایی نیستند که من بخواهم در آن دخیل باشم، یا صادقاته بگویم، اسرائیل بخواهد دخیل باشد، اگر بشود از آن اجتناب کرد».

● به گفته یک مقام ارشد اسرائیلی، نتانیاهو معتقد است احتمال رسیدن به توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و آمریکا بسیار پایین است، اما قصد داشت در جلسه روز دوشنبه با ترامپ نشان دهد که «یک توافق خوب باید چگونه باشد».

● ترامپ: «اگر مذاکرات نتیجه ندهند، [جمهوری اسلامی] ایران در خطر جدی خواهد بود. این رژیم نباید به سلاح هسته‌ای برسد. موضوع پیچیده‌ای نیست؛ ایران نباید و نمی‌تواند چنین سلاحی داشته باشد. فردای بی‌توافق، روزی خطرناک برای [رژیم] ایران است.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه هفتم آوریل (۱۸ فروردین) در جریان دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل اعلام کرد که ایالات متحده در حال انجام «مذاکرات مستقیم» با ایران است و یک «نشست بسیار مهم» با حضور مقاماتی «در سطوح بسیار بالا» روز شنبه برگزار خواهد شد. پیگاه خبری آکسیوس در گزارشی نوشت، این اعلام غافلگیرکننده ترامپ پس از آن مطرح شد که مکرر هشدار داد رژیم ایران دو راه بیشتر ندارد: یا توافق جدید یا جنگ. علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی پیشتر گفته بود مذاکره با آمریکا منطقی نیست و کمکی به حل مسائل داخلی نمی‌کند.

تهران ادعای ترامپ را مبنی بر اینکه مذاکرات «آغاز شده‌اند» و به زودی در سطح بالا پیش خواهد رفت، تأیید

مورگان اورتگاس: دولت ترامپ در تله طولانی شدن مذاکرات با جمهوری اسلامی نخواهد افتاد



مورگان اورتگاس معاون نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه

مذاکرات نتیجه ندهند، [جمهوری اسلامی] ایران در خطر جدی خواهد بود. این رژیم نباید به سلاح هسته‌ای برسد. موضوع پیچیده‌ای نیست؛ ایران نباید و نمی‌تواند چنین سلاحی داشته باشد. فردای بی‌توافق، روزی خطرناک برای [رژیم] ایران است.»

بسیاری ناظران بر این باورند که جمهوری اسلامی از مذاکرات طولانی به عنوان ابزاری برای وقت‌گشی بهره‌برداری می‌کند.

برخی منابع اسرائیلی گزارش دادند، اظهارات دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو پس از دیدار در کاخ سفید نشان داد که دلیل واقعی سفر نتانیاهو به واشنگتن، آغاز مذاکرات با رژیم ایران بود و نه بحث تعرفه‌های اعمال شده بر اسرائیل.

در همین ارتباط وبسایت «وای نت» نوشت که ترامپ می‌خواست بطور خصوصی در مورد مذاکرات سطح بالا با رژیم ایران به نتانیاهو توضیح دهد تا نه تنها غافلگیری به بار نیاید، بلکه مطمئن شود که اسرائیل مداخله نمی‌کند یا با حمله به نقاطی در ایران، این تلاش‌ها را مختل نمی‌کند.

از سوی دیگر، دیدار و گفتگوی نتانیاهو با ترامپ در واشنگتن و اعلام خبر «مذاکرات مستقیم در سطح بالا» با انتشار این خبر که نخست وزیر اسرائیل به رئیس جمهور آمریکا توصیه کرده تا «مدل لیبی» را درباره جمهوری اسلامی اجرا کند، همزمان شد.

قطعا در روزهای اخیر و طی مهلت دو ماهه ترامپ به جمهوری اسلامی، پیام‌هایی بین تهران و واشنگتن با میانجیگری عمان برای برگزاری «مذاکرات مستقیم» در این کشور رد و بدل شده که اسرائیل نیز نمی‌توانسته از انجام آن بی‌اطلاع باشد و طرح «مدل لیبی» را نیز که اساس آن بر مذاکره برای از بین بردن برنامه‌های اتمی معمر قذافی قرار داشت، به همین دلیل به ترامپ که سیاست خود را بر مذاکره و در صورت عدم موفقیت، بر راهکار نظامی قرار داده، ارائه کرده است.

● مورگان اورتگاس معاون نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه در گفتگو با «العربیه» درباره مذاکره با جمهوری اسلامی گفت، «آمریکا در تله‌ای که بایدن افتاد، نخواهد افتاد و مذاکرات غیرمستقیم که سال‌ها به طول می‌انجامد را انجام نخواهد داد.» او تأکید کرد که مذاکرات باید فوری و متمرکز باشد.

● برخی منابع اسرائیلی گزارش دادند، اظهارات دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو پس از دیدار در کاخ سفید نشان داد که دلیل واقعی سفر نتانیاهو به واشنگتن، آغاز مذاکرات با رژیم ایران بود و نه بحث تعرفه‌های اعمال شده بر اسرائیل.

● دیدار و گفتگوی نتانیاهو با ترامپ در واشنگتن و اعلام خبر «مذاکرات مستقیم در سطح بالا» با انتشار این خبر که نخست وزیر اسرائیل به رئیس جمهور آمریکا توصیه کرده تا «مدل لیبی» را درباره جمهوری اسلامی اجرا کند، همزمان شد.

● قطعا در روزهای اخیر و طی مهلت دو ماهه ترامپ به جمهوری اسلامی، پیام‌هایی بین تهران و واشنگتن با میانجیگری عمان برای برگزاری «مذاکرات مستقیم» در این کشور رد و بدل شده که اسرائیل نیز نمی‌توانسته از انجام آن بی‌اطلاع باشد و طرح «مدل لیبی» را نیز که اساس آن بر مذاکره برای از بین بردن برنامه‌های اتمی معمر قذافی قرار داشت، به همین دلیل به ترامپ که سیاست خود را بر مذاکره و در صورت عدم موفقیت، بر راهکار نظامی قرار داده، ارائه کرده است.

مورگان اورتگاس معاون نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه در گفتگو با «العربیه» درباره مذاکره با جمهوری اسلامی گفت، «آمریکا در تله‌ای که بایدن افتاد، نخواهد افتاد و مذاکرات غیرمستقیم که سال‌ها به طول می‌انجامد را انجام نخواهد داد.» او تأکید کرد که مذاکرات باید فوری و متمرکز باشد.

اورتگاس در این مصاحبه که هفتم آوریل ۲۰۲۵ (۱۸ فروردین) پخش شد جمهوری اسلامی ایران را متهم کرد که منطقه خاورمیانه را به مرحله‌ای «خطرناک و بی‌ثبات» سوق داده است.

او گفت که رژیم «ایران نه تنها خود را از مسئولیت‌هایش در منطقه مبرا نمی‌داند، بلکه با حمایت فعال از گروه‌هایی مانند حزب الله، باعث ایجاد و گسترش بی‌ثباتی در سراسر خاورمیانه شده است.»

اورتگاس گفت: «اگر لبنان می‌خواهد نجات پیدا کند، باید حزب الله را مثل یک سرطان از پیکر کشور جدا کند و بیرون بپندازد.»

در این میان، اعلام شده است که عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی قرار است شنبه ۲۳ فروردین با استیو ویتکاف نماینده دونالد ترامپ گفتگو کند. این در حالیست که نه تنها عراقچی گفته بود «مذاکره مستقیم همراه با تهدید بی‌معناست» بلکه سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مذاکره «مستقیم» با دولت ترامپ را اصلا رد کرده بود.

از سوی دیگر دونالد ترامپ در دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در کاخ سفید هشدار داد: «اگر

ایران، گفتگو در مورد برنامه هسته‌ای خود و رفع تحریم‌ها را پی بگیریم.»

عراقچی در اظهارات خود به نامه‌نگاری میان آمریکا و ایران اشاره کرده و گفته است: «پاسخ ایران به نامه رییس جمهور آمریکا متناسب با محتوا و لحن نامه وی داده شده و در عین حال فرصت استفاده از دیپلماسی نیز حفظ شده



محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

است.»

وزیر خارجه اسلامی نیز با تکرار صحبت‌های خامنه‌ای عنوان کرد، «مذاکره مستقیم با طرفی که مدام تهدید به توسل به زور برخلاف منشور ملل متحد می‌کند و مواضع متناقضی توسط مقام‌های مختلف آن بیان می‌شود، بی‌معنا خواهد بود اما ما همچنان به دیپلماسی پایبند بوده و حاضریم مسیر مذاکره غیرمستقیم را بیازماییم.»

در ایران از یکسو شماری از فرماندهان سپاه پاسداران از جمله حسین سلامی و امیرعلی حاجی‌زاده برای آمریکا و اسرائیل رجزخوانی می‌کنند و مدعی‌اند که «جمهوری اسلامی برای هرگونه جنگ آمادگی دارد» و از سوی دیگر همزمان برخی دیگر از مقامات ادعا می‌کنند حکومت جنگ‌طلب نیست و برای مذاکره آماده‌اند.

ترامپ و سایر مقام‌های آمریکایی تهدید کرده‌اند اگر جمهوری اسلامی حاضر به معامله نباشد، تأسیسات اتمی ایران بمباران خواهد شد اما خامنه‌ای و اطرافیان می‌گویند ترامپ شروطی فراتر از مسائل اتمی بیان کرده که درواقع همان «خلع سلاح» نظام است.

تمی بروس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا دوشنبه ۳۱ مارس (۱۱ فروردین) در کنفرانس خبری هفتگی با اشاره به نامه ترامپ به خامنه‌ای گفته بود جمهوری اسلامی باید «افزایش فعالیت‌های هسته‌ای خود، برنامه موشک‌های بالستیک، شبکه‌ها و کمپین‌های تجاوزکارانه منطقه‌ای، سرکوب آزادی‌های مردم ایران و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده سپاه پاسداران را متوقف کند.»

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل دوشنبه ۱۸ فروردین به واشنگتن می‌رود تا برای دومین بار طی دو ماه اخیر با ترامپ دیدار کند. طبق اعلام دفتر نخست وزیر اسرائیل، آنها درباره ادامه جنگ در غزه و آزادی گروگان‌ها، تعرفه‌های جدید برای کالاهای اسرائیلی و روند مذاکرات برنامه اتمی رژیم ایران گفتگو خواهند کرد.

برخی تحلیلگران می‌گویند اسرائیل آماده اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی است اما منتظر است تا ترامپ با آن موافقت کند.

گزارش میدانی؛ حدس و نظر شهروندان در مورد احتمال حمله نظامی؛ ۴۶ سال انگار در میدان جنگ زندگی می‌کنیم!



فقط تمام سپاهی‌ها و سران‌شان به بهانه جلسه به اهواز فرار کردند و ما ماندیم و کلی کشته دادیم.»
در ادامه با یک کارگر جوان صحبت می‌کنم که با لحنی نگران توضیح می‌دهد: «باور کنید ما وسط یک فیلم ترسناک هستیم، وضعیت ایران، حس ساختمان متروکه‌ای را می‌دهد که موربانه همه چیزش را خورده، با وجود این رژیم در ایران هیچوقت به آرزوهایمان نمی‌رسیم، دیگر زندگی کردن یادمان رفته، همه جوان‌ها از کارگر تا معلم و بازنشسته همه سرخورده و مایوس به دنبال یک روزنه امید هستند.»
یک دانشجو دید مثبتی نسبت به تغییر رژیم ندارد: «چیزی که من استنباط می‌کنم این است که از نظر ترامپ، مذاکره غیرمستقیم مردود است و به زودی کار به مذاکره مستقیم می‌رسد؛ این برای تندرورها منفعت دارد چون آنها دنبال منافع خودشان هستند؛ ولی اینها که هوس جنگ کرده‌اند به غزه بروند تا به آرزوی خود برسند، مردم وکیل وصی می‌خواهند.»
او ادامه می‌دهد: «خودشان با این سیاست طالبانی و رابطه بازی‌شان در کشورداری بخوانید «کشورزدایی» دارند به زیر گل فرو می‌روند و هر ترتیبی می‌خواهند کل مملکت و مردم را با خودشان به زیر بکشند، با خودشان می‌گویند «دیگی که برای من نجوشه می‌خوام سر سگ توش بجوشه». کیهان تهران و بنیاد مستکبرین و اوقاف، مالکان و سرمایه‌دارانی هستند که در زمین‌خواری و سکه و ماشین پول جمع کردند، اگر مذاکره شود و جنگ نشود آنها زمین می‌خورند بنابراین منفعت آنها در جنگ و تورم است؛ اینها نفع‌شان در جنگ است، جنگی که مردم را درگیر کند و خودشان از بازار سیاه، پول پارو کنند، ولی امیدوارم در این جنگ، خودشان تک تک بترکند.»
جوانی که راننده اسنپ است به پست اخیر عزت‌الله ضرغامی در شبکه ایکس اشاره می‌کند که نوشته بود: «رفتار مردم در سیزده بدر و چهارشنبه سوری امسال، موثر ←

کیهان لندن در این گزارش میدانی به سراغ شماری از شهروندان داخل ایران رفته تا نظر آنها را بشنود.
یک کارمند میانسال احتمال وقوع حمله را جدی می‌داند: «جدی جدی بوی حمله می‌آید، با توجه به اینکه اسرائیل یکبار امتحان کرده و دیدیم که می‌تواند پدافندها را از کار بیندازد و تهران را بزند، در هماهنگی با آمریکا حتما ضربات سنگین‌تری وارد می‌کنند؛ اما اگر قرار باشد که پوتین برای حمله کمک کند واقعا ترسناک است چون کل کلیدهای پدافندهای ایران، سال‌ها در اختیار روسیه بود. با این شرایط اینها چطور جرات می‌کنند بعد از حمله چند ساعته اسرائیل و نابود شدن سکوهاي موشکی باز هم رجز بخوانند؟!»
یک بازیگر تئاتر آهی می‌کشد و توضیح می‌دهد: «در این چند روز خبرهایی از صلح و مذاکره منتشر شده؛ فکر می‌کنم همه اینها بازی باشد تا بازار را برای چند روزی مهار کنند که مردم دچار شوک قیمت‌ها نشوند. به نظرم بعد از تصمیم اخیر ترامپ همه بازارها متزلزل شده؛ فراز و فرودهایی شامل بازار نفت و بورس شده؛ در یک لحظه قیمت طلا بالا می‌رود؛ قیمت ارز هم بالا و پایین می‌رود.»
در ادامه یک آرایشگر میانسال که انقلاب ۵۷ و جنگ ایران و عراق را به خاطر دارد به این بحث می‌پیوندد: «فعلا که آمریکا نگذاشته خدا یمن را به اینها بدهد، باید منتظر بمانیم ببینیم زور خدا بیشتر است یا ترامپ.»
سپس با پوزخند ادامه می‌دهد: «بالاخره اینها با ترامپ، به قول خودشان «قمارباز»، توافق می‌کنند و تنها اندک امید باقیمانده ما و تمام شدن کار این رژیم از بین می‌رود، چنانکه با چشم خودمان، صلح با عراق را دیدیم که خیلی غیرمحتمل‌تر از وضعیت فعلی توافق با آمریکا بود، کلی شهید دادیم که به کربلا برسند و بعد به قدس! در سه عملیات، عراقی‌ها تمام خاک خود را که در اختیار ایران بود پس گرفتند، ما که آن زمان نوجوان بودیم و چیزی نفهمیدیم،

● شهروندان ایران تا چه اندازه نسبت به احتمال وقوع یک جنگ نگران هستند؟ با توجه به خط و نشان‌های تند مقامات جمهوری اسلامی آیا جنگی روی خواهد داد یا اینکه شانس برای توافق هسته‌ای بین تهران و واشنگتن وجود دارد؟ در صورت حمله آمریکا و یا احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه آیا امیدی به تغییر رژیم و پایان نظام جمهوری اسلامی وجود دارد؟
● «در این چند روز خبرهایی از صلح و مذاکره منتشر شده؛ فکر می‌کنم همه اینها بازی باشد تا بازار را برای چند روزی مهار کنند که مردم دچار شوک قیمت‌ها نشوند.»
● «انتخاب شدن ترامپ و تیپ شخصیتی او تمام معادلات جمهوری اسلامی و دنیا را بهم زد.»
● «۴۶ سال است که مردم ایران انگار در وسط یک میدان جنگ زندگی کرده‌اند.»
فیروزه نوردستروم - با وجود لفاظی‌های تند و شدید و آماده‌باش نظامی جمهوری اسلامی و در شرایطی که به نظر می‌رسد رژیم بیشترین تهدیدها را علیه برنامه‌های هسته‌ای خود را از جانب آمریکا و اسرائیل دریافت می‌کند، موضوع احتمال وقوع حمله نظامی آمریکا به نقاط هسته‌ای و نظامی در ایران دوباره به فهرست اخبار بازگشته است.
در این میان، شهروندان ایران تا چه اندازه نسبت به احتمال وقوع یک جنگ نگران هستند؟ با توجه به خط و نشان‌های تند مقامات جمهوری اسلامی آیا جنگی روی خواهد داد یا اینکه شانس برای توافق هسته‌ای بین تهران و واشنگتن وجود دارد؟ در صورت حمله آمریکا و یا احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه آیا امیدی به تغییر رژیم و پایان نظام جمهوری اسلامی وجود دارد؟ اینها پرسش‌هایی هستند که در روزهای اخیر ایرانیان بیش از هر زمان دیگری در شبکه‌های مجازی مطرح می‌کنند و با یکدیگر به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

بازنشر

اصلاح باید گردد...

خیراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۳۲) آذر ۱۳۸۵



اسلامی باید اصلاح شود... جهت دوم مناسب بودن این تصمیم آن است که دین از نظر یک نوجوان یا جوان ما به مظهر عزا و غم و غصه تبدیل شده و چهره دیگر آن که شادیا و اعیاد اسلامی باشد مغفول مانده است... رژیم شاه به ماه رمضان که ماه شادی است چهره‌ای عبوس داده بود و خوشبختانه این چهره کم کم زدوده می‌شود (حضرت امام هم برای خودش کرد که گفت بگیرید و بگریانید، اسلام با این گریه‌ها پایدار مانده است!)... جهت دیگر به‌جا بودن این تعطیلات، تشویق و قدردانی از روزه‌گیران و کسانی است که این عید را که در واقع عید خلقت و آفرینش است با تمام وجود درک می‌کنند خصوصاً نوجوانان پسر و دختر که به سن تکلیف رسیده‌اند و برای اولین بار یک ماه روزه گرفته‌اند و طبعاً سختی‌هایی را تحمل کرده و نیاز به استراحت کوتاهی دارند».

در همین راستا، طنزنویس روزنامه «آفتاب» آرزو کرد که تعطیلات پر برکت عید فطر گسترش بیشتری پیدا کند. به گفته وی «اگر مردم، سیل تقدیر و تشکر خود از دولت به‌خاطر تعطیلات پس از عید فطر را به گوش همه جهانیان برسانند ممکن است خدمتگزاران ملت جوگیر شوند و کل این ماه را تعطیل اعلام کنند تا رضایت عمومی به حد اکثر برسد».

تنها ایراد اصولی که به تعطیلات چهارروزه گرفته شد این بود که در مجلس شورای اسلامی گفتند و در روزنامه‌ها نوشتند چون تعطیلات چهارروزه پیش‌بینی شده نبود بانکها غافلگیر شدند و نتوانستند پول کافی در گیشه‌های خودکار ذخیره کنند. در نتیجه، با تعطیل بانکها، در پشت گیشه‌های اتوماتیک صف طولانی تشکیل شد و ذخیره گیشه‌ها نیز به‌سرعت ته کشید و موجبات نارضایتی مردم را فراهم ساخت.

این اشکال کوچک را می‌توان با آوردن یک کوپن رایگان از محل درآمد نفت بر سر سفره افطاری روزه‌گیران در آخرین روز ماه مبارک رمضان، برای خریدها و سفرهای چهارروزه برطرف کرد.

شما هرچه می‌خواهید بگوئید. بنده غش می‌کنم برای عملیات غافلگیرکننده‌پرزیدنت احمدی‌نژاد.

رئیس جمهوری محبوب متخصص برنامه‌ریزی برای کارهای فوق برنامه است. می‌گویند احمدی‌نژاد کم‌خواب است و همان یکی دو ساعتی را که شبها به رختخواب می‌رود، در حالت خواب و بیداری از جاهایی که خودش بهتر می‌داند و می‌شناسد الهام می‌گیرد که روز بعد، چه حرفی بزند یا چه دستوری بدهد که همه را انگشت به دهان حیران کند.

آدمهای بزرگ تاریخ اکثراً همین طور بوده‌اند. ژول سزار می‌گفت اگر حس کنم جبه‌ای که به تن دارم فکر مرا خوانده است و می‌داند چه نقشه‌ای در سر دارم بی تأمل آن را خواهم سوزاند. احمدی‌نژاد هم وزیرایش را اگر خواسته باشند سر از کارش درآورند و اصرار داشته باشند او را به کارهای برنامه‌ریزی شده عادت دهند با یک اردنگی از کابینه می‌اندازد بیرون.

از آخرین کارهای محترالعقول پرزیدنت احمدی‌نژاد، افزودن دو روز تعطیل بر تعطیل رسمی عید فطر بود.

عید سعید فطر مصادف می‌شد با روز چهارشنبه. طبعاً اهالی کشور امام زمان برنامه‌ریزی کرده بودند برای یک روز تعطیل و پشت سرش، رفتن به سر کارهایشان در صبح پنجشنبه. اما ناگهان رئیس جمهور محبوب فیل هوا کرد و دستور داد روزه‌های پنجشنبه و شنبه هم تعطیل شود که با تعطیل روز جمعه جمعاً می‌شد چهار روز.

واکنش مخالفان دولت در اظهار مخالفت با چنین تصمیمی کاملاً طبیعی و قابل انتظار بود. آنها که چشم دیدن رئیس جمهور محبوب را ندارند و به همه چیزش، از شکل و شمایل و قد و قواره‌اش گرفته تا اظهارات و ابتکارات محترالعقولش حسودی می‌کنند، شروع کردند به نق زدن و ایراد گرفتن.

روزنامه اعتماد ملی، متعلق به رقیب شکست‌خورده احمدی‌نژاد در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، نوشت «رئیس جمهوری اسلامی ایران ظاهراً در تلاش است تا هر روز با اظهارات و ابتکارات عجیب و غریب خویش در صدر رسانه‌ها قرار گیرد و مردم ایران باید هزینه‌های گزاف جهت این تصمیمات و اظهارات جنجالی و بعضاً غیر کارشناسی پرداخت نمایند».

سیدحسین مرعشی، خویشاوند نزدیک هاشمی رفسنجانی و سخنگوی حزب کارگزاران، از ایام خوش گذشته یاد کرد که «در یکی از سفرهایم به کره جنوبی کارخانه‌ای را مشاهده کردم که با ۲۰ هزار کارگر، سالانه دویست هزار دستگاه خودرو مدل تیکو تولید می‌کرد که خودرو مناسبی برای طبقه متوسط و پائین جامعه بود. به طرف کراهی که آن زمان شریک کرمان‌خودرو بود پیشنهاد کردم مشابه آن کارخانه را در ایران بسازیم. پاسخ هیأت کراهی این بود که با توجه به میزان بالای تعطیلات در ایران، مشابه این کارخانه در ایران اقتصادی نخواهد بود...»

در مقابل این ایرادهای بنی‌سراسری و آلوده به غرض و مرض، دکتر علی مطهری - یک باورمندواقعی به ارزشهای انقلابی و اسلامی - به دفاع از تصمیم خردمندانه رئیس محترم دولت برخاست و زیر عنوان «تعطیلات بجا» در کیهان تهران نوشت «تصمیم دولت در خصوص افزایش تعطیلی عید فطر از چند جهت مناسب و بجا بود. اول این که به‌طور کلی در کشور ما به اعیاد اسلامی باید اهمیت بیشتری داده شود و میراث رژیم گذشته، یعنی پرزنگ کردن اعیاد ملی و کم‌رنگ نمودن اعیاد

→ ترین پاسخ آنان به ترامپ بود. ملت نشان داد که این تهدیدات به هیچ جای آنان بر نمی‌خورد. آنان دنبال به وجب جا تو پارک‌ها برای شادی بودن! ترامپ کیلو چند؟!» و توضیح می‌دهد: «به هر حال بیان مسئولان خودم بهتر از این نیست، این ضرغامی یک ابله است که تنها دغدغه‌اش، توالف عمومی است، قاعدتاً تهدیدات ترامپ خطاب به حکومت است، ترامپ ایران و مردمش را دوست دارد، ما سالهاست می‌گوییم بالاتر از سیاهی، رنگی نیست؛ می‌بیشتر در سیاهی فرو می‌رویم و این سیاهی تمامی ندارد، اما مردم از مرحله تهدید عبور کرده‌اند و در هر شرایطی به دنبال شادی کردن هستند.»

یک بازنشسته آموزش و پرورش هم می‌گوید: «انتخاب شدن ترامپ و تیپ شخصیتی او تمام معادلات جمهوری اسلامی و دنیا را بهم زد و قبل از این ماجرا هم موضوع طوفان‌الاقصی و برای اولین بار درگیری مستقیم نظامی جمهوری اسلامی و اسرائیل و تهدیدهای آمریکا و فشار حداکثری تحریم‌ها باعث شد تحلیل‌های ما در مورد آینده جمهوری اسلامی بهم بخورد و ما وارد سخت‌ترین دوران کشور در طول ۴۶ سال گذشته شویم. من درصد توافق با آمریکا را صفر می‌بینم، یعنی اگر جمهوری اسلامی موافقت کند که برود پای میز مذاکره فقط به جهت کنترل بازار است و جنبه روانی دارد، اگر خیر مذاکره را شنیدید طلای ۱۰ میلیونی از رگ گردن به شما نزدیک‌تر است و فقط چند ماه کوتاه، زمان می‌برد، به هدف بخورد این یک تحلیل با ضریب درستی صد درصد هست که خطا ندارد مگر اینکه خدا اراده کند ورق برگردد!»

در مقابل یک روزنامه‌نگار ممنوع از کار معتقد است: «آمریکا همان بلایی که بر سر امپراتور ژاپن و زلینسکی آورد به شدت و حدت زیادتر سر سیدعلی خواهد آورد، برخی از کشورهای منطقه نگران خودشان هستند که مبادا تغییرات به تغییر رژیم برسد و منافع‌شان کم شود، فقط مردم باید بدانند که دستشان باید به زانوی خودشان باشد و کمر همت ببندند، ضمن اینکه تا روسیه و چین از آینده رژیم مطمئن نشوند به عنوان مانع تغییر و در کنار حکومت خواهند ماند، مخالفان حکومت و اپوزیسیون باید برای سناریوهای مختلف برنامه‌ریزی کنند و بطور فعالانه در چیدمان یک انقلاب، شرکت کنند.»

او ادامه می‌دهد: «خودشان در مقابل تهدید به حمله نظامی ترامپ، برای فشار حداکثری هی چپ و راست رجز می‌خوانند مثل بگم بگم مومتی. بله تا نزنند باور نمی‌کنیم ولی قریب به یقین خود آخوندها خودزنی می‌کنند و جایی مثل نیروگاه بی‌نر بوشهر را برای مظلوم‌هایی هم که شده منفجر می‌کنند؛ از طرفی احتمال استفاده از سپر انسانی هم وجود دارد، بارها در بزنگاه این چهل و چند سال، چه جنایاتی را که از این آخوندها ندیدیم، دیگر از موب‌گذاری در حرم امام رضا کثیف‌تر؟!»

در ادامه با یک مهندس صنایع گفتگو کردم. می‌گوید: «۴۶ سال است که مردم ایران انگار در وسط یک میدان جنگ زندگی کرده‌اند، ۲۰ سال هم است که این لاریجانی مفلوک تلاش می‌کند گفتگوهای هسته‌ای جمهوری اسلامی را با غرب پیش برد و معضلات حکومت را علاج کند.»

او با اشاره به اینکه دولت ترامپ از سه کشور اروپایی عضو برجام برای فعال کردن فوری مکانیسم ماشه درخواست کرده معتقد است: «مکانیسم ماشه تنها تا پایان بهار امسال فرصت برای فعال شدن مجدد دارد بنابراین در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه در دو ماه آینده یک شوک بزرگ اقتصادی ایران را فرا خواهد گرفت ولی سپر جعلی و عمق راهبردی رژیم فرو ریخته و جنگ به داخل کشور کشیده شده است.»

اسرار قتل دکتر بختیار از زبان بازپرس پرونده

رژیم ایران حذف فیزیکی مخالفان را در خارج، حق خود می‌داند
و در این مورد اعتنایی به قوانین بین‌المللی ندارد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد و تیر ماه ۱۳۸۹ - شماره ۱۳۱۱ و ۱۳۱۵)



قاضی بروگیر فاش می‌کند:

**آنچه
نخوانستم
بگویم
(۱)**

نظر گویو بختیار می‌رسید و او هویت آنان را بررسی می‌کرد. نکته دیگر آنکه فرزند بختیار با نحوه عملکرد سرویس‌های

به مناسبت بازگشت پیروزمندانه علی وکیل‌راد به تهران، که از طرف رژیم حاکم با تشریفات و احترامات، به عنوان «قاتل بیگناه» مورد استقبال قرار گرفت، قبلاً بخشی از کتاب «در دادگاه بختیار» نوشته دوست و همکارمان پری سکندری را نقل کردیم.

خاطرات قاضی بروگیر، که در چند شماره خواهید خواند، علاوه بر تشریح واقعه و چگونگی ردیابی قاتلان و دستگیری علی وکیل‌راد، اسرار پشت پرده این جنایت را فاش می‌کند.

نهضت ملی مقاومت ایران به رهبری شاپور بختیار را باید اضافه کرد.

ژان لویی بروگیر (Jean Luis Bruguiere) بازپرس ویژه جرائم تروریستی در دادگستری فرانسه، که چندی پیش بازنشسته شد، خاطرات خود را در برخورد با تروریستها و پرونده آنان در کتابی با عنوان «آنچه نتوانستم بگویم» Ce que je n'ai pas pu dire باز می‌گوید.

این کتاب، با همکاری یک روزنامه‌نگار و نویسنده به نام ژان ماری پونتو J.M. Pontaut به صورت گفت و شنود تدوین و انتشار یافته است.

ژان ماری پونتو: شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر شاه ایران که به فرانسه پناهنده شده بود روز ششم ماه اوت ۱۹۹۱ در ویلای خود واقع در حوالی پاریس به قتل رسید، حال آنکه وی به طور دائم زیر مراقبت و محافظت پلیس قرار داشت!

شما توضیح خواهید داد که این قتل یک جنایت دولتی بوده و مستقیماً و بدون هیچ پرده‌پوشی، به وسیله دولت ایران ارتکاب یافته است.

ژان لویی بروگیر: این اقدامی بود که مستقیماً به وسیله سازمان دولتی دست اندرکار با استفاده از دستگاه اطلاعاتی آن صورت گرفت. خوشبختانه از این گونه حوادث نمونه‌های زیادی وجود ندارد. البته در این مورد باید سقوط هواپیمای D.C. ۱۰ را که به وسیله لیبی به وقوع پیوست، مستثنی کرد. ایرانی‌ها همواره نوعی سنت اطلاعاتی داشته‌اند و در طی دو دهه اخیر مرتباً به عملیات آدمکشی مبادرت ورزیده‌اند. حکومت ایران برای خود اصولی برای مشروع جلوه دادن حذف فیزیکی اشخاصی که به نظرش برای رژیم خطرناک جلوه می‌کنند وضع کرده است. حفظ منافع عالی کشور در این فرضیه، انجام اقدامات خشونت‌آمیز را به وقت لزوم در خاک کشورهای دیگر توجیه می‌کند. به عبارت دیگر ایرانیان نوعی حق تعقیب مخالفان را برای خود قائل می‌باشند و در این زمینه حق حاکمیت کشورهای دیگر را مانعی نمی‌دانند و چنین تصور می‌کنند که می‌توانند در تمام نقاط دنیا اقدام کنند یعنی بدون هیچگونه احساس مسؤلیتی مرتکب جنایت شوند.

● اسرائیلیان نیز از همین اصل پیروی می‌کنند. هنگامی که منافع حیاتی آنان در معرض خطر قرار می‌گیرد به خود اجازه می‌دهند که در تمام دنیا دست به تصفیه حساب بزنند.

-آنچه در مورد ایران به نظر غیرقابل قبول‌تر می‌آید آنست که هدف اقدامات آنان منحصرماً جنبه سیاسی دارد و آن تأمین بقای رژیم و از بین بردن هرگونه اعتراض و مخالفت و بی‌توجهی کامل نسبت به قراردادهای و اصولی است که ثبات روابط بین‌المللی را تضمین می‌کند. در همین زمینه است که ایرانیان به حذف فیزیکی مخالفان خود مبادرت می‌کنند. سرسخت‌ترین مخالفان رژیم وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران به رهبری مسعود رجوی هستند که تشکیلاتشان در سال ۲۰۰۳ به وسیله دولت فرانسه متلاشی شد. به این گروه، نهضت‌های مخالف رژیم، از قبیل سلطنت‌طلبان و یا



شاپور بختیار

امنیتی ایرانی آشنا بود. وی می‌دانست که یکی از نبرنگ‌های این دستگاه‌ها آن است که افراد مخالف رژیم را به سوی خود جلب می‌کردند و موجب می‌شدند که این افراد در قلب دستگاه حریف مورد نظرشان نفوذ کنند. این تاکتیک در تمام عملیات سرویس‌های ایرانی مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی هرگز مثل، ابونضال و فلسطینیان آن را به کار نمی‌برند. بختیارها مواظب بودند. با تمام این احوال تقارن چند موضوع موجب شد که قاتلان موفق شوند.

● قبل از آنکه توضیح بدهید چگونه قاتلان موفق به انجام سوءقصد شده و توانستند بدون ناراحتی و نگرانی بیرون بروند، ممکن است در اطراف شخصیت بختیار توضیحی بدهید؟

- شاپور بختیار از طایفه بختیاری بود که در مرکز ایران و در نزدیکی شهر اصفهان مستقر شده‌اند. تا سال ۱۹۷۸ وی مخالف رژیم شاه بود. به دنبال نزدیکی با مقامات رهبری مملکت وی بالاخره روز ۴ ژانویه ۱۹۷۹ نخست‌وزیر

● بختیار در حالی به قتل رسید که زیر مراقبت دائمی واحد تأمین امنیت جمهوری قرار داشت.

- وی نخستین بار در ماه ژوئیه ۱۹۸۸ هدف سوءقصد قرار گرفت که منجر به قتل یک مأمور «حفظ آرامش» گردید. عامل این سوءقصد انیس نقاش در محل بازداشت شد که البته بعداً در سال ۱۹۹۰ به وسیله فرانسوا میتران رئیس‌جمهوری فرانسه مورد عفو قرار گرفت. از آن زمان آخرین نخست‌وزیر شاه از دو طریق حفاظت می‌شد: از نزدیک به وسیله پسر شخص بختیار، گویو بختیار - کارمند پلیس فرانسه و همچنین سرویس اطلاعات عمومی (دستگاه ضد جاسوسی فرانسه)؛ از طرف دیگر منزل او در یک ویلای منزوی واقع در کوچه کلوزره واقع در سورن (حومه پاریس) تحت مراقبت دائمی قرار داشت. مأموران C.R.S. تمام ویلا و اطراف آن و همچنین هویت کلیه ارباب‌رجوع را که نام آنان هر روز صبح به وسیله همکاران بختیار به اطلاعاتش می‌رسید، کنترل می‌کردند. فهرست نام ملاقات کنندگان به

که به منظور تعیین جانشین عبدالرحمن برومند تشکیل شده بود به عنوان داوطلب شرکت کرده بود.

مشخصات گذرانده او و دو نفر دیگر روز ششم اوت به وسیله مأموران محافظ بختیار یادداشت شده بود و هر سه نفر مورد بازجویی بدنی قرار گرفته بودند. مأموران چیزی جز نوعی تابلو همراه آنان ندیده بودند. در واقع عکس زنی بود که آن را روی جسد بختیار پیدا کردند. این عکس در واقع حیل‌های بود که توجه بختیار را منحرف سازد و قاتلان بتوانند کار خودشان را انجام دهند. همین که بختیار سرگرم مشاهده عکس بود، از پشت سر با طناب او را خفه کرده بودند. در کالبدشکافی هیچ اثری از مقاومت مقتول در مقابل قاتلان دیده نشده بود. سه نفر اشخاص مزبور همزمان اقدام کرده بودند که هرگونه مقاومتی را از طرف شکار خود خنثی سازند. ابتدا بختیار را خفه کرده و سپس با بریدن گلوئی او کار را به اتمام رسانده بودند، کالبدشکافی، زمان قتل را روز ششم اوت ۱۹۹۱ بین ساعت ۱۷ و ۱۷/۴۵ مشخص می‌ساخت.

● از آن لحظات به بعد تحقیقات چگونه انجام شد؟

- می‌دانیم که بویراحی‌های اسناد هویت دو نفر دیگر را از مأمورین پس گرفته بود. دو نفر دیگر در موقع ورود، دورتر ایستاده بودند زیرا زبان فرانسه نمی‌دانستند و اتفاقاً همین امر بعداً موجب سرگردانی آنان شد. ما بالاخره با استفاده از اطلاعات شهود موفق به درک طریقه اقدام بویراحی‌های شدید و این کار آسانی نبود زیرا او هنگام تدارک مقدمات قتل آپارتمانها و محل‌های اختفائی در اختیار داشت که تعدادی از آنها ماهها قبل اجاره شده بود. در واقع عاملان جمهوری اسلامی در پاریس و همچنین در چندین کشور دیگر مانند ترکیه، انگلستان، سوئیس و حتی آمریکا وسایل لوژیستیکی ارتباط با خارج دارند که مستقیماً با مرکز اطلاعات ایران در ارتباطند. بویراحی‌های موفق شد به وسایلی که جزئیات آن روشن نشد به ایران فرار کند. در عوض ما موفق شدیم که رد پای دو نفر دیگر را پیدا کنیم و به سرعت متوجه شویم که این دو نفر دستور داشتند به سوئیس بروند و با وسایلی که پیش‌بینی شده بود از آن کشور خارج شوند. بنابراین مجبور بودند که به ژنو بروند و برای رسیدن به مقصد و در طول راه مرتکب اشتباهات غیرقابل تصویری شدند.

● درباره جریان این امر گفتگو خواهیم کرد ولی باید

قبول کرد که پلیس فرانسه نیز اشتباهات بزرگی مرتکب شده است.

- البته جریان تحقیقات در مورد این قتل بسیار مورد انتقاد مطبوعات قرار گرفت ولی باید قبول کرد که پلیس فرانسه با کمال مهارت قاتلان را ردیابی کرد. برای نخستین بار گروه پلیس مأمور تحقیق درباره جنایات ترتیبی داد که در نخستین مرحله، مسیری را که قاتلان طی کرده بودند براساس احتمالات و اطلاعات موجود تعیین کند. با توجه به این که فراریان از تلفن‌های عمومی استفاده کرده‌اند، صورت تلفن‌هایی که به خارج از کشور متصل شده بود مورد بررسی قرار گرفت و متوجه شدیم که متهمین با ترن به سوئیس رفته‌اند. تمام تلفن‌های مسیر راه‌آهن را بررسی کردیم. سپس کلیه مکالمات تلفنی را کنترل کردیم که مخاطب آن را پیدا کنیم. و این روش برای اولین بار مورد استفاده قرار می‌گرفت. بدین طریق بود که ما به کشف برنامه‌ای که در ترکیه برای خروج قاتلان طرح‌ریزی شده بود نائل آمدیم.

این تکنیک بعداً با استفاده از وسایل ارتباطی جدید تکمیل‌تر شد و در مورد قتل کلود ارینیاک - استنادار کرس به کار رفت.

دنباله دارد

خانه به وسیله یک خط تلفن با خارج ارتباط داشت. وظیفه مأموران عبارت از آن بود که دقت کنند نام ملاقات‌کنندگان روی فهرست اسامی که در اختیارشان قرار می‌گرفت وجود داشته باشد و سپس از آنان بازرسی بدنی به عمل آورند تا اطمینان پیدا کنند که اسلحه همراه نداشته باشند. در عین حال باید مدرک هویت ملاقات‌کنندگان را تا موقع خروج آنان نگاهدارند.

● پس در اینصورت چگونه چنین اتفاقی به وقوع پیوست؟

- صبح روز هشتم اوت، رئیس پست مراقبت تعجب کرد که چگونه دو روز است بختیار از عمارت خارج نشده است و هیچ حرکتی در داخل عمارت مشهود نیست. سکوت محض. سعی می‌کند به وسیله تلفن تماس بگیرد ولی تلفن دائماً بوق اشغال می‌زند. مأموران ناگزیر به کمیساریای پلیس «سورن» تلفن کردند. نماینده پلیس قضائی که کشیک داشت از آنان خواست بروند و از نزدیک بررسی کنند ولی مأموران حفاظت بختیار با این نظر مخالفت کردند و اظهار داشتند که ناگزیرند دستور مقامات مافوق خود را اجرا کنند. مأمور پلیس قضائی اظهار داشت که شخصاً این کار را انجام خواهد داد. وی نزدیک ظهر به محل آمد و متوجه شد که در ورودی بسته نیست. در طبقه اول، در مدخل سالن، جسد سروش کتیبه منشی بختیار را دید که روی موکت افتاده و مچ دست چپ او به وسیله کارد بریده شده بود. کمی دورتر، روی نیمکت که با چیزی مانند ملافه پوشیده شده بود جسد بختیار را دید که گلوئی او به وسیله کارد شکافته شده و مچ دستش قطع شده بود. کالبدشکافی بعدی نشان داد که مرگ بر اثر قطع مجرای تنفس و خفگی صورت گرفته است.

● آیا ابتدا آنان را خفه کرده بودند؟

- بله

● این کارد و چاقوها را از کجا آورده‌اند؟

- از آشپزخانه. قاتلان هنگام ورود هیچگونه سلاحی همراه نداشتند. پنجره‌ها را با دقت بسته بودند برای آنکه فریاد مقتولان شنیده نشود. ابتدا بختیار و منشی او را خفه کرده و سپس با قطع رگ‌های گلو و مچ دست آنان به زندگیشان خاتمه داده بودند. تا وقتی اجساد مقتولان کشف شد قاتلان ۴۸ ساعت فرصت داشتند که فرار کنند. ما ناگزیر بودیم وقت زیادی صرف کنیم تا بتوانیم این تأخیر ۴۸ ساعته را جبران کنیم.

● از قرار، هویت آقایان خیلی سریع شناخته شد زیرا مأموران محافظ نامشان را در دفتر ثبت کرده بودند.

- قاتلان کسانی بودند که به دیدار بختیار آمده بودند. گیو بختیار همان روز قتل پدرش، در ساعت ۳ بعد از ظهر بختیار را دیده بود و همچنین با لیست ملاقات‌کنندگان موافقت کرده بود. نخست‌وزیر سابق قرار بود یک دوست قدیمی و عضو سازمان خود به نام فریدون بویراحی‌های را ببیند. وی به بختیار گفته بود دو نفر ایرانی که از تهران آمده‌اند به نامهای وکیل‌راد و محمد آزادی - اعضای نهضت مقاومت ملی ایران - مایلند او را ببینند و درباره اوضاع ایران اخباری به اطلاعش برسانند و طبق اظهار وکیل‌راد، یکی از قاتلان بختیار، طرح انفجار پالایشگاهی در شیراز را ارائه دهند.

● فریدون بویراحی‌های واقعه چه شخصی بود؟

- وی یک ایرانی در تبعید بود که در سال ۱۹۸۴ به فرانسه آمده بود و به زودی به عضویت نهضت دکتر بختیار درآمد. تا سال ۱۹۸۷ او یک عضو ساده نهضت بود. سپس به مقامات بالاتری دست یافت و بالاخره عضو شورای عالی نهضت مقاومت ملی ایران شد که گروه رهبری نهضت به شمار می‌رفت. بنابراین یکی از نزدیکان بختیار بود. به علاوه، وی چند روز قبل در یک جلسه شورای عالی نهضت

→ رژیم شاه شد. نخست‌وزیری او مدت زیادی به طول نینجامید زیرا پس از ورود خمینی به تهران در تاریخ اول فوریه همان سال، ار کار برکنار شد. ده روز بعد بختیار بالاخره تصمیم گرفت که ایران را ترک گوید و به فرانسه پناهنده شود و به طور ناشناس زندگی کند.

● خمینی او را خائن می‌دانست.

- بلی، زیرا او بدون فوت وقت به مخالفت با رژیم ملامها برخاست. با آنکه بر علیه او فتوایی مانند فتوای قتل سلمان رشد داده نشد، تمام بیانات و اعلامیه‌های رژیم روی دشمنان رژیم و منجمله بختیار که رسماً و علناً از وی نام برده می‌شد متمرکز گشت. بختیار بسیار زود هدف آیت‌الله خلخالی از نزدیکان خمینی قرار گرفت. خلخالی رئیس دادگاه انقلابی و یکی از محافظین طرز تفکر جدید بود. در یک مصاحبه مطبوعاتی خلخالی اظهار داشت که باید مفسدین فی الارض را از میان برد و اضافه کرد اشخاصی که بعد از انقلاب ایران را ترک کرده‌اند جنایتکار به شمار می‌روند و مستوجب اعدام می‌باشند و در این مورد به خصوص بختیار را مثال زده بود.

● معنی این گفتار صدور حکم اعدام بختیار بود

- به تحقیق، بختیار به هیچ عنوان اولین نفر نبود. روز هفتم دسامبر ۱۹۷۹ مصطفی شفیق (منظور شه‌ریار شفیق فرزند احمد شفیق و والا حضرت اشرف می‌باشد - مترجم) یکی از افراد خاندان پهلوی در پاریس به قتل رسید. نه تنها کلیه افراد خاندان سلطنتی ایران بلکه تمام اشخاصی که مانند بختیار سازمان‌های مخالف رژیم را به وجود آورده بودند در همان شرایط بودند. آیت‌الله خلخالی نیز همچنان در اعتقاد خود نسبت به مخالفان خارج از کشور پا برجا بود. وی از تهران تهدید می‌کرد که فدائیان اسلام فعالیت‌های خود را در اروپا و آمریکا ادامه خواهند داد تا بدکاران را شناسائی کنند و بسزای اعمالشان برسانند. این تهدید خیلی زود به مرحله اقدام و عمل رسید. روز ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۰ همانطور که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت یک گروه کماندو تحت فرمان انیس نقاش سعی کردند بختیار را به قتل برسانند. فهرست قتلها طولانی است.

روز ۴ ژوئن ۱۹۸۹ یکی از اعضای سازمان طرفدار سلطنت در دوبی به قتل رسید. شخص مزبور در ایران از همکاران بختیار بود و سپس به سازمان درفش کاویانی پیوست. یکسال بعد، روز ۲۳ اکتبر ۱۹۹۰ سیروس الهی عضو دیگری از این سازمان در پاریس به قتل رسید. من وظیفه تحقیق درباره این قتل را بعهده داشتم. روز ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ نوبت عبدالرحمن برومند رئیس شورای اجرائی نهضت مقاومت ملی بختیار بود که در راهرو ورودی منزلش واقع در میدان «ویان» پاریس به وسیله شخصی که موفق به فرار شد به وسیله کارد به قتل رسید.

● برگردیم به داستان قتل بختیار. این قتل‌های پی در پی باید موجب آن می‌شد که در مراقبت از وی تلاش و دقت بیشتری مبذول گردد. حال آنکه قتل او زیر دماغ مأموران حفاظت جان او، غیرقابل فهم‌تر است. چگونه می‌توان توجه کرد که، ۴۸ ساعت بعد از قتل او تازه مأموران متوجه این جنایت شدند؟

- مأموران حفاظت از بختیار دستورات اکید داشتند. بختیار حس می‌کرد در یک چهار دیواری محاصره شده است و ترتیبات امنیتی که برای مراقبت و امنیت او تدارک دیده شده بود او را ناراحت می‌کرد. اوایل، مأموران حفظ امنیت داخل عمارت می‌شدند و کم و بیش در ملاقات‌های او با دیدار کنندگان حضور داشتند ولی بختیار دیگر این ترتیبات را نمی‌پذیرفت و با نظر موافق پسرش اصرار کرد که مأموران امنیت در پاسگاه خود بمانند و جز در مواردی که آنان را میطلبید داخل ساختمان محل سکونتش نشوند.

طبل جنگ یا مذاکره؟



داده‌اند که نسبت به احتمال وقوع جنگ به شدت نگران‌اند. این نگرانی حتی باعث ایجاد نوعی سردرگمی در میان تصمیم‌گیران تهران شده است، زیرا هنوز به یک استراتژی واحد برای مواجهه با تهدیدات و تحولات موجود نرسیده‌اند. با این حال، موضع‌گیری تهاجمی رهبر رژیم ایران در سخنرانی اخیرش، به وضوح بیانگر نگرانی‌های نظام جمهوری اسلامی است. او با تأکید بر «الزام نابودی اسرائیل» و معرفی آن به عنوان «بازوی آمریکا»، در واقع پیامی را به واشنگتن ارسال کرده است: هرگونه حمله به ایران، با حمله متقابل به تل‌آویو پاسخ داده خواهد شد.

فرصت باقیمانده برای دیپلماسی

این اظهارات نشان می‌دهد که هنوز فرصت برای مذاکره بین ایران و آمریکا وجود دارد، البته به شرطی که واشنگتن تحت تأثیر فشارهای اسرائیل قرار نگیرد. در حالی که آمریکا رژیم ایران را به ایجاد «شبکه‌ای از نیروهای نیابتی برای بی‌ثبات کردن منطقه» متهم می‌کند، این مسئله برای تل‌آویو به یک اولویت حیاتی تبدیل شده است. اسرائیل بیش از هر کشور دیگری به دنبال حذف کامل تهدید رژیم ایران اعم از برنامه هسته‌ای یا نفوذ منطقه‌ای آن است.

سؤال کلیدی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا واشنگتن و تهران می‌توانند پیش از آنکه جنگ اجتناب‌ناپذیر شود، به یک توافق دیپلماتیک دست یابند؟ یا اینکه فشارهای اسرائیل و افزایش تهدیدات هسته‌ای، در نهایت گزینه نظامی را به گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل خواهد کرد؟

با توجه به وضعیت کنونی، پاسخ به این سؤال هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، اما آنچه مسلم است این است که هر دو طرف در حال آماده شدن برای بدترین سناریو هستند، حتی اگر هنوز به دنبال بهترین راه حل باشند.

*منبع: ایندپیندنت عربی

*نویسنده: حسن فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

این تهدیدات متقابل نشان می‌دهد که هر دو طرف از استراتژی مشابهی برای معامله با یکدیگر استفاده می‌کنند: افزایش توانایی‌های نظامی برای واکنش به هر تهدید احتمالی، در حالی که همزمان کانال‌های گفتگو را باز نگه می‌دارند. این تاکتیک، که به «دیپلماسی اجبار» معروف است، این سؤال اساسی را مطرح می‌کند: آیا رژیم ایران با توجه به توازن قدرت که به نفع آمریکا است، می‌تواند در این استراتژی موفق شود؟

تهدید هسته‌ای: واقعیت یا تاکتیک؟

رژیم ایران در واکنش به فشارهای آمریکا تهدید کرده است که اگر مورد حمله قرار گیرد، ممکن است تحت فشار افکار عمومی داخلی، سیاست هسته‌ای خود را تغییر داده و به سمت تولید سلاح هسته‌ای حرکت کند. این تهدید که از سوی علی لاریجانی مشاور ارشد رهبر رژیم ایران مطرح شده است، دو احتمال در بر دارد:

اول: حکومت ایران به فناوری لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای دست یافته و زمان زیادی برای تولید آن نیاز ندارد. دوم: تهران از این تهدید به عنوان ابزاری برای فشار بر آمریکا و جلوگیری از جنگ استفاده می‌کند، بدون اینکه واقعاً توانایی عملی کردن آن را داشته باشد در هر دو حالت، این تهدید می‌تواند نتایج خطرناکی داشته باشد:

نخست: اگر رژیم ایران واقعاً به توانایی ساخت سلاح هسته‌ای دست یافته باشد، اسرائیل و برخی کشورها ممکن است از این موضوع به عنوان توجیهی برای حمله پیشگیرانه استفاده کنند.

دوم: اگر حکومت ایران صرفاً بلوف می‌زند، اما آمریکا یا اسرائیل این تهدید را جدی بگیرند، تهران ممکن است با حمله نظامی گسترده‌ای روبرو شود که قدرت بازدارندگی‌اش را بطور کامل از بین ببرد.

تشدید تنش و نبود استراتژی روشن در تهران
مقامات ایران با لفاظی‌های تند و آماده‌باش نظامی نشان

● استراتژی دولت ترامپ بر پایه «مذاکره زیر فشار تهدید» بنا شده است؛ رویکردی که هدف آن دستیابی به «صلح از طریق قدرت» است. این تقابل استراتژیک موجب شده است که هر دو طرف در وضعیت آماده‌باش نظامی قرار بگیرند.

● مقامات ایران با لفاظی‌های تند و آماده‌باش نظامی نشان داده‌اند که نسبت به احتمال وقوع جنگ به شدت نگران‌اند. این نگرانی حتی باعث ایجاد نوعی سردرگمی در میان تصمیم‌گیران تهران شده است، زیرا هنوز به یک استراتژی واحد برای مواجهه با تهدیدات و تحولات موجود نرسیده‌اند.

حسن فصیح (ایندیپندنت عربی) - سطح تنش و تبادل تهدیدات میان واشنگتن و تهران رو به افزایش است و هر دو طرف به ظاهر برای جنگ آماده می‌شوند. با این حال، تمام نشانه‌های ارسالی از سوی رهبران دو دولت نشان می‌دهد که هیچ‌یک از آنها تمایلی به وقوع جنگ ندارند. این رویکرد این احتمال را تقویت می‌کند که این تنش‌ها ممکن است مقدمه‌ای برای مذاکرات باشد و حضور نظامی گسترده دو طرف در منطقه بیشتر به عنوان ابزار فشار مورد استفاده قرار می‌گیرد، به‌ویژه اگر مذاکرات نتایج ملموسی نداشته باشد.

تحولی مهم در برخورد رژیم ایران با پیام ترامپ

با وجود لحن تند و شدید رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی نماز عید فطر که در راستای مواضع سنتی او در برابر تهدیدات آمریکا بود، یک تحول بی‌سابقه در روابط پرتنش تهران و واشنگتن رخ داده است. برای نخستین بار در یک دهه اخیر، رهبر رژیم ایران تصمیم گرفت به پیام رئیس جمهور دونالد ترامپ پاسخ دهد و آن را نادیده نگیرد؛ درست برخلاف روال گذشته که چنین پیام‌هایی از سوی ترامپ یا رؤسای جمهور پیشین آمریکا با بی‌اعتنایی روبرو می‌شد.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی با دقت واکنش کاخ سفید به این پیام را رصد کرده و اطلاعاتی که از داخل دولت آمریکا به دست آورده، حاکی از این است که مقامات کاخ سفید پاسخ حکومت ایران را بررسی کرده‌اند. بنابراین اکنون تهران منتظر موضع‌گیری رسمی واشنگتن درباره مفاد و پیشنهادهای ارائه‌شده در این پاسخ است.

استراتژی‌های متقابل دو دولت ایران و آمریکا

تهران بر این باور است که مذاکرات با آمریکا پر از پیچیدگی و چالش خواهد بود و مذاکره تحت فشار و تهدید نتیجه‌ای جز درگیری مستقیم نظامی که هیچ‌یک از دو طرف آن را نمی‌خواهند، نخواهد داشت. در مقابل، استراتژی دولت ترامپ بر پایه «مذاکره زیر فشار تهدید» بنا شده است؛ رویکردی که هدف آن دستیابی به «صلح از طریق قدرت» است. این تقابل استراتژیک موجب شده است که هر دو طرف در وضعیت آماده‌باش نظامی قرار بگیرند.

واشنگتن با استقرار گسترده نیروهای نظامی در پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند، حضور نظامی خود را در منطقه در سطحی بی‌سابقه افزایش داده است.

تهران نیز با به حالت آماده‌باش درآوردن تمام پایگاه‌های موشکی خود برای هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا در منطقه به ویژه اسرائیل به عنوان «بازوی واشنگتن در منطقه»، طبق اظهارات رهبر رژیم ایران واکنش نشان داده است.

دو مسیر ترامپ در برخورد با نظام جمهوری اسلامی



شامل حمله به تأسیسات هسته‌ای و نفتی ایران و تمرکز بر تضعیف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌شود که ستون فقرات نظام ایران به شمار می‌رود.

ارتباط با روسیه و جنگ اوکراین
ترامپ بر این باور است که اگر بتواند در اوکراین به یک توافق صلح با روسیه دست یابد، نفوذ مسکو بر ایران کاهش خواهد یافت. اگر روسیه در ازای امتیازات سرزمینی در دریای سیاه، همکاری خود با تهران را کاهش دهد، فشار بر رژیم ایران افزایش خواهد یافت.

جمع‌بندی: سیاست دوگانه ترامپ

تراپ ابتدا پیشنهاد مذاکره می‌دهد، اما همزمان دستورات لازم برای آمادگی جهت حمله نظامی را صادر می‌کند. اگر مذاکرات پیشرفت کند، حمله به تعویق می‌افتد، اما آمادگی‌های نظامی متوقف یا برچیده نمی‌شود. اگر رژیم ایران فشار را افزایش دهد، آمریکا آماده اقدام نظامی است.

سؤال اساسی اینست که آیا لابی‌های آمریکایی از جمله لابی‌های عربی و اسرائیلی، و همچنین اپوزیسیون ایرانی در واشنگتن، دولت ترامپ را به سمت اقدام نظامی سوق خواهند داد یا توافقی حاصل خواهد شد؟ پاسخ به این پرسش هنوز نامشخص است، زیرا متغیرهای متعددی، از جمله تصمیمات حکومت ایران و تغییرات در سیاست بین‌المللی، در تعیین مسیر آینده نقش دارند.

*منبع ایندپندنت عربی

*نویسنده: ولید فارس مشاور سابق ترامپ در امور خاورمیانه

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

او تن دهند، یا همه چیز را از دست خواهند داد.

نقش کنگره و متحدان آمریکا

برخلاف پرونده‌هایی مانند غزه و جنگ اوکراین، ترامپ شخصاً کنترل روند مذاکرات با رژیم ایران را در دست دارد زیرا این مسئله برای اکثریت کنگره به ویژه گروه‌هایی مانند مسیحیان، یهودیان و سایر حامیان روابط استراتژیک آمریکا و اسرائیل، اهمیت حیاتی دارد.

شروط آمریکا برای رژیم ایران

حکومت ایران باید تعهد دهد که مواد هسته‌ای را نه برای اهداف نظامی و نه حتی غیرنظامی تولید نکند. جمهوری اسلامی نباید به سلاح‌های استراتژیک که می‌تواند منافع آمریکا و متحدان عربی‌اش را تهدید کند، دست یابد. همچنین باید حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی را متوقف کند.

ترامپ بر این باور است که ائتلاف عربی متشکل از سعودی، امارات و دیگر کشورها و اسرائیل باید یا در مذاکرات حضور داشته باشند یا در صورت لزوم، در مهار و مقابله با رژیم ایران نقش ایفا کنند.

مسیر دوم: راهکار نظامی

اگر مذاکره به نتیجه نرسد، ترامپ گزینه نظامی را در نظر دارد. او از طریق افزایش حضور نیروهای آمریکایی در منطقه و استقرار ناوها و جنگنده‌ها، پیامی واضح به تهران ارسال می‌کند. از دیدگاه کاخ سفید، اگر رژیم ایران بطور مستقیم وارد رویارویی شود، آمریکا نیز آماده اقدام است.

برنامه‌های پنتاگون

واشنگتن سناریوهای مختلفی را بررسی کرده است، که

● برخلاف پرونده‌هایی مانند غزه و جنگ اوکراین، ترامپ شخصاً کنترل روند مذاکرات با رژیم ایران را در دست دارد.

● ترامپ بر این باور است که ائتلاف عربی متشکل از سعودی، امارات و دیگر کشورها و اسرائیل باید یا در مذاکرات حضور داشته باشند یا در صورت لزوم، در مهار و مقابله با رژیم ایران نقش ایفا کنند.

● ترامپ ابتدا پیشنهاد مذاکره می‌دهد، اما همزمان دستورات لازم برای آمادگی جهت حمله نظامی را صادر می‌کند. اگر مذاکرات پیشرفت کند، حمله به تعویق می‌افتد، اما آمادگی‌های نظامی متوقف یا برچیده نمی‌شود. اگر رژیم ایران فشار را افزایش دهد، آمریکا آماده اقدام نظامی است.

ولید فارس (ایندپندنت عربی) - آنچه در واشنگتن دیده می‌شود و جهان و خاورمیانه آن را مشاهده می‌کند، این است که کاخ سفید در قبال سیاست دولت دونالد ترامپ نسبت به رژیم خمینی، در دو محور موازی حرکت می‌کند. آنچه رسانه‌ها در گزارش‌های معتبر و شهروندان آمریکایی و کشورهای خاورمیانه درک می‌کنند، این است که کاخ سفید در واقع دو مسیر متفاوت را دنبال می‌کند.

مسیر اول: مذاکره و فشار دیپلماتیک

مسیر اول شامل دعوت از نظام ایران برای مذاکره درباره امضای یک توافق جدید بجای توافق هسته‌ای پیشین است. این مسیر همچنین همراه با تحرکات نظامی و میدانی آمریکا در منطقه، از جمله در سه دریای خلیج فارس، دریای سرخ و دریای مدیترانه است.

ارتباط بین دولت ترامپ به ویژه تیم مذاکره‌کننده‌اش و نظام ایران از طریق یک میانجی عرب یا اروپایی، اما در اصل آمریکایی برقرار شده است. این در واقع همان مسیری است که پیشتر توسط باراک اوباما و جو بایدن پیموده شد و هدف آن رسیدن به تفاهمی میان تهران و واشنگتن برای کاهش تنش و دستیابی به یک توافق استراتژیک بود. چنین توافقی ظاهراً در مذاکراتی که به برجام منجر شد، حاصل گردید.

برخی در منطقه بر این باورند که رویکرد ترامپ در قبال رهبری رژیم ایران همان رویکرد اوباما نسبت به ملایان حاکم بر ایران است، اما این تحلیل نادرست است. دعوت ترامپ از رهبران جمهوری اسلامی برای مذاکره به معنای احیای توافق پیشین نیست، بلکه او به دنبال توافقی کاملاً متفاوت است. بر اساس اطلاعات موجود و بحث‌های صورت‌گرفته در کنگره و دولت، ترامپ دو هدف را از طریق دیپلماسی دنبال می‌کند:

اول: اجتناب از جنگ؛ ترامپ ترجیح می‌دهد جنگی را آغاز کند، اما از قدرت نظامی آمریکا به عنوان اهرمی برای فشار بر رژیم ایران استفاده می‌کند.

دوم: فشار حداکثری برای امتیاز گرفتن؛ ترامپ در حال آماده ساختن یک کمپین فشار علیه حکومت ایران و گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به آن است تا آنها را مجبور کند یا به شروط

وال استریت ژورنال: ترامپ به دنبال مذاکره مستقیم با جمهوری اسلامی است و نه از طریق واسطه



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

روزهای اخیر تهدید کرده که اگر رژیم ایران وارد مذاکره نشود، اقدام به بمباران خواهد کرد. ماه گذشته، ترامپ نامه‌ای به خامنه‌ای فرستاد و در آن یک مهلت دوماهه برای رسیدن به توافق تعیین کرد.

آمریکا در حالی که فشار دیپلماتیک خود را بر رژیم ایران افزایش داده، بطور مداوم بر فشار نظامی نیز می‌افزاید. پنتاگون حضور نظامی خود را در خاورمیانه گسترش داده و دو ناو هواپیمابر، جنگنده‌های F-35، بمب‌افکن‌های B-2 و سامانه‌های دفاعی پاتریوت را به منطقه اعزام کرده است.

ایالات متحده اعلام کرده این اقدامات به معنای حمله‌ی نزدیک به جمهوری اسلامی نیست، بلکه در حمایت از عملیات علیه یکی از متحدان تهران در منطقه، یعنی حوثی‌های یمن، انجام شده است. کاخ سفید هشدار داده که اگر حوثی‌ها به نیروهای آمریکایی حمله کنند، رژیم ایران را مسئول خواهد دانست.

اسرائیل اخیراً در پاسخ به حملات موشکی جمهوری اسلامی، بخش زیادی از سامانه‌های پدافند هوایی آن را نابود کرده و نیروهای شبه‌نظامی وابسته به حکومت ایران در منطقه را که زمانی نقش بازدارندگی و باج‌گیری داشتند، به شدت تضعیف کرده است. برخی معتقدند این ضعف می‌تواند شرایطی را فراهم کند که رژیم ایران حاضر به دادن امتیازاتی در زمینه برنامه هسته‌ای خود شود.

مایکل سینگ مقام پیشین شورای امنیت ملی آمریکا در امور خاورمیانه می‌گوید: «با توجه به ضربات نظامی اسرائیل و مشکلات داخلی اقتصادی ایران، ترامپ فرصت را مناسب می‌بیند تا فشار بیشتری بر خامنه‌ای وارد کند، به امید اینکه [رژیم] ایران توافق با آمریکا را تنها راه برون‌رفت بداند.»

وال استریت ژورنال در ادامه می‌نویسد، «با این

است» به خبرنگاران گفته بود، «فکر می‌کنم روند سریع‌تر پیش می‌رود و طرف مقابل را خیلی بهتر می‌فهمی، تا اینکه از طریق واسطه‌ها پیش بروی... من مطمئنم که آنها هم خواهان مذاکره مستقیم هستند.»

وال استریت ژورنال می‌نویسد، مقامات ایرانی تا عصر جمعه پاسخی به درخواست برای اظهار نظر در مورد ادعای ترامپ ندادند. به گفته این مقامات، علی خامنه‌ای هفته گذشته در نامه‌ای به ترامپ اعلام کرده که آماده گفتگوهای غیرمستقیم است که توسط کشور ثالث خواهد شد. یکی از مشاوران ارشد خامنه‌ای، نیز اشاره کرد که ممکن است تهران در آینده حاضر به مذاکره مستقیم با واشنگتن شود.

یک مقام ارشد دولت آمریکا می‌گوید، ترامپ خواستار مذاکره مستقیم میان مقامات ارشد دو طرف است و می‌خواهد از وضعیتی که در آن مذاکره‌کنندگان در طبقات مختلف یک هتل فقط پیام‌ها را به یکدیگر منتقل می‌کنند، اجتناب کند. در دوران بایدن، آمریکا گفتگوهای غیرمستقیمی با ایران انجام داد، چون تهران از نشست‌های رو در رو خودداری کرد.

استیو ویتکاف فرستاده ویژه ترامپ برای خاورمیانه احتمالاً یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده خواهد بود؛ هرچند هنوز تیم یا محل مذاکرات اعلام نشده است.

اینهمه در حالیست که ذخایر اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد در ایران به سرعت در حال افزایش است. تنها یک یا دو هفته زمان لازم است تا ایران به اندازه کافی مواد شکاف‌پذیر با درجه تسلیحاتی برای ساخت یک بمب هسته‌ای در اختیار داشته باشد. سازمان اطلاعات آمریکا هفته گذشته به کنگره گزارش داد که خامنه‌ای هنوز تصمیمی برای ساخت بمب نگرفته، اما فشارها احتمالاً در حال افزایش بر اوست.

ترامپ می‌گوید به دنبال راه حل دیپلماتیک است، اما در

● به گفته مقامات آمریکایی، دونالد ترامپ به دنبال «مذاکره مستقیم» با جمهوری اسلامی است، زیرا هدفی بلندپروازانه دارد، یعنی برچیدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ولی نمی‌خواهد روند مذاکرات مانند سال‌های گذشته طولانی شود.

● یک مقام ارشد دولت آمریکا به «وال استریت ژورنال» می‌گوید، ترامپ خواستار مذاکره مستقیم میان مقامات ارشد دو طرف است و می‌خواهد از وضعیتی که در آن مذاکره‌کنندگان در طبقات مختلف یک هتل فقط پیام‌ها را به یکدیگر منتقل می‌کنند، اجتناب کند. در دوران بایدن، آمریکا گفتگوهای غیرمستقیمی با رژیم ایران انجام داد، چون تهران از نشست‌های رو در رو خودداری کرد.

● مایکل سینگ مقام پیشین شورای امنیت ملی آمریکا در امور خاورمیانه عنوان می‌کند: «با توجه به ضربات نظامی اسرائیل و مشکلات داخلی اقتصادی ایران، ترامپ فرصت را مناسب می‌بیند تا فشار بیشتری بر خامنه‌ای وارد کند، به امید اینکه ایران توافق با آمریکا را تنها راه برون‌رفت بداند.»

● ریچارد نفیو مقام ارشد در مذاکرات با ایران در دوران بایدن و اوباما در مورد وقت‌کشی جمهوری اسلامی می‌گوید حکومت «ایران تجربه زیادی در استفاده از گفتگو برای کاهش فشار و حفظ برنامه هسته‌ای خود دارد. ایرانی‌ها همیشه تلاش می‌کنند راه سومی پیدا کنند که برایشان زمان و فضای بیشتر بخرد.»

به گفته مقامات آمریکایی، دونالد ترامپ به دنبال «مذاکره مستقیم» با جمهوری اسلامی است، زیرا هدفی بلندپروازانه دارد، یعنی برچیدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و به همین دلیل نمی‌خواهد روند مذاکرات مثل سال‌های گذشته طولانی شود.

دونالد ترامپ گفته است که «مطمئنم جمهوری اسلامی به دنبال مذاکره مستقیم است». بر همین اساس روزنامه «وال استریت ژورنال» چهارم آوریل (۱۵ فروردین) گزارش داد، «اگر ایران موافقت کند که وارد این گفتگوها شود، اولین گفتگوهای مستقیم و پایدار بین دو کشور از زمانی خواهد بود که ترامپ در سال ۲۰۱۸ از برجام خارج شد. دولت ترامپ همچنین به دنبال دستیابی به نتایجی فراتر از آنچه در توافق دولت اوباما به دست آمد، در یک جدول زمانی فشرده است.»

در این گزارش آمده، مقامات غربی بر این باورند که جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری به توانایی ساخت سلاح هسته‌ای نزدیک شده و می‌خواهند سریعاً وارد گفتگو شوند. این هدف به احتمال زیاد بسیار دشوار خواهد بود. تهران برای دهه‌ها از کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود خودداری کرده و اصرار دارد که حق غنی‌سازی اورانیوم برای اهداف صلح‌آمیز را دارد. پس از سال‌ها مذاکره، پذیرش ادامه غنی‌سازی قابل توجه اورانیوم توسط تهران، کلید دستیابی به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بود.

اما به گفته یکی از مقامات ارشد دولت آمریکا، اینبار این موضوع کافی نخواهد بود و ایالات متحده به دنبال حذف کامل برنامه هسته‌ای ایران است.

ترامپ پیشتر با اشاره به اینکه «گفتگوهای مستقیم بهتر

نتانیاهو در کنفرانس مشترک با اوربان: حکومت ایران تمدن غرب را هدف قرار داده است



دیدار نتانیاهو و اوربان در بوداپست/ عکس: رویترز

می‌جنگیم.» او افزود: «ما در حال مبارزه‌ای مشابه برای آینده تمدن مشترک‌مان هستیم.»
او همچنین تأکید کرد که اسرائیل مصمم است محور جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن را نابود کند، چراکه به گفته او «این تهدید تنها متوجه اسرائیل نیست، بلکه اروپا و کشورهای منطقه را نیز در بر می‌گیرد.»

نتانیاهو در ادامه صحبت‌هایش تأکید کرد، «ما به انجام این مأموریت متعهدیم و با این کار، از اروپا نیز محافظت می‌کنیم. شاید برخی در اروپا این را درک نکنند، اما ویکتور اوربان این را به خوبی می‌فهمد.»

نخست‌وزیر اسرائیل همچنین جمهوری اسلامی ایران را مرکز هدایت گروه‌های نیابتی همچون حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها دانست و بار دیگر این حکومت را به حمایت از حملات علیه اسرائیل متهم کرد. او گفت: «ما مورد حمله وحشیانه‌ای از سوی گروه‌های نیابتی [رژیم] ایران قرار گرفتیم. تروریست‌های حماس به زنان ما تجاوز کردند، مردان ما را سر بریدند، نوزادان ما را سوزاندند و گروگان گرفتند. ما متعهدیم که همه گروگان‌ها را به خانه بازگردانیم.»

بسیاری تحلیلگران بر این باورند که اسرائیل پس از تحمیل ضربات سنگین به نیابتی‌ها خود را برای اقدام نظامی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی آماده می‌کند هرچند که این اقدام بدون هماهنگی و پشتیبانی آمریکا بعید به نظر می‌رسد.

همزمان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا گفت که بنیامین نتانیاهو ممکن است در اوایل هفته آینده به ایالات متحده سفر کند. محور این دیدار احتمالی که در میان افزایش تنش‌های منطقه‌ای انجام می‌شود برنامه‌های اتمی و نظامی جمهوری اسلامی خواهد بود.

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل پنجشنبه سوم آوریل (۱۴ فروردین) در نشست خبری مشترک با ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان که در بوداپست برگزار شد، گفت: «حکومت ایران تمدن یهودی-مسیحی غرب را هدف قرار داده است.»

● نخست‌وزیر اسرائیل با اشاره به مقابله اسرائیل با تهدیدات جمهوری اسلامی تأکید کرد، «این مسئله برای کل تمدن اهمیت دارد، زیرا ما در این نبرد علیه بربریت می‌جنگیم.» او افزود: «ما در حال مبارزه‌ای مشابه برای آینده تمدن مشترک‌مان هستیم.»

● همزمان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا گفت که بنیامین نتانیاهو ممکن است در اوایل هفته آینده به ایالات متحده سفر کند. محور این دیدار احتمالی که در میان افزایش تنش‌های منطقه‌ای انجام می‌شود برنامه‌های اتمی و نظامی جمهوری اسلامی خواهد بود.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل پنجشنبه سوم آوریل (۱۴ فروردین) در نشست خبری مشترک با ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان که در بوداپست برگزار شد، گفت: «حکومت ایران تمدن یهودی-مسیحی غرب را هدف قرار داده است.»

سفر نتانیاهو پس از تصمیم رسمی مجارستان برای خروج از دادگاه کیفری بین‌المللی در همان روز انجام شد. این در حالیست که حکم بازداشت بین‌المللی این دادگاه علیه نتانیاهو به دلیل اتهامات مربوط به جنایات جنگی در غزه صادر شده است. این اولین سفر نتانیاهو به اروپا بعد از صدور این حکم جنجالی است.

نخست‌وزیر اسرائیل با اشاره به مقابله اسرائیل با تهدیدات جمهوری اسلامی تأکید کرد، «این مسئله برای کل تمدن اهمیت دارد، زیرا ما در این نبرد علیه بربریت

→ حال، [جمهوری اسلامی] ایران نیز اهرم‌های خود را دارد. کارشناسان بر این باورند که ایران بیش از هر زمان دیگری به توانایی ساخت مپ هسته‌ای نزدیک شده و در صورت تصمیم، تنها چند ماه تا ساخت فاصله دارد. ایران همچنین ماهانه به اندازه کافی اورانیوم با غلظت بالا تولید می‌کند که می‌توان آن را به سرعت به سوخت مورد نیاز یک مپ تبدیل کرد.»

سینگ هشدار داد که مهلت دوماهه تعیین شده از سوی ترامپ فشار را نه تنها بر تهران، بلکه بر واشنگتن نیز وارد می‌کند. او گفت: «دولت ترامپ ممکن است به زودی در برابر تصمیمی درباره اقدام نظامی قرار گیرد که همچنان امیدوار است بتواند از آن پرهیز کند.»
البته زمان آغاز این مهلت دوماهه، که نخستین بار توسط آکسیوس گزارش شده، مشخص نیست.

اسرائیل سال‌هاست اعلام کرده در صورت لزوم برای جلوگیری از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای دست به اقدام نظامی خواهد زد. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل گفته بود که تحت رهبری ترامپ «هیچ شکی نیست که ما می‌توانیم و خواهیم توانست کار را با [حکومت] ایران تمام کنیم.»

اگرچه اسرائیل همیشه حمله هماهنگ با نیروهای آمریکایی را ترجیح داده، اما اکنون با توجه به ضعف نظامی جمهوری اسلامی، اطمینان فزاینده‌ای وجود دارد که اسرائیل می‌تواند به تنهایی تأسیسات هسته‌ای آن را هدف قرار دهد. یکی از مقامات پیشین پنتاگون گفت که «یک کارزار هوایی مشترک آمریکا و اسرائیل می‌تواند تأسیسات هسته‌ای ایران را بطور جدی تخریب کند، اما اگر [رژیم] ایران بخواهد برنامه خود را بازسازی کند، احتمالاً نیاز است که پس از ۹ ماه یا یک سال حمله دوباره تکرار شود.» مقامات ایرانی هشدار داده‌اند که در صورت حمله، ممکن است بازرسان بین‌المللی را اخراج کرده و برنامه را به صورت مخفیانه پیگیری کنند.

یکی از نگرانی‌های اصلی آمریکا همواره این بوده که جمهوری اسلامی احتمال دارد در پاسخ به حمله، به کشورهای حوزه خلیج فارس موشک شلیک کند و تجارت نفت در منطقه را مختل نماید. این مسئله اهمیت دفاع موشکی و تأمین امنیت مسیرهای دریایی را بیشتر می‌کند. مقامات ارشد آمریکایی شرایط سختی را برای توافق اعلام کرده‌اند. مشاور امنیت ملی، مایک والتز، گفته که [رژیم] ایران باید تمام جنبه‌های برنامه هسته‌ای خود را کنار بگذارد از جمله غنی‌سازی اورانیوم، توسعه موشک‌های بالستیک و کار بر روی ساخت سلاح هسته‌ای.

جمهوری اسلامی ایران به مدت دو دهه فعالیت هسته‌ای خود را به عنوان یک دستاورد ملی مطرح کرده و با وجود فشارهای گسترده دیپلماتیک و تحریم‌های بین‌المللی از برچیدن آن خودداری کرده است. جمهوری اسلامی همچنین بارها اعلام کرده که هرگز درباره برنامه موشک‌های بالستیک خود مذاکره نخواهد کرد، چرا که آن را برای دفاع و بازدارندگی در برابر اسرائیل و دیگر دشمنان حیاتی می‌داند. ریچارد نفیو مقام ارشد در مذاکرات با ایران در دوران بایدن و اواما در مورد وقت‌کشی جمهوری اسلامی می‌گوید حکومت «ایران تجربه زیادی در استفاده از گفتگو برای کاهش فشار و حفظ برنامه هسته‌ای خود دارد. ایرانی‌ها همیشه تلاش می‌کنند راه سومی پیدا کنند که برایشان زمان و فضای بیشتر بخرد.»

اگر ایران بر خطوط قرمز سنتی خود پایبند بماند، ممکن است آمریکا را به سرعت وادار به تصمیم‌گیری دشواری درباره ادامه یا توقف مذاکرات کند.

عباس عراقچی و استیو ویتکاف در عمان مذاکره می‌کنند؛ بهت حامیان نظام از عقب‌نشینی خامنه‌ای



مخالفان مذاکره با آمریکا در مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی

اساس ادعاهای خامنه‌ای انتظار آغاز مذاکرات با دولت ترامپ را به عنوان «قاتل سلیمانی» نداشتند. اما اصلاح‌طلبان که منفعت نظام را در معامله با آمریکا می‌دانند از فضای جدید ابراز رضایت می‌کنند.

حمید ابوطالبی معاون سیاسی دفتر حسن روحانی از چهره‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان با استقبال از آغاز مذاکره با آمریکا، اشاره کرد که طرفین حق دارند بگویند مذاکره «مستقیم» «با غیرمستقیم» خواهد بود «اما مهم این است که هیئت ایرانی اختیارات کافی برای مذاکره و برنامه دقیق برای تصمیم‌گیری داشته باشد و تصویر ارائه شده از سوی ایران و آمریکا در روز شنبه، تصویر صلح و تفاهم و دوستی باشد، نه مخاصمه و جنگ!»

آمریکا در تله مذاکرات غیرمستقیم می‌افتد

مذاکره میان آمریکا و جمهوری اسلامی در شرایطی آغاز شده که عراقچی گفته بود مذاکره با طرفی که مدام تهدید به زور می‌کند بی‌معناست. اینکه نتیجه مذاکرات چه باشد مشخص نیست اما مورگان اورتگاس معاون نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه در گفتگو با «العربیه» گفت که «آمریکا در تله‌ای که بایدن افتاد، نخواهد افتاد و مذاکرات غیرمستقیم که سال‌ها به طول می‌انجامد را انجام نخواهد داد.»

دونالد ترامپ نیز در دیدار با نتانیاهو تأکید کرد که «اگر مذاکرات نتیجه ندهند، [جمهوری اسلامی] ایران در خطر جدی خواهد بود.»

برخی تحلیلگران معتقدند چنین مذاکراتی در بهترین وضعیت جمهوری اسلامی با آنهمه ابزار باج‌گیری و مماشات‌گرتزین دولت‌های آمریکا مانند دولت اوباما و بایدن به جایی نرسید؛ چه برسد به حالا که رژیم ایران هرگز به این اندازه شکننده و تحت فشار داخلی و خارجی نبوده و دولتی در آمریکا روی کار است که ظاهراً حاضر به معامله‌ی پنهان مانند دولت‌های قبلی آمریکا نیست. به همین دلیل این مذاکرات همه طولانی نخواهد بود و هم هر نتیجه‌ای داشته باشد، به زیان جمهوری اسلامی است و خواهد باخت.

اسفندماه ۱۴۰۳ در جمع کارگزاران نظام در واکنش به فشارهای دونالد ترامپ برای مذاکره گفت: «مسئله آنها فقط مسئله هسته‌ای نیست، بلکه مذاکره برای آنها راه و مسیری برای طرح توقعات جدید از جمله در زمینه امکانات دفاعی و توانایی‌های بین‌المللی و بیان انتظاراتی از این قبیل است که فلان کار را نکنید، با فلان کس دیدار نکنید، برد موشک را از فلان قدر بیشتر نکنید که قطعاً این موارد از طرف ایران پذیرفته و برآورده نمی‌شود.»

اینهمه در حالیست که بنیامین نتانیاهو در دیدار با دونالد ترامپ خواهان اجرای «مدل لیبی» برای برچیدن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی شد. اتفاقاً خامنه‌ای اول فروردین ۱۳۹۰ در یک سخنرانی گفته بود، «... عملکرد قذافی در لیبی و تحویل امکانات هسته‌ای این کشور به آمریکا در مقابل تهدیدهای توخالی و وعده‌های ناچیز غرب، از جمله اقداماتی بودند که غرور مردم را جریحه‌دار کرد.»

خامنه‌ای همین چندی پیش در ۱۹ بهمن ۱۴۰۳ نیز در جمع شماری از پرسنل نیروی هوایی ارتش، گفته بود: «نباید با آمریکا مذاکره کرد زیرا تجربه نشان داده آنها به تعهدشان عمل نمی‌کنند و چنین مذاکره‌ای عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست.» وی گفته بود: «مذاکره با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد. این را باید ما درست بفهمیم؛ اینجور به ما و اعتماد نکنند که اگر نشستیم پشت میز مذاکره با آن دولت، فلان مشکل یا فلان مشکل حل می‌شود. نخیر؛ از مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی حل نمی‌شود. دلیل؟ تجربه!... با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد!»

اعلام ناگهانی آغاز مذاکره مستقیم میان تهران و واشنگتن واکنش‌های مختلفی را به همراه داشت. برخی مخالفان نظام معتقدند که این رویه آغاز یک «نرمش قهرمانانه» و «جام زهر» دیگر است و علی‌خامنه‌ای برای حفظ نظام هم که شده مجبور به معامله با آمریکا است. برخی دیگر اما می‌گویند این مذاکرات در واقع اتمام حجت یا جمهوری اسلامی است. در این میان، جریان «ولایت‌مدار» به‌تازگی است زیرا بر

● عباس عراقچی در «ایکس» نوشت که مذاکرات عمان شنبه (۲۳ فروردین) در «سطح بالا» و «غیرمستقیم» برگزار می‌شود. او ادعا کرد: «این دیدار همزمان یک فرصت و یک آزمون محسوب می‌شود. اکنون توپ در زمین ایالات متحده است!»

● وبسایت خبری «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی پس از آنکه رئیس جمهوری آمریکا گفت که مذاکره از شنبه آغاز خواهد شد، نوشت: سناریو ترامپ «بخشی از یک بازی روانی و رسانه‌ای است!»

● مورگان اورتگاس معاون نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه در گفتگو با العربیه گفت که «آمریکا در تله‌ای که بایدن افتاد، نخواهد افتاد و مذاکرات غیرمستقیم که سال‌ها به طول می‌انجامد را انجام نخواهد داد.»

● بنیامین نتانیاهو در دیدار با دونالد ترامپ خواهان اجرای «مدل لیبی» برای برچیدن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی شد. اتفاقاً خامنه‌ای اول فروردین ۱۳۹۰ در یک سخنرانی گفته بود، «... عملکرد قذافی در لیبی و تحویل امکانات هسته‌ای این کشور به آمریکا در مقابل تهدیدهای توخالی و وعده‌های ناچیز غرب، از جمله اقداماتی بودند که غرور مردم را جریحه‌دار کرد.»

● برخی تحلیلگران معتقدند چنین مذاکراتی در بهترین وضعیت جمهوری اسلامی با آنهمه ابزار باج‌گیری و مماشات‌گرتزین دولت‌های آمریکا مانند دولت اوباما و بایدن به جایی نرسید؛ چه برسد به حالا که رژیم ایران هرگز به این اندازه شکننده و تحت فشار داخلی و خارجی نبوده و دولتی در آمریکا روی کار است که ظاهراً حاضر به معامله‌ی پنهان مانند دولت‌های قبلی آمریکا نیست. به همین دلیل این مذاکرات همه طولانی نخواهد بود و هم هر نتیجه‌ای داشته باشد، به زیان جمهوری اسلامی است و خواهد باخت. ساعتی پس از آنکه دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در دیدار با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل گفت که مذاکرات «مستقیم» با ایران آغاز می‌شود، عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی خبر داد که قرار است این مذاکره به صورت «غیرمستقیم» در عمان انجام شود. نماینده آمریکا در این مذاکره، استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ در امور خاورمیانه است و گفته می‌شود نماینده جمهوری اسلامی عباس عراقچی است.

عراقچی در «ایکس» نوشت که مذاکرات عمان شنبه (۲۳ فروردین) در «سطح بالا» و «غیرمستقیم» برگزار می‌شود. او ادعا کرد: «این دیدار همزمان یک فرصت و یک آزمون محسوب می‌شود. اکنون توپ در زمین ایالات متحده است.» تا پیش از آنکه ترامپ در دیدار با نتانیاهو آغاز مذاکرات را علنی کند، مقامات جمهوری اسلامی از جمله وزیر خارجه و سخنگوی وزارت خارجه آن را پنهان داشته و حتا انکار می‌کردند! وبسایت خبری «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی پس از آنکه رئیس جمهوری آمریکا گفت که مذاکره از شنبه آغاز خواهد شد، نوشت: سناریو ترامپ «بخشی از یک بازی روانی و رسانه‌ای است که هدف آن نشان دادن ایالات متحده به عنوان طرف مشتاق مذاکره و انتقال بار مسئولیت عدم گفتگو به دوش ایران است.»

علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بارها گفته بود با آمریکا به ویژه دولت ترامپ مذاکره نخواهد کرد. او ۱۸

کیهان تهران بار دیگر دونالد ترامپ را تهدید به قتل کرد؛ پادوها گپ کردند!



مؤسسه کیهان تهران

از بلوف‌های معروف قاسم سلیمانی است که به ترامپ گفته بود «من حریف تو هستم!» اما وقتی در بغداد در حمله پهبادی آمریکا به دستور ترامپ کشته شد، زینب سلیمانی دخترش نه از جمهوری اسلامی که ارباب پدرش بود بلکه از حسن نصرالله خواست تا انتقام پدرش را بگیرد. اما رهبر حزب‌الله لبنان نیز در مخفیگاه خود در حمله هوایی اسرائیل به بیروت کشته شد. تهدید کیهان تهران حتا اگر عملی هم نشود نگران می‌کند. در همین ارتباط حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در واکنش به تهدید ترامپ توسط کیهان تهران در «ایکس» نوشت: «ایرانیان از طالبان جنگ و ترور متفرند. اگر عرضی جنگ داشتید به لبنان می‌رفتید، اگر طرح ترور دارید، غلط‌های خود را به نام ایران مطرح نکنید.»

فلاحت‌پیشه تأکید کرده است: «ملت تاوان بلوف‌های جنگ و ترور افراطیون را می‌دهد. دولت باید از این جریان ویرانگر اعلام براثت کند.» و بسایت «جماران» نیز که زیر نظر حسن خمینی نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی اداره می‌شود و به جریان اصلاحات نزدیک و حامی مذاکره و توافق با آمریکا است به حسین شریعتمداری انتقاد کرده است. با اینهمه کیهان تهران دست بردار نیست و روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه دوباره خطاب به منتقدان نوشت، «هنوز به کله ترامپ شلیک نشده پادوهاش گپ کردند!»

در شبکه‌های اجتماعی برخی کاربران نوشته‌اند که کیهان تهران سیاست‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و روسوفیل‌ها را برجسته می‌کند تا مذاکره و توافقی با آمریکا صورت نگیرد.

وزارت دادگستری ایالات متحده آبان ۱۴۰۳ در بیانیه‌ای جزئیات کیفرخواست مربوط به خنثی‌سازی یک توطئه جمهوری اسلامی برای ترور دونالد ترامپ رئیس جمهوری منتخب آمریکا را پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری منتشر کرد که عوامل سپاه پاسداران پشت آن قرار داشتند.

«رژیم ایران می‌خواهد جهان را علیه ترامپ متحد کرده تا کسی او را ترور کند. همچنین قصد دارد مسائل اقتصادی را علیه ترامپ دامن بزند.»



او توضیح داد که هدف رژیم ایران شبیه به تلاش برای ترور سلمان رشدی در نیویورک در سال ۲۰۲۲ به واسطه تبلیغات جمهوری اسلامی است. بن سبطی همچنین تأکید کرد، «این فرصت بسیار خوبی برای دولت ترامپ است که علیه حکومت ایران به دلیل تهدید رئیس جمهور آمریکا، شکایتی را در شورای امنیت سازمان ملل ثبت کند.»

اگرچه به نظر می‌رسد این تهدیدات توخالی و پوچ باشد، اما در واقعیت طرز تفکر درون حکومت از نهادهای امنیتی گرفته تا مدرسه‌ها و حوزه‌های علمیه را نشان می‌دهد که اگر واقعا امکان آن را می‌داشتند، از عملی کردن این ترور هرگز دریغ نمی‌کردند.

● در شرایطی که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از یکسو اعلام می‌کند که مخالف مذاکره با آمریکا است اما از سوی دیگر برای «مذاکرات غیرمستقیم» با دولت ترامپ اعلام آمادگی کرده است، همزمان روزنامه کیهان چاپ تهران می‌نویسد: «به انتقام خون قاسم سلیمانی باید چند گلوله توی کله پوک دونالد ترامپ شلیک شود تا «ریق لعنت» را سر بکشد!»

● بن سبطی کارشناس مسائل ایران و پژوهشگر مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل به فاکس نیوز می‌گوید، «رژیم ایران می‌خواهد جهان را علیه ترامپ متحد کند تا کسی او را ترور کند. همچنین قصد دارد مسائل اقتصادی را علیه ترامپ دامن بزند.»

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در واکنش به تهدید ترامپ توسط کیهان تهران در «ایکس» نوشت: «ایرانیان از طالبان جنگ و ترور متفرند. اگر عرضی جنگ داشتید به لبنان می‌رفتید، اگر طرح ترور دارید، غلط‌های خود را به نام ایران مطرح نکنید.» ● با وجود انتقادات زیاد، کیهان تهران دست‌بردار نیست و روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه خطاب به منتقدان نوشت، «هنوز به کله ترامپ شلیک نشده پادوهاش گپ کردند!»

در شرایطی که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از یکسو اعلام می‌کند که مخالف مذاکره با آمریکا است اما از سوی دیگر برای «مذاکرات غیرمستقیم» با دولت ترامپ اعلام آمادگی کرده است، همزمان روزنامه کیهان چاپ تهران می‌نویسد: «به انتقام خون قاسم سلیمانی باید چند گلوله توی کله پوک دونالد ترامپ شلیک شود تا «ریق لعنت» را سر بکشد!»

هرچند تهدید به ترور اشخاص مختلف از جمله سیاستمداران خارجی در روزنامه کیهان تهران با مدیریت حسین شریعتمداری نماینده خامنه‌ای در این مؤسسه دارای سابقه است، اما با توجه به سوابق تهدیدات و حتا چند نوبت اقدام عملی برای ترور ترامپ این موضوع بازتاب منفی زیادی برای جمهوری اسلامی داشته، به ویژه آنکه کیهان تهران تریبون سنتی رهبر جمهوری اسلامی شناخته می‌شود و به «ارگان بیت رهبری» معروف است.

جیسون برداسکی مدیر سیاست‌گذاری سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» ۵ مارس (۱۶ فروردین) به «فاکس نیوز» گفته است، «کیهان سال‌هاست که ترامپ را به ترور تهدید می‌کند. سردبیر کیهان، حسین شریعتمداری نماینده منصوب رهبر جمهوری اسلامی است.»

او ادامه داد: «چنین تهدیداتی، پوچی درخواست‌های مقامات جمهوری اسلامی برای احترام متقابل در مذاکرات آینده با آمریکا را آشکار می‌کند. گاهی اوقات کیهان [تهران] حتی جلوتر از مواضع رسمی نظام در حوزه سیاست خارجی، به ویژه در موضوع هسته‌ای، حرکت می‌کند. برای مثال، سال‌هاست که کیهان [تهران] خواستار خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است، هرچند تا کنون عملی نشده. با این حال، در موضوع ترور ترامپ، کیهان با رژیم همسو بوده، چرا که آمریکا پیشتر چندین طرح ترور توسط آنها را خنثی کرده است.»

بن سبطی کارشناس مسائل ایران و پژوهشگر مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل نیز به فاکس نیوز می‌گوید،

دادستان آرژانتین خواستار صدور حکم بازداشت خامنه‌ای به دلیل دخالت در مب‌گذاری آمیا شد



علی خامنه‌ای در حال اقامه نماز در مصلى تهران

● دادستان ارشد پرونده مب‌گذاری سال ۱۹۹۴ در مرکز جامعه یهودیان آرژانتین (آمیا) در بوئنوس آیرس از دادگاه فدرال آرژانتین درخواست کرد تا احکام بازداشت ملی و بین‌المللی علیه علی خامنه‌ای به اتهام دخالت در این حمله تروریستی مرگبار صادر کند. دادستان ارشد استدلال کرد که خامنه‌ای بطور مستقیم در برنامه‌ریزی مب‌گذاری آمیا در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۹۴، مرگبارترین حمله تروریستی در تاریخ آرژانتین که در آن ۸۵ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند، دخیل بوده است.

● درخواست شده است که خامنه‌ای در صورت ورود به آرژانتین بازداشت شود. هرچند احتمال سفر او به آرژانتین نزدیک صفر به نظر می‌رسد، اما برخی منابع نوشته‌اند این اقدام قانونی جدید نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی در رویکرد پیشین این کشور در این پرونده است که در آن رهبر رژیم ایران از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بود.

● بیشتر دولت آرژانتین در اردیبهشت ۱۴۰۳ نیز از «اینترپل» خواسته بود احمد وحیدی وزیر کشور وقت جمهوری اسلامی در دولت ابراهیم رئیسی را به اتهام مشارکت در مب‌گذاری «آمیا» بازداشت کند. در مهر ۱۴۰۱ هم دولت آرژانتین از قطر خواسته بود تا محسن رضایی معاون اقتصادی وقت دولت سیزدهم و فرمانده

اعزام بمب افکن‌های «B-2» پیام به جمهوری اسلامی است؟ پیت هگست: تصمیم با خود آنهاست!



پیت هگست وزیر دفاع آمریکا / عکس: رویترز

آمریکا حجم قابل توجهی از تسلیحات استراتژیک برای مقابله با تهدیدات حوثی‌ها در منطقه مستقر کرده، اما از همان ابتدا این پیام را به رژیم ایران فرستاد که در صورت پشتیبانی از شبه‌نظامیان یمن، با واکنش سخت روبرو خواهد شد.

در شرایطی که فشارهای آمریکا برای نشان دادن جمهوری اسلامی پای میز مذاکره به شدت افزایش پیدا کرده است، ایالات متحده بمب‌افکن‌های «B-2» و یک گروه ضربتی ناو هواپیمابر به رهبری ناو «یواس‌اس کارل وینسون» (USS Carl Vinson) را به منطقه اعزام کرده تا به ناو «یواس‌اس هری اس. ترومن» (USS Harry S. Truman) که از پیش در دریای سرخ مستقر بود، ملحق شوند. دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دو راه پیش روی علی خامنه‌ای قرار داده است: یک توافق جدید یا مپاران! اما شروط سختی را برای توافق با جمهوری اسلامی روی میز گذاشته که مقامات تهران می‌گویند در واقع همان «خلع سلاح» حکومت است. رئیس جمهوری آمریکا چهارشنبه ۹ آوریل (۲۰ فروردین) اعلام کرد که اگر مذاکرات با جمهوری اسلامی شکست بخورد، آمریکا آماده اقدام نظامی است و اسرائیل «رهبر»ی حمله نظامی به جمهوری اسلامی را بر عهده خواهد داشت. دونالد ترامپ با اشاره به نشستی که قرار است در عمان برگزار شود گفت: «فکر می‌کنم چنین توافقی خوب باشد، اما در هر صورت باید مطمئن شویم که [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند، وقتی مذاکرات آغاز شود خواهیم فهمید که اوضاع خوب پیش می‌رود یا نه؛ حس می‌کنم مذاکره خوب پیش نخواهد رفت، البته این فقط احساس من است.»

پیشتر کارولین لیویت سه‌شنبه ۸ آوریل (۱۹ فروردین) با تکرار هشدار دونالد ترامپ مبنی بر تحمیل هزینه‌های سنگین بر جمهوری اسلامی در صورت عدم دستیابی به توافق گفته بود، «ترامپ تحریم‌های فلج‌کننده‌ای را بار دیگر علیه حکومت ایران اعمال کرده و به صراحت گفته است که باید بین دو راه یکی را انتخاب کند: یا توافقی با آمریکا انجام دهد و وارد مذاکره شود، یا روزگارش سیاه خواهد شد.»

● وزیر دفاع آمریکا چهارشنبه نهم آوریل (۲۰ فروردین) ابراز امیدواری کرد مسئله اتمی جمهوری اسلامی با مذاکرات حل و فصل شود اما هشدار داد که این تهران است که باید تصمیم بگیرد آیا استقرار بمب‌افکن‌های «B-2» در خاورمیانه پیامی برای جمهوری اسلامی است یا نه.

● پیت هگست همچنین تأکید کرد، «دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا به صراحت اعلام کرده که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. ما بسیار امیدواریم که این امر به صورت مسالمت‌آمیز تحقق پیدا کند و رئیس جمهور بر انجام این کار به صورت مسالمت‌آمیز متمرکز است.»

● رئیس جمهوری آمریکا چهارشنبه ۹ آوریل (۲۰ فروردین) اعلام کرد که اگر مذاکرات با جمهوری اسلامی شکست بخورد، آمریکا آماده اقدام نظامی است و اسرائیل «رهبر»ی حمله نظامی به جمهوری اسلامی را بر عهده خواهد داشت.

وزیر دفاع آمریکا چهارشنبه نهم آوریل (۲۰ فروردین) ابراز امیدواری کرد مسئله اتمی جمهوری اسلامی با مذاکرات حل و فصل شود اما هشدار داد این تهران است که باید تصمیم بگیرد آیا استقرار بمب‌افکن‌های «B-2» در خاورمیانه پیامی برای جمهوری اسلامی است یا نه.

به گزارش رویترز، در آستانه مذاکرات اتمی میان جمهوری اسلامی و آمریکا که قرار است شنبه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۴۰۴ در عمان برگزار شود، پیت هگست وزیر دفاع آمریکا در یک کنفرانس خبری در پاناما درباره تقویت قوای نظامی آمریکا در منطقه و اعزام بمب‌افکن‌های راهبردی به خاورمیانه تأکید کرد، «تصمیم‌گیری در مورد اینکه حرکت بمب افکن‌های بی-۲ یک پیام است به [رژیم] ایران برمی‌گردد.»

او افزود: «این بمب‌افکن‌ها تجهیزاتی عظیم هستند و برای همه پیامی ارسال می‌کنند.»

هگست همچنین تأکید کرد، «دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا به صراحت اعلام کرده که ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. ما بسیار امیدواریم که این امر به صورت مسالمت‌آمیز تحقق پیدا کند و رئیس جمهور بر انجام این کار به صورت مسالمت‌آمیز متمرکز است.»

افشای یک سند محرمانه؛ حماس برای نابودی اسرائیل از رژیم ایران ۵۰۰ میلیون دلار خواسته بود



ییسرائیل ماتز وزیر دفاع اسرائیل در جمع فرماندهان ارتش

از برنامه حماس برای نابودی اسرائیل و حمله «هفت اکتبر» را نشان می‌دهد.

در این سند، یحیی سنوار و محمد الضیف فرماندهان پیشین حماس از اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران درخواست ۵۰۰ میلیون دلار برای تأمین مالی نابودی اسرائیل کرده‌اند.

همچنین در این سند به نام «ایزدی» یکی از فرماندهان سپاه قدس اشاره شده که گفته می‌شود مسئول بخش فلسطین در سپاه قدس است. ایزدی گفته با وجود بحران اقتصادی ایران و مشکلات مردم، جمهوری اسلامی همچنان به تأمین مالی حماس ادامه خواهد داد زیرا مبارزه با اسرائیل و ایالات متحده اولویت اصلی رژیم است.

کاتز در ادامه می‌نویسد: «نتیجه‌گیری روشن است، رژیم ایران سر این مار است... با وجود انکارهایش، [حکومت] ایران فعالانه در حال تأمین مالی و دامن زدن به ترور در تمام جبهه‌هاست، از غزه و لبنان گرفته تا سوریه، یهودیه و سامره (کرانه باختری)، و حوثی‌ها در یمن، زیر پرچم نابودی اسرائیل.»

او تکرار کرد، «اسرائیل هر کاری که لازم باشد انجام خواهد داد تا از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند و به حملات خود علیه نیروهای نیابتی تروریستی ادامه خواهد داد تا محور شرّ «ایرانی» از بین برود.»

روزنامه «اورشلیم پست» ۱۹ نوامبر ۲۰۲۴ (۲۹ آبان ۱۴۰۳) بر اساس تحقیقات اندیشکده «مرکز اطلاعات و تروریسم اطلاعاتی میر آمیت» گزارش داده بود که ارتش اسرائیل به اسنادی دست یافته که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در ۲۰ سال گذشته، سالانه ده‌ها میلیون دلار پول را از ایران به منابع حماس انتقال داده است.

● وزیر دفاع اسرائیل در جریان بازدید از واحد اطلاعات ارتش اسرائیل یک سند محرمانه را افشا کرد که نشانگر حمایت جمهوری اسلامی از حماس برای انجام عملیات تروریستی «هفت اکتبر» است.

● کاتز روز یکشنبه ششم آوریل (۱۶ فروردین) در جمع پرسنل اطلاعاتی ارتش اسرائیل گفت، این سند در تونل‌های حماس در غزه پیدا شد که نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین رژیم ایران و رهبران حماس، یحیی سنوار و محمد ضیف، است.

● «یحیی سنوار و محمد الضیف فرماندهان پیشین حماس از اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران درخواست ۵۰۰ میلیون دلار برای تأمین مالی نابودی اسرائیل کرده بودند.»

● کاتز در شبکه ایکس نوشته است، «نتیجه‌گیری روشن است، رژیم ایران سر این مار است... با وجود انکارهایش، [حکومت] ایران فعالانه در حال تأمین مالی و دامن زدن به ترور در تمام جبهه‌هاست، از غزه و لبنان گرفته تا سوریه، یهودیه و سامره (کرانه باختری)، و حوثی‌ها در یمن، زیر پرچم نابودی اسرائیل.»

یسرائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل در جریان بازدید از واحد اطلاعات ارتش اسرائیل، یک سند محرمانه را افشا کرد که نشانگر حمایت جمهوری اسلامی از حماس برای انجام عملیات تروریستی «هفت اکتبر» ۲۰۲۳ است.

کاتز روز یکشنبه ششم آوریل (۱۶ فروردین) در جمع پرسنل اطلاعاتی ارتش اسرائیل گفت، این سند در تونل‌های حماس در غزه پیدا شد که نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین رژیم ایران و رهبران حماس، یحیی سنوار و محمد ضیف، است.

او تأکید کرد این سند همچنین حمایت جمهوری اسلامی

پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بازداشت نماید.

دادستان آرژانتین خواستار صدور حکم بازداشت علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به دلیل دخالت مذب‌گذاری سال ۱۹۹۴ آمیا شد.

دادستان ارشد پرونده مذب‌گذاری سال ۱۹۹۴ در مرکز جامعه یهودیان آرژانتین (آمیا) در بوئنوس آیرس، روز ۸ آوریل (۱۹ فروردین) از دادگاه فدرال آرژانتین درخواست کرد تا احکام بازداشت ملی و بین‌المللی علیه علی خامنه‌ای به اتهام دخالت در این حمله تروریستی مرگبار صادر کند.

سیاستین باسو که پس از قتل دادستان سابق، آلبرتو نیسمان، در سال ۲۰۱۵ جانشین او شد از قاضی فدرال دانیل رافکاس درخواست کرد تا رهبر جمهوری اسلامی را برای بازجویی احضار کند و حکم بازداشت بین‌المللی وی را از طریق اینترپل صادر نماید.

او همچنین به نیروهای امنیتی فدرال آرژانتین دستور داد که در صورت ورود خامنه‌ای به خاک آرژانتین، او را بازداشت کنند.

هرچند احتمال سفر خامنه‌ای به آرژانتین نزدیک صفر به نظر می‌رسد، اما برخی منابع نوشته‌اند این اقدام قانونی جدید نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی در رویکرد پیشین این کشور در این پرونده است که در آن رهبر رژیم ایران از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بود.

باسو ادعا کرد که «این رویکرد [مصونیت] با قوانین بین‌المللی هم‌راستا نیست» به ویژه در مورد جنایات علیه بشریت و اقدامات تروریستی.

به گزارش روزنامه محلی آرژانتینی «کلارین» (Clarín) دادستان ارشد استدلال کرد که خامنه‌ای بطور مستقیم در برنامه‌ریزی مذب‌گذاری آمیا در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۹۴، مرگبارترین حمله تروریستی در تاریخ آرژانتین که در آن ۸۵ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند، دخیل بوده است. کیهان لندن طی سال‌های گذشته گزارش‌های متعددی در این زمینه منتشر کرده است.

باسو در درخواست خود که به دادگاه ارائه داد، نوشت: «[خامنه‌ای] تصمیم به انجام حمله مذب‌گذاری در بوئنوس آیرس در ژوئیه ۱۹۹۴ را هدایت کرد و فرمان اجرایی [فتوا] شماره ۳۹ را برای اجرای آن صادر نمود.»

پیشتر دولت آرژانتین در اردیبهشت ۱۴۰۳ نیز از «اینترپل» خواسته بود احمد وحیدی وزیر کشور وقت جمهوری اسلامی در دولت ابراهیم رئیسی را به اتهام مشارکت در مذب‌گذاری «آمیا» بازداشت کند. آن زمان احمد وحیدی همراه ابراهیم رئیسی و چند مقام دیگر به پاکستان و سریلانکا سفر کرده بودند.

پیش از آن نیز در مهر ۱۴۰۱ دولت آرژانتین از قطر خواسته بود تا محسن رضایی معاون اقتصادی وقت دولت سیزدهم و فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بازداشت کند.

در تحولات جدید، دادگاه همچنین حکم داد که رژیم ایران مسئول مذب‌گذاری سال ۱۹۹۲ در سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس بوده است که ۲۹ نفر نیز در آن اقدام تروریستی جان باختند.

سال گذشته، قاضی رافکاس از اینترپل درخواست کرده بود تا چهار شهروند لبنانی را در ارتباط با تحقیقات مذب‌گذاری آمیا بازداشت کند. وی برای این اقدام به «شواهد قابل اعتماد مبنی بر همکاری این چهار نفر با شاخه نظامی حزب‌الله یا فعالیت به‌عنوان عوامل عملیاتی آن» استناد کرده است.

رویترز:

چند گروه شبه نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق برای «خلع سلاح» اعلام آمادگی کرده اند



حمل تابوت یکی از فرماندهان «کتاب حزب الله» در عراق که ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴ در حمله اسرائیل به دمشق کشته شد / رویترز

رویترز:

خامنه‌ای دستور «آماده باش نظامی» صادر کرده؛ هشدار به کشورهای منطقه

● یک مقام ارشد جمهوری اسلامی به رویترز گفته است که حکومت ایران در مقابل درخواست‌های آمریکا برای مذاکره مستقیم درباره برنامه هسته‌ای یا مواجه شدن با حمله نظامی مقاومت می‌کند اما آماده مذاکرات غیرمستقیم با میانجیگری عمان است.

● جمهوری اسلامی به کشورهای عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر، ترکیه و بحرین هشدار داده است که هرگونه حمایت از حمله آمریکا به نقاطی در ایران، از جمله در اختیار قرار دادن حریم هوایی یا قلمرو سرزمینی برای عملیات نظامی، اقدامی خصمانه تلقی خواهد شد.

● خبرگزاری رویترز به نقل از یک «مقام آگاه» نوشت، پنجره‌ی زمانی برای رسیدن به توافق حدود دو ماه است، زیرا جمهوری اسلامی ایران نگران است که اسرائیل در صورت طولانی شدن مذاکرات، حمله مستقلاً انجام دهد، و یا «مکانیسم ماشه» با بازگشت فوری همه تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی فعال شود.

یک مقام ارشد جمهوری اسلامی به رویترز گفته است که حکومت ایران در مقابل درخواست‌های آمریکا برای مذاکره مستقیم درباره برنامه هسته‌ای یا مواجه شدن با حمله نظامی مقاومت می‌کند و به کشورهای همسایه که میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا هستند هشدار داده که در صورت مشارکت، هدف قرار خواهند گرفت.

این مقام که نخواست نامش فاش شود، یکشنبه ۶ مارس ۲۰۲۵ (۱۷ فروردین) به رویترز گفت که ایران درخواست دونالد ترامپ برای مذاکره مستقیم را رد کرده اما مایل است به مذاکرات غیرمستقیم از طریق عمان ادامه دهد؛ کشوری که مدت‌هاست کانالی برای پیام‌رسانی بین جمهوری اسلامی و آمریکا تبدیل شده است. او گفت: «مذاکرات غیرمستقیم فرصتی برای ارزیابی جدی بودن واشنگتن در دستیابی به راه حل سیاسی با ایران فراهم می‌کند.»

به گفته این مقام، اگرچه این مسیر می‌تواند «پرچالش» باشد، اما مذاکرات ممکن است به زودی آغاز شوند، مشروط به آنکه پیام‌های آمریکا حمایت‌کننده باشند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی به کشورهای عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر، ترکیه و بحرین هشدار داده است که هرگونه حمایت از حمله آمریکا به نقاطی در ایران، از جمله در اختیار قرار دادن حریم هوایی یا قلمرو سرزمینی برای عملیات نظامی، اقدامی خصمانه تلقی خواهد شد. این مقام هشدار داد: «چنین اقدامی پیامدهای شدیدی برای آنها خواهد داشت.» وی افزود که علی خامنه‌ای به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی توصیه کرده است که در حالت آماده‌باش قرار داشته باشند. رویترز در ادامه می‌نویسد در پی آغاز دور جدیدی از درگیری‌ها در غزه و لبنان، حملات نظامی در یمن، تغییر زمامداران در سوریه و تبادل

● مقامات آمریکایی به دولت عراق هشدار داده‌اند که در صورت عدم انحلال این گروه‌ها، ممکن است این کشور با حملات هوایی آمریکا روبرو شود.

● عزت الشهبندر سیاستمدار بلندپایه شیعه نزدیک به ائتلاف حاکم عراق می‌گوید مذاکره میان محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق با فرماندهان شبه نظامی در این کشور «بسیار پیشرفت» داشته است.

● گروه‌هایی که برای خلع سلاح اعلام آمادگی کرده‌اند شامل «کتاب حزب الله»، «نُجباء»، «کتاب سیدالشهداء» و «انصارالله الاوفیاء» می‌شوند.

● برخی فرماندهان گروه‌های شبه نظامی گفته‌اند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آنها اجازه داده برای جلوگیری از جنگ، بطور مستقل تصمیم بگیرند.

خبرگزاری رویترز به نقل از ۱۰ فرمانده و مقام عراقی گزارش داد چند گروه شبه نظامی تحت حمایت جمهوری اسلامی در عراق برای نخستین بار آماده خلع سلاح شده‌اند تا از درگیری احتمالی با آمریکا جلوگیری شود.

در این گزارش که هفتم آوریل (۱۸ فروردین) منتشر شده، آمده است که مقامات آمریکایی به دولت عراق هشدار داده‌اند در صورت عدم انحلال این گروه‌ها، ممکن است این کشور با حملات هوایی آمریکا روبرو شود.

عزت الشهبندر سیاستمدار بلندپایه شیعه نزدیک به ائتلاف حاکم عراق می‌گوید مذاکره میان محمد شیاع السودانی نخست وزیر عراق با فرماندهان شبه نظامی عراق «بسیار پیشرفت» داشته است. او همچنین گفت: «این جریان‌ها سرسخت نیستند یا اصرار ندارند که در قالب فعلی به کار خود ادامه دهند.» وی تأکید کرده که این گروه‌ها «کاملاً آگاه هستند» که می‌توانند هدف حملات آمریکا قرار گیرند.

گروه‌هایی که تا کنون برای خلع سلاح اعلام آمادگی کرده‌اند شامل «کتاب حزب الله»، «نُجباء»، «کتاب سیدالشهداء» و «انصارالله الاوفیاء» هستند.

برخی فرماندهان گروه‌های شبه نظامی گفته‌اند سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی به آنها اجازه داده برای جلوگیری از جنگ، بطور مستقل تصمیم بگیرند.

فرهاد علاءالدین مشاور امور خارجی شیاع السودانی در پاسخ به پرسشی درباره مذاکرات خلع سلاح به رویترز گفت که نخست وزیر متعهد است از طریق مذاکرات سازنده با بازیگران مختلف در کشور اطمینان حاصل کند که همه سلاح‌ها در عراق به کنترل دولت درآمده است.

یکی از فرماندهان کتاب حزب الله مورد حمایت جمهوری اسلامی هشدار داده است، «ترامپ آماده است که جنگ با ما را به وضعیت بدتری بکشاند، ما این را می‌دانیم و می‌خواهیم از چنین سناریوی بدی جلوگیری کنیم.»

به گفته دو مقام امنیتی عراقی که فعالیت‌های شبه نظامیان را رصد و نظارت می‌کنند، ۱۰ گروه مسلح شیعه بخشی از «مقاومت اسلامی عراق» هستند که در مجموع حدود ۵۰ هزار نیرو و همچنین زرادخانه‌ای شامل موشک‌های دوربرد و سلاح‌های ضد هوایی در اختیار دارند.

برخی از این گروه‌ها از ماه ژانویه سال ۲۰۲۵ پایگاه‌های خود را در موصل و الانبار تخلیه کرده و حضور و تحرکات نظامی خود را کاهش داده‌اند.

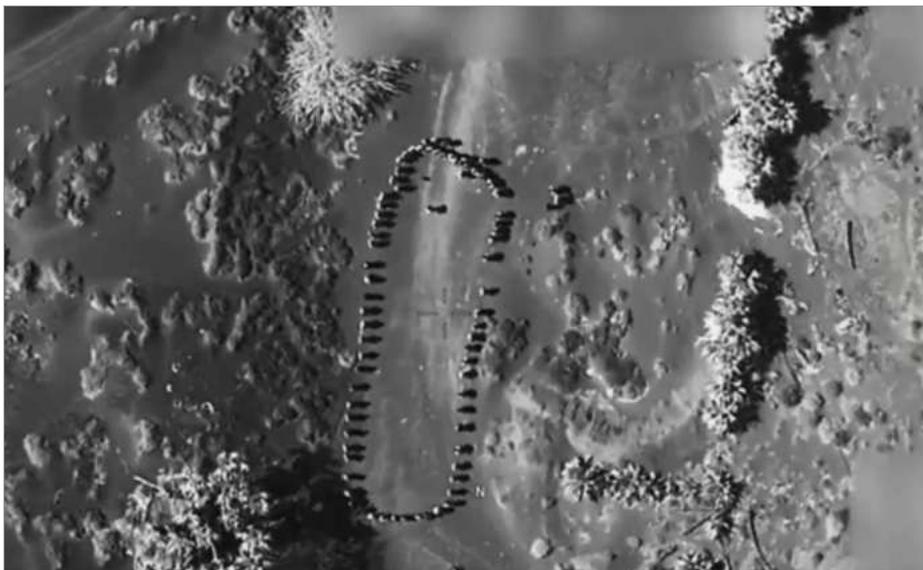
در بخشی از گزارش رویترز آمده، فرماندهان این گروه‌ها می‌گویند برای امنیت بیشتر، محل اقامت، ماشین و تلفن‌های خود را دائم تغییر می‌دهند.

یکی از شروط دونالد ترامپ برای توافق جدید با جمهوری اسلامی، خلع سلاح گروه‌های نیابتی وابسته به رژیم از جمله در عراق و انحلال حشدالشعبی است.

محمد کاظم آل صادق سفیر جمهوری اسلامی در عراق گفته است که نامه دونالد ترامپ به علی خامنه‌ای شامل «چهار پرونده مقاومت و گروه‌ها، انحلال حشدالشعبی، موشک‌های بالستیک و پرونده هسته‌ای را شامل می‌شود ما تنها درباره پرونده هسته‌ای صحبت می‌کنیم و امور دیگر ارتباطی به ما و طرف عراقی یا محورهای مقاومت ندارد، درباره موشک‌ها هم صحبت نمی‌کنیم.»

وزیر اطلاع‌رسانی یمن:

شماری از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حمله هوایی آمریکا کشته شدند



تجمع شماری از فرماندهان حوثی و نیروهای شبه نظامیان در یمن که هدف حمله آمریکا قرار گرفتند

با دقت بالا به اهداف خود رسیدند و منجر به کشته شدن صدها نفر از عناصر تروریستی از جمله فرماندهان رده اول، دوم و سوم شدند.

الایرانی تأکید کرد، «با وجود پنهانکاری شدید حوثی‌ها درباره تلفات انسانی، منابع تأکید می‌کنند که این عملیات‌ها موجب آشفته‌گی در صفوف این گروه شده است. حوثی‌ها تلاش می‌کنند با سانسور رسانه‌ای و جلوگیری از انتشار اسامی و تصاویر کشته‌شدگان، ابعاد این شکست را کم‌رنگ جلوه دهند. با این حال، واقعیت آشکار این است که این عملیات‌ها نقطه عطفی در مسیر درگیری‌ها به شمار می‌روند و پیامی روشن ارسال می‌کنند مبنی بر اینکه هرگونه تهدیدی علیه امنیت منطقه‌ای و گذرگاه‌های دریایی با پاسخ قاطع مواجه خواهد شد.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا با انتشار ویدیویی از هدف قرار دادن شماری از نیروهای شبه نظامی حوثی در یمن در متنی کوتاه که ۵ آوریل (۱۶ فروردین) در «ایکس» منتشر شد نوشت: «این حوثی‌ها برای دستورالعمل حمله جمع شدند. او! اما دیگر هیچ حمله‌ای از سوی این حوثی‌ها صورت نخواهد گرفت! آنها دیگر هرگز کشتی‌های ما را غرق نمی‌کنند!»

در این حمله هوایی از یک بمب سنگین استفاده شده که از شدت انفجار آن گودال بسیار بزرگی در محل اصابت ایجاد شد. به نظر می‌رسد این ویدیو مربوط به همان حمله‌ای است که الایرانی به آن اشاره کرد.

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» روز پنجشنبه سوم مارس (۱۴ فرودین) به نقل از یک مقام ارشد ایرانی گزارش داد که جمهوری اسلامی به دلیل تشدید حملات هوایی آمریکا علیه نیروهای حوثی متحد تهران، به نیروهای نظامی خود دستور خروج از یمن را داده است. هدف از این اقدام، جلوگیری از رویارویی مستقیم با ایالات متحده اعلام شده است.

● **معمّر الایرانی وزیر اطلاع‌رسانی دولت قانونی یمن اعلام کرد، در یک حمله هوایی دقیق که نیروهای آمریکایی در روز سه‌شنبه، دوم آوریل (۱۳ فروردین) انجام شد، دست‌کم ۷۰ نفر از تروریست‌های حوثی از جمله فرماندهان میدانی برجسته و شماری کارشناسانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدند.**

● **برخی منابع گزارش دادند که مجموعه‌ای از حملات هوایی متمرکز علیه مواضع شبه‌نظامیان حوثی در دو هفته گذشته، تأسیسات نظامی، استحکامات، انبارهای سلاح و سامانه‌های دفاعی را در چندین استان هدف قرار داده‌اند. این حملات با دقت بالا به اهداف خود رسیدند و منجر به کشته شدن صدها نفر از عناصر تروریستی از جمله فرماندهان رده اول، دوم و سوم شدند.**

معمّر الایرانی وزیر اطلاع‌رسانی دولت قانونی یمن اعلام کرد، در یک حمله هوایی دقیق که نیروهای آمریکایی در روز سه‌شنبه، دوم آوریل (۱۳ فروردین) انجام شد، دست‌کم ۷۰ نفر از تروریست‌های حوثی از جمله فرماندهان میدانی برجسته و شماری کارشناسانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شدند.

الایرانی توضیح داد این حمله محل تجمع حوثی‌ها در جنوب منطقه ساحلی «الفازه» در استان الحدیده را هدف قرار داد.

به گفته منابع میدانی موثق، این حمله هوایی مکانی را هدف قرار داد که برای برنامه‌ریزی حملات تروریستی علیه کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در دریای سرخ، تنگه باب‌المندب و خلیج عدن استفاده می‌شد.

برخی منابع گزارش دادند که مجموعه‌ای از حملات هوایی متمرکز علیه مواضع شبه‌نظامیان حوثی در دو هفته گذشته، تأسیسات نظامی، استحکامات، انبارهای سلاح و سامانه‌های دفاعی را در چندین استان هدف قرار داده‌اند. این حملات

→ **آتش بین اسرائیل و رژیم ایران، تهدیدهای ترامپ برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی، تنش‌ها در منطقه را بیشتر و کشورهای منطقه را نگران کرده است.**

سخنگویان دولت‌های عراق، کویت، امارات، قطر و بحرین فوراً به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخ ندادند. وزارت خارجه ترکیه اعلام کرد از هشدار جمهوری اسلامی ایران اطلاعی ندارد، اما احتمال دارد چنین پیام‌هایی از طریق کانال‌های دیگر ارسال شده باشد.



علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی / عکس: رویترز

رسانه‌های دولتی در ایران روز چهارشنبه گزارش دادند که کویت به ایران اطمینان داده که اجازه نخواهد داد هیچ اقدام تهاجمی از خاک آن کشور علیه دیگران صورت بگیرد. روسیه روز پنجشنبه اعلام کرد که تهدیدات نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی غیرقابل قبول است و روز جمعه خواستار خویشتنداری طرفین شد.

مقام دوم ایرانی گفت که جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای کسب حمایت بیشتر از روسیه است اما نسبت به تعهد واقعی مسکو به این اتحاد تردید دارد. وی این موضوع را «وابسته به روابط ترامپ و پوتین» دانست.

فرصت دوم ماهه

ترامپ گفته ترجیح می‌دهد توافقی در مورد برنامه هسته‌ای ایران حاصل شود تا اینکه به درگیری نظامی کشیده شود. او هفتم مارس اعلام کرد نامه‌ای به خامنه‌ای برای پیشنهاد مذاکره ارسال کرده است. مقام ایرانی گفت که دور اول گفتگوهای غیرمستقیم می‌تواند با میانجیگری عمان باشد که بین هیئت‌های ایرانی و آمریکایی رفت و آمد می‌کند. خامنه‌ای اجازه داده که عباس عراقچی یا معاونش مجید تخت‌روانچی در این مذاکرات در مسقط شرکت کنند. سخنگوی دولت عمان به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخ نداد.

به گفته این مقام، پنجره‌ی زمانی برای رسیدن به توافق حدود دو ماه است، زیرا حکومت ایران نگران است که اسرائیل در صورت طولانی شدن مذاکرات، حمله مستقلی انجام دهد، و یا «مکانیسم ماشه» و بازگشت فوری همه تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی فعال شود. جمهوری اسلامی ادعا کرده که قصد ساخت سلاح هسته‌ای ندارد. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۱۴ فروردین در مصاحبه با شبکه «La Nación» آرژانتین گفت، «ایران امروز سلاح هسته‌ای ندارد، اما بسیاری از مواد و قسمت‌های پازل ساخت یک سلاح هسته‌ای را به دست آورده است.»

از دولت‌سازی تا تمدن‌نمایی و پل‌های جهانی: نگاهی به سه دوره پهلوی (بخش ۳)

دکتر مهدی میرسعیدی



خواستار بازگشت سلطنت مشروطه و مقاومت علیه جمهوری اسلامی شد.

در دهه ۱۹۹۰ دیدگاهش تغییر اساسی کرد و به سوی دموکراسی و دولت سکولار تغییر یافت. در ۱۹۹۷ با انتشار کتابی به نام «گذشته و آینده» بر مقاومت مسالمت‌آمیز و آشتی ملی تأکید کرد که زمینه‌ساز فعالیت‌های سیاسی بعدی‌اش شد.

اگر بعد از دوره گذار از رژیم ملاحا، مردم ایران ولیعهد را به عنوان سومین پادشاه پهلوی برگزینند، باید انتظار داشت که دوره‌ای آغاز خواهد شد که در آن یک دولت و ملت سکولار در ایران پایه‌گذاری گردد و «رضاشاه دوم» به عنوان پادشاه مشروطه نقش مهمی در ادامه خدمات خاندان پهلوی بر عهده بگیرد. وی با ارائه یک استراتژی نوین برای توسعه ایران، به دولت و مجلس کمک خواهد کرد تا مرحله سوم دولت‌سازی و تمدن‌نمایی ایران آغاز گردد.

با مطالعه دقیق سخنان و آثار مکتوب شاهزاده رضا پهلوی و با در نظر گرفتن روند ملیت و دولت‌سازی پهلوی‌ها، می‌توان دریافت که احتمالاً هدف اصلی او ایجاد پل‌های ارتباطی مستحکم میان دولت و ملت ایران با سراسر جهان خواهد بود. این دیدگاه استراتژیک، رویکردی هوشمندانه و آینده‌نگر برای برون‌رفت از انزوای بلندمدتی است که ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ و به دنبال تخریب گسترده سابقه ایران و ایرانیان توسط رژیم‌ملاحا تجربه کرده است. او در این مسیر با الهام از میراث پدربزرگ و پدرش، به ویژه محمدرضاشاه که جایگاه برجسته‌ای برای ایران در عرصه جهانی به ارمغان آورده بود، تلاش خواهد کرد تا با تکیه بر دیپلماسی فعال، مناسبات فرهنگی غنی و ابتکارات نوین، هویت و اعتبار ایران را در جامعه بین‌المللی بازسازی و تقویت کند.

یکی از اقدامات محتمل و کلیدی در دوره سومین پادشاه پهلوی، تقویت روابط اقتصادی با کشورهای شرق و غرب خواهد بود که نشان‌دهنده دیدگاهی آینده‌نگر و عمل‌گرایانه است. او احتمالاً مشوق سیاستی متعادل و متوازن ←

این مراسم، گروه‌های موسیقی و رقص محلی از سراسر ایران دعوت می‌شدند تا تنوع فرهنگی کشور را به نمایش بگذارند، و این اقدام به تقویت حس همبستگی میان اقوام مختلف کمک کرد. علاوه بر این، او دستور بازسازی بناهای تاریخی مانند آرامگاه فردوسی در توس و کاخ گلستان را صادر کرد تا این مکان‌ها به عنوان مراکز فرهنگی و گردشگری، گذشته پرافتخار ایران را زنده نگه دارند.

در سطح بین‌المللی، محمدرضاشاه با ارسال گروه‌های هنری ایرانی به کشورهای مختلف، از جمله اجرای اپراهای پارسی در تالارهای معتبر اروپا و آمریکا، فرهنگ ایران را به جهانیان معرفی کرد. او همچنین با اهدای آثار هنری و نسخ خطی نفیس به موزه‌های بزرگ جهان، مانند لوور و متروپولیتن، به گسترش فرهنگ اصیل ایرانی در جهان کمک شایانی کرد.

در یک نگاه منصفانه، با وجود مشکل‌سازی‌های عدیده ملاحا و جریان‌ات متمایل به شوروی، محمدرضاشاه توانست مسیر پدرش، رضاشاه بزرگ را در دولت‌سازی و ملت‌سازی با موفقیت ادامه دهد و مرحله‌ای نوین را با هدف معرفی ایران، تاریخ و تمدن غنی آن به جهانیان به شکلی مؤثر پایه‌ریزی کند. او با تکیه بر دستاوردهای پیشین و افزودن ابعاد تازه به آنها، گام‌هایی استوار در جهت تقویت ساختار سیاسی و هویت ملی ایران برداشت. این اقدامات نه تنها به احیای هویت فرهنگی ایران و بازسازی غرور ملی کمک کرد، بلکه این کشور را به عنوان قدرتی فرهنگی و تأثیرگذار در عرصه جهانی مطرح نمود و میراثی ارزشمند و ماندگار از دوران حکومت خود به یادگار گذاشت.

ولیعهد شاهزاده رضا پهلوی: ایجاد پل‌های ارتباطی بین ایران و ایرانیان با دولت و ملت‌های دنیا

رضا پهلوی پس از انقلاب ۱۹۷۹ و تبعید خانواده‌اش، تا کنون به عنوان چهره سیاسی فعالیت کرده است. پس از مرگ پدرش در ۱۹۸۰، زمانی که ۲۰ سال بیشتر نداشت بطور نمادین جانشین تاج و تخت ایران نامیده و در تبعید

● اگر رضاشاه بر دولت‌سازی و ملیت‌سازی متمرکز بود، هدف اصلی محمدرضاشاه رساندن ایران به سطح متمدن و هم‌تراز با غرب بود.

● اگر بعد از دوره گذار از رژیم ملاحا، مردم ایران ولیعهد شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان سومین پادشاه پهلوی برگزینند، باید انتظار داشت که دوره‌ای آغاز خواهد شد که در آن یک دولت و ملت سکولار در ایران پایه‌گذاری گردد و «رضاشاه دوم» به عنوان پادشاه مشروطه نقش مهمی در ادامه خدمات خاندان پهلوی بر عهده بگیرد. وی با ارائه یک استراتژی نوین برای توسعه ایران، به دولت و مجلس کمک خواهد کرد تا مرحله سوم دولت‌سازی و تمدن‌نمایی ایران آغاز گردد.

سازمان‌های فرهنگی نیز در این دوره نقش مهمی ایفا کردند. تأسیس «سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران» در سال ۱۳۴۵ یکی از دستاوردهای بزرگ فرهنگی بود که به محمدرضاشاه امکان داد تا برنامه‌های فرهنگی را به خانه‌های مردم برسد. این سازمان با پخش برنامه‌هایی درباره تاریخ ایران، ادبیات فارسی، و دستاوردهای علمی و صنعتی کشور، به ترویج فرهنگ ملی و مدرن کمک کرد. برنامه‌هایی مانند «ایران‌زمین» و «گنجینه‌های فرهنگ ایران» با نمایش مستندهایی درباره آثار باستانی و زندگی روزمره مردم، حس تعلق به هویت ملی را تقویت می‌کردند. همچنین تأسیس «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» در سال ۱۳۴۴ با هدف آموزش و تربیت نسل جوان از طریق کتاب، فیلم و فعالیت‌های هنری، به خلاقیت و آگاهی فرهنگی کودکان کمک کرد. این کانون با انتشار کتاب‌های مصور و تولید فیلم‌هایی مانند «شهر قصه»، به محبوبیت گسترده‌ای دست یافت و تأثیر عمیقی بر نسل‌های آینده گذاشت.

محمدرضاشاه همچنین به احیای سنت‌ها و آیین‌های ملی توجه داشت. او با حمایت از برگزاری مراسم نوروز در کاخ‌های سلطنتی و پخش آن از تلویزیون، این جشن باستانی را به نمادی از وحدت و شادی ملی تبدیل کرد. در

→ خواهد بود تا ایران را از وابستگی به یک بلوک خاص رها کرده و به جایگاهی مستقل و قدرتمند در عرصه جهانی برساند. در این راستا، وی مشوق ارتباط با کشورهایمانند چین و هند از یکسو و اتحادیه اروپا، آمریکا و خصوصا اسرائیل از سوی دیگر برای همکاری‌های گسترده و چندجانبه خواهد بود که نه تنها اقتصاد ایران را شکوفا می‌کند، بلکه این کشور را به شریکی قابل اعتماد در نظام بین‌الملل تبدیل خواهد نمود. بازدید ایشان از کشور اسرائیل که به عنوان حرکتی بسیار هوشمندانه توسط ناظرین سیاسی نام برده می‌شود، نشان‌دهنده توجه وی به روابط دوستانه و استراتژیک با کشوری با سابقه دوستی هزاران ساله است.

در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، ایران با تکیه بر ظرفیت‌های طبیعی خود مانند تابش خورشیدی فراوان و بادهای قوی در مناطق کویری، پروژه‌های مشترک عظیمی را راه‌اندازی خواهد کرد. این پروژه‌ها شامل ساخت مزارع خورشیدی پیشرفته و نیروگاه‌های بادی خواهد بود که تولید انرژی پاک را افزایش داده و ایران را به صادرکننده‌ای پیشرو در این عرصه تبدیل خواهد کرد. اسرائیل و آمریکا و حتی چین با فناوری پیشرفته و تجربه گسترده خود در این حوزه، شریکی ایده‌آل برای این ابتکارات خواهد بود و سرمایه‌گذاری‌های مشترک، زیرساخت‌های انرژی ایران را به سطحی بی‌سابقه ارتقا خواهد داد. در زمینه شیرین‌سازی آب و تامین منابع آب برای کشاورزی و صنعت و در عین حال بهینه‌سازی منابع آب شیرین که از دغدغه‌های دیگر ایشان است، از اسرائیل کمک خواهد گرفت که در سفر اسرائیل نیز مورد بررسی قرار گرفته است. احتمالا دولت آینده با هند روابط تجاری و فناوری را تقویت خواهد کرد و همکاری‌هایی در زمینه فناوری اطلاعات با این کشور شکل خواهد گرفت. ایران با نیروی انسانی جوان و تحصیلکرده خود، پارک‌های فناوری مشترکی با شرکت‌های هندی تأسیس خواهد کرد که به توسعه نرم‌افزارها، هوش مصنوعی و استارت‌آپ‌های نوآورانه منجر خواهد شد. این همکاری نه تنها فرصت‌های شغلی فراوانی برای جوانان ایرانی فراهم خواهد کرد، بلکه ایران را به مرکزی برای نوآوری در منطقه خاورمیانه تبدیل خواهد نمود. تبادل دانش و سرمایه‌گذاری‌های مشترک، اقتصاد دیجیتال ایران را شکوفا خواهد کرد و این کشور را در رقابت فناوری جهان به پیش خواهد راند.

در رابطه با اتحادیه اروپا، دولت همسو با «رضاشاه دوم» احتمالا با تمرکز بر تجارت بین‌المللی، توافق‌نامه‌های گسترده‌ای را به امضا خواهد رساند که صادرات کالاهای ایران مانند زعفران، پسته، فرش دستباف و محصولات پتروشیمی را به بازارهای اروپایی تسهیل خواهد کرد. بهینه‌سازی زیربنایی در استخراج و تصفیه نفت، بهینه‌سازی محصولات کشاورزی و به‌روزرسانی به استانداردهای اروپایی و آمریکایی، سبب افزایش صادرات و بهبود جایگاه محصولات ایرانی در سطح جهانی خواهد شد. دولت آینده با ایجاد مناطق آزاد تجاری و کاهش موانع گمرکی، حجم تجارت دوجانبه را افزایش خواهد داد و ایران را به قطب ترانزیت میان آسیا و اروپا تبدیل خواهد کرد. این سیاست با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی استراتژیک ایران، فرصت‌های اقتصادی بی‌نظیری خلق خواهد کرد و به تقویت پیوندهای فرهنگی و سیاسی با اروپا نیز کمک خواهد نمود.

جاده نوین راه ابریشم، به عنوان یکی از ابتکارات برجسته و آینده‌نگر در دوره حکومت مشروطه سومین پادشاه پهلوی می‌تواند با عبور از ایران، نقشی محوری در احیای جایگاه تاریخی این کشور به عنوان قلب تجارت جهانی ایفا کند و به تقویت چشمگیر تجارت بین‌المللی منجر شود. این پروژه، که احتمالا با الهام از مسیر باستانی راه ابریشم

طراحی خواهد شد، ایران را به نقطه اتصال حیاتی میان شرق و غرب تبدیل خواهد کرد و با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی استراتژیک این کشور، فرصت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بی‌نظیری را خلق خواهد نمود.

با وجود مشکلات کنونی از جمله از بین رفتن موقعیت‌های طلایی کنونی، دولت آینده احتمالا برنامه‌ای جامع برای توسعه زیرساخت‌های لازم را تدوین خواهد کرد تا ایران به شاهراه اصلی این جاده نوین تبدیل شود. دولت شبکه‌ای مدرن از جاده‌ها، خطوط راه‌آهن پرسرعت و بنادر پیشرفته را احداث خواهد کرد که از شرق ایران، در مرزهای مشترک با افغانستان و ترکمنستان، آغاز شده و تا غرب کشور، در نزدیکی ترکیه و دریای مدیترانه، امتداد خواهد یافت. این مسیر، با اتصال بنادر جنوبی ایران مانند چابهار و بندرعباس به آسیای میانه، قفقاز و اروپا، جریان انتقال کالاها، انرژی و فناوری را تسریع خواهد کرد.

یکی از اقدامات کلیدی در این پروژه، همکاری با چین، به عنوان پیشگام طرح «کمربند و جاده»، خواهد بود. ایران احتمالا با امضای توافق‌نامه‌های بلندمدت، میزبان پروژه‌های عظیم زیرساختی مانند خط راه‌آهن برقی تهران-مشهد- سرخس خواهد شد که با فناوری چینی ساخته می‌شود. این خط که با سرعت ۳۰۰ کیلومتر در ساعت عمل خواهد کرد، زمان حمل و نقل کالاها از شرق آسیا به اروپا را به نصف کاهش خواهد داد و هزینه‌های تجاری را بطور قابل توجهی پایین خواهد آورد. می‌توان پیش‌بینی کرد که چین همچنین در توسعه بندر چابهار سرمایه‌گذاری خواهد کرد و این بندر را به دروازه‌ای برای ورود کالاهای آسیایی به خاورمیانه و آفریقا تبدیل خواهد کرد.

علاوه بر چین، دولت همسو با سومین پادشاه پهلوی با کشورهایمانند هند، روسیه و اتحادیه اروپا نیز همکاری خواهد کرد تا جاده نوین راه ابریشم به شبکه‌ای چندجانبه و فراگیر تبدیل شود. هند که پیشتر در توسعه چابهار مشارکت داشت، خطوط کشتیرانی پیشرفته‌ای را راه‌اندازی خواهد کرد که کالاهای تولیدی این کشور را از طریق ایران به بازارهای آسیای میانه و اروپا منتقل خواهد کرد. احتمالا روسیه نیز با اتصال راه‌آهن خود به شبکه ایران از طریق آذربایجان، مسیر شمالی- جنوبی را تکمیل خواهد کرد و امکان انتقال گاز و نفت خود به خلیج فارس را فراهم خواهد نمود. اتحادیه اروپا با هدف دسترسی سریع‌تر به بازارهای آسیایی، در ساخت بزرگراه‌های هوشمند و پل‌های مرزی سرمایه‌گذاری خواهد کرد که ایران را به ترکیه و سپس به اروپا متصل می‌کند. ایجاد زمینه مناسب سیاسی در ترکیه برای نوسازی این جاده ابریشم نوین الزامی است.

این جاده نوین تنها به حمل و نقل کالاها محدود نخواهد شد، بلکه به عنوان بستری برای تبادل فرهنگی و فناوری نیز عمل خواهد کرد. با تأسیس مراکز تجاری و فرهنگی در امتداد این مسیر، مانند شهرک‌های بازرگانی در شهرهایی چون تبریز، زاهدان و خرمشهر، و بندر انزلی، فضایی برای ارتباطات تجاری، هنرمندان و محققان از کشورهای مختلف ایجاد خواهد شد. این مراکز میزبان نمایشگاه‌های بین‌المللی، بازارهای دائمی و کنفرانس‌های علمی خواهند بود که فرهنگ غنی ایران را به نمایش گذاشته و همکاری‌های علمی و هنری را تقویت خواهد کرد. به عنوان مثال، کاروانسراهای مدرن با الهام از معماری سنتی ایران ساخته خواهد شد که هم به عنوان ایستگاه‌های تجاری و هم به عنوان جاذبه‌های گردشگری عمل خواهند کرد.

از نظر اقتصادی، این پروژه تأثیرات شگرفی به همراه خواهد داشت. ایران با دریافت عوارض ترانزیت، درآمد ارزی هنگفتی کسب خواهد کرد که به تقویت زیرساخت‌های

داخلی و بهبود سطح زندگی مردم منجر خواهد شد. شرکت‌های ایرانی در زمینه حمل و نقل، لجستیک و تولید، با ورود به این شبکه جهانی، فرصت رقابت در بازارهای بین‌المللی را پیدا خواهند کرد و صادرات کالاهایی مانند فرش، خشکبار و محصولات پتروشیمی افزایش چشمگیری خواهد یافت. همچنین، ایجاد صدها هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم در ساخت و ساز، مدیریت بندرها و خدمات تجاری، نرخ بیکاری را کاهش خواهد داد و به پویایی اقتصاد محلی کمک خواهد کرد. در حوزه زیست محیطی، دولت در زمان سومین پادشاه پهلوی احتمالا با استفاده از فناوری‌های سبز در این پروژه، پایداری را در اولویت قرار خواهد داد. دولت از انرژی خورشید و باد برای تأمین برق ایستگاه‌های راه‌آهن و بنادر استفاده خواهد کرد و مسیرهای حمل و نقل را به گونه‌ای طراحی خواهد کرد که کمترین آسیب را به اکوسیستم‌های طبیعی ایران وارد کند. این رویکرد، ایران را به الگویی برای توسعه پایدار در منطقه تبدیل خواهد کرد و حمایت سازمان‌های بین‌المللی مانند برنامه محیط زیست سازمان ملل را جلب خواهد نمود.

بطور کلی، جاده نوین راه ابریشم اگر از ایران عبور نماید با مدیریت هوشمندانه در ایران آینده، تجارت بین‌المللی را می‌تواند تقویت کرده و ایران را به مرکز ثقل اقتصاد، فرهنگ و فناوری در منطقه تبدیل سازد. در حوزه علمی، قابل انتظار است که دولت با نگاهی آینده‌نگر و استراتژیک، همکاری‌های گسترده‌ای را با مراکز علمی برجسته جهان پایه‌ریزی کند که ثمرات فراوان و تحول‌آفرینی برای ایران به همراه خواهد داشت. دولت با امضای تفاهم‌نامه‌هایی جامع با دانشگاه‌های معتبر آمریکا، اسرائیل، اروپا و دیگر نقاط جهان، بستری بی‌نظیر برای تبادل دانش، ارتقای سطح علمی کشور و پرورش نسلی از محققان و نوآوران فراهم خواهد کرد. این ابتکارات نه تنها جایگاه علمی ایران را در سطح جهانی تقویت خواهد کرد، بلکه این کشور را به مرکزی برای نوآوری و پیشرفت در قرن بیست و یکم تبدیل خواهد نمود.

یکی از اقدامات کلیدی در ایران آینده، ایجاد برنامه‌های تبادل دانشجو و استاد با دانشگاه‌هایی مانند هاروارد، ام‌آی‌تی، آکسفورد و انستیتو فناوری اسرائیل (تخنیون) خواهد بود. دولت آینده با اختصاص بورسیه‌های ملی به دانشجویان ایرانی، فرصت تحصیل در این مراکز برتر را فراهم خواهد کرد و همزمان، اساتید برجسته بین‌المللی را که بسیاری ایرانی‌تبار هستند به ایران دعوت خواهد کرد تا در دانشگاه‌های کشور تدریس و تحقیق کنند. این تبادل دوسویه، دانش روز دنیا را به ایران خواهد آورد و دانشجویان و پژوهشگران ایرانی را با آخرین دستاوردهای علمی آشنا خواهد کرد، در حالی که فرهنگ غنی و استعدادهای بومی ایران نیز به جهان معرفی خواهد شد.

پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، یکی دیگر از ستون‌های این همکاری‌ها خواهد بود که در زمینه‌های پیشرفته‌ای مانند بیوتکنولوژی، نانو تکنولوژی، هوش مصنوعی و علوم فضایی گسترش خواهد یافت. به عنوان مثال، ایران با همکاری دانشگاه استنفورد و مراکز تحقیقاتی اسرائیل، آزمایشگاه‌های پیشرفته‌ای برای توسعه روش‌های نوین درمان بیماری‌ها از طریق بیوتکنولوژی تأسیس خواهد کرد. این پروژه‌ها، که با سرمایه‌گذاری مشترک دولت و بخش خصوصی حمایت خواهند شد، به تولید داروهای پیشرفته و فناوری‌های پزشکی منجر خواهد شد که نه تنها نیازهای داخلی را برآورده می‌کند، بلکه به بازارهای جهانی نیز صادر خواهد شد. در زمینه نانو تکنولوژی، همکاری با دانشگاه‌های اروپا مانند کمبریج و مونپخ، ایران را به پیشگام تولید مواد پیشرفته برای صنایع هوافضا و الکترونیک تبدیل خواهد کرد. (ادامه دارد)

کمپین همبستگی مادران دادخواه؛ «من هم مادر کسی هستم»



تصاویر تعدادی از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱

دیکتاتوری از پای نخواهم نشست و ترسی بابت جان و عمرم و آزادی و شأن و مقام و شغل و جایگاه‌ها هم نداشته‌ام و جانم را فدای آرمان‌ها و اهداف‌ام هم نخواهم کرد. من کاملیا سجادیان مادر جاویدنامان وطنم محمدحسن ترکمان و سید محمد حسینی، پرچمدار دادخواهی و عدالت‌ام. زندگی می‌کنم اما هرگز تن به ذلت نخواهم داد که مرگ با عزت را به زندگی با ذلت ترجیح داده و مرگ برای من آغازین عشق به معبود است، پس این راه و مسیر تا پای جانم ادامه دارد.»

محمد (کیان) حسینی از بازداشت‌شدگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ به همراه محمد مهدی کرمی با پرورده‌سازی نهادهای امنیتی به علت شرکت در مراسم چهلم حدیث نجفی از جانب‌باختگان اعتراضات هستند که ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۱ به جوبه دار سپرده شدند.

بر اساس گزارش‌ها مادر و پدر محمد (کیان) حسینی درگذشته‌اند و او به تنهایی زندگی می‌کرد و در مدت بازداشت و محکومیت به اعدام کسی برای ملاقات یا پیگیری پرورده او به دادسرا یا زندان مراجعه نکرد. این گزارش‌ها افزوده‌اند محمد (کیان) حسینی حتی کسی را نداشت که پس از اعدام پیکر بی‌جان او را تحویل بگیرد و دفن کند. این موضوع سبب شد بسیاری از پدران و مادران دادخواه، در کنار دادخواهی خون فرزندان خود، بر دادخواهی برای محمد (کیان) حسینی هم تأکید کنند.

کاملیا سجادیان مادر محمدحسن ترکمان هزینه تهیه و نصب سنگ قبر بر مزار محمد (کیان) حسینی را تقبل و او را نیز فرزند خود خواند.

اکنون در پاسخ به کمپین «من هم مادر کسی» ←

لطفاً برای ایجاد یکپارچگی و همبستگی، همگی عکسی از خود در کنار فرزندان برومند و جاوید نام و قهرمان‌تان منتشر کرده و کپشنی با همین مضمون به اشتراک بگذارید تا برای چندمین بار اعلام یکدلی و اتحاد، مادران داغدار، شکل گرفته و مشت محکمی بر دهان گشاد یاهو‌گویان و قاتلان و دروغ‌گویان و دیکتاتوری باشد.»

او در ادامه افزوده که «اتحاد خانواده‌های دادخواه، مانند تیر خلاصی‌ست که باید بر پیکره‌ی ظلم و ستم قرار بگیرد، پس بنویسید: من هم مادر کسی هستم.»

این مادر دادخواه در ادامه نوشته بود: «من کاملیا سجادیان مادر قهرمان جاویدنام محمدحسن ترکمان و سیدمحمد حسینی هستم. من مادری قهرمان برای دادخواهی خون به ناحق ریخته‌ی فرزندم هستم. من هم مادر کسی هستم.»

او خطاب به مادران دادخواه نوشته بود «لطفاً همگی مادران دادخواه هماهنگ و متحد امروز چنین کپشنی را به اشتراک بگذارید، به امید سرنگونی و سقوط دیکتاتوری و ظالمان و ستمگران و قاتلان فرزندان نیلی.»

کاملیا سجادیان در پست دیگری در اینستاگرام خود که ساعاتی پیش منتشر شده نوشته «من هم مادر کسی هستم، با افتخار و سربلندی، من کاملیا سجادیان مادر قهرمان جاوید نام سید محمد حسینی هستم، مادری قهرمان برای دادخواهی خون به ناحق ریخته‌ی فرزندم هستم، به امید سرنگونی و سقوط دیکتاتوری و ظالمان و ستمگران و قاتلان فرزندان نیلی.»

او افزوده «با افتخار و سربلندی، مادر جاویدنامان وطنم و فرزندان نیلی ایران هستم که قلبم برای هموطنان عزیزم می‌تپد و تا اجرای عدالت و محاکمه‌ی عادلانه عوامل

● مادران دادخواه با فراخوانی از سوی کاملیا سجادیان مادر دادخواه محمد حسن ترکمان از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱، به کمپین «من هم مادر کسی هستم» پیوستند.

● کاملیا سجادیان روز گذشته با انتشار متنی در صفحه اینستاگرام خود خواستار همبستگی و اتحاد مادران دادخواه شد و از آنها خواست با انتشار تصاویر خود و فرزندان‌شان، متن «من هم مادر کسی هستم» را منتشر کنند.

● مادران جواد موسوی، پژمان قلبی‌پور، سیاوش محمودی، نوید بهبودی، صالح میرهاشمی، امید مؤیدی، فریدون محمودی و محسن موسوی که همگی فرزندان خود را در اعتراضات سراسری سال‌های گذشته و در پی سرکوب مأموران حکومتی از دست دادند، از جمله مادران دادخواهی هستند که در ساعات گذشته به این کمپین پیوستند.

مادران دادخواه از روز گذشته با فراخوانی از سوی کاملیا سجادیان مادر دادخواه محمد حسن ترکمان از جانب‌باختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱، به کمپین «من هم مادر کسی هستم» پیوستند.

کاملیا سجادیان مادر محمدحسن ترکمان روز گذشته در صفحه اینستاگرام خود خواستار همبستگی و اتحاد مادران دادخواه شد. او از مادران دادخواه خواست با انتشار تصاویر خود و فرزندان‌شان، متن «من هم مادر کسی هستم» را منتشر کنند.

وی نوشته است: «قابل توجه خانواده‌های دادخواه، خصوصاً مادران داغدار و دادخواه سرزمینم، این پست جهت حمایت و همبستگی با تمام مادران داغدار سرزمینم است،»

سومین روز از اعتصاب غذای نامحدود رضا محمد حسینی زندانی مشروطه خواه



رضا محمد حسینی

در ایران منتشر شده که با نوشتن جملاتی از بیانیه اعتصاب غذای این زندانی سیاسی از او حمایت کردند.

رضا محمد حسینی در پنجم خرداد ۱۳۹۸ به همراه خالد پیرزاده و در حال شعارنویسی توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شد. او مدت سه ماه در بازداشتگاه سپاه در زندان اوین موسوم به بند ۲ الف محبوس بود.

این فعال سیاسی پادشاهی خواه در دادگاه انقلاب تهران دادگاه شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد به اتهام اجتماع و تبانی به ۷ سال حبس، اتهام توهین به رهبری ۳ سال حبس، تهم خروج و ورود غیرقانونی از مرز به ۳ و ۲ حبس و از بابت اتهام قهر از دستور مأموران به یک سال و نیم حبس و در مجموع به ۱۶ سال و نیم حبس محکوم شد که هفت سال آن قابل اجرا بود.

او در اسفندماه ۱۴۰۱ و در پی نمایش «عفو زندانیان سیاسی» آزاد اما تنها چند هفته بعد و در اردیبهشت ۱۴۰۲ بار دیگر بازداشت شد و همچنان در زندان محبوس است.

رضا محمد حسینی پیشتر در پیامی به مناسبت نوروز و آغاز سال جدید نوشته بود: «بیایید امسال را نه فقط به نام یک سال نو، بلکه به نام همدلی و اتحاد آغاز کنیم. بیایید باور کنیم که سال ۱۴۰۴، سالی دیگر خواهد بود- سالی که در آن، نه فقط آزادی، که عدالت را جشن بگیریم. سالی که در آن، مادران داغدار ایران، دیگر چشم انتظار نباشند، خانواده‌های دادخواه، طعم پیروزی را بچشند، و مردم این سرزمین، بدون ترس، در کنار هم بختند.»

در بخش دیگری از بیانیه نوروزی این زندانی سیاسی آمده بود «امروز، در حالی که بسیاری از خانواده‌ها در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کنند، در کنار مادرانی که فرزندانشان را از دست داده‌اند، در کنار دادخواهانی که هنوز در جستجوی عدالت‌اند، ما بیش از هر زمان دیگری به همبستگی نیاز داریم. باید دست یکدیگر را بگیریم، دل‌های زخمی را مرهم بگذاریم و در برابر رژیمی که غم را ترویج می‌کند و با شادی مردم دشمن است، شادی را به یکدیگر هدیه دهیم.»

● رضا محمد حسینی در بیانیه‌ای با اعلام آغاز اعتصاب غذای نامحدود خود از ۱۸ فروردین نوشته «این تصمیم را نه از روی ضعف، بلکه از سر ایمان و مسئولیت در برابر جان‌هایی که بی‌صدا سرکوب می‌شوند، گرفته‌ام.»

● این فعال سیاسی مشروطه خواه نوشته «من می‌خواهم جانم، فریاد بی‌صدای آنهایی باشد که پیش از ما زیر این سرکوب له شدند و آنهایی که بعد از ما، اگر ما سکوت کنیم، نوبت‌شان خواهد رسید.»

● طی ساعات گذشته و در پی اعتصاب رضا محمد حسینی ویدیوئی‌هایی از دیوارنویسی فعالان میدانی مشروطه خواه در ایران منتشر شده که با نوشتن جملاتی از بیانیه اعتصاب غذای این زندانی سیاسی از او حمایت کرده‌اند.

رضا محمد حسینی زندانی سیاسی مشروطه خواه محبوس در زندان قزلحصار از روز ۱۸ فروردین دست به اعتصاب غذای نامحدود زده است.

رضا محمد حسینی در بیانیه‌ای با اعلام آغاز اعتصاب غذای نامحدود خود نوشته «این تصمیم را نه از روی ضعف، بلکه از سر ایمان و مسئولیت در برابر جان‌هایی که بی‌صدا سرکوب می‌شوند، گرفته‌ام.»

او افزوده «در اعتراض به اعدام‌های پی در پی، به زندانی بودن زنان و مردانی که تنها گناهشان ایستادن در برابر ظلم است، به نقض سیستماتیک حقوق بشر در زندان‌ها، به شکنجه، به فشارهای امنیتی و به سکوت مرگباری که تحمیل می‌شود، با جانم فریاد می‌زنم: بس است!»

این فعال مشروطه خواه تأکید کرده «ما زندانی نیستیم؛ ما گروگان یک حکومت بی‌رحم هستیم. آیا جای یک انسان تنها به خاطر اعتراض یا حرف زدن، باید سلول انفرادی و شکنجه‌گاه باشد؟ چرا باید در حالی که هیچ جرمی مرتکب نشده‌ایم، ماه‌ها و سال‌ها در حبس بمانیم؟»

او درباره بی‌نتیجه ماندن فعالیت حکومت در ساکت کردن صدای معترضان نوشته «امروز که خیلی از حرف‌هایی که ما زدیم و بابت‌اش زندانی شدیم را همه می‌زنند، قرار بود ما زندانی شویم تا عبرتی باشیم برای بقیه، تا برسند و سکوت کنند، ولی این حربه حکومت بی‌فایده بود. صدای اعتراض امروز از هر گوشه و کنار مملکت برخاسته است. پس چرا هنوز ما را در حبس نگه داشته‌اید؟ چرا باید جوانی‌مان در زندان بگذرد؟»

رضا محمد حسینی نوشته «در دل این چهاردیواری، چه ابزاری برایمان مانده جز آنکه بدن‌مان را، جان‌مان را به سلاحی علیه دیکتاتوری بدل کنیم؟ وقتی همه صداها را خفه می‌کنند، جسم‌مان می‌شود فریاد؛ فریادی علیه ظلم.»

این زندانی سیاسی، اعتصاب غذا را «آخرین ابزار برای اعتراض به بیداد، برای یادآوری این حقیقت به جامعه جهانی که هنوز انسان‌هایی هستند که ایستاده‌اند، حتی در میانه دیوارهای بلند زندان» دانسته و تأکید کرده «من می‌خواهم جانم، فریاد بی‌صدای آنهایی باشد که پیش از ما زیر این سرکوب له شدند و آنهایی که بعد از ما، اگر ما سکوت کنیم، نوبت‌شان خواهد رسید.»

طی ساعات گذشته و در پی اعتصاب رضا محمد حسینی ویدیوئی‌هایی از دیوارنویسی فعالان میدانی مشروطه خواه

«هستم»، و طی ساعات‌های گذشته، شمار زیادی از مادران دادخواه به این کمپین پیوسته و با اشتراک تصاویر خود و فرزندان‌شان و انتشار متن‌هایی تکرار می‌کنند که «من هم مادر کسی هستم».

مادران جواد موسوی، پژمان قلی‌پور، سیاوش محمودی، نوید بهبودی، صالح میرهاشمی، امید مؤیدی، فریدون محمودی و محسن موسوی که همگی فرزندان خود را در اعتراضات سراسری سال‌های گذشته و در پی سرکوب مأموران حکومتی از دست دادند از جمله مادران دادخواهی هستند که در ساعات گذشته به این کمپین پیوستند.

لیلا مهدوی مادر سیاوش محمودی در اینستاگرامش نوشت:

«ای مردم آزاده، ای وجدان‌های بیدار! من هم مادر کسی هستم.

سیاوش محمودی، فرزند ۱۶ ساله‌ای که خوش به نایب بر زمین ریخته شد، امروز با صدایی پر از درد و قلبی شکسته، خواهان دادخواهی هستم. سیاوش من، نوجوانی پر از آرزو، پر از امید، و پر از زندگی بود. اما ظالمین بچه کش جان‌ش را گرفتند،

هیچ مادری نباید شاهد خاموش شدن چراغ زندگی فرزندش باشد، هیچ دلی نباید این چنین بسوزد. اما من، همان‌گونه که سیاوشم را از دست نادم، صدای او را هم از دست نخواهم داد. من مادر دادخواهی هستم که فرزندش را از او گرفتند، اما حقیقت را نمی‌توانند بگیرند.

خون سیاوش بی‌پاسخ نخواهد ماند. من تا آخرین نفس، برای عدالت، برای حق، و برای سیاوشم خواهم ایستاد. از همه‌ی شما که به انسانیت، به حقیقت، و به عدالت باور دارید، می‌خواهم که صدای من باشید، صدای ما باشید. دادخواهی را ادامه می‌دهیم، تا روزی که حق به حقدار برسد!»

زهره ملک‌نیا مادر امیرضا همت آزاد نیز در صفحه اینستاگرام خود نوشت «من هم مادر کسی هستم. من دادخواه خون پرسم هستم و نه فراموش می‌کنم نه می‌بخشیم و تا جان در سینه دارم دادخواهی می‌کنم.»

مادر فریدون محمودی نیز با انتشار تصویر خود و فرزندش نوشت: «من هم مادر کسی هستم، مادر فریدون محمودی که برای آزادی جنگید، آزادی را فریاد زد، اما جان‌ش را ستاندند، تا زمانی که نفس می‌کشم دادخواه خون فرزندم خواهم بود.»

وحیده مقدم مادر بهنام لایق‌پور از جانب‌اختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ نیز نوشته «من هم مادر کسی هستم. من حمیده مقدم مادر قهرمان جاویدنام بهنام لایق‌پور هستم. من مادری قهرمان برای دادخواهی خون به‌ناحق ریخته‌ی فرزندم هستم.»

جمله «من هم مادر کسی هستم» برگرفته از جمله معروف پویا بختیاری، پسر برومند و قهرمان ایران، از جانب‌اختگان اعتراضات مردمی آبان ۹۸ است. پویا پیش از آنکه شامگاه ۲۵ آبان ۹۸ به ضرب گلوله مأموران جمهوری اسلامی در خیابان کشته شود با موبایلش ویدیوئی‌هایی از اعتراضات گرفته و همزمان گفته بود «من هم پسر کسی هستم، آدم این‌جا جان خودم را به خطر انداختم، مادرها، پدرها شما هم بگوئید بچه‌هایتان بیابند بیرون.»

«من هم پسر کسی هستم» برای همیشه در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی یادآور قهرمانی و میهن‌دوستی پویا بختیاری و دیگر دختران و پسران جوانی است که با وجود سرکوب مسلحانه مأموران حکومتی، به خیابان رفتند و به اعتراضات ضدحکومتی و ملی پیوستند و این مبارزه را همچنان ادامه می‌دهند.

دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی باعث حمله «هفت اکتبر» به اسرائیل بود



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

نتانیاهو در دیدار با ترامپ خواستار اجرای «مدل لیبی» برای برچیدن برنامه اتمی جمهوری اسلامی شد

● بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل که روز دوشنبه هفتم آوریل ۲۰۲۵ (۱۸ فروردین) با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در کاخ سفید دیدار و گفتگو کرد، خواهان اجرای «مدل لیبی» برای برچیدن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی شده است.

● تمرکز دیدار نتانیاهو با ترامپ بر جمهوری اسلامی و تهدیدات ناشی از آن از جمله برنامه‌های اتمی و موشکی بود. منابع اسرائیلی گفته‌اند نتانیاهو درباره اینکه «یک توافق هسته‌ای مطلوب با [رژیم] ایران باید چگونه باشد» طرح خود را به ترامپ ارائه داده است.

● یک مقام اسرائیلی گفت، «نتانیاهو از توافقی حمایت می‌کند که منجر به برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای [رژیم] ایران شود، مشابه آنچه در لیبی اتفاق افتاد.»

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل که روز دوشنبه هفتم آوریل ۲۰۲۵ (۱۸ فروردین) با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در کاخ سفید دیدار و گفتگو کرد، خواهان اجرای «مدل لیبی» برای برچیدن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی شده است.

تمرکز دیدار نتانیاهو با ترامپ بر جمهوری اسلامی و تهدیدات ناشی از آن از جمله برنامه‌های اتمی و موشکی بود. منابع اسرائیلی گفته‌اند نتانیاهو درباره اینکه «یک توافق هسته‌ای مطلوب با [رژیم] ایران باید چگونه باشد» طرح خود را به ترامپ ارائه داده است.

یک مقام اسرائیلی گفت، «نتانیاهو از توافقی حمایت می‌کند که منجر به برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای [رژیم] ایران شود، مشابه آنچه در لیبی اتفاق افتاد.»

برچیده شدن برنامه‌های هسته‌ای با «مدل لیبی» به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد که دولت معمر قذافی بطور رسمی اعلام کرد که داوطلبانه برنامه‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک خود را کنار می‌گذارد. این تصمیم پس از ماه‌ها مذاکره مخفیانه بین مقامات آمریکایی و لیبیایی و همچنین بازرسی‌های بین‌المللی از تأسیسات لیبی اتخاذ و اجرا شد.

این توافق راه را برای عادی ساختن روابط بین لیبی و غرب هموار کرد اگرچه رابطه‌ی رژیم قذافی با آمریکا هرگز به اندازه رابطه جمهوری اسلامی علیه ایالات متحده خصمانه نبوده است. با اینهمه مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند همین توافق لیبی بود که در نهایت به نابودی رژیم معمر قذافی و قتل فجیع خودش منجر شد.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مخالف سرسخت مذاکره مستقیم با آمریکا است. او می‌گوید شروط آمریکا فراتر از مسائل هسته‌ای است و شامل قدرت دفاعی نظام و بُرد موشک‌ها نیز می‌شود.

تمجید حمله تروریستی اکتبر تا چه اندازه خام و تبهکارانه بوده و «هفتم اکتبر» چگونه علیه نیابتی‌های جمهوری اسلامی و خودش شد.

دونالد ترامپ در سخنان دیروز خود سپس درباره پرداخت پول توسط حکومت ایران به حماس صحبت کرد. در همین ارتباط یس‌رائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل در شبکه ایکس سندی تازه در اثبات ارتباط مالی جمهوری اسلامی با حماس منتشر کرد.

او در یک ویدئو نامه‌ای را نشان می‌دهد که گفته می‌شود از طرف یحیی سنوار و محمد ضیف فرماندهان سابق حماس به اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» ارسال شده است.

تاریخ این نامه مربوط به ماه ژوئن ۲۰۲۱ است و در آن از حکومت ایران خواسته شده برای برنامه‌ریزی حمله به اسرائیل حدود ۵۰۰ میلیون دلار به حماس کمک کند. به گفته مقامات اسرائیلی حماس ماهانه ۲۰ میلیون دلار به مدت دو سال از ایران درخواست کرده بوده است.

کاتز در یک پیام ویدئویی که هنگام بازدید وی از واحد جمع‌آوری اسناد و وسایل فنی ارتش اسرائیل ضبط شده، گفت: «برای اولین بار سندی را نشان می‌دهم که در یکی از تونل‌های محل اختفای سران حماس پیدا شده و نشان‌دهنده رابطه مستقیم ایران و یحیی سنوار و محمد ضیف است.»

وزیر دفاع اسرائیل گفته که شخصی به نام «ایزدی» در سپاه قدس، شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این درخواست سنوار و ضیف را قبول کرده است. چنین تعهد سنگینی نمی‌توانسته بدون اطلاع رهبر نظام و مقامات ارشد آن بوده باشد.

اینهمه در حالیکه که جمهوری اسلامی با وجود ستایش از این عملیات سهمگین تروریستی که با قتل و زخمی شدن و گروگانگیری هزاران شهروند اسرائیلی و غیراسرائیلی همراه بود، اما همواره به صورت رسمی هرگونه دخالت در عملیات تروریستی «هفت اکتبر» را انکار کرده اما برخی مقامات مستقیم و غیرمستقیم در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود به نقش جمهوری اسلامی اشاره کرده‌اند تا رژیم را در این «افتخار» سهیم بدانند!

● در آستانه سفر نتانیاهو به واشنگتن، ترامپ ششم آوریل به خبرنگاران گفت: «در حال حاضر اتفاق‌های زیادی در خاورمیانه در حال وقوع است، که باید تمام شود. شما می‌دانید که ما مشکلی با خاورمیانه نداشتیم. همه کارها انجام شده بود. با ایران هم مشکلی نداشتیم. با هیچکس مشکلی نداشتیم... و بعد هفت اکتبر اتفاق افتاد و همه‌اش به خاطر [رژیم] ایران بود و همانطور که می‌دانید آنها به کسی پول نمی‌دادند چون پولی در بساط نداشتند. الان پول زیادی دارند و می‌بینید که چه اتفاقی می‌افتد.»

● دونالد ترامپ پس از آن درباره پرداخت پول توسط حکومت ایران به حماس صحبت کرد.
- یس‌رائیل کاتز وزیر دفاع اسرائیل در حساب ایکس خود سندی تازه برای اثبات ارتباط مالی جمهوری اسلامی ایران با حماس منتشر کرده است.

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در آستانه سفر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل به واشنگتن، جمهوری اسلامی را عامل اصلی حمله تروریستی «هفت اکتبر» ۲۰۲۳ توسط گروه تروریستی حماس به اسرائیل معرفی کرد.

ترامپ ششم آوریل به خبرنگاران گفت: «در حال حاضر اتفاق‌های زیادی در خاورمیانه در حال وقوع است، که باید تمام شود. شما می‌دانید که ما مشکلی با خاورمیانه نداشتیم. همه کارها انجام شده بود. با ایران هم مشکلی نداشتیم. با هیچکس مشکلی نداشتیم... و بعد هفت اکتبر اتفاق افتاد و همه‌اش به خاطر [رژیم] ایران بود و همانطور که می‌دانید آنها به کسی پول نمی‌دادند چون پولی در بساط نداشتند. الان پول زیادی دارند و می‌بینید که چه اتفاقی می‌افتد.»

این در حالیکه که خود علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز عملیات تروریستی «هفت اکتبر» (توفان الاقصی) را «نیاز منطقه» و «معجزه» توصیف کرده بود. او در یک سخنرانی گفت، این حمله علیه «یک نقشه جامع وسیع» بود که قدرت‌های دنیا و «بعضی دولت‌های منطقه» در حال اجرای آن بودند تا با برقراری ارتباط با اسرائیل «مناسبات و معادلات منطقه تغییر پیدا کند.» البته خیلی زود معلوم شد که این سخنان خامنه‌ای در تعریف و

«آنچه باقی ماند»، یادآور بیش از چهار دهه جنایت جمهوری اسلامی



انسان‌هائی بودند و چنانکه زنده‌یاد پویا بختیاری ۲۷ ساله که ۲۵ آبان ۱۳۹۸ همراه مادرش در کرج در تظاهرات با شلیک گلوله ماموران جلو چشمان مادرش کشته شد «فرزند کسی» بودند. آنها همه فرزند ایران بودند و نباید هرگز فراموش شوند. «آنچه باقی ماند» تلاشی برای فراموش نکردن و دادخواهی است. احمد رأفت در گفتگو با برگزارکنندگان و افرادی از خانواده‌های قربانیان چهار دهه جنایت در جمهوری اسلامی گزارشی از این نمایشگاه تهیه کرده است.

«انجمن دادخواهان» که توسط شماری از خانواده‌های دادخواه قربانیان بیش از چهار دهه جنایات جمهوری اسلامی و قتل و اعدام هزاران نفر تشکیل شده است، چهارمین نمایشگاه خود را با آنچه از این قربانیان بجا مانده در شهر وین، پایتخت اتریش، برگزار کرد. این نمایشگاه نه تنها با تصاویری از این قربانیان و نوشته‌های آنها، بلکه با لباس‌ها و اشیائی که به آنها تعلق داشته به بازدیدکننده یادآوری می‌کند که این قربانیان تنها عدد و آمار نیستند و هر کدام

ویدئو

اعلام آمادگی کرم‌لین برای کمک به حل مسألت‌آمیز پرونده اتمی جمهوری اسلامی

● در آستانه دیدار دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در واشنگتن، کرم‌لین اعلام کرد که برای کمک به حل مسألت‌آمیز موضوع هسته‌ای ایران تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد.

● سخنگوی کرم‌لین در پاسخ به این پرسش که آیا مسکو می‌تواند به میانجیگری مذاکرات بین تهران و واشنگتن کمک کند، به خبرنگاران گفت: «ما در حال رایزنی‌های مستمر با شرکای ایرانی خود از جمله در مورد موضوع توافق هسته‌ای هستیم».

● دیمیتری پسکوف تأکید کرد: «این روند در آینده نزدیک ادامه خواهد داشت و البته روسیه آماده است تا تمام تلاش خود را به کار گیرد و هر اقدامی که ممکن است برای کمک به حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران از طریق ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک انجام دهد».

در آستانه دیدار دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در واشنگتن، کرم‌لین اعلام کرد که برای کمک به حل مسألت‌آمیز موضوع هسته‌ای ایران تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد.

به گزارش رویترز، دیمیتری پسکوف سخنگوی کرم‌لین، روز دوشنبه ۷ آوریل (۱۸ فروردین)، اعلام کرد که روسیه آماده است تا برای کمک به حل مسألت‌آمیز مسئله هسته‌ای ایران، هر اقدامی که می‌تواند انجام دهد.

سخنگوی کرم‌لین در پاسخ به این پرسش که آیا مسکو می‌تواند به میانجیگری مذاکرات بین تهران و واشنگتن کمک کند، به خبرنگاران گفت: «ما در حال رایزنی‌های مستمر با شرکای ایرانی خود از جمله در مورد موضوع توافق هسته‌ای هستیم».

دیمیتری پسکوف تأکید کرد: «این روند در آینده نزدیک ادامه خواهد داشت و البته روسیه آماده است تا تمام تلاش خود را به کار گیرد و هر اقدامی که ممکن است برای کمک به حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران از طریق ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک انجام دهد».

در همین حال، ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه روز دوشنبه اعلام کرد که چین، روسیه و جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه در مسکو درباره برنامه هسته‌ای ایران در سطح کارشناسی رایزنی خواهند کرد.

سرگئی ریابکوف معاون وزیر خارجه روسیه پیشتر تأکید کرد که اظهارات اخیر دونالد ترامپ در مورد بمباران ایران تنها باعث «پیچیدگی اوضاع» شده است.

سرگئی ریابکوف همچنین به واشنگتن درباره حمله به تأسیسات هسته‌ای داخل هشدار داد و گفت: «هرگونه حمله به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، می‌تواند عواقب فاجعه‌باری برای کل منطقه داشته باشد».

ویدئو

آغاز پایان سخاوت آمریکا؟



تجاری بزرگ سالانه و مداوم کالاهای آمریکایی منجر به سست شدن پایه تولید ما شده و توانایی ما برای افزایش ظرفیت تولید داخلی را محدود کرده... از سال ۱۹۳۴ برای چندین دهه سیاست تجاری ایالات متحده حول اصل عمل متقابل اعمال شده... با این حال علیرغم تعهد به اصل عمل متقابل، روابط تجاری بین ایالات متحده و شرکای تجاری آن به ویژه در سال‌های اخیر «بسیار نامتعادل» شده است.

دولت جدید آمریکا که از ژانویه ۲۰۲۵ بر سر کار آمد از مدت‌ها پیش وعده تغییرات اساسی در سیاست تجاری ایالت متحده داده بود. وعده‌ای که چهارشنبه ۲ آوریل ۲۰۲۵ تحت عنوان «تعرفه متقابل برای اصلاح رویه‌های تجاری» با دستور اجرایی ریاست جمهوری عملی شد و برخی آن را شوک اقتصادی بر جهان تعبیر کرده‌اند. در بیانیه کاخ سفید آمده است که کسری‌های

ویدئو

دونالد ترامپ: مذاکرات اتمی شکست بخورد، اسرائیل «رهبر» حمله نظامی به جمهوری اسلامی خواهد بود



دونالد ترامپ / رویترز

● رئیس جمهوری آمریکا، چهارشنبه ۹ آوریل (۲۰ فروردین) اعلام کرد که اگر مذاکرات با جمهوری اسلامی شکست بخورد، آمریکا آماده اقدام نظامی است و اسرائیل «رهبر» حمله نظامی به جمهوری اسلامی را بر عهده خواهد داشت.

● دونالد ترامپ با اشاره به نشستی که قرار است در عمان برگزار شود گفت: «فکر می‌کنم چنین توافقی خوب باشد، اما در هر صورت باید مطمئن شویم که [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند، وقتی مذاکرات آغاز شود خواهیم فهمید که اوضاع خوب پیش می‌رود یا نه؛ حس می‌کنم مذاکره خوب پیش نخواهد رفت، البته این فقط احساس من است.»

● او همچنین افزود: «می‌خواهم آنها پیشرفت کنند. می‌خواهم ایران کشوری عالی باشد. من خواسته چندانی ندارم، فقط صبر نخواهم کرد، آنها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، چهارشنبه ۹ آوریل (۲۰ فروردین) اعلام کرد که اگر مذاکرات با جمهوری اسلامی شکست بخورد، آمریکا آماده اقدام نظامی است و اسرائیل «رهبر» حمله نظامی به جمهوری اسلامی را بر عهده خواهد داشت.

او در ادامه به خبرنگاران گفت: «اگر نیاز به اقدام نظامی باشد، ما اقدام نظامی خواهیم کرد. اسرائیل طبیعتاً نقش بسیار پررنگی در آن خواهد داشت. آنها رهبر خواهند بود، اما هیچکس ما را مدیریت نمی‌کند، ما آنچه را که لازم است انجام می‌دهیم.»

ترامپ با اشاره به نشستی که قرار است روز شنبه ۱۲ آوریل در عمان برگزار شود گفت: «فکر می‌کنم چنین توافقی خوب باشد، اما در هر صورت باید مطمئن شویم که [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند، وقتی مذاکرات آغاز شود خواهیم فهمید که اوضاع خوب پیش می‌رود یا نه؛ حس می‌کنم مذاکره خوب پیش نخواهد رفت، البته این فقط احساس من است.»

رافائل گروسی:

ایران بسیاری از مواد و قسمت‌های پازل ساخت یک سلاح هسته‌ای را به دست آورده است

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با شبکه «La Nacion» آرژانتین می‌گوید، «جمهوری اسلامی ایران امروز سلاح هسته‌ای ندارد، اما بسیاری از مواد و قسمت‌های پازل ساخت یک سلاح هسته‌ای را به دست آورده است.»

● گروسی در این مصاحبه عنوان کرد، «ایران مقدار لازم مواد هسته‌ای برای ساخت بمب هسته‌ای را تولید کرده است. برای ساخت یک بمب، یا کلاهک هسته‌ای به اقلام بسیاری نیاز دارید. اما مهم‌تر از هر چیزی، ماده‌ایست که قدرت تخریب بالای بمب هسته‌ای را ایجاد می‌کند و آن اورانیوم غنی شده است.»

● وی همچنین ادعا کرد: «می‌خواهم خیلی فنی صحبت کنم. اما ایران از ذخایر اورانیوم غنی شده کافی برای ساخت ۶ یا هفت سلاح هسته‌ای برخوردار است. اما مجدداً تأکید می‌کنم: ایران امروز سلاح هسته‌ای ندارد.»

● مقامات جمهوری اسلامی تهدید کردند در صورت فعال شدن «مکانیسم ماشه» و افزایش تحریم‌ها فعالیت‌های اتمی به سمت ساخت بمب خواهد رفت یعنی همان مسیری که جمهوری اسلامی در هر حال در آن قرار دارد!

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه با شبکه «La Nacion» آرژانتین می‌گوید، «جمهوری اسلامی ایران امروز سلاح هسته‌ای ندارد، اما بسیاری از مواد و قسمت‌های پازل ساخت یک سلاح هسته‌ای را به دست آورده است.»

رافائل گروسی در این مصاحبه که سوم آوریل (۱۴ فروردین ماه) منتشر شد عنوان کرد، «ایران مقدار لازم مواد هسته‌ای برای ساخت بمب اتمی تولید کرده است. برای ساخت یک بمب یا کلاهک هسته‌ای به اقلام بسیاری نیاز دارید. اما مهم‌تر از هر چیزی، ماده‌ایست که قدرت تخریب بالای بمب هسته‌ای را ایجاد می‌کند و آن اورانیوم غنی شده است.»

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ادامه با اشاره به ذخایر اورانیوم غنی شده ایران، ادعا کرد: «می‌خواهم خیلی فنی صحبت کنم. اما ایران از ذخایر اورانیوم غنی شده کافی برای ساخت ۶ یا هفت سلاح هسته‌ای برخوردار است. اما مجدداً تأکید می‌کنم: ایران امروز سلاح هسته‌ای ندارد.»

او همچنین با اشاره به نامه اخیر ترامپ و تهدیدات او علیه رژیم ایران اظهار داشت: «در روزهای اخیر، شاهد ارسال نامه‌ای از سوی ترامپ به رهبر [حکومت] ایران و البته تهدیدات او علیه [رژیم] ایران از جمله بمباران

وی با اشاره به شرایط دشوار حاکم بر ایران، گفت: «مردم ایران فوق‌العاده و بسیار باهوش‌اند. آنها در وضعیت سختی زندگی می‌کنند، تحت یک حکومت سخت، اما هم مردم و هم رهبران‌شان می‌دانند که نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند.»

او همچنین افزود: «می‌خواهم آنها پیشرفت کنند. می‌خواهم ایران کشوری عالی باشد. من خواسته چندانی ندارم، فقط صبر نخواهم کرد، آنها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند.»

این اظهارات در حالی بیان شد که استیو ویتکاف نماینده ترامپ در مذاکرات اتمی قرار است روز شنبه ۲۳ فروردین ماه با عباس عراقچی در عمان گفتگو کند.

ترامپ اصرار دارد که این مذاکرات «مستقیم» است، اما مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند «غیرمستقیم» است. در همین ارتباط روزنامه «واشنگتن پست» گزارش داد که اگر گفتگو مستقیم نباشد ویتکاف احتمالاً به عمان می‌رود.

در دوران ریاست جمهوری جو بایدن از سال ۲۰۲۱ آمریکا و جمهوری اسلامی مذاکرات غیرمستقیم را در وین برای «احیای برجام» آغاز کردند اما راه به جایی نبرد.

اخیراً محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی در یک سخنرانی ادعا کرد، «در دوره رئیسی مذاکرات دو بار تا پای امضاء توافق هم پیش رفت، از جمله در شهریور ۱۴۰۱، پیش از شهادت رئیسی هم به این نقطه رسیدیم، اما اسرائیلی‌ها مابمول درآوردند و نشد.»

در همین حال، وزارت خزانه‌داری آمریکا روز چهارشنبه تحریم‌های جدیدی را علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی اعمال کرد.

در تحریم‌های جدید، پنج نهاد و یک فرد ایرانی به دلیل حمایت از برنامه هسته‌ای ایران هدف قرار گرفته‌اند. این نهادها شامل سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی و شرکت‌های زیرمجموعه آن همچون شرکت فناوری سانترفیوژ ایران، شرکت نیروگاه‌های توریم، شرکت ساخت و توسعه راکتورهای پارس و شرکت صنایع آذراب هستند.

تحریم‌های جدید علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی پیش از مذاکرات در عمان



رومایی از نسل جدید سانتریفیوژها در ایران / آوریل ۲۰۲۱

«مجید مسلط» در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. این شرکت از تأمین‌کنندگان اصلی قطعات مرتبط با برنامه‌های اتمی ایران از طریق منابع خارجی است. همچنین شرکت «پگاه آلومینیوم اراک»، «توریوم نیرو»، «ساخت و توسعه راکتورهای پارس» و «صنایع آذرب» نیز در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

شرکت «توریوم نیرو» سوخت مورد نیاز برای تولید «اورانیوم ۲۳۳» (ماده شکافت‌پذیر) را که کاربردهای مختلف در پروژه‌های اتمی دارد تأمین کرده است.

شرکت صنایع آذرب نیز یک پیمانکار عمومی در ساخت نیروگاه، پالایشگاه، پروژه‌های پتروشیمی و سیمان است که تابع سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی بوده و قراردادهایی برای تولید تجهیزات نیروگاه‌های هسته‌ای دارد. در نتیجه این اقدام، کلیه اموال و منافع در اموال اشخاص نامبرده که در ایالات متحده یا تحت مالکیت یا کنترل اشخاص آمریکایی قرار دارند، مسدود شده و باید به OFAC گزارش داده شود. همچنین هر نهادی که ۵۰ درصد یا بیشتر از آن، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به یک یا چند فرد یا نهاد تحریم‌شده باشد، نیز مسدود می‌شود.

علاوه بر این، مؤسسات مالی و سایر اشخاصی که در تراکنش‌ها یا فعالیت‌هایی با اشخاص تحریم‌شده مشارکت می‌کنند، ممکن است در معرض خطر تحریم قرار گیرند.

بیانیه وزارت خارجه آمریکا

وزارت خارجه آمریکا نیز در بیانیه‌ای جداگانه اعلام کرد، این تحریم‌ها «در حمایت از کارزار فشار حداکثری پرزیدنت ترامپ علیه رژیم ایران است و شرکا و افرادی را هدف می‌گیرد که در تأمین یا تولید فناوری‌های حیاتی برای شرکت فناوری سانتریفیوژ ایران و سازمان انرژی اتمی ایران نقش دارند.»

در این بیانیه تأکید شد، «ایالات متحده همچنان به پاسخگو قرار دادن کسانی که در صدد حمایت از برنامه هسته‌ای ایران، از جمله فعالیت‌های حساس غنی‌سازی اورانیوم برای گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند، ادامه خواهد داد.»

● در آستانه مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی در عمان، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده پنج شرکت ایرانی و یک فرد حقیقی را که «بطور مستقیم» در تأمین قطعات، ساخت تجهیزات و پشتیبانی فناوری برای تولید سانتریفیوژ و توسعه فناوری سوخت توریوم فعالیت می‌کنند تحریم کرد.

● طبق بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا شرکت‌های «فناوری سانتریفیوژ ایران»، «فنی و مهندسی «آتین ایستا» و «مجید مسلط رئیس هیات مدیره و مدیرعامل این شرکت، «پگاه آلومینیوم اراک»، «توریوم نیرو»، شرکت ساخت و توسعه «راکتورهای پارس» مستقر در ایران (ساترا پارس) از زیر مجموعه سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت بوری صنایع آذرب در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده (OFAC)، پنج نهاد و یک فرد مستقر در ایران را به دلیل حمایت از نهادهای کلیدی که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را مدیریت و نظارت می‌کنند، از جمله سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی و شرکت فناوری سانتریفیوژ ایران (TESA) از زیرمجموعه‌های آن را تحریم کرد.

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا که ۹ آوریل (۲۰ فروردین) صادر شد این اقدام، نهادهایی را هدف قرار می‌دهد که در تأمین یا تولید فناوری‌های حیاتی برای برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی نقش اساسی دارند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره این تحریم‌ها گفت: «رژیم جمهوری اسلامی بی‌محابا در پی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است که برای ایالات متحده و شرکای آن تهدید و یک عامل مخرب برای ثبات منطقه‌ای و امنیت جهانی محسوب می‌شود. وزارت خزانه‌داری از ابزارها و اختیارات خود برای مختل کردن هرگونه تلاش [حکومت] ایران برای پیشبرد برنامه هسته‌ای و دستور کار بی‌ثبات‌کننده آن استفاده خواهد کرد.»

بر اساس اعلام وزارت خزانه‌داری آمریکا، شرکت فنی و مهندسی «آتین ایستا» مستقر در ایران و مدیرعامل آن

این کشور بودیم. ترامپ همچنین درباره فرصتی ۲ ماهه برای رسیدن به توافق تازه صحبت کرده است. «گروسی افزود: «به باور من، در لحظه‌ای قرار داریم که باید رو به جلو حرکت کنیم... همزمان با ورودم به بوئنوس آیرس با وزیر خارجه جمهوری اسلامی صحبت کردم و توافق کردیم که در هفته‌های آینده به ایران سفر کنم.»



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی / عکس: رویترز

مدیرکل آژانس همچنین گفت: «در گفتگو با وزیر خارجه جمهوری اسلامی همچنین توافق کردیم تا ایران هرچه سریع‌تر مواردی را که درباره آنها شفاف نبوده، شفاف کند تا بتوانیم احتمال هرگونه تقابل را کاهش دهیم. هرگونه تقابل ویرانگر خواهد بود.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دو گزینه پیش روی جمهوری اسلامی قرار داده است: یک توافق جدید بر سر برنامه‌های اتمی و موشکی و نیابتی‌ها یا بمباران! اما علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی مذاکره را نپذیرفته است. مقامات تهران می‌گویند شروطی که ترامپ برای توافق تعیین کرده درواقع همان «خلع سلاح» نظام است با این همه اختلاف درون نظام بر سر مذاکره کردن یا نکردن با آمریکا کاملاً علنی شده است.

روزنامه «همشهری» در سرمقاله روز ۱۶ فروردین‌ماه خود نوشت، «مذاکره با آمریکا یعنی خودکشی از ترس مرگ». اما روزنامه «جمهوری اسلامی» با حمایت از مذاکره با آمریکا عنوان کرد، «مسئولان فهمیدند افکار عمومی با این کار موافق است» و به مسئولان نظام توصیه کرده است، «با مذاکره غیرمستقیم شروع کنید تا به مستقیم برسید.» روزنامه کیهان نیز تهدید کرده است که «همین روزهاست که به انتقام خون سلیمانی چندتا گلوله توی کله پوکش شلیک بشه.»

در محافل سیاسی و نهادهای اروپایی و آمریکا موضوع احتمال فعال شدن «مکانیسم ماشه» علیه جمهوری اسلامی جدی‌تر شده است. در همین ارتباط «انستیتوی یهودی امنیت ملی آمریکا» هشدار داده است، مهلت واقعی برای فعال کردن مکانیسم ماشه شورای امنیت حداکثر یک ماه دیگر است و اگر هیچ اقدامی انجام نشود، تمام تحریم‌های سازمان ملل علیه رژیم ایران احتمالاً برخواهند شد.

در همین حال مقامات جمهوری اسلامی تهدید کردند در صورت فعال شدن «مکانیسم ماشه» و افزایش تحریم‌ها فعالیت‌های اتمی به سمت ساخت بمب خواهد رفت یعنی همان مسیری که جمهوری اسلامی در هر حال در آن قرار دارد!

چرا نسل نوجوانان امروز ایران اینقدر خشمگین است؟



می‌افزاید. از سوی دیگر، مدارس و نهادهای آموزشی اغلب بر کنترل و محدود ساختن رفتار نوجوانان تأکید دارند، بجای اینکه فضایی برای ابراز عقاید و تفکرات آنها فراهم کنند.

نقش خانواده، قانون و سیاست در مسیر شکل‌گیری خشم نوجوانان

نقش خانواده در تربیت فرزندان انکارناپذیر است، اما وقتی خانواده خود تحت فشارهای شدید اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارد، توانایی انتقال ارزش‌های مثبت را از دست می‌دهد. از سوی دیگر، سیاست‌های دولتی و قوانین ناعادلانه نیز می‌توانند باعث بروز نارضایتی و احساس طرد در میان نوجوانان شوند. حذف آزادی‌های فردی و اعمال فشارهای اجتماعی نیز از دیگر عواملی است که موجب افزایش احساس ناکامی در این نسل می‌شود.

علت اصلی چیست؟

خشم نوجوانان امروز ایران نتیجه مستقیم نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. ترکیب این عوامل باعث افزایش سرخوردگی، انزوا و خشونت در میان نسل جوان شده است. سلب آزادی‌های فردی و محدودیت‌های اجتماعی نیز به این نارضایتی دامن زده و بحران هویتی در میان نوجوانان ایجاد کرده است. برای حل این معضل، نیاز به اصلاح و تغییرات عمیق در سیستم آموزشی، سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی، و ایجاد فضایی برای گفتگوی باز و بی‌پرده میان نسل‌ها است.

نتیجه‌گیری

نوجوانان امروز نیاز به توجه، حمایت و اصلاحات بنیادی در جامعه دارند. اگر می‌خواهیم آینده‌ای بهتر برای نسل‌های بعدی بسازیم، باید ابتدا مشکلات ریشه‌ای آنها را بشناسیم و برای حل آنها گام‌های اساسی برداریم.

*یونس قانونی آسیب‌شناس اجتماعی

خشم یکی از واکنش‌های طبیعی به ناعدالتی، بی‌توجهی و سرکوب نیازهای فردی است. روانشناسان معتقدند که نوجوانان امروزی در یک شرایط پرتلاطم رشد می‌کنند که باعث افزایش استرس، اضطراب و در نهایت بروز خشونت در رفتار آنها می‌شود.

نوجوانان چه می‌خواهند؟

احساس هویت و استقلال: آنها نیاز دارند که هویت خود را پیدا کنند و در این مسیر، حمایت و راهنمایی منطقی دریافت کنند.

عدالت اجتماعی: احساس بی‌عدالتی یکی از بزرگترین عوامل ایجاد خشم در نوجوانان است. آنها خواهان یک سیستم عادلانه در خانواده، مدرسه و جامعه هستند.

شنیده شدن و درک شدن: نوجوانان احساس می‌کنند که صدای آنها شنیده نمی‌شود. آنها به فضایی نیاز دارند که بتوانند بدون ترس از سرکوب، دغدغه‌های خود را بیان کنند. حق انتخاب و آزادی فردی: آنها خواهان این هستند که در تصمیم‌گیری‌های شخصی و مسیر زندگی خود دخیل باشند و از فشارهای تحمیلی رهایی یابند.

مروری بر روانشناسی اخلاق و تأثیر آن در جامعه

روانشناسی اخلاق تأکید می‌کند که ارزش‌ها و اصول اخلاقی نقش کلیدی در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی ایفا می‌کنند. اگر در جامعه‌ای اصول اخلاقی نادیده گرفته شوند یا دوگانه باشند، نوجوانان دچار بحران اخلاقی می‌شوند و این خود به افزایش خشم و نارضایتی آنها دامن می‌زند.

سیستم آموزشی و نقش آن در شکل دادن شخصیت نوجوانان

سیستم آموزشی فعلی در ایران کنونی بیشتر بر حفظیات تمرکز دارد تا رشد فکری و خلاقیت. عدم ارائه مهارت‌های زندگی، گفتگو و حل مسئله در مدارس، نوجوانان را از درک متقابل و مدیریت احساسات بازمی‌دارد و به خشم آنها

یونس قانونی - آیا نوجوانان ما قدرت و درک اجتماعی خود را در ارتباطات اجتماعی از دست داده‌اند؟

در دنیای امروز، نوجوانان بیش از هر زمان دیگری تحت فشارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارند. ارتباطات اجتماعی آنها به طرز قابل توجهی تغییر کرده و با نفوذ شبکه‌های اجتماعی، مرز میان تفاهم واقعی و مجازی کم‌رنگ‌تر شده است. این تغییرات به همراه سرخوردگی‌های اجتماعی و اقتصادی، باعث افزایش خشونت کلامی، رفتاری و انزوا در میان نوجوانان شده است. از سوی دیگر، آزادی‌های فردی آنان سلب شده و قدرت انتخاب از آنها گرفته شده است، که این امر بر شدت خشم و نارضایتی آنان افزوده است.

مقصر کیست؟

مسئله خشم نوجوانان، چندعاملی است و نمی‌توان تنها یک مقصر مشخص را برای آن تعیین کرد. در این میان، عوامل مختلفی مانند:

سیستم آموزشی که بجای تقویت تفکر انتقادی و مهارت‌های اجتماعی، اغلب نوجوانان را به حفظیات بی‌هدف سوق می‌دهد.

خانواده که در بسیاری موارد به دلیل مشکلات اقتصادی یا فرهنگی، نقش حمایتی خود را از دست داده و نوجوان را با احساس ناامنی مواجه می‌کند.

قانون و سیاست‌های اجتماعی که بی‌عدالتی، تبعیض و نابرابری را در جامعه نهادینه کرده و موجب افزایش سرخوردگی نسل جدید می‌شود. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که با ارائه تصویب‌های ناسازگار از موفقیت و خوشبختی، حس ناکامی و خشم را در نوجوانان تقویت می‌کنند.

محدودیت‌های اجتماعی که امکان تجربه، کشف هویت و تصمیم‌گیری‌های فردی را از نوجوانان گرفته و آنها را در یک چارچوب سخت‌گیرانه قرار داده است.

روانشناسان چه می‌گویند؟

بر اساس نظریات روانشناسی اجتماعی و روانکاوی،

اعتراضات در غزه علیه حماس، هشدار به رژیم ایران



تظاهرات فلسطینی‌ها علیه حماس در بیت لاهیا در شمال نوار غزه/ ۲۶ مارس ۲۰۲۵

حوثی‌ها در یمن مسئول تداوم راه نصرالله شدند. الحوثی هر هفته سخنرانی‌هایی دارد که در آن از لبنان تا فلسطین و جهان اسلام را حمایت می‌کند و حتی اشاره‌ای به نیازهای واقعی مردم یمن مانند امنیت، صلح و نان نمی‌کند؛ نیازهایی که بجای موشک‌هایی که تنها در بیانیه‌ها اصابت می‌کنند، ضروری هستند. امروز ناامیدی نه تنها در غزه بلکه در تمام محور وابسته به رژیم ایران مشاهده می‌شود؛ محوری که بجای مقاومت، به خط مقدم دفاع از جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در برابر این ناامیدی، اعتراض نه فقط طبیعی بلکه ضروری است. در غزه، معترضان در بیت لاهیا شعار «حماس برو بیرون» را تکرار می‌کنند؛ شعاری که خواست دوگانه آنان برای رهایی همزمان از اسرائیل و حماس را خلاصه می‌کند. در لبنان، اعتراض به شکل دیگری ظاهر می‌شود و خواستار بازسازی دولت مشروع هستند که تنها مرجع سلاح و تصمیم‌گیری برای صلح و جنگ باشد. در عراق شعار «نه به سلاح خارج از کنترل دولت» شنیده می‌شود و در یمن نیز ممکن است از دل ویرانه‌ها و سخنرانی‌ها، موج اعتراضاتی مشابه سال ۲۰۱۱ شکل بگیرد. اما نگاه‌ها اکنون متوجه ایران است. شهروندان ایران بسی بیشتر از اعراب علیه دخالت رژیم حاکم بر کشورشان در امور دیگران اعتراض کرده‌اند. در پاییز ۲۰۱۹ بار دیگر شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» سر دادند. امروز نیز ایران با بحران‌های داخلی متعدد و محاصره‌های شدید روبروست، در حالی که ساختار منطقه‌ای‌اش به یکباره فروپاشیده، و احتمال وقوع اعتراضات جدید در هر لحظه وجود دارد.

اعتراضات مردم غزه می‌تواند هشدار پیشاپیش باشد برای آنچه ممکن است در ایران رخ دهد؛ جایی که غزه، در منطق رهبر جمهوری اسلامی، نقش چاشنی منطقه‌ای از طریق حماس را بازی می‌کرد، ممکن است اکنون به آزمونی سخت برای تهران تبدیل شود؛ آزمونی که در آن کسانی که منطقه را در مسیر جهنم هدایت کردند، سرانجام شکست بخورند.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: تونی فرنیسیس

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اقتصادی هند- خلیج فارس- اروپا قلمداد کردند. در کنار حکومت ایران، برخی تحلیلگران روسیه را نیز از مشوقان این درگیری دانستند؛ چرا که از یکسو روابط خوبی با حماس دارد و از سوی دیگر هر بحرانی در سطح بین‌المللی که توجه را از جنگ اوکراین منحرف کند، به سود روسیه است. درواقع، توجه آمریکا و اروپا از وقوع «هفتم اکتبر» به سمت حمایت از اسرائیل معطوف شد و از تمرکز روی جنگ اوکراین کاسته گشت. اما برخلاف تهران، مسکو در عمل رفتار متفاوتی داشت و تلاش کرد سوریه را از درگیری دور نگه دارد، در حالی که رژیم ایران «جبهه‌هایش» را به میدان آورد تا در چارچوب مشخصی وارد نبرد نیز بشوند؛ پشتیبانی و درگیری محدود از سوی حزب‌الله در لبنان، بیانیه‌ها و حملات موشکی از سوی حشد الشعبی عراق، و بستن مسیر کشتیرانی در دریای سرخ توسط حوثی‌ها. ماجراجویی حکومت ایران در مجموع، منجر به فاجعه‌ای در نوار غزه شد و خطر واقعی آوارگی دستجمعی را در پی داشت. در لبنان، منطقه مرزی نابود شد و رهبری حزب‌الله از بین رفت و توافقی با اسرائیل امضا شد که بر اساس آن حزب‌الله باید سلاح خود را تحویل دهد. همزمان، حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه نیز به پایان نزدیک می‌شد و با سقوط بشار اسد و پیروزی اپوزیسیون به رهبری احمد الشرع مسیر و گذرگاه اصلی رژیم ایران برای تسلیح حزب‌الله هم بسته شد. با فروپاشی سریع حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی اما ادعاهای پیروزمندانه رهبرش و هوادارانش تغییری نکرد. حزب‌الله همچنان لفاظی‌های بی‌ارتباط با واقعیت می‌کند و رفتارش کاملاً با منافع مردم لبنان بیگانه است. برای مثال، پس از بمباران یکی از ساختمان‌های ضاحیه توسط اسرائیل، تنها واکنش حزب‌الله بالا بردن پرچم جمهوری اسلامی روی ویرانه‌ها بود! و وقتی اعتراض‌ها بالا گرفت، کودکان را با پرچم لبنان به خیابان آورد و شعار «هیپات من الذله» و «لیبک یا نصرالله» سر داد! یعنی حسن نصرالله رهبر حزب‌الله که اسرائیل او را در سپتامبر ۲۰۲۴ ترور کرد! در عراق، حشد الشعبی تا حدود زیادی مهار شد، اما

● فروپاشی پایه‌های محور رهبری جمهوری اسلامی، راه را برای اعتراضاتی که به قلب نظام خواهد رسید باز می‌کند.
● در پی تحولات یک سال و نیم جنگ شدیدی که هیچ افق سیاسی ندارد، شک و تردیدها در میان فلسطینیان و اعراب در مورد اهداف واقعی عملیات «طوفان الاقصی» افزایش یافت. برخی معتقدند هدف حماس از این عملیات نه خدمت به مبارزه ملی آزادیخواهانه فلسطین، بلکه ادامه تجزیه و انحصارطلبی بوده است.

تونی فرنیسیس (ایندپندنت عربی) - ناامیدی کامل نه تنها در میان ساکنان نوار غزه بلکه در بین مردم تمام میدان‌هایی که رژیم ایران تحت عنوان مبارزه با اسرائیل در قالب «محور مقاومت» ساخته بود، دیده می‌شود؛ آنهم در حالی که هدف اصلی از آنها ایجاد سنگر برای محافظت از نظام تهران چه در جنگ و چه در مذاکرات بوده است. در برابر این ناامیدی ناشی از شکست توهمات بزرگ، اعتراض به وسیله‌ای نه تنها طبیعی، بلکه ضروری برای ابراز نظر مردم تحت سلطه شبه‌نظامیان تبدیل می‌شود.

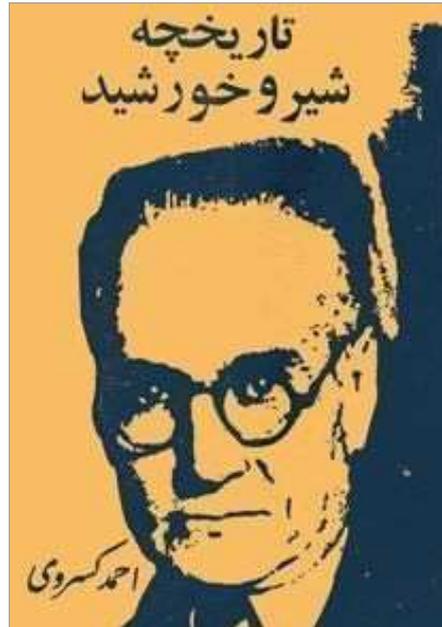
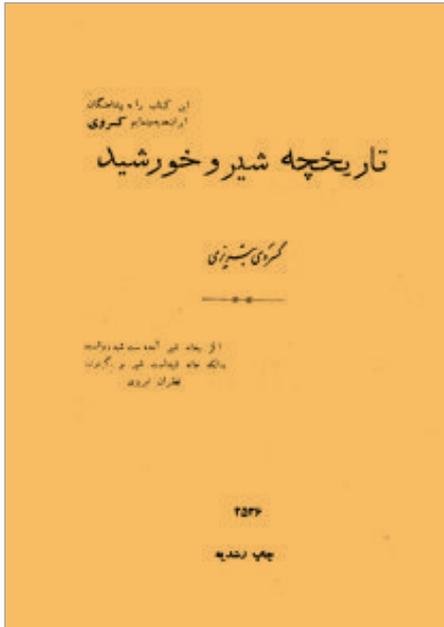
هنوز مشخص نیست که اعتراضات علیه حکومت و سیاست حماس در غزه به چه سمتی خواهد رفت، و آیا این اعتراضات شدت خواهند گرفت تا به خیزشی فراگیر تبدیل شوند که حماس و نیروهای مسلح‌اش را در محاصره قرار داده و آن را مجبور به انتخاب گزینه‌های دیگری بکند از جمله کنار رفتن از صحنه سیاسی نوار غزه که به ویرانه و گورستانی برای ساکنانش تبدیل کرده؛ یا اینکه حماس خواهد توانست از طریق سرکوب و بازداشت فعالان، شعله‌های اعتراض را خاموش کند. در ابتدا باید گفت که رهبران سازمان‌ها و حتی دولت‌ها می‌توانند ملت‌هایشان را به نبردهای بزرگ بکشانند؛ اگر پیروز شوند، مردم آنان را تشویق می‌کنند، و اگر شکست بخورند، از آنها فاصله می‌گیرند و بازخواست‌شان می‌کنند. در مورد غزه، باید به حالت وجد و شادی‌ای که در ساعات اولیه نفوذ نیروهای حماس به دیوار مرزی با شهرک‌های اسرائیلی در میان افکار عمومی فلسطین و حتی بخشی از عرب‌ها و جهان پشتیبان مسئله فلسطین به وجود آمد، اشاره کرد. اما اوضاع با شدت گرفتن پاسخ ویرانگر اسرائیل تغییر کرد؛ پاسخی که چیزی در غزه باقی نگذاشت و مردم ناامید را به توپ فوتبال بین شمال و جنوب تبدیل کرد؛ بدون هیچ افقی جز مرگ و آوارگی.

در پی تحولات یک سال و نیم جنگ شدیدی که هیچ افق سیاسی ندارد، شک و تردیدها در میان فلسطینیان و اعراب در مورد اهداف واقعی عملیات «طوفان الاقصی» افزایش یافت. برخی معتقدند هدف حماس از این عملیات نه خدمت به مبارزه ملی آزادیخواهانه فلسطین، بلکه ادامه تجزیه و انحصارطلبی بوده است که فلسطینیان را در برابر دشمنان تضعیف کرده و در خدمت پروژه‌های خارجی‌ای است که از رنج فلسطینیان برای اهداف خود استفاده می‌کنند.

در لحظات اولیه آغاز نبرد غزه، انگشت اتهام به سوی رژیم ایران نشانه رفت؛ چرا که به عنوان یکی از حامیان اصلی حماس، به نظر می‌رسید عامل اصلی این درگیری‌ها باشد، با هدف ایجاد هماهنگی در «تمام جبهه‌ها» برای آزادسازی قدس و فلسطین؛ شعاری که رژیم پس از انقلاب ۵۷ در ایران سال‌هاست سر داده است. در ابتدا، پیش از آنکه رژیم ایران ارتباط خود را با عملیات هفتم اکتبر انکار کند، در عمل چنین القاء کرد که پشت ماجرا بوده و تحلیلگران‌اش آن را انتقامی برای ترور قاسم سلیمانی دانستند و همچنین ضربه‌ای به پروژه‌های صلح عربی- اسرائیلی و مسیر

تاریخچه شیر و خورشید از احمد کسروی (۲)

تاریخ نشر در کیهان لندن: مهرماه ۱۳۸۸ - سپتامبر ۲۰۰۹



تدبیر اندیشیدند که صورت شیری نگاشته روی همچون خورشید آن شاهزاده گرجی را همچون خورشیدی بر فراز آن بنگارند که هم دلخواه کیخسرو انجام گرفته، هم مردم پی به حقیقت کار نبرده، چنین پندارند که مقصود نقش صورت طالع پادشاه است (هو کان السلطان غیاث الدین مقبلا علی المجون و شراب الشراب غیر مرضی الطریقه مغنمسا فی الشهوآت المویقه تزوج ابته ملک الکرچ فشقغه فیها وهام بها الی حد ان اراد تصویرها علی الدرهم فاشیر علیه آن یصور صوره اسل علیه شمس لینسب الی طالع و یحصل به الفرض. تاریخ ابن عبری چاپ بیروت ص ۴۴۷)

مقصود ابن عبری نکوهش کیخسرو است که چرا بداندسان زبون عشق زنی بوده [است]. بر ابن عبری باید بخشود! زیرا او از زیر چرخست استخوانسای عشق در نیامده بود و از اندیشه خام و دل بی‌درد بهتر از این چه تراود؟! بلکه باید خرسند بود که او بدین نکوهش برخاسته که ما از سخنانش بدینسان سود برداشته، دشوار تاریخی خود را آسان می‌سازیم. و چون او در آغاز جوانیش زمان کیخسرو را دریافته و زادگاهش نیز ملطیه یکی از شهرهای آسیای کوچک بوده، از این رو در تاریخ سلجوقیان روم، به ویژه در سرگذشت و داستان کیخسرو و جانشینانش بینا و آگاه بوده [است]. وانگاه او یکی از مؤلفان دانشمند است که پیرامون گرافه نمی‌گردد و از اینجا سخن او بسی استوار و از نظر تاریخ ایران در خور ارزش بسیار است.

گذشته از آنکه دانه‌های بسیاری از آن سکه کیخسرو با نقش شیر و چهره خورشیدوار شاهزاده خانم گرجی در دست هست که از جمله دانه‌ای در تصرف نگارنده است که در اینجا می‌آوریم (باید دانست که این شکل‌ها اندکی بزرگتر از اندازه خود سکه‌هاست).

شماره یک از سکه‌های مغول است که گفتیم شیر را تنها به کار می‌بردند. شماره دو از سکه‌های کیخسرو است با نقش شیر و صورت شاهزاده گرجی.

خود این سکه بر استواری گفته ابن عبری بهترین ←

دید شاید در زمان شاه عباس بزرگ هم این عقیده رواج داشته است.

راه سومین آنست که ایرانیان و ارمنیان پنداشته‌اند. بدینسان که شیر نشان ارمنیان و خورشید نشان ایرانیان بوده و شاه عباس بزرگ پس از برانداختن استقلال ارمنستان، این دو نشان را یکی ساخته [است]! برخی هم به جای ارمنستان، گرجستان را می‌گویند!

ولی خوشبختانه ما از این پندارها پاک بی‌نیازیم زیرا یک سند معتبر تاریخی داستان پیدایش شیر و خورشید و زمان و تاریخ آن را برای ما آشکار می‌سازد. این سند، نوشته ابن عبری تاریخ‌نگار دانشمند معروف است در کتاب «مختصر تاریخ الدول» و در خور همه گونه شگفت است که چنین سندی از چشم‌ها پنهان مانده و کسی تا کنون به حل معمای شیر و خورشید برنخاسته و میدان برای آنگونه افسانه‌ها و پندارها باز شده است.

خاندان سلجوقیان روم که در بخشی از آسیای کوچک فرمانروا بودند، مشهور است. ابن عبری درباره غیاث‌الدین کیخسرو پسر علاء‌الدین کیکاس که از پادشاهان آن خاندان و دومین کیخسرو از ایشان است و در سال ۶۳۴ هجری به جای پدر خود پادشاهی یافته بود می‌نویسد که او دختر پادشاه گرجستان را به زنی گرفت.

در آن زمان‌ها زیبایی زنان گرجستان به ویژه زیبایی خانم شاهزادگان [شاهزاده‌خانم‌های] گرجی در سراسر شرق و غرب شهرت یافته و بسیاری از فرمانروایان دور و نزدیک از مسلمان و ترسا، زن از آن خاندان می‌گرفتند. در این باره داستان‌هایی در تاریخ هست که در اینجا فرصت یاد نکردن نداریم.

ابن عبری می‌گوید کیخسرو شیدای رخسار دلارای شاهزاده خانم گرجی گردیده، دل و دین و تاب و توان از دست داد و به فرمان عشق می‌خواست روی درهم و دینار را با نقش آن رخسار دلارای بیاراید. نزدیکان کیخسرو به پاس اسلام رأی بدین کار نمی‌دادند ولی چون او پافشاری داشت، چنین

● «تاریخچه شیر و خورشید» نخستین بار در سال ۱۳۰۹ منتشر شد و به قیمت هر نسخه سی شاهی به فروش می‌رسید. آنچه می‌خوانید از روی نسخه چاپ سال «۲۵۳۶» از انتشارات رشدیه توسط کیهان لندن تنظیم و در مهرماه ۱۳۸۸ (سپتامبر ۲۰۰۹) در این رسانه منتشر شد.

● کیهان لندن در ارتباط با انتشار این رساله نوشت، شناخت تاریخی و آگاهی از علائم و نشانه‌ها در خیزی که نسل‌های جوان ایران برای بازیافتن هویت ملی خود برداشته‌اند، بی‌تردید نقشی مهم بازی می‌کند. احمد کسروی خود از «پیشاهنگان ایران» بود و از همین رو قربانی بنیادگرایان دینی شد.

● احمد کسروی رساله خود را با عبارت «این کتاب را به پیشاهنگان ایران تقدیم می‌نمایم» و یک بیت از قطران تبریزی آغاز کرده است: اگر به خانه شیر آمده‌ست شیدروست/ بدانکه خانه شیداست شیر بر گردون».

گفتار دومین

خورشید و شیر چگونه به هم پیوسته‌اند؟

باید دانست که درباره چگونگی پیدایش شیر و خورشید ما اگر سند تاریخی در دست نداشتیم و سر و کارمان با اندیشه و پندار بود چندین راه می‌توانستیم پنداشت:

یکی اینکه پادشاهی طالعش برج اسد بوده [است]. بدینسان که در هنگام زائیدن او خورشید از روی حساب علمی در برج اسد بوده و این پادشاه صورت طالع خود را بدینسان بر سکه‌ها نگاشته و شیر و خورشید از اینجا پدید آمده. این پندار دامنگیر برخی پادشاهان صفوی بوده و چنانکه خواهیم دید شاه تهماسب بزرگ که طالع او برج حمل (بره) بوده در پاره سکه‌های خود خورشید را بر پشت بره نشانده است.

راه دیگری اینکه بنیاد پیدایش شیر و خورشید آن ارتباط علمی بوده که میانه آفتاب و برج اسد نزد ستاره‌شناسان باستان معروف بوده [است]. چه این ستاره‌شناسان دوازده برج آسمان را که نام‌های آنها را همه می‌دانیم میانه هفت ستاره‌گردان (سبعه سیاره) که به عقیده ایشان آفتاب هم یکی [از آنها] است، بخش نموده هر یک یا دو برج را خاص یکی از آن ستاره‌ها دانسته، خانه آن ستاره می‌نامیدند که از جمله برج اسد را «خانه خورشید» می‌نامیدند. خواجه نصیرالدین توسی در منظومه خود درباره ستاره‌ها در این موضوع می‌گوید:

اولین از بروج با هشتم نام آن بره و دگر کژدم
هر دو مریخ را شدند بیوت همچو برجیس را کمان با حوت
زهره را خانه ثور و هم میزان شمس را شیر و ماه را سرطان
تیر را خانه خوشه و جوزا مر زحل راست جدی و دلو عطا

شاعران ایران هم بدین معنی آشنا بوده و گاهی در شعرهای خود آورده‌اند. قطران تبریزی درباره رفتن پادشاه آذربایگان به دیدن پادشاه گنجه می‌گوید:

اگر به خانه شیر آمدست شید رواست بدانکه خانه
شیداست شیر بر گردون

این پندار هم دامنگیر برخی دانشمندان بوده که درباره شیر و خورشید با نگارنده گفتگو داشته‌اند و چنانکه خواهیم

دلیل است زیرا کسانی که در فن سکه‌شناسی دست دارند، می‌دانند که پیش از این سکه‌های کیخسرو، هرگز



سکه‌ای با نقش شیر و خورشید دیده نشده و این سکه‌ها نخستین سکه با نقش مزبور می‌باشد و چون از هر حیث با نوشته این عبری درست می‌آید از اینجا استواری آن نوشته هویداست.

باید گفت شیر و خورشید چون پدیدآورده عشق است، چه بهتر از اینکه بهره ایران سرزمین شاعران گردیده، زیرا نقش مزبور شعر و داستانش هم شعر است! انوشه‌روان شاهزاده گرجی که زیبایی رخسار او چنین نقش شگفتی پدید آورده و به ایران، سرزمین ویس و رامین (افسانه ویس و رامین از پارسی به زبان گرجی ترجمه یافته و پیش گرجیان بسیار معروف می‌باشد) ارمغان ساخته است. ایران [سرزمینی] که بر همه سرزمین‌های پیرامون خود عنوان استادی و آموزگاری دارد و سالیان دراز گرجستان زیبا یکی از جگرگوشه‌هایش بوده [است] [از همین رو] نشانی با این بنیاد تاریخی از هر حیث برتری دارد بر آن نشان‌ها که دولت‌های دیگر دارند و هرگز بنیادی برای آنها در تاریخ نتوان یافت.

گفتار سومین

شیر و خورشید چگونه شهرت یافته و از کی نشان رسمی ایران شده [است]؟

پر روشن است که در این باره ما باید چگونگی شیر و خورشید را زمان به زمان و قرن به قرن از دیده بگذرانیم. ولی افسوس که پس از سکه‌های کیخسرو تا زمان پادشاهان صفوی که سیصد سال کمابیش فاصله است، ما آگاهی درستی از چگونگی شیر و خورشید نداریم.

بدین تفصیل که پس از کیخسرو از چند تن جانشینان او که تا آخر قرن هفتم زیر دست مغولان فرمانروایی داشتند، نگارنده هرگز سکه ندیده‌ام با آنکه یقین است سکه داشته‌اند. از مغولان و قره‌قوینلوئیان و آق‌قوینلوئیان و سربداران و تیموریان و دیگران نیز که از زمان کیخسرو تا پیدایش صفویان در ایران و این پیرامون‌ها پادشاهی داشته‌اند هر چه سکه من دیده‌ام همه با خط و نوشته بوده و هرگز سکه‌ای با نقش جانور یا آدمی از این پادشاهان ندیده‌ام (مگر یک دانه سکه مسی که سپس یاد آن خواهیم کرد).

لیکن چون در زمان صفویان شیر و خورشید یکی از نقش‌های معروف بوده و فراوان آن را به کار می‌برده‌اند از اینجا به دو جهت پیداست که نقش مزبور پیش از صفویان نیز معمول بوده است: جهت نخستین آنکه اگر شیر و خورشید پس از کیخسرو از میان برخاسته بود و پادشاهانی که میانه او و صفویان بوده‌اند هیچ کدام آن را به کار نمی‌بردند [پادشاهان صفوی از کجا پی به نقش مزبور برده [و] در سکه‌های خود می‌نگاردند؟ چه، این گمان بسیار دور است که بگوئیم آن را از روی سکه‌های کهنه کیخسرو برداشته بودند زیرا گرد کردن [گردآوری]

سکه‌های کهنه که امروز در میان ماست در آن زمان‌ها نبوده است. جهت دومین اینکه در سکه‌های کیخسرو چنان که دیدیم خورشید دایره درست و از پشت شیر جداست ولی در سکه‌های صفویان (چنانکه در گراورها خواهیم دید) همچون سکه‌های امروزی ما، خورشید نیم دایره و چسبیده به پشت شیر است. این تفاوت دلیل [آن] است که شیر و خورشید را صفویان یکسره از روی سکه‌های کیخسرو برداشته‌اند و واسطه‌های بسیار در میان بوده، چه برای نیم دایره شدن خورشید و چسبیدن آن به پشت شیر جهت جز این نتوان پنداشت که در نتیجه شتابکاری و سهل‌انگاری نقاشان به تدریج و کم کم بدین حال رسیده [است].

گذشته از اینها یک دانه سکه مسی در تصرف نگارنده است که بر یک روی آن نقش شیر و خورشید هست و خطی بر فراز آن بوده که زنگ گرفته و از میان رفته و از این رو نتوان دانست که سکه کدام زمان و کدام پادشاه است. ولی چون از یک سوی در اینجا نیز خورشید نیم دایره و چسبیده به پشت شیر است و از اینجا پیداست که از سکه‌های کیخسرو نمی‌باشد و از سوی دیگر از عبارت «لا اله الا الله محمد رسول الله» که بر روی دیگر سکه است و نامی از «علی» و دیگر امامان برده نشده، و هم چنین از طرز خط، که کوفی است، پیداست که از سکه‌های صفویان و خاندان‌های پس از ایشان هم نیست و نتیجه این است که سکه مزبور از پادشاهی است که میانه زمان کیخسرو و دوره صفویان فرمانروایی داشته و نقش شیر و خورشید در آن زمان‌ها نیز به کار برده می‌شده است. ناچار اگر دانه‌های دیگر از این سکه پیدا شود، مطلب روشن خواهد شد.

باری، چنانکه گفتیم در زمان صفویان شیر و خورشید بسیار معروف بوده بلکه از زمان ایشان است که این نقش در ایران شهرت و رواج یافته، ولی باید دانست که در زمان شاه اسماعیل هرگز این نقش به کار نرفته زیرا گذشته از آنکه هرگز سکه‌ای از آن زمان پادشاه با نقش شیر و خورشید دیده نشده قاسمی کتابدی که در زمان او می‌زیسته و جنگ‌ها و کارهای او را به نظم سروده [و] در بسیار جا درفش‌های او را می‌ستاید، چنان که می‌گوید:

علم‌های سبزش ستون سپهر مه رایت آینه ماه و مهر

باز می‌گوید:

**علم‌ها چو خوبان قد آراستند به نظاره جنگ برخاستند
شد از پرچم طوق عالی اساس عیان ابلق آسمان را قطاس
مه سر علم بر فلک سر فراز جلاجل دف زهره را کرده ساز**

[و] از این گونه شعرها بسیار دارد ولی در هیچ جا نامی از شیر یا شیر و خورشید نمی‌برد و هویداست که در آن زمان این نقش به کار نمی‌رفته است.

شاه تهماسب پسر شاه اسماعیل توجه به نقش شیر و خورشید داشته [است]. ولی چنانکه گفتیم این پادشاه می‌پنداشته که شیر و خورشید صورت طالع پادشاهی است و چون طالع خود او برج حمل (بره) بوده (در [تاریخ] جهان‌آرا تصریح نموده که طالع شاه تهماسب حمل بود) از این رو در سکه‌های مسی که فلوس می‌نامیدند (صفویان جز در سکه‌های مسی نقشی نمی‌نگاشتند. بر سکه نقره و طلا نام‌های خدا و پیغمبر و امامان را با نام پادشاه زمان می‌نگاشتند) خورشید را بر پشت بره نشانیده است. نگارنده دو سکه از این «بره و خورشید» را دارم که در پشت یکی نام شاه تهماسب آشکار نوشته شده [است]. از اینجا می‌توان انگاشت که جهت [دلیل] به کار نبردن شاه اسماعیل شیر و خورشید را نیز این پندار بوده زیرا طالع او برج عقرب بوده (در روضه‌الصوفیه تصریح نموده) و نمی‌خواست خورشید را

بر پشت کژدم بنشانند. راستی هم اگر می‌نشانند شکل بسیار نازیبایی درست می‌شد.

از خوشبختی خورشید، این پندار دیر نپاییده و شاه عباس و دیگران پایند آن نبوده‌اند. وگرنه خورشید را هر زمان بر پشت یکی از کژدم و خرچنگ و نهنگ و گاو و بره و بزغاله سوار ساخته به فرجام شاید درون دلوش [نیز] جای می‌دادند! (شاید هم سکه‌هایی با نقش خرچنگ و خورشید، یا نهنگ و خورشید زده بودند [و] به دست ما نرسیده [است]. نگارنده برخی پول‌های مسی دارم که ساییده شده و نقش آنها درست دیده نمی‌شود ولی بپه خرچنگ و نهنگ و خورشید شباهت بسیار دارد).

شاه عباس هر چه فلوس با نقش خورشید دارد، در همگی خورشید با شیر است با آنکه طالع آن پادشاه برج سنبله بوده است و نتوان گفت که چون خورشید با سنبله درست نمی‌آمده به جای سنبله، همسایه آسمانی او شیر را به کار کشیده‌اند زیرا سنبله که صورت زنی است خوشه‌ای به دست گرفته، نقش خورشید با او هیچ‌گونه مانعی نداشته است و می‌توانستند خورشید را بر روی سنبله او بنگارند. باید گفت تا زمان شاه عباس آن پندار از میان برخاسته و حقیقت داستان شیر و خورشید به دست آمده بود یا اینکه شاه مزبور به راهنمایی ستاره‌شناسان آن ارتباط علمی خورشید و شیر را که گفتیم در فن ستاره‌شناسی کهنه معروف است در اندیشه داشته که برخلاف شیوه گذشتگان خود خورشید را با سنبله نقش ننموده است.

از شاه عباس نقش‌های دیگر هم از شیر لخت و شیر با گوزن (شیر چنگال‌های خود را بر کمر گوزن فرو برده به دریدن آن پرداخته و گویا این نقش را از روی شیر و گاو کوشک استخر برداشته باشند) و پیل و طاووس و مانند اینها بر فلوس‌ها در دست هست. ولی شیر و خورشید فراوان‌تر از همه است و شاید از اینجا نسبت پیدایش شیر و خورشید را به شاه مزبور می‌دهند که او باعث شهرت و رواج آن گردیده است.

پس از شاه عباس هم تا آخر صفویان شیر و خورشید در سکه‌ها معمول و معروف بوده و فلوس‌هایی با نقش مزبور از هر کدام از جانشینان او در دست هست بلکه در برخی شعرهای آن زمان نیز یاد این فلوس‌ها و شیرها شده [است]. ملا نویدی شیرازی که در زمان شاه سلیمان صفوی در سپاهان می‌زیسته، این دو بیت از اوست:

**ای آنکه حدیث عقل را تفسیری بی‌بوهه ز بی‌زری چرادر لگیری؟!
آوردن زر به دست آسان نبود خوابیده به روی هر فلوسی شیری!**

شاعر دیگری ملا قدرتی نام که او نیز در همان زمان در سپاهان می‌زیسته در [یک] مثنوی که درباره شکست فلوس سروده، می‌گوید:

**فلوس سپاهان چنان نارواست تو گویی بهر کیسه پول از دهاست
نگیرد گدا پول از بس پر است تو گویی مگر شیرش آدم‌خور است
ز فلس آنچنان دهر درهم شده که ماهی به زیر زمین خم شده
زر از دست مردم نگرده سپید که از دور کف می‌زند هر که دید
چون گشته خوار از خلاقیت درم که شخص غنی گفته صاحب کرم
چو شیر است نقش فلوس این زمان ز بيمش گر زیند پیر و جوان
باید گفت مقصود از شیر در این شعرها شیر با خورشید است نه شیر لخت. چه دیدیم که شیر لخت در آن زمان‌ها بر سکه‌ها کمتر نقش می‌شده به ویژه در سپاهان که معمول نبوده است (این شعرها و شعرهای ملا نویدی در تذکره محمد ظاهر نصرآبادی که او نیز در همان زمان‌ها می‌زیسته و یگانه‌نسخه کتابش پیش آقای ملک‌الشعراى بهار است، آورده شده).**

(دنباله دارد)

بر خلاف ادعای دولت، افزایش و کمبود دارو در ۱۴۰۴ ادامه دارد



در همین رابطه محمدرضا واعظ مهدوی کارشناس حوزه سلامت گفته «یک سوم بیمارانی که به داروخانه‌ها مراجعه می‌کنند، نمی‌توانند داروهایشان را بخرند.»

این کارشناس حوزه سلامت توضیح داده که «بر اساس گزارش‌های موجود تا یک سوم بیمارانی که به داروخانه‌ها مراجعه می‌کنند، وقتی با قیمت نسخه مواجه می‌شوند، بطور کلی دارو را تهیه نمی‌کنند. وقتی بیماری این افراد معالجه نمی‌شود، دچار انواع ضایعات می‌شوند. جواب اینها را در دنیا و آخرت، چه کسی باید بدهد؟!»

او افزوده «این افزایش قیمت‌ها در حوزه پزشکی و سلامت، منجر به مرگ‌های زودرس و قابل اجتناب، معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی می‌شود و مسئولیت همه اینها با کسانی است که این گونه تصمیمات غیرمردمی و نابخردانه را در کشور می‌گیرند.»

محمدرضا واعظ مهدوی خواستار آن شده که «دولت از سیاست غلط اصالت دادن به بازار سیاه و بازار قاچاق و سیاست خصوصی سازی کاذب و بازار محوری کاذب و نادرست دست بردارد.»

خرپگزاری «ایلنا» نیز در گزارشی به بحران گرانی و کمبود دارو در سال گذشته اشاره کرده و نوشته «به نظر می‌رسد در سال جدید شاهد افزایش حداقل ۴۰ تا ۵۰ درصدی قیمت داروها باشیم. برخی داروسازان لیست‌های قیمتی جدید خود را در ماه‌های پایانی سال قبل منتشر کردند و دیدیم که برخی اقلام تا مرز ۴۰۰ درصد افزایش قیمت داشتند.»

خرپگزاری «ایلنا» افزوده «از سوی دیگر، تعرفه‌های درمان در بخش‌های مختلف افزایش چشمگیر داشته است؛ هم دارو، هم تجهیزات پزشکی و هم تعرفه‌های بستری و کلینیکی افزایش یافته؛ حتی ویزیت پزشکان نیز بیشتر شده است. در روزهای اول فروردین، سازمان غذا و دارو از تصویب و ابلاغ تعرفه خدمات دارویی سال ۱۴۰۴ خبر داد. در این ابلاغیه تعرفه‌های اقلام مختلف از جمله پایش و مدیریت نسخ دارویی بیمارستان‌ها، نسخه‌پیچی سرپایی و تلفیق دارویی برای بیماران بستری گران شده است؛ ←

گروه ۲۸ هزار و ۵۰۰ و گروه حدود ۷۰ هزار تومانی برای بانک مرکزی ارسال کرده است، اما تاکنون بانک مرکزی تخصیصی را انجام نداده است. سازمان غذا و دارو از نیاز یک میلیارد دلار ارز برای تأمین منابع مورد نیاز واردات دارو و مواد اولیه صنعت دارویی خبر داده بود.

مجتبی بوربور گفته «بانک مرکزی فقط ۲۰ درصد از ارز تخصیصی مرحله اول و ۱۰ درصد از کل ارز درخواستی این سه، چهار ماه را اختصاص داده و این یعنی یک فاجعه بسیار جدی در تأمین دارو، چرا که همین الان ما دچار کمبود یا عدم در برخی از اقلام دارویی هستیم و این عدم تخصیص ارز به شدت مسئله کمبودها را تشدید خواهد کرد.»

میزان بودجه در نظر گرفته شده برای طرح دارویار در بودجه سال جاری نیز حدود ۹۵ هزار میلیارد تومان است. این طرح از بهار ۱۴۰۰ طراحی و اجرایی شد و بر اساس آن در پی افزایش قیمت دارو قرار بود سهم شرکت‌های بیمه در پرداخت هزینه دارو افزایش پیدا کند تا بار افزایش قیمت دارو بر دوش شهروندان نیفتد. با اینهمه شرکت‌های بیمه نیز که با مشکلات مختلفی روبرو هستند سهم خود از هزینه دارو را به داروخانه‌ها نداده و به همین دلیل داروخانه‌ها با بحران مالی روبرو شده اند.

در شرایطی بودجه در نظر گرفته شده برای سال ۱۴۰۴ تنها ۹۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده که دست‌کم ۱۸۰ هزار میلیارد تومان منابع برای این طرح مورد نیاز بود و در نتیجه بازار دارویی کشور در سال جدید با نصف بودجه واقعی دارویار باید کنترل و تنظیم شود. این به معنای تحمیل بحران به بخش داروسازی خواهد بود.

شهرام کلاتری رئیس انجمن داروسازان کشور اواخر اسفندماه گذشته در نامه‌ای به رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده بود اگر سه ماه مطالبات داروخانه‌ها طی روزهای آینده پرداخت نشود نسخه‌های بیماران به صورت آزاد محاسبه خواهد شد.

این در حالیست که شهروندان نیز توان پرداخت هزینه بیشتر یا محاسبه قیمت دارو به صورت آزاد را ندارند.

● فعالان صنعت دارو می‌گویند زنجیره تأمین دارو اعم از تولیدکنندگان مواد اولیه، شرکت‌های داروسازی، شرکت‌های پخش و داروخانه‌ها به لحاظ نقدینگی به شدت تحت فشار هستند و سال جدید را با ۴۵ درصد بدهی جامانده آغاز کرده‌اند.

● مجتبی بوربور نایب رئیس انجمن واردکنندگان دارو می‌گوید از اواخر بهمن سال گذشته بانک مرکزی ارزی برای دارو تخصیص نداده است.

● یک کارشناس حوزه سلامت با استناد به گزارش‌ها گفته «یک سوم بیمارانی که به داروخانه‌ها مراجعه می‌کنند، نمی‌توانند داروهایشان را بخرند.»

● علیرضا حیدری کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی معتقد است «مخاطرات بحران درمان از بحران معیشت بیشتر است چون فرد ناچار است خدمات را با قیمتی که در بازار عرضه می‌شود خریداری کند؛ گزینه دیگر، انصراف از دریافت خدمات و توقف درمان است که جان و سلامت خانواده‌ها را به خطر می‌اندازد.»

بحران گرانی و کمبود دارو که از سال گذشته به اوج رسید همچنان ادامه دارد و به گفته نایب رئیس انجمن واردکنندگان دارو، بانک مرکزی از اواخر بهمن سال گذشته ارز دولتی برای دارو تخصیص نداده است.

پس از تعطیلات نوروزی گزارش‌هایی درباره تداوم کمبود و افزایش قیمت دارو منتشر شد؛ سازمان غذا و دارو اما بیستم فروردین‌ماه در اطلاعیه‌ای مدعی «استمرار اصلاحات، نظارت‌ها و همکاری‌های بین‌بخشی در حوزه دارو» شد.

سازمان غذا و دارو همچنین مدعی شده که برنامه‌هایی برای حمایت از تولید داخل، اصلاح فرآیندها و مقابله با چالش‌های موجود در دستور کار قرار گرفته است. بر این اساس نظام قیمت‌گذاری دارو با در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی، نرخ ارز، هزینه تمام‌شده تولید و توان بیمه‌ها بازبینی شده و به‌روزرسانی فرمول‌های مربوطه با هدف شفاف‌سازی و کاهش فشار هزینه‌ای بر بیماران دنبال می‌شود.

این اطلاعیه در حالی صادر شده که فعالان صنعت دارو می‌گویند زنجیره تأمین دارو اعم از تولیدکنندگان مواد اولیه، شرکت‌های داروسازی، شرکت‌های پخش و داروخانه‌ها به لحاظ نقدینگی به شدت تحت فشار هستند و سال جدید را با ۴۵ درصد بدهی جامانده آغاز کرده‌اند.

مهدی پیرصالحی رئیس سازمان غذا و دارو نیز تسویه نشدن حدود نیمی از طلب شرکت‌های داروسازی را تأیید کرده و گفته «در پایان سال گذشته بیش از ۵۵ درصد از بدهی‌های صنعت دارو که برای بسیاری از شرکت‌ها چالش‌برانگیز بود، پرداخت شد.»

شرکت‌های داروسازی در حالی به علت تسویه نشدن طلب‌شان با بحران نقدینگی روبرو هستند که در آنسو مجتبی بوربور نایب رئیس انجمن واردکنندگان دارو می‌گوید از اواخر بهمن سال گذشته بانک مرکزی ارزی برای دارو تخصیص نداده است.

به گفته نایب رئیس انجمن واردکنندگان دارو در این مدت وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو حدود نیم میلیارد دلار درخواست ارز برای تخصیص به شرکت‌ها را داشته‌اند تا واردات اقدام و داروهای ساخته‌شده انجام بگیرد. وزارت بهداشت این تخصیص ارزها در گروه‌های ۲۱ و ۲۲ یعنی

معاون وزیر خارجه روسیه: در صورت حمله به ایران، موظف به ارائه کمک نظامی نیستیم



آندری رودنکو معاون وزیر خارجه روسیه

هشدار داد که وقوع احتمالی درگیری میان واشنگتن و تهران می‌تواند پیامدهای سنگینی برای منطقه به همراه داشته باشد، اما تأکید کرد: «در صورت وقوع چنین سناریویی، روسیه موظف به ارائه کمک نظامی نیست.»

او تأکید کرد که «مایلم تأکید کنم امضای این معاهده به معنای تشکیل اتحاد نظامی با [رژیم] ایران نیست و شامل تعهد به کمک نظامی متقابل نمی‌شود.»

رودنکو همچنین نمایندگان دوما را به «ماده ۳» این معاهده ارجاع داد که در آن بر «عدم ارائه کمک نظامی یا دیگر انواع حمایت به متجاوز در صورت حمله به روسیه یا ایران» و نیز «همکاری در حل و فصل اختلافات بر پایه منشور سازمان ملل متحد و دیگر قوانین بین‌المللی» تأکید شده است.

این اظهارات در حالی بیان می‌شود که مقامات جمهوری اسلامی از روسیه به عنوان شریک استراتژیک و دوست خود یاد می‌کنند و در سال‌های اخیر همزمان با آغاز جنگ اوکراین، با وجود فشارهای بین‌المللی و پیامدهای سنگین ناشی از تحریم‌ها، تسلیحات مختلف از جمله پهپادهای انتحاری «شاهد» و انواع موشک و خمپاره در اختیار روس‌ها قرار دادند.

محتوای دقیق «معاهده راهبردی» میان روسیه و جمهوری اسلامی مشخص نیست اما گفته می‌شود در بالاترین سطوح امنیتی تدوین و مورد توافق قرار گرفته است، تا جایی که شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفته‌اند از مفاد این توافقنامه مطلع نیستند. در همین ارتباط محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی چهارشنبه ۲۰ فروردین در جلسه علنی از دولت خواست تا لایحه این توافقنامه را هرچه زودتر به مجلس ارائه کند تا خارج از نوبت رسیدگی شود.

● مجلس دومای روسیه روز سه‌شنبه ۸ آوریل (۱۹ فروردین) توافقنامه «مشارکت راهبردی ۲۰ ساله» میان روسیه و جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد.

● این سند در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵ به امضای ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی رسیده بود. در همین ارتباط آندری رودنکو معاون وزیر خارجه روسیه اعلام کرد که معاهده مشارکت استراتژیک میان روسیه و ایران، به معنای تشکیل اتحاد نظامی نیست.

● به گزارش خبرگزاری روسی «تاس»، رودنکو در نشست بررسی تصویب این توافقنامه در دومای دولتی روسیه هشدار داد که وقوع احتمالی درگیری میان واشنگتن و تهران می‌تواند پیامدهای سنگینی برای منطقه به همراه داشته باشد، اما تأکید کرد: «در صورت وقوع چنین سناریویی، روسیه موظف به ارائه کمک نظامی نیست.»

● او تأکید کرد که «مایلم تأکید کنم امضای این معاهده به معنای تشکیل اتحاد نظامی با [رژیم] ایران نیست و شامل تعهد به کمک نظامی متقابل نمی‌شود.»

مجلس دومای روسیه روز سه‌شنبه ۸ آوریل (۱۹ فروردین) توافقنامه «مشارکت راهبردی ۲۰ ساله» میان روسیه و جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد.

این سند در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵ به امضای ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی رسیده بود. در همین ارتباط آندری رودنکو معاون وزیر خارجه روسیه اعلام کرد که «معاهده مشارکت راهبردی میان روسیه و ایران به معنای تشکیل اتحاد نظامی نیست.»

به گزارش خبرگزاری روسی «تاس»، رودنکو در نشست بررسی تصویب این توافقنامه در دومای دولتی روسیه

حتی هزینه بسته‌بندی دارو با مجوز سازمان غذا و دارو بیشتر شده است.»

علیرضا حیدری کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی معتقد است «مخاطرات بحران درمان از بحران معیشت بیشتر است چرا که معیشت را می‌توان با تغییر الگو در سطحی پایین‌تر به گونه‌ای پوشش داد اما درمان انحصاریست؛ فرد ناچار است خدمات را با قیمتی که در بازار عرضه می‌شود خریداری کند؛ گزینه دیگر، انصراف از دریافت خدمات و توقف درمان است که جان و سلامت خانواده‌ها را به خطر می‌اندازد.»

محمد جمالیان عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته نسبت به پیامدهای امنیتی افزایش قیمت دارو هشدار داد و گفت: «سلامت یک بحث امنیتی است. وقتی پدر یا مادری که دنبال داروی فرزندش است یا بچه‌ای که برای پدر و مادرش دنبال دارو می‌گردد و پیدا نمی‌کند یا توان پرداخت مالی آن را ندارد، باید ببینیم این فرد می‌تواند هر کار خطرناکی بکند و می‌تواند نسبت به همه چیز بدبین شود، ما باید اینها را پیگیری کنیم. ما باید راهکاری داشته باشیم، ولی متأسفانه هنوز آن اقدام خوب رخ نداده است.»

وی افزود «ما منکر قاچاق دارو نیستیم به خاطر اینکه دارو در ایران نسبت به کشورهای همسایه ارزان‌تر است، قاچاقش اتفاق می‌افتد. ولی سرمنشاء این قاچاق قبل از شبکه توزیع کشور در مراکز تولیدکننده دارو است که باید وزارت بهداشت خودش به صورت جدی ورود کند.»

عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که «امیدواریم دولت کمی جدی‌تر اقدام کند. مشکلات را ما درک می‌کنیم، ولی اولویت‌بندی باید انجام شود و اینها در یک زمان مناسب‌تری انجام شود، نه اینکه همه پیگیری کنند و در نهایت ببینیم هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است.» محمد جمالیان معتقد است «تأخیر در تخصیص ارز، تحریم و تجهیزات فرسوده» را سه ضلع بحران دارویی کشور است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی قوانین موازی و دست‌وپاگیر را یکی دیگر از مشکلات حوزه دارو و درمان کشور دانسته و گفته «بر اساس قوانین فعلی واردات برخی تجهیزات پزشکی در صورت وجود مشابه داخلی ممنوع است مگر با اجازه وزیر صمت در حالی که این وزارتخانه تخصص لازم در حوزه تجهیزات پزشکی ندارد و باعث می‌شود واردات دستگاه‌های حیاتی به بهانه وجود نمونه داخلی بی‌کیفیت با مشکل مواجه شود، به عنوان مثال دستگاه دیالیز تولید داخل کیفیت لازم را نداشته و پاسخگوی نیاز کشور نیست ولی جلوی واردات را می‌گیرند و این نوع تصمیم‌گیری تهدیدی برای سلامت مردم است و باید به وزارت بهداشت اجازه داده شود نظرات تخصصی خود را اعمال کند.»

فاطمه محمدبیگی نایب رئیس کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با اشاره به افزایش هزینه‌های درمان در کشور، سال گذشته را یکی از سخت‌ترین سال‌ها در حوزه سلامت عنوان کرده و گفته «متأسفانه با حذف ارز ترجیحی در حوزه دارو و درمان و بی‌توجهی به ماهیت اساسی و حیاتی کالاهای درمانی، شاهد بروز مشکلات متعددی در این زمینه بودیم.»

به گفته وی البته در انتهای سال، با پیگیری‌های مجلس شورای اسلامی، بخشی از منابع مورد نیاز به این حوزه تزریق شد، اما همچنان میزان داروی تولیدی کشور پاسخگوی نیاز بازار نیست و کمبود ارز برای تأمین دارو از معضلات اصلی ما به شمار می‌رود.

پس از افتضاح «سفر تفریحی به قطب جنوب»، معاون پارلمانی پزشکیان برکنار شد

جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، می‌دانند و به قدر نزدیکی و دوری از آن سطح زندگی، حس رضایت از زندگی یا نارضایتی و حسرت از زندگی برایشان ایجاد می‌شود. مطلب روزنامه اصولگرای «فرهیختگان» به موضوع «فاصله طبقاتی و داشتن زندگی لوکس به دلیل داشتن رانت و رابطه» ایرادی نگرفته و در اصل گفته برای اینکه مردم ناراضی نشوند و انتظاراتشان بالا نرود، مسئولان با ظاهرسازی زندگی‌های ساده خود را به نمایش بگذارند و ثروت خود را پنهان کنند!

چند روز پیشتر و در حالی که همچنان تلاش می‌شد سفر شهرام دبیری به قطب «شایعه» نشان داده شود، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت از احتمال وضع قوانینی در رابطه با سفرهای هیئت دولت خبر داده بود.

فاطمه مهاجرانی ۱۳ فروردین ۱۴۰۴ گفته بود «احتمال دارد که دولت مقرراتی را تعیین کند که اعضای کابینه، در صورت سفرهای شخصی به خارج از کشور، اطلاع‌رسانی انجام دهند تا مشکلی ایجاد نشود.»

سخنگوی دولت اما همچنان افزوده بود که سبک زندگی کابینه «موضوع شخصی» است: «سبک زندگی اعضای کابینه، در عین حال که یک موضوع شخصی است، اما باید به‌گونه‌ای باشد که باعث تحریک مردم نشود. به هر حال اکثریت مردم در شرایطی خاص زندگی می‌کنند و سال‌هاست این وضعیت برایشان وجود داشته است.»

اینهمه در حالیست که پیشتر نیز شهرام دبیری با حاشیه‌هایی از جمله پرونده فساد اقتصادی روبرو بود اما همانطور که مسعود پزشکیان هم اشاره کرده دوستی و نزدیکی او به همشهری‌اش، پزشکیان، سبب شد تا به هیئت دولت افزوده شود.

شهرام دبیری اسکویی که دارای روابط رانتی گسترده در استان آذربایجان شرقی است، پیشتر در خرداد ۱۳۹۹ به اتهام فساد مالی در مقام عضو شورای اسلامی شهر تبریز از سوی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شد اما در نهایت پرونده‌اش بسته شد.

شهرام دبیری اهل تبریز و دارای گرایش‌های سیاسی قومی است. او همچنین مؤسس اولیه و سهامدار اصلی بیمارستان بین‌المللی «ولیعصر» تبریز است که چند ماه پیش موضوع دزدی داروهای شیمی‌درمانی و تزریق آب مقطر به بیماران سرطانی در آن خرساز شد.

در این بیمارستان شبکه‌ای از کارکنان بیمارستان که داروهای بیمارستان را به سرقت می‌بردند، داروهای شیمی‌درمانی را با آب مقطر تعویض کرده و در نتیجه برای مدت طولانی به بیماران سرطانی بجای داروهای شیمی‌درمانی آب مقطر تزریق می‌شده است. در پی این فساد گسترده، دست کم ۲۰ بیمار سرطانی به علت وخیم شدن بیماری جان خود را از دست دادند.

سوم آبان ۱۴۰۳ شکایتی مبنی بر سرقت داروهای شیمی‌درمانی در بیمارستان «ولیعصر» تبریز در کلانتری ثبت شد. این شکایت توسط فردی انجام شد که متوجه شده بود داروهای شیمی‌درمانی بیماران مبتلا به سرطان به صورت غیرقانونی از بیمارستان خارج و در بازار آزاد فروخته می‌شود. با بررسی این شکایت، مشخص شد که سرقت داروها در بیمارستان واقعیت دارد.



دبیری را در حکم اخراج وی تأیید کرده که پیشتر برخی اصلاح‌طلبان نزدیک به دولت تلاش کرده بودند این خبر را شایعه‌ای بدانند که از سوی رقبای دولت و با هدف تخریب دولت پزشکیان به آن دامن زده می‌شود.

ساعاتی پیش از برکناری شهرام دبیری، روزنامه اصولگرای «فرهیختگان» در یادداشتی از مسعود پزشکیان خواسته بود که دولت با شهرام دبیری «خداحافظی» کند!

در این مطلب با کتایبه به پزشکیان آمده بود «مثل مردم حرف می‌زد؛ مثل مردم می‌پوشید و البته رجوعش به نهج‌البلاغه و استفاده از آن - که مهم‌ترین مرجع شیعه برای شکل‌دهی حکومت عادلانه است - در نطق‌ها و گفتگوهایش برای مردم جذاب بود. او را با این نگاه به ساختمان ریاست جمهوری فرستادند؛ اما اتفاقات افتاده پیرامون شهرام دبیری معاون پارلمانی رئیس جمهور همه اعتبار و اندوخته پزشکیان در قربات‌اش با نهج‌البلاغه را از بین می‌برد!»

فرهیختگان با اشاره به اینکه واکنش شهرام دبیری به سفرش «تلخی ماجرا را برای جامعه بیشتر می‌کند!» نوشته بود فارغ از اینکه آقای دبیری در چند ماه مسئولیت‌شان چندین سفر شخصی خارجی دیگر هم داشته‌اند و حتی معاون پارلمانی در جریان استیضاح وزیر اقتصاد دولت هم حضور نداشتند، اما آیا در آن نهج‌البلاغه مورد تأکید رئیس جمهور مگر ننوشته «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِصَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْ لَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ قَفْرُهُ» یعنی حکمران باید شبیه ضعیف‌ترین مردم باشد. یعنی حتی اگر داراست باید دارایی‌اش را کناری گذارد و در دوران مسئولیت ساده‌زیستی پیشه کند!»

«فرهیختگان» در بخش دیگری از این یادداشت افزوده که «مردم اینگونه تصور می‌کنند که این سطح و امکانات که یک مسئول در آن قرار دارد، سطح و استانداردی است که بطور منطقی این مسئول می‌تواند و باید برای جامعه نیز فراهم کند. مردم هر جامعه‌ای در هر سطحی که باشند، زندگی خود را ضریبی از زندگی و رفاه «مسئول» و «کارگزار»

● پزشکیان در حکم برکناری شهرام دبیری نوشته «پس از بررسی خبر، قطعی شد که در ایام نوروز در سفر تفریحی قطب جنوب بودید» و «از ادامه همکاری با شما در دولت چهاردهم معذوریم.»

● چند روز پیشتر و در حالی که همچنان تلاش می‌شد سفر شهرام دبیری به قطب «شایعه» نشان داده شود، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت از احتمال وضع قوانینی در رابطه با سفرهای هیئت دولت خبر داده بود.

● شهرام دبیری اهل تبریز و دارای گرایش‌های سیاسی قومی است. او همچنین مؤسس اولیه و سهامدار اصلی بیمارستان بین‌المللی «ولیعصر» تبریز است که چند ماه پیش موضوع دزدی داروهای شیمی‌درمانی و تزریق آب مقطر به بیماران سرطانی در آن خرساز شد.

مسعود پزشکیان در حکمی شهرام دبیری معاون پارلمانی خود را این سمت برکنار کرد. اخراج شهرام دبیری از هیئت دولت پس از انتشار تصاویر سفر طولانی و پرهزینه او به همراه خانواده به قطب جنوب و با کشتی تفریحی «کروز» رخ داده است. پیشتر جریان نزدیک به دولت تلاش کرده بودند این سفر را «تکذیب» کنند!

مسعود پزشکیان صبح امروز شنبه ۱۶ فروردین‌ماه در حکمی شهرام دبیری معاون پارلمانی خود را این سمت برکنار و تأکید کرد «از ادامه همکاری با شما در دولت چهاردهم معذوریم». در این حکم آمده «در این ایام پس از بررسی خبر، قطعی شد که در ایام نوروز در سفر تفریحی قطب جنوب بودید. در دولتی که مفتخر به اقتدا به مولای متقیان است و در شرایطی که هنوز در کشورمان فشارهای اقتصادی بر مردم زیاد و محرومان پرشمارند، سفر پرهزینه تفریحی مسئولان رسمی، حتی با هزینه‌های شخصی، قابل دفاع و توجیه‌پذیر نبوده و با معیار ساده‌زیستی مسئولان سازگار نیست.»

مسعود پزشکیان در ادامه نوشته «دوستی دیرین و همکاری و خدمات ارزشمند شما در معاونت پارلمانی دولت چهاردهم، مانع آن نیست که پایبندی به صداقت، عدالت و وعده‌هایی که به مردم دادیم، مقدم داشته شود. بنابراین از ادامه همکاری با شما در دولت چهاردهم معذوریم.»

سفر شهرام دبیری به قطب جنوب پس از انتشار تصاویر او و همسرش در کنار کشتی تفریحی «کروز» و در کشورهای مختلفی که طی یک سفر طولانی نوروزی از آنها بازدید کردند خرساز شد.

رسانه‌های نزدیک به دولت تلاش کردند این خبر را تکذیب کنند اما غیبت روزهای گذشته شهرام دبیری در نشست هیئت دولت درستی این خبر را تقویت کرد.

پس از چند روز که تصاویر شهرام دبیری و همسرش در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، او با لحنی تمسخرآمیز خطاب به کاربران نوشت «خوبه که موضوع مسافرت من باعث سرگرمی عزیزان شده و نمی‌دونستم اینقدر جلب توجه می‌کنه. من هم مثل خیلی‌ها با هماهنگی تعطیلات را اومدم سفر. قطب هم نیستم. فکر نمی‌کنم سفر من ضرری به مردم و جامعه بزنه. فعلاً دولت و مجلس هم که جلسه ندارند. من تمام سفرهایم را با هزینه شخصی می‌روم و موضوع سفر هم یک مسئله شخصی است.»

مسعود پزشکیان در حالی سفر قطب جنوب شهرام

«انقلاب فرهنگی»؛ ایلغار در نهاد دانشگاه



در سال ۱۳۱۳ با پیشنهاد علی اصغر حکمت وزیر معارف وقت، به فرمان رضاشاه و با برنامه‌ریزی عیسی صدیق و محمود حسابی بنیانگذاری شده و به همت روشنفکران و استادانی چون محمدعلی فروغی ذکاء الملک، جلال همائی، عبدالعظیم قریب، بدیع الزمان فروزانفر، علی اکبر دهخدا، محمد معین، علی اکبر سیاسی، غلامحسین صدیقی، و محسن هشترودی بارور شده بود به همراه دهها دانشگاه معتبر، که هزارها استاد تربیت شده در والاترین دانشگاه‌های جهان را در خود جمع کرده بودند، بی‌دفاع به اسارت یک اندیشه ضد علم و آزادی درآمد که هرچه بخواهد با آن بکند: در فاصله دو سال ۵۹ تا ۶۱، شمار دانشجویان از رقم ۱۷۴,۰۰۰ نفر به رقم ۱۱۷,۰۰۰ نفر کاهش پذیرفت و شمار استادان در همین دوره از ۱۶,۸۷۷ نفر به ۸,۰۰۰ نفر فرو گشت؛ بس خانوارها که از هم پاشیدند؛ بس دانشجویان که به زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها کشانده شدند و بس دختران و پسران دانشجو که مورد تجاوز قرار گرفتند و بس تلاش‌های تحصیلی که در نیمه راه رها شدند. آنچه به دست این ستاد انجام شد، با ایلغار مغول قیاس‌پذیر است.

شاخص‌ترین چهره ستاد انقلاب فرهنگی

بلبل سخنگو و عضو بسیار موثر این ستاد، عبدالکریم سروش بود که مقوله «دانشگاه اسلامی» را اختراع کرد و دست یافتن به این مفهوم مبهم را به پیش‌شرط گشایش دانشگاه‌ها بدل نمود. هم او به موازات تخریب فعالانه دانشگاه‌های کشور و تاراندن کادرهای علمی، از یکسو انحصار فضای نشر کتاب را قبضه کرد و از سوی دیگر در تمامی پلتفرم‌ها، منابر، مساجد و تلویزیون‌ها، با سخنان ملال‌آور خود، جامعه فکری کشور را دچار افسردگی نمود و به سخن محمود دولت‌آبادی، دق‌مرگاش نمود (نقل به معنی). او در کنار دوتن دیگر، بنی صدر و حداد عادل، به استادان و سخنرانان «تسخیری» همه پلتفرم‌های رسمی بدل شدند که دعوت از آنان در بخشنامه‌ها به مسئولان

و چاقوکشان میدان بارفروشان و بازار تبریز، به صحن دانشگاه تبریز هجوم آورده و دانشجویان را با هتک حرمت، دست‌درازی‌های غیراخلاقی و پاره کردن زیرجامه‌های دختران در حالی‌که کف به دهان آورده بودند، کتک زدند. نگارنده این سطور در دانشگاه تبریز حضور داشتم و این رخدادها را به چشم دیدم. در پی سرکوب دانشگاه تبریز، در دانشگاه رشت ۱۲ دانشجو کشته شدند؛ در دانشگاه شیراز سه دانشجو کشته و ۴۹۱ زخمی‌گزارش شدند؛ در دانشگاه اهواز، دختران دانشجو مورد تجاوز اوباش قرار گرفته و بیش از ۱۰ دانشجو کشته شدند؛ دانشگاه تهران به صحنه جنگ میان کمیته‌چی‌ها و دانشجویان چپی بدل شد و پس از یک کشاکش شبانه توأم با سنگ‌بندی و تیراندازی، با راهپیمایی بازاریان و هیئت‌های مذهبی به همراه رئیس جمهور ابوالحسن بنی صدر و به سرکردگی مسلحانه «مجاهدین انقلاب اسلامی» به تصرف دولت درآمد.

«ستاد انقلاب فرهنگی» مسئول انقلاب فرهنگی

این رخدادهای خونین، «انقلاب فرهنگی» [۱] نامیده شدند و «ستاد انقلاب فرهنگی» بطور رسمی آغاز به کار کرد با مأموریت ایجاد «انقلاب اساسی در دانشگاه‌های سراسر کشور»، «تصفیه اساتید مرتبط با شرق و غرب» و «تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین علوم عالی اسلامی» (از فرمان خمینی در پیام نوروزی). ستاد از هفت نفر تشکیل می‌شد: محمدجواد باهنر، حسن حبیبی، مهدی ربانی املشی، شمس آل احمد، علی شریعتمداری، جلال‌الدین فارسی، و حسین حاج فرج الله دیباغ با کنیه عبدالکریم سروش. در حال حاضر، از این هفت تن، تنها جلال‌الدین فارسی و عبدالکریم سروش زنده‌اند و «سروش» در ایالات متحده با ابداع مفاهیم حیرت‌آوری چون «رؤیاهای رسولانه» و «عارف مسلح» انقلاب فرهنگی مورد نظر خود را ادامه می‌دهد. ستاد، آفتی بود که به جان دانشگاه افتاد: دانشگاهی که

● از نخستین روز پیروزی انقلاب ۵۷، «هیئت‌های پاکسازی» در دانشگاه‌ها سر برآورده و به تصفیه استادان و دانشجویان دست گشودند. فضای دانشگاه‌ها از تنش انباشته شد و تعطیلی کلاس‌ها، و کتک زدن برخی استادان به خبر روزمره بدل شد.

● این رخدادهای خونین، «انقلاب فرهنگی» نامیده شدند و «ستاد انقلاب فرهنگی» بطور رسمی آغاز به کار کرد با مأموریت ایجاد «انقلاب اساسی در دانشگاه‌های سراسر کشور»، «تصفیه اساتید مرتبط با شرق و غرب» و «تبدیل دانشگاه به محیطی سالم برای تدوین علوم عالی اسلامی». ستاد از هفت نفر تشکیل می‌شد: محمدجواد باهنر، حسن حبیبی، مهدی ربانی املشی، شمس آل احمد، علی شریعتمداری، جلال‌الدین فارسی، و حسین حاج فرج الله دیباغ با کنیه عبدالکریم سروش. در حال حاضر، از این هفت تن، تنها جلال‌الدین فارسی و عبدالکریم سروش زنده‌اند.

● بلبل سخنگو و عضو بسیار موثر این ستاد، عبدالکریم سروش بود که مقوله «دانشگاه اسلامی» را اختراع کرد و دست یافتن به این مفهوم مبهم را به پیش‌شرط گشایش دانشگاه‌ها بدل نمود. هم او به موازات تخریب فعالانه دانشگاه‌های کشور و تاراندن کادرهای علمی، از یکسو انحصار فضای نشر کتاب را قبضه کرد و از سوی دیگر در تمامی پلتفرم‌ها، منابر، مساجد و تلویزیون‌ها، با سخنان ملال‌آور خود، جامعه فکری کشور را دچار افسردگی نمود.

«می‌گویند مغزها فرار می‌کنند، این مغزهای پوسیده بگذار فرار کنند.»

(آیت‌الله خمینی، هشتم آبان ۱۳۵۸، قم)
«ما نمی‌توانیم امروز همانطور که انبار می‌کردند از غرب برای ما سوغات می‌آوردند و در دانشگاه‌های ما بچه‌های ما را فاسد می‌کردند، امروز هم بنشینیم که مغزهایی که تربیت غربی دارند برای ما تربیت کنند بچه‌های ما را.»
(آیت‌الله خمینی ۱۳۶۰)

حسن منصور - در پی انقلاب بهمن ۵۷ با فرادستی فقیهان، واژه فرهنگ به ابتذال گرائید و مترادف شد با روضه‌خوانی، مرثیه گردانی، وعظ، بهتان و افترا، جعل تاریخ و قلب حقایق که به ابزار سرکوب، تحمیل، خشونت ورزی و تبعیض تجهیز شده بود. تلویزیون دولتی، بدل شد به یکی از منابر حکومتی و دانشگاه‌ها مهجور شدند: از نخستین روز پیروزی، «هیئت‌های پاکسازی» در دانشگاه‌ها سر برآورده و به تصفیه استادان و دانشجویان دست گشودند. فضای دانشگاه‌ها از تنش انباشته شد و تعطیلی کلاس‌ها، و کتک زدن برخی استادان به خبر روزمره بدل شد. سخن از «اتحاد حوزه و دانشگاه» در میان آمد اما پس از یکسال زورآزمایی جریان «حزب‌اللهی» با جریان‌های چپ یا لیبرال دانشجویی، آشکار بود که «حزب‌الله» در اقلیت مطلق قرار داشت و «پیروزی» آن در دانشگاه‌ها بدون سرکوب شدید عملی نمی‌شد.

در ۲۱ فروردین ۵۹ خمینی اخطار داد که «دانشگاه باید از بنیان تغییر کند»؛ در ۲۶ فروردین ۵۹، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با برنامه ایجاد آشوب به سالن دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز درآمد و در پی کتک خوردن آشوب، چماقداران از پیش بسیج شده، که فوجی بودند از اوباش

دانشگاهها و موسسات توصیه می‌شد؛ کاغذ رایگان در اختیار نشر آژارشان قرار می‌گرفت در شرایطی که بازار کتاب دچار کمبود کاغذ بود و ممیزی، گلوگاه اصحاب قلم را هر روز بیشتر می‌فشرد. نقش این فرد، مکمل نقش بازجویان و شکنجه‌گران بود که وقتی پیکر نیمه‌جان قربانی را در برابر دوربین تلویزیون به اعتراف می‌گستراندند جناب ایشان با حرافی‌های بی‌پایان خود، بر بطلان نظری قربانیان شکنجه حجت شرعی و «منطقی» می‌تراشید. جالب‌تر اینکه سرش، خود را به عنوان شارح کارل پوپر سر زبان‌ها انداخته بود [۲] و هر کسی که پوپر را به مثابه یکی از نام‌آوران فلسفه علم می‌شناخت دچار حیرت می‌شد که چه نسبتی است میان این شخص گرانجان و میامایه با کارل پوپر فیلسوف علم! [۳]

نگارنده که عبدالکریم سرش را جدا از نوشته‌ها و گفتارهای وی، در ستاد انقلاب فرهنگی هم تجربه کرده‌ام روزی در پاسخ دوست ارجمندم زنده‌یاد دکتر سیروس آموزگار که مطلبی از سرش برایم فرستاده و نظر خواسته بود چنین نوشتم:

«به توصیه شما، بیانات سرش را دوباره گوش دادم (با آنکه یک ثانیه گوش کردن به ایشان را تلف کردن- یا بدتر- مسموم کردن زندگی- می‌دانم). اطمینان دارم در فردای سقوط این نظام جهنمی، سرش‌ها با استناد به این بافندگی‌های مبتذل و مشتمزکننده خود مدعی خواهند شد که یک عمر پیشقراول آزادی و ترقی بوده‌اند و دکتر آموزگار، با زخم‌های عمیق این نظام بر جسم و جان خود و با تجربه تاراج رفتن مال و زندگی خویش، در پس معرکه خواهد ماند. شما همان سخنان شش ماه پیش این آقای «فیلسوف» را اندر رثای خمینی و «ترجیح صدباره او به رضاشاه» یکبار دیگر گوش بدهید و داوری کنید که آیا در این موجودات، دانه ارزنی وجدان و آرزومند وجود دارد! من که او را شخصاً نیز تجربه کرده‌ام و آسیب شخص او به علم و فرهنگ و مدنیت را کمتر از آسیب ایلغار چنگیز و تیمور می‌دانم، از مشاهده اینکه اینان در بی‌آزمی رو دست خلخال‌ها و گیلانی‌ها و لاجوردی‌ها بلند می‌شوند، آه از نهادم برآمده و دیدگانم از حیرت می‌سوزد «که این، چه بوالعجبی است!»

در معدود روزهای پر دردی که من مسئول امور آموزشی «دانشگاه تربیت مدرس» بودم مدام از سوی «مجلس خبرگان رهبری» توصیه‌باران می‌شدم که از «سه استاد بزرگوار» یعنی آقایان ابوالحسن بنی‌صدر، عبدالکریم سرش و غلامعلی حداد عادل، برای تدریس و سخنرانی دعوت کنم (که من، هیچ نکردم!) آقای سرش، در میان «پخمه‌هایی» چون، حبیبی و شریعتمداری و «بازجویانی» چون جلال‌الدین فارسی، آنقدر منبرها و تکیه‌ها و تریبون‌ها را با ابتدال ملال‌آور خویش به انحصار در آورد که جمع پریشان انسان‌های سالم را خسته و دل‌آزرده کرد.

شما بگردید در «همه احوال زندگانی او» در سراسر دهه خونین ۶۰ که آیا محض نمونه، دفاع از آزادی یک نفر، یک نویسنده و متفکر، یک هنرمند و شاعر، یک دانشجوی آرمان‌باخته، یا یک اعدامی «بی‌جرم و بی‌جنایت» حتی به ایمانی و اشارتی پیدا می‌کنید!

سرش همانند استادان خود، شیخ حلبی و مصباح یزدی، در تقیه و توریه و خدعه زبر دست است. او می‌گوید که «علمای ما فقه‌شناسانند و نه دین‌شناس» و من گویم دانش قرآنی خود سرش ناقص است و معیوب، و او جاده‌صاف‌کن و خادم همین فقیهان «دین‌شناس» است:

روزی به تماشای مناظره تلویزیونی میان مصباح یزدی و عبدالکریم سرش از یکسو و احسان طبری و فرخ نگهدار از سوی دیگر نشسته بودیم. احسان طبری که می‌خواست

به جمهوری اسلامی بگوید «شما باید دست دوستی حزب توده را که به سوی شما دراز شده، بفشارید» با نقل نیمی از آیه ۸۶ سوره نساء، گفت «پیغمبر اسلام فرموده «وَأِدْأ حُیْتُم بِتَحِیةٍ فَعَبُوا بِأَحْسَنِّ مَنَهَا أَوْ رُدُّوْهَا...» [یعنی وقتی شما را به سلامی خطاب کردند شما با سلامی بهتر پاسخ بگوئید و یا دست‌کم به همان شیوه پاسخی برگردانید» من از این اشتباه یکه خورده و به حاضران مجلس گفتم «طبری دسته‌گل به آب داد که آیه قرآن را به نام سخن پیامبر ذکر کرد و هم‌اکنون این دو نفر یقه او را می‌گیرند!» نشان به آن نشان که این دو «فیلسوف» متوجه این دسته‌گل نشدند و مناظره به پایان رسید. اما دو هفته بعد که آخوندهای دیگر این غفلت را یادآور شده بودند، زمانی که به مناظره نشستند، همین نکته را دستمایه‌ای ساختند برای تاخت و تاز و روددرازی و خطاب به طبری عتاب آغازیدند که «شما تفاوت میان کلام الله و سخن رسول نشناخته‌اید و...» دکتر آموزگار عزیزم، این آقای سرش امروز در دنیای آزاد زندگی می‌کند و هیچ عذری ندارد که سراج‌ه اسرار هول‌انگیز تخریب بنیان‌های علمی و فرهنگی کشور را نگشاید و رازهای توطئه ننگینی را که در کشورمان در دشمنی به اجرا در آمد و شخص ایشان از موثرترین عوامل فکری و اجرائی آن بودند، سخن نگوید. من اطمینان دارم که اگر وی زبان باز کند بسیاری از اسرار خونبار این جنایت فرهنگی روشن خواهد شد. اما هیبت که وی چنین کند!

این ستم بزرگی است به عالم اندیشه، که سرش را پیرو پوپر شناسانده‌اند. این «اتهام» را چپ‌های پوپر ناخوانده‌ای درست کرده‌اند که در برابر لفاظی‌های بی‌پایان سرش عاجز شده بودند. پوپر، قله فکر علمی است که بی‌تردید در زمره چهار- پنج نفری است که سده بیستم را ساختند و سرش، آفت علم‌اندیشی و فکر فلسفی است. من امیدوارم که بلندنظری شما، «آب توبه» بر سر این مدعی میامایه نریزد.

البته که دکتر سرش در ۱۳۷۸ در نشریه «لوح» اندر پروژه ضد فرهنگی اسلامی کردن دانشگاه، چنین افاضه می‌کند که «آخرش هم ندانستند که منزلت‌گه مقصود کجاست»؛ و دو سال بعد در «تفرج صنع»، علوم انسانی را حائز «اعتبار روش‌شناسانه و معرفت‌شناسانه» معرفی کرده و در صد تعریف رابطه معرفت دینی با آنها برآمده است [۴]

نگارنده به عنوان یک دانشگاهی که از نخستین ساعات شکل‌گرفتن «انقلاب فرهنگی» در جریان آن قرار گرفته‌ام همواره انگشت حیرت به دندان گزیده‌ام که این آقای سرش، چگونه ادعا می‌کند که «کار ما در ستاد، بازگشائی دانشگاه بود نه بستن آن» در حالی که این بازگشائی ادعائی از شهریور سال ۶۲ پس از ترمیم ستاد انقلاب و وظایف آن شمرده شده بود و آنها هم بازگشائی قطره‌چکانی که استاد و دانشجو را بر مبنای گزارش‌های مسجد محل، بسیجیان و پاسداران و در زیر نظارت هیئت‌های پاکسازی وارد کار می‌کردند و سپس نیز بر همه امور عمومی و خصوصی آنها نظارت می‌نمودند.

استقرار نظام اسلام راستین طبق الگوی مدینه

بدین‌دستان، نظام سیاسی روحانیت، بساط خود بگسترده و در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خیمه و خرگاه بزد و درب صندوق پاندورای [۵] «الهیات دهشت» بگشود: تعزیرات، قصاص، چندهمسری، کودک‌همسری، آدم‌ربائی، قتل، شکنجه، اختلاس، ارتشاء، انحصار ثروت، تقسیم جامعه به اقلیت «خودی» و اکثریت «غیرخودی»، تبعیض جنسیتی، اعتقادی، فرهنگی، طبقاتی، قومی، سانسور، ممنوعیت شادی، و گستراندن فضای ادبار و غم؛ و در ۴۵ سال حکومت بی‌رقیب خود، به در انداختن نظامی توفیق یافت که انواع معانی و مفاهیمی از

آن بیرون می‌تراویدند که سال‌ها در پس کلمات مانوس و مفهوم پنهان شده و دهه‌ها صیقل خورده بودند تا امروزه هموارکننده راه جهنم باشند:

پیوسته می‌گفتند «علم»، و شاهد می‌آوردند که «اطلبوا العلم ولو بالصلین» (دانش بجوید اگرچه در چین باشد)؛ و «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (آیا دانایان با نادانان برابرند؟)؛ تا روزی که از اریکه قدرت اخطار کنند که «دانشگاه مرکز فساد و فحشاست»؛ و به سرکوب سیستماتیک دانشگاه فتوا صادر کنند که «اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد» (فتوای خمینی)؛ و «سیمیا و کیمیا و جن‌گیری» را در طبقه‌بندی علوم وارد کردند و حتی در نشریه ستاد انقلاب فرهنگی- نشر دانشگاهی- از «علم جن‌گیری» سخن گفتند!

پیوسته از «عقل»، می‌آفیدند و شاهد می‌آوردند که «افلا یعقلون» (آیا خرد نمی‌ورزید؟)؛ تا از موضع قدرت معلوم کنند که مرادشان «عقل مقید به ایمان» بوده و گرنه با «خرد نقاد و پرسشگر» دشمنی دیرینه دارند:

از «عدل و داد» سخن می‌گفتند، تا از اریکه قدرت معلوم کنند که مفهوم شان از «عدل» یعنی اینکه «هر کس و چیزی در جای شایسته خود قرار بگیرد» و جای شایسته فقیه، بنا به تعریف، ولایت است بر همگان؛ و مالکیت تمامی ثروت‌های بالفعل و بالقوه کشور- اصل ۴۵ قانون اساسی- ولی جای شایسته ملت، محرومیت و فقر و بند و شلاق؛ و جای سزاوار هزاران استاد و دانشمند و پژوهشگر و هر انسان آزاده‌ای، زندان و تبعید است یا نفی بلد:

می‌گفتند «نظم شورائی و عقل جمعی» و شاهد می‌آوردند که «فبشر عبادالذین یستمعون القول و یتبعون احسنه» (مژده ده بندگان را که به سخنان گوش داده و بهترین‌شان را بر می‌گزینند)؛ و «امرهم شورا بینهم» (کارشان رای زدن است در میان خود)؛ تا از موضع حاکمیت اعلام کنند که مراد از شور، شور با مومنان، مقلدان و ذوب‌شدگان در ولایت است؛

می‌گفتند «آزادی»، و آن را فضیلت می‌شمردند با این شاهد از قول «امام سوم» که «ان لم یکن لکم دیناً ... و کونوا احراراً فی دنیاکم» (اگر دین ندارید باری در دنیاتان آزاده باشید)؛ تا روزی که آزادی‌ها را با تقید به اسلام، ذبح شرعی کنند؛

می‌گفتند «آزادی اندیشه» و شاهد می‌آوردند که «لا اکرهه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» (در دین اکراهی نیست چون راه هدایت از راه گمراهی مشخص شده است) و «لکم دینکم ولی دینی» (دین شما مال شما، دین من مال من)؛ تا از موضع قدرت اعلام کنند که همه این آیات، نسخ شده‌اند و حکم نافذ عبارت است از «فمن یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه» (پس هرکس غیر از اسلام دینی برگزیند دیگر از او پذیرفته نیست)؛

می‌گفتند «میزان، رأی ملت است» تا از سیستم «نظارت استصوابی» و «مهندسی انتخابات» و شعبده‌رایی‌گیری سر بر آورند؛

می‌گفتند «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست) تا نظامی بر پایه خودی و غیرخودی بنا کنند و اختلاس و ارتشاء و تجاوز به عنف و لواط را برای خودی‌ها مباح گردانند؛

می‌گفتند «النجاه فی الصدق» (رستگاری در راستی است) تا از «تقیه و توریه و خدعه و مکر» سر بر آورند؛

می‌گفتند «بانک‌های کشور، روی است و ربا خوار شمشیر کشیده و به جنگ خدا و رسول آمده است»؛ و از قول امام ششم نقل می‌کردند که «الربا سبعون جزاً، ایسره ان ینکح الرجل امه فی بیت الله الحرام» (ربا هفتاد جزء دارد ←

➔ که کمترین آن مانند آنست که شخص با مادر خود در خانه کعبه درآمیزد؛ تا از موضع حاکمیت، «فتوی» صادر کنند که «هرچه مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تصویب کند، حلال است» ولو گرفتن «سود بانکی» سی در صدی باشد. (فتوای رهبر نظام)؛

می‌گفتند در حکومت اسلامی دزدی صوت نمی‌گیرد و ضامن آن، این آیه قرآنی است که «السارق و السارقه فاقطعوا ایدیها» (دزد اعم از مرد و زن دست‌شان را ببرید)؛ تا در «قانون مجازات‌های اسلامی» حکم کنند که اختلاس، سرقت نیست بلکه «خیانت در امانت است» و جزای آن، ۶ ماه تا حداکثر سه سال حبس. و بدینسان اختلاسگران هزاران میلیارد تومانی اموال دولتی، می‌توانند به عنوان مأمور خرید زندان در کشورهای اروپایی بگردند ولی کسی که از سر استیصال قرص نانی یا گوسفندی دزدیده مشمول «فاقطعوا ایدیها» قرار بگیرد؛

می‌گفتند «مقام زن در اسلام، متعالی و بی‌بدیل است» تا از حجاب اجباری، تعدد زوجات، متعه (صیغه) و تفخیذ (ارضای جنسی با کودکان شیرخواره) و افضاء (پاره کردن مجرای جنسی زن و اتصال آن با روده بزرگ) سر برآوردند؛ می‌گفتند انسان‌ها در پیشگاه خدا و قانون عدل با هم برابرند ولی وقتی به دست خیرگان خود قانون اساسی نوشتند انسان را به گروه‌های مختلف تفکیک کرده و برای هر کدام، حقوق و تکالیف متفاوت تعیین کردند.

از رأفت اسلامی لافیدند و از تعزیرات و قصاص و نکال (شکنجه در بیان قرآنی) و اعتراف‌گیری زیر شکنجه سر بر آوردند؛ از مفهوم «مستضعف» سخن گفته و سیاسی‌کاران چپ را ذوق‌زده کردند که مرادشان «کارگران و رنجبران و دهقانان و صاحبان دست‌های پینه‌بسته و پرولتاریا» است ولی وقتی «آب‌ها از آسیاب افتاد» به معنای قرآنی کلمه برگشتند که مراد از مستضعف کسی است که به علت وجود موانع شیطانی از دریافت «پیام هدایت» محروم مانده بوده ولی به محض ابلاغ این پیام از سوی فقها، استضعاف از میان برخاست و این آدم فقیر و فاقد حق باید مفتخر باشد به اینکه از «اُمّه» روی زمین است (از پیام رهبر نظام)؛ از مفهوم «مستکبر» سخن گفته و چنین افاده کردند که مرادشان استثمارگران و یغماگران دارائی‌های ملت است تا وقتی که معلوم کردند مستکبر کسی است که در برابر پیام هدایت- یعنی سخنی که از زبان فقیه ابلاغ می‌شود- بجای خاکساری نمودن، کبر می‌ورزد ولو دستانی پینه‌بسته داشته باشد.

«برهان قاطع» حقانیت نظام

اکنون که مردم محتوای فقهات را به تجربه چهل و شش ساله آزموده و دریافته‌اند که در مدعیان این اندیشه بضاعتی نیست و اینان از تأمین امنیت کشور، رفاه مردم و راهنمایی جامعه بر مبانی حقوق پذیرفته شده انسانی نا توانند و آنگاه در صدد ترمیم خطای نسل شوریده پیشین برآمده و در نهایت متانت، انواع شیوه‌ها را به محک آزمون زده‌اند اما در حوادث خشن سال‌های ۶۷، ۷۸، ۸۸ و ۹۸، و ۱۴۰۱ و حوادث متعدد دیگر، «برهان حقانیت نظام» را از زبان رگبار مسلسل‌ها، گلوله‌های ساچمه‌ای بر چشمان جوانان پرومند ملت و سپاه‌چاله‌های کهریزک‌ها دریافت کرده‌اند با این «منطقی» فاش که «میزان، رأی مردم نیست» و «حتی اگر یک نفر هم حقانیت ما را تأیید نکند، ما بنای کنار رفتن نداریم.» (مضمون فتوای مصباح یزدی). و امروز در نهایت خیره‌سری، ملت را در آستانه یک جنگ ناخواسته و ضد منافع ملی قرار داده‌اند تا به بهای انهدام زیرساخت‌های کشور و نابود کردن منابع ملت، به عمر نظام ضد انسانی خود، مگر صبحاچی چند، بیفزایند.

دیپلماسی گروگان‌گیری؛ خاطرات کامران قادری از هفت سال و نیم حبس در زندان اوین



«دیپلماسی گروگان‌گیری» به زبان‌های آلمانی و انگلیسی منتشر کرده است.

احمد رأفت در وین، در حاشیه نمایشگاه خانواده‌های دادخواه با عنوان «آنچه باقی ماند»، با کامران قادری گفتگو کرده است.

کامران قادری بازرگان ایرانی- اتریشی که ۱۲ خرداد سال ۱۴۰۳ پس از گذراندن ۷ سال و نیم حبس در زندان اوین به اتهام‌های جاسوسی در معاوضه با اسدالله اسدی دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی آزاد شد و به وین بازگشت، خاطراتش از بازداشت، محاکمه و زندان را در کتابی با عنوان

شاهنامه خوانی به انگلیسی در جشنواره نوروزی لندن



دومین جشنواره نوروزی لندن که ۱۵ اسفند آغاز شده بود ۱۴ فروردین پایان یافت. یکی از جالب‌ترین برنامه‌های این جشنواره، شاهنامه‌خوانی به زبان انگلیسی بود. زهرا افصح هنرمند ایرانی ساکن بریتانیا در سالی که تمام ورودی‌های آن پیش‌فروش شده بود، با همراهی رضا اسلامی نوازنده تنبک و دف و کاوه خاموشی نوازنده تنبور، بخش‌هایی از شاهنامه فردوسی را به روی صحنه برد. در حاشیه این برنامه که مورد استقبال بسیار قرار گرفت، احمد رأفت با مهرداد عارف ادیب برگزارکننده جشنواره نوروزی لندن گفتگویی انجام داده است.

می‌برد: DAVID DEUTSCGH, The Fabric of Reality, 1998 Penguin books, ty.

به قلم دکتر سعید پیوندی: «استقلال [۴] <https://azadiandisheh.com/contact-us-02/?orderby=popularity> دانشگاه، آزادی آکادمیک و حکومت؛ روایت یک قرن تنش و بی‌اعتمادی» و مقاله «هفت پرسش پیرامون معنای اسلامی کردن علوم انسانی» در ایران در نشریه آزادی، شماره ۱، خرداد ۹۴

[۵] صندوق پاندورا از اساطیر یونان (از کتاب هزیود) در سده ششم پیش از میلاد وارد ادبیات جهان شده و اشاره دارد به داستان انتقامی که زئوس (ژوپیتر) از پرمته گرفت. پرمته عاشق انسان، آتش را که نماد گرما و معرفت بود از زئوس ربود و به انسان داد و زئوس به خشم، او را در کوهسار به بند کشید و کلاغی بر او مسلط کرد که با منقار خود پهلوی او بشکافتد و جگرش بیرون کشد و زئوس هر بار جگری نو به او بخشد تا کلاغ باز بیرونش کشد. فزون بر آن، زئوس برادر پرمته- اپی‌متئوس- را نیز تنبیه کرد بدینگونه که دختر زیبایی به نام پاندورا را به او معرفی کرد؛ این دختر صندوقی داشت حاوی همه شر‌ها و بیماری‌ها که با گشوده شدنش در جهان پراکندند و بیماری‌ها و آسیب‌ها را بر زندگی انسان‌ها چیرگی دادند.

[۱] نگارنده در این موضوع مطالبی نوشته و گفته‌ام و در این مختصر به طرح چار چوب موضوع می‌پردازم. خوانندگان علاقمند می‌توانند به سامانه اینجانب در Has-san-mansoor.blog رجوع کرده و سه مقاله زیرین را از نظر بگذرانند:

«عوامل گریزدهنده ماده خاکستری و توسعه وارونه» در صفحه یکم سامانه

«اسب تر وای نواندیشی دینی» در صفحه چهارم سامانه «اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر: نبرد دو پارادایم» در صفحه پنجم سامانه

و نیز در فهرست مصاحبه‌ها: «گفتار ایلغار در نهاد دانشگاه» را در صفحه یکم فهرست مصاحبه‌ها بشنوند.

[۲] من، این ادعا را از خود ایشان نشنیده و نخوانده‌ام ولی تذکری هم از طرف ایشان در برابر این شهرت ندیده و نشنیده‌ام.

[۳] دیوید دوچه فیزیکدان دانشگاه آکسفورد در کتاب خود، اندیشه پوپر را به مثابه یکی از چهار ستون نظریه «میدان‌های وحدت‌یافته» می‌شناسد که آینشتین در پی آن می‌گشت تا فیزیک کلاسیک را با فیزیک کوانتوم آشتی دهد و استنفان هاوکینگ از آن به عنوان «نظریه همه چیز» نام

طالبان کنترل پایگاه هوایی «بگرام» را در اختیار آمریکا قرار داد



پایگاه هوایی بگرام در شمال کابل

● یک وبسایت نظامی بلغاری سه‌شنبه ۱۹ فروردین بر اساس گزارشی از خبرگزاری «خامه پرس» افغانستان که ۷ آوریل (۱۸ فروردین) منتشر شده، اعلام کرد که پایگاه بگرام به درخواست طالبان به آمریکا واگذار شده است.

● این اقدام پس از آن صورت گرفت که یک فروند هواپیمای سی‌۱۷- حامل تجهیزات، ادوات نظامی و مقامات ارشد اطلاعاتی در این پایگاه هوایی فرود آمد. در بین مقامات اطلاعاتی، می‌توان به مایکل الیس معاون رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) اشاره کرد.

● نیروهای آمریکایی در اوت ۲۰۲۱ به دستور جو بایدن از عراق خارج شدند. ایالات متحده در آن زمان پس از ۲۰ سال پایگاه بگرام را که کانون مبارزه علیه طالبان و القاعده بود، ترک کرد.

● با افزایش احتمال اقدام نظامی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی، مقامات تهران به کشورهای عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر، ترکیه و بحرین هشدار داده‌اند که هرگونه حمایت از حمله آمریکا به نقاطی در ایران، از جمله استفاده از حریم هوایی یا زمینی آنها از سوی ارتش آمریکا «در طول حمله به ایران، به عنوان اقدامی خصمانه از سوی ایران تلقی خواهد شد و چنین اقدامی، پیامدهای سنگینی برای آنها خواهد داشت.»

حکومت طالبان به عنوان حاکم افغانستان در اقدامی غیرمنتظره، کنترل پایگاه هوایی راهبردی «بگرام» در شمال کابل را به آمریکا واگذار کرده است.

یک وبسایت نظامی بلغاری سه‌شنبه ۱۹ فروردین بر اساس گزارشی از خبرگزاری «خامه پرس» افغانستان که ۷ آوریل (۱۸ فروردین) منتشر شده، اعلام کرد که پایگاه بگرام به درخواست طالبان به آمریکا واگذار شده است.

این اقدام پس از آن صورت گرفت که یک فروند هواپیمای سی‌۱۷- حامل تجهیزات، ادوات نظامی و مقامات ارشد اطلاعاتی در این پایگاه هوایی فرود آمد.

در بین مقامات اطلاعاتی، می‌توان به مایکل الیس معاون رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) اشاره کرد.

روزنامه «تایمز»: جمهوری اسلامی در آستانه مذاکره با آمریکا برای نیابتی‌ها در عراق موشک فرستاد

● روزنامه بریتانیایی «تایمز» گزارش داد جمهوری اسلامی در حالی که برای مذاکره با آمریکا آماده می‌شود، برای نخستین بار موشک‌های دوربرد به نیروهای نیابتی خود در عراق منتقل کرده است.

● در این گزارش آمده، حکومت ایران تلاش می‌کند با ارسال محموله تسلیحاتی برای شبه‌نظامیان شیعه در عراق، حضور نظامی خود را در منطقه که به دنبال حمله‌های اسرائیل به حماس و حزب‌الله به شدت تضعیف شده، بازسازی کند.

● یک منبع اطلاعاتی منطقه‌ای می‌گوید، «جمهوری اسلامی اخیراً موشک‌هایی را به شبه‌نظامیان شیعه در عراق منتقل کرده که دوربرد هستند و قبلاً اینها را در اختیار نداشتند... این اقدام از سر استیصال است اما ثبات عراق را به خطر می‌اندازد.»

● ویلیام البرکه پژوهشگر مهمان در «مرکز استیمسون» می‌گوید: «جمهوری اسلامی حمایت نظامی خود را افزایش می‌دهد تا شبه‌نظامیان را متقاعد کند مذاکرات را رها کند و به مقاومت ادامه دهند اما این احتمال هم وجود دارد که آنها این کمک‌ها را دریافت کنند تا از آن به عنوان اهرم فشار در مذاکرات استفاده بکنند و نه اینکه قصد داشته باشند وارد یک جنگ بلندمدت، پرهزینه و خطرناک شوند.»

روزنامه بریتانیایی «تایمز» گزارش داد جمهوری اسلامی در حالی که برای مذاکره با آمریکا آماده می‌شود، برای نخستین بار موشک‌های دوربرد به نیروهای نیابتی خود در عراق منتقل کرده است.

در این گزارش که ۸ آوریل (۱۹ فروردین) منتشر شد آمده حکومت ایران تلاش می‌کند با ارسال محموله تسلیحاتی برای شبه‌نظامیان شیعه در عراق، حضور نظامی خود را در منطقه که به دنبال حمله‌های اسرائیل به حماس و حزب‌الله به شدت تضعیف شده، دوباره بازسازی کند.

نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی مستقر در عراق در طول جنگ غزه با موشک و پهپاد به اسرائیل حمله می‌کردند، اما این حملات حتی قبل از دستیابی به توافقات آتش‌بس در نزد حزب‌الله لبنان و حماس در غزه متوقف شد.

پیشتر خبرگزاری رویترز گزارش داده بود که برخی گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در عراق آماده خلع سلاح هستند.

برخی منابع ادعا کرده بودند گروه‌های نیابتی آماده‌اند خلع سلاح شوند اما یک منبع دیپلماتیک منطقه‌ای به تایمز گفت: «تلاش‌هایی که در ۴۸ ساعت گذشته برای نمایش خلع سلاح صورت گرفته، فریب است.»

با این حال، هنوز تحویل این پایگاه هوایی به آمریکا بطور رسمی تایید نشده است. طالبان در ابتدا از تحویل بگرام به نیروهای آمریکایی خودداری کرده بودند.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا پیشتر گفته بود که این کشور قصد دارد تا با هدف مقابله با نفوذ چین در این کشور جنگ‌زده واقع در آسیای غربی، به افغانستان بازگردد.

نیروهای آمریکایی در اوت ۲۰۲۱ به دستور جو بایدن از عراق خارج شدند. ایالات متحده در آن زمان پس از ۲۰ سال پایگاه بگرام را که کانون مبارزه علیه طالبان و القاعده بود، ترک کرد.

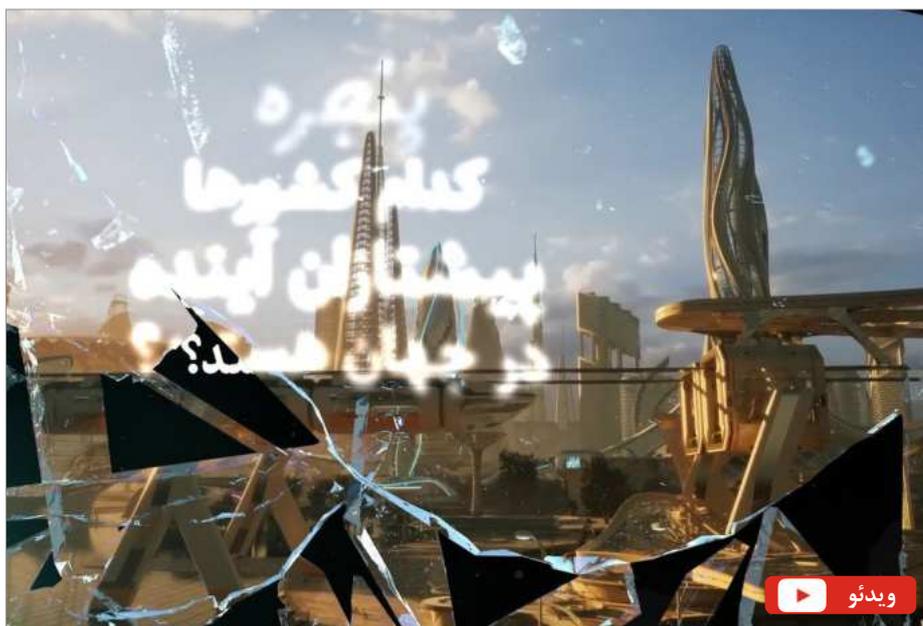
حالا بازگشت نیروهای آمریکایی به بگرام در حالی صورت می‌گیرد که آمریکا برای عملیات علیه حوثی‌های یمن و فشار به جمهوری اسلامی، نیروهای خود را در خاورمیانه به صورت کم‌سابقه‌ای تقویت کرده است.

این اقدام غیرمنتظره، اگر واقعا انجام شده باشد، می‌تواند نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی در استراتژی نظامی و تحركات منطقه‌ای ایالات متحده باشد، و پرسش‌هایی را در مورد اینکه چرا طالبان نیروهای آمریکایی را به بازگشت دعوت کرده و تقویت نقش آمریکا در منطقه‌ای پر از تنش‌های ژئوپلیتیک چیست، مطرح می‌سازد.

با افزایش احتمال اقدام نظامی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی، مقامات تهران به کشورهای عراق، کویت، امارات متحده عربی، قطر، ترکیه و بحرین هشدار داده‌اند که هرگونه حمایت از حمله آمریکا به نقاطی در ایران، از جمله استفاده از حریم هوایی یا زمینی آنها از سوی ارتش آمریکا «در طول حمله به ایران، به عنوان اقدامی خصمانه از سوی ایران تلقی خواهد شد و چنین اقدامی، پیامدهای سنگینی برای آنها خواهد داشت.»

اینهمه در حالیست که دوشنبه ۱۸ فروردین ترامپ اعلام کرد که «مذاکرات مستقیم» در «سطح بالا» از روز شنبه با فرستادگان جمهوری اسلامی آغاز خواهد شد و عباس عراقچی وزیر خارجه نیز سه‌شنبه خبر داد که مذاکرات «غیرمستقیم» در عُمان برگزار می‌شود.

کدام کشورها پیشتازان آینده در جهان هستند؟



تریلیون‌ها دلار برای آینده سرمایه‌گذاری می‌کنند تا عقب نمانند. از سرمایه‌گذاری در هوشمندسازی شهرها تا سیستم‌های مدرن حمل و نقل و سازه‌های عظیم و مدرن، کدام کشورها در ایجاد زیرساخت‌هایی برای آینده پیشتازند؟

زیرساخت‌های یک تمدن از جمله جاده‌ها، ساختمان‌ها، تأسیسات زیربنایی آب و انرژی، شاخص کلیدی توسعه و شکوفایی آن تمدن است. هر تمدن بزرگ با زیرساخت‌هایی که ایجاد کرده تعریف می‌شود. جهان امروز با سرعت سرسام‌آوری به سمت شهرسازی پیش می‌رود و کشورها

آدم‌ربایی در ایران و جهان



مستقیم با روش‌های قانونی و غیرقانونی با هدف سرکوب مخالفان انجام شود. هرچند به دلیل پنهانکاری حکومت و نبود جریان آزاد اطلاعات در ایران آمار دقیق تعداد افرادی که در اعتراضات علیه حکومت، توسط حکومت ربوده شده‌اند در دسترس عموم نیست، با این حال...

شواهد نشان می‌دهند جمهوری اسلامی به همراه حکومت‌های روسیه، چین، سوریه و مصر دولت‌هایی هستند که بطور سیستماتیک مخالفان سیاسی در داخل کشور را می‌ربایند. این اقدامات اغلب شامل ناپدیدسازی‌های اجباری و محاکمات ناعادلانه است که می‌تواند از طریق ربودن

به گفته منابع اطلاعاتی که مرز حدود ۱۶۰۰ کیلومتری بین دو کشور را رصد می‌کنند، این تسلیحات هفته گذشته به عراق منتقل شده‌اند.

این نخستین بار است که موشک‌های زمین به زمین دوربرد در اختیار نیابتی‌ها قرار می‌گیرد. این انتقال را نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سازماندهی کرده



مایش موشک‌های سپاه پاسداران در مراسم رژه

است.

بر اساس همین گزارش پیش از این موشک کروزر «قدس ۳۵۱» و موشک بالستیک «جمال ۶۹» منتقل شده بود اما این موشک‌ها برد بسیار کمتری نسبت به موشک‌های زمین به زمین جدید دارند که می‌توانند تا نقاطی در اروپا را هدف قرار دهند.

یک منبع اطلاعاتی منطقه‌ای گفت: «جمهوری اسلامی اخیراً موشک‌هایی را به شبه‌نظامیان شیعه در عراق منتقل کرده که دوربرد هستند و قبلاً اینها را در اختیار نداشتند... این اقدام از سر استیصال است اما ثبات عراق را به خطر می‌اندازد.»

در بخش دیگری از این گزارش با اشاره به عملیات آمریکا علیه حوثی‌ها در یمن، به نقل از تحلیلگران آمده، جمهوری اسلامی در تلاش است موقعیت خود را در خاورمیانه بازسازی کند و این امر باعث شده نیروهای نیابتی محتاطانه عمل کنند.

ویلیام البرکه پژوهشگر مهمان در «مرکز استیمسون» می‌گوید: «برخی از رهبران گروه‌های نیابتی در حال مذاکره با دولت عراق برای خلع سلاح و ورود به فرآیند سیاسی هستند. به نظر می‌رسد بعضی نیروهای نیابتی امید خود را به حمایت بلندمدت جمهوری اسلامی از دست داده‌اند.»

او همچنین افزود: «از همین رو جمهوری اسلامی حمایت نظامی خود را افزایش می‌دهد تا شبه‌نظامیان را متقاعد کند مذاکرات را رها کنند و به مقاومت ادامه دهند اما این احتمال هم وجود دارد که آنها این کمک‌ها را دریافت کنند تا از آنها به عنوان اهرم فشار در مذاکرات استفاده بپزند و نه اینکه قصد داشته باشند وارد یک جنگ بلندمدت، پرهزینه و خطرناک شوند.»

این کارشناس معتقد است، «جمهوری اسلامی هیچ دلیلی برای کنار گذاشتن ابزار نیابتی خود ندارد، چون همچنان از آن بهره می‌برد و از آن به عنوان ابزار برای بی‌ثباتی استفاده می‌کند و از طریق آنها اقدام به قاچاق سازمانیافته نیز می‌کند.»

وقت گُشی با «مذاکرات غیرمستقیم»؛ توجیه عقب‌نشینی تحقیرآمیز خامنه‌ای: پیامبر هم چنین کرد!



تشییع جنازه قاسم سلیمانی / دی‌ماه ۱۳۹۹ تهران

خواهد کرد. مذاکره با این دولت، فشار را افزایش خواهد داد. من چند روز قبل از این در صحبت مسئولین هم گفتم. مطالب جدیدی را مطرح می‌کنند، توقعات جدیدی را مطرح می‌کنند، مطالبات زیاده خواهانه جدیدی را مطرح می‌کنند؛ مشکل بیش از آنچه امروز هست خواهد بود. بنابراین مذاکره هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، هیچ گرهی را باز نمی‌کند.»

توجیه عقب‌نشینی خامنه‌ای

بسیاری از هواداران ولایت‌مدار نظام اکنون با زیر سؤال بردن تصمیم خامنه‌ای برای مذاکره، موضوع پایمال شدن خون قاسم سلیمانی را مطرح می‌کنند و بر این باورند که نظام آنها را سر کار گذاشته است. برخی دیگر نیز مقصر را حيله و مکر اصلاح‌طلبان و دولت پزشک‌پسندان می‌دانند و مدعی‌اند آنقدر کم‌کاری کردند تا با بحرانی شدن وضعیت اقتصادی، خامنه‌ای را مجبور به پذیرش مذاکره کنند.

در توجیه عقب‌نشینی خامنه‌ای روزنامه کیهان تهران می‌نویسد: «رویکرد رهبری در جامعه اسلامی، رویکرد هدایت است، نه خودکامگی. پیامبر اسلام در موضوع جنگ احد، معتقد به ماندن در مدینه و مقابله با سپاه مشرکان از آنجا بودند؛ اما در عین حال مشورت کردند و وقتی تلقی برخی اصحاب این شد که بیرون شهر با سپاه دشمن مواجه شوند، پیامبر با وجود مخالفت، پذیرفتند!»

دور تازه مذاکرات تهران و واشنگتن در حالی آغاز شده که رژیم ایران سایه جنگ را روی سر خود احساس کرده است. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران به قدر کافی اورانیوم غنی‌شده دارد که بتواند طی چند هفته به میزان مورد نیاز برای ساخت چند سلاح اتمی برسد.

رسمی «احتمالاً به تهران نیز سفر خواهد کرد» اما مقامات آمریکایی به «واشنگتن پست» گفته‌اند چیزی که برایشان اهمیت دارد «اعتماد متقابل» است و «ایالات متحده باز یچه نخواهد شد.»

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که علی خامنه‌ای با اصرار بر «مذاکرات غیرمستقیم» به عنوان ابزاری برای وقت‌گُشی بهره‌برداری می‌کند.

در این میان، جریان اصلاح‌طلب در جمهوری اسلامی اصرار دارد مذاکره با آمریکا مستقیم باشد اما روزنامه «کیهان» چاپ تهران، در سرمقاله خود می‌نویسد، «مذاکرات غیرمستقیم، اگر از سوی وزارت خارجه درست مدیریت شود، می‌تواند به عنوان سرعت‌گیر در مقابل دشمن عمل کند.»

دونالد ترامپ هشدار داده است، «اگر مذاکرات با ایران موفق نباشد، تصور می‌کنم ایران با خطری جدی مواجه خواهد شد. این فرمول پیچیده نیست؛ ایران نمی‌تواند سلاح اتمی داشته باشد... فقط همین.»

آنچه بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در دیدار با ترامپ خواهان آن شد، اجرای «مدل لیبی» در مورد برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی است که در واقع برچیده شدن کامل آن است.

علی خامنه‌ای مخالف مذاکره با آمریکا به ویژه با دولت ترامپ بود. او بارها تأکید کرد مذاکره با آمریکا نه عقلانی است و نه شرافتمندانه اما در نهایت عقب‌نشینی کرد، تصمیمی که برای طرفداران سرسخت نظام بهت‌آور بود.

خامنه‌ای ۱۲ اسفند ۱۴۰۳ درباره مذاکره گفته بود، «من می‌خواهم عرض بکنم اگر هدف از مذاکره رفع تحریم است، مذاکره با این دولت آمریکا رفع تحریم نخواهد کرد؛ یعنی تحریم‌ها را برمی‌دارد، [بلکه] گره تحریم‌ها را کورتر

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید تمرکز مذاکرات «غیرمستقیم» با آمریکا در عمان «فقط موضوع هسته‌ای» برای رفع تحریم است، در مقابل اما مقام‌های آمریکایی گفته‌اند اگر مذاکره «غیرمستقیم» باشد، استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه به مسقط نخواهد رفت.

در این میان، جریان اصلاح‌طلب در جمهوری اسلامی اصرار دارد مذاکره با آمریکا مستقیم باشد اما روزنامه «کیهان» چاپ تهران، در سرمقاله خود می‌نویسد، «مذاکرات غیرمستقیم، اگر از سوی وزارت خارجه درست مدیریت شود، می‌تواند به عنوان سرعت‌گیر در مقابل دشمن عمل کند.»

بسیاری از هواداران ولایت‌مدار نظام اکنون با زیر سؤال بردن تصمیم خامنه‌ای برای مذاکره، موضوع پایمال شدن خون قاسم سلیمانی را مطرح می‌کنند و بر این باورند که نظام آنها را سر کار گذاشته است. برخی دیگر نیز مقصر را حيله و مکر اصلاح‌طلبان و دولت پزشک‌پسندان می‌دانند و مدعی‌اند آنقدر کم‌کاری کردند تا با بحرانی شدن وضعیت اقتصادی، خامنه‌ای را مجبور به پذیرش مذاکره کنند.

در توجیه عقب‌نشینی خامنه‌ای روزنامه کیهان تهران می‌نویسد: «رویکرد رهبری در جامعه اسلامی، رویکرد هدایت است، نه خودکامگی... پیامبر اسلام در موضوع جنگ احد، معتقد به ماندن در مدینه و مقابله با سپاه مشرکان از آنجا بودند؛ اما در عین حال مشورت کردند و وقتی تلقی برخی اصحاب این شد که بیرون شهر با سپاه دشمن مواجه شوند، پیامبر با وجود مخالفت، پذیرفتند.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی که به الجزایر سفر کرده است، با تکرار ادعای «صلح‌آمیز یون برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی» تأکید کرد در مذاکرات آتی با آمریکا در عمان فقط درباره موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها گفتگو می‌شود.

عراقچی شامگاه سه‌شنبه ۱۹ فروردین‌ماه تأکید کرد مذاکره با طرف آمریکایی «غیرمستقیم» خواهد بود و بحث درباره موضوع هسته‌ای به معنای شفاف‌سازی و اطمینان دادن در مورد ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران به ازای رفع تحریم‌هاست.

این اظهارات وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حالیست که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا گفته بود، «مذاکرات مستقیم» خواهد بود و مورگان اورتگاس معاون نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه نیز تأکید کرد که مذاکرات فوری و متمرکز است و دولت ترامپ در تله‌ی مذاکرات طولانی با جمهوری اسلامی نخواهد افتاد.

از سوی دیگر روزنامه «واشنگتن پست» به نقل از دو مقام آمریکایی گزارش داد که استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه از طریق عمان پیام‌هایی برای جمهوری اسلامی فرستاده از جمله اینکه «اگر این مذاکرات مستقیم نباشد، ویتکاف احتمالاً به عمان نخواهد رفت.»

همچنین ویتکاف گفته در صورت دریافت دعوت

غزاله مدنی، پزشک ایرانی، نامزد دریافت جایزه استارت‌آپ برتر آلمان



● استارت‌آپ بنیانگذاری شده توسط دکتر غزاله مدنی در زمینه بیوتکنولوژی فعال است و از طریق مدل‌های سه‌بعدی سلولی بجای آزمایش روی حیوانات درباره سرطان تحقیق می‌کند.

● غزاله مدنی ۲۹ ساله پس از فارغ‌التحصیلی در رشته پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۲۰۲۰ به آلمان مهاجرت کرد.

غزاله مدنی پزشک ۲۹ ساله ایرانی‌تبار و محقق سرطان در دانشگاه نامزد پُتسدام آلمان دریافت جایزه استارت‌آپ برتر سال این کشور شد.

غزاله مدنی پزشک ایرانی و بنیانگذار یک شرکت تحقیقاتی سرطان کن‌چیپ (CanChip) در شهر پتسدام آلمان، نامزد دریافت جایزه استارت‌آپ برتر سال این کشور شد. کن‌چیپ (CanChip) مخفف دو واژه Cancer به معنای سرطان و Chip به معنای تراشه است.

استارت‌آپ بنیانگذاری شده توسط دکتر غزاله مدنی در زمینه بیوتکنولوژی فعال است و از طریق مدل‌های سه‌بعدی سلولی بهجای آزمایش روی حیوانات درباره سرطان تحقیق می‌کند.

او به همراه همکارانش از تراشه‌های خاصی استفاده می‌کند که دارای رزین زیست‌سازگار هستند که همراه با سلول‌های سرطانی انسانی، یک مدل سه‌بعدی از تومور را ایجاد می‌کنند.

در این روند، رشد و گسترش سلول‌های سرطانی، نحوه واکنش آنها به درمان، و ارتباط سلول‌های سرطانی با بافت اطراف و سیستم ایمنی بدن بررسی می‌شوند.

غزاله مدنی ۲۹ ساله پس از فارغ‌التحصیلی در رشته پزشکی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۲۰۲۰ به آلمان مهاجرت کرد. او در دانشگاه پتسدام در رشته بیوشیمی و زیست‌شناسی مولکولی مشغول به تحصیل شد و در سال ۲۰۲۳ مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت کرد. بر اساس گزارش‌ها، غزاله مدنی به علت آنکه چند عضو خانواده خود را به علت ابتلا به سرطان از دست داده پس از پایان تحصیلات در رشته دکتری عمومی پزشکی بر تحقیقات درباره سرطان متمرکز شد.

برگزاری «جلسه غیرعلنی» در مجلس شورای اسلامی برای یافتن راه‌های مقابله با ترور مسئولان نظام



خامنه‌ای برای رازینی و مقیسه نماز میت خواند

از تکرار چنین حوادثی در آینده جلوگیری شود. سخنگوی هیئت رئیسه مجلس تأکید کرد که «مجلس شورای اسلامی با حساسیت ویژه‌ای این مسئله را پیگیری کرده و با بهره‌گیری از ظرفیت کمیسیون‌های تخصصی، به دنبال یافتن راهکارهایی برای افزایش ضریب امنیتی و پیشگیری از وقوع اتفاقات مشابه در کشور است.»

در جریان تیراندازی در کاخ دادگستری تهران که ۲۸ دی‌ماه ۱۴۰۳ اتفاق افتاد مقیسه و رازینی کشته شدند. همان وقت رسانه‌های حکومتی گزارش دادند حسینعلی نبیری هم در بین کشته‌شدگان بوده است اما این خبر تکذیب شد. برخی منابع غیررسمی گزارش دادند که حسینعلی نبیری از قضات عضو «هیأت مرگ» در آن تیراندازی زخمی شد اما درستی و نادرستی آن مشخص نشد تا اینکه ۱۴ فروردین ۱۴۰۴ غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضایی جمهوری اسلامی مرگ او را تسلیت گفت.

با افزایش فشارهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی و تهدید به اقدام نظامی برای هدف قرار دادن برنامه‌های اتمی رژیم، برخی مسئولان نسبت به آغاز ترور مقامات به عنوان اهرم فشار علیه نظام هشدار دادند.

در همین ارتباط علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در جریان خطبه‌های نماز عید فطر که دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۴ در مصلاي تهران برگزار شد، به مسئولان نظام هشدار داد احتمال اقدام نظامی زیاد نیست اما یکی از کارهای رایج اسرائیل ترور شخصیت‌هاست.

او گفت، «اسرائیل ترور می‌کند و می‌گوید که من ترور کردم» و «آمریکا و دولت‌های غربی حمایت می‌کنند و بقیه هم تماشا می‌کنند.»

این سخنان در حالیست که خود جمهوری اسلامی به دلیل ارتکاب ترورها و خرابکاری‌های متعدد در داخل و خارج کشور به عنوان یکی از حامیان مهم تروریسم دولتی مشهور است!

● حدود سه ماه پس از ترور محمد مقیسه و علی رازینی دو حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی و دیوان عالی در کاخ دادگستری، اعضای کمیسیون امنیت ملی و کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین‌ماه، درباره جزئیات این ترورها «جلسه غیرعلنی» برگزار کردند.

● عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس گفته در این جلسه گزارش‌های دو کمیسیون درباره «ابعاد مختلف حادثه، چگونگی وقوع آن و ضعف‌های احتمالی که منجر به بروز چنین رویدادی شد» مورد بررسی قرار گرفت.

● سخنگوی هیئت رئیسه مجلس تأکید کرد که «مجلس شورای اسلامی با حساسیت ویژه‌ای این مسئله را پیگیری کرده و با بهره‌گیری از ظرفیت کمیسیون‌های تخصصی، به دنبال یافتن راهکارهایی برای افزایش ضریب امنیتی و پیشگیری از وقوع اتفاقات مشابه در کشور است.»

حدود سه ماه پس از ترور محمد مقیسه و علی رازینی دو حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی و دیوان عالی در کاخ دادگستری، اعضای کمیسیون امنیت ملی و کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین‌ماه درباره جزئیات این ترورها «جلسه غیرعلنی» برگزار کردند.

عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس گفته در این جلسه گزارش‌های دو کمیسیون درباره «ابعاد مختلف حادثه، چگونگی وقوع آن و ضعف‌های احتمالی که منجر به بروز چنین رویدادی شد» مورد بررسی قرار گرفت.

بنا بر همین اظهارات، در این گزارش اطلاعات کاملی از شخص ضارب، سوابق وی و نحوه وقوع این حادثه ارائه شد. علاوه بر این، چند نفر از نمایندگان در جریان جلسه، نقطه‌نظرات خود را مطرح کردند و ضمن اشاره به برخی غفلت‌ها و نواقص، بر ضرورت اتخاذ تدابیری تأکید کردند تا

تشکیل پرونده قضایی برای حادثه معدن «جواهر زغال»؛ مرگ هفت نفر به علت رعایت نشدن نکات ایمنی



بدون استفاده بود و مواد معدنی از آن برداشت نمی‌شد. فرج‌الله ایلپات افزوده که «کارفرما با پیمانکاری که تجربه همکاری قبلی داشت، برای ازسرگیری فعالیت معدنی در این تونل قرارداد بسته بود و به اذعان کارفرما، پیمانکار بدون اطلاع به او، برای بررسی وضعیت تونل وارد معدن شد. او همچنین گفته «نیروهای امدادی پس از تخلیه گاز و ورود به تونل، کارگران را پیدا نکردند و با جست‌وجو در عمق تونل متوجه سقوط کارگران به داخل گودال و خفگی آنان شدند.»

سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان افزوده «کمبود اکسیژن و احتمال وجود گازهای زغال سنگ از دلایل مرگ کارگران معدن مهماندویه دامغان پیش‌بینی می‌شود، اما باید برای اعلام نظر قطعی منتظر گزارش پزشکی قانونی بود.»

با اینهمه به نظر می‌رسد بار دیگر بی‌توجهی به نکات ایمنی از سوی کارفرما سبب بروز این حادثه بوده است. فرج‌الله ایلپات گفته «معدن زغال سنگ باید همیشه فعال باشند و دستگاه تهویه و اکسیژن سنج داشته باشند. اگر برای مدت طولانی تعطیل شوند، نیازمند تهویه هوا هستند.»

سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان تأکید کرده که «نداشتن امکانات و تجهیزات کافی در حادثه فوت هفت نفر در معدن «جواهر زغال» روستای مهماندویه دامغان مشهود است.»

او همچنین تأکید کرده بود بعد از بازگشایی معدن پس از مدتی توقف فعالیت، تعدادی از معدنکاران با پیمانکار برای بررسی معدن رفته بودند: «به اذعان کارشناسان، حادثه در تونلی از معدن مهماندویه دامغان رخ داد که طی بازدیدهای دوره‌ای غیرفعال و کارفرما به دنبال از سرگیری فعالیت این تونل بود. کارگران فوت‌شده داخل معدن برای بررسی رفته بودند و مشغول کار نبودند.»

بودند. مرتضی شکاری، احمد شکاری، مهدی گیلکی، هانی گیلکی ۳۵ ساله، طلاحسین ابراهیمی ۲۰ ساله کارگر مهاجر افغانستان، مجتبی اکبری ۲۵ ساله کارگر مهاجر افغانستان و علی ابراهیمی ۲۵ ساله کارگر مهاجر افغانستان هفت نفری هستند که در این حادثه جان خود را از دست دادند.

ساعاتی پس از پایان عملیات امداد و نجات در این معدن محمدصادق اکبری رئیس کل دادگستری استان سمنان اعلان کرد: «به محض اطلاع به دادستان دامغان دستور داده شد، با حضور در محل نسبت به بررسی ابعاد حادثه اقدامات لازم را با بسیج نهادهای اجرایی، امدادسانی و سایر مسئولان مربوطه انجام دهد.»

بر اساس توضیحات رئیس کل دادگستری استان سمنان، چهار کارگر معدن به همراه پیمانکار معدن در تونل دچار گازگرفتگی شدند و «دو نفر دیگر نیز به محض اطلاع از این حادثه قبل از حضور نیروهای امدادسانی از معدن‌های مجاور برای نجات این حادثه دیدگان و با اختیار خویش و فداکارانه به داخل این معدن رفته بودند که همگی به علت تجمع گاز متان که منجر به کمبود اکسیژن در معدن گردیده، فوت شدند.»

رئیس کل دادگستری استان سمنان با اعلام خبر تشکیل پرونده قضایی برای پیگیری علت حادثه افزوده «گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که این معدن مجوز فعالیت داشته و از آذر سال گذشته به‌علت سرمای شدید آن منطقه، امکان ادامه فعالیت نداشته و ادامه فعالیت آن متوقف شده بود و امروز در اولین روز کاری، متأسفانه چنین حادثه دلخراشی به وقوع پیوست.»

فرج‌الله ایلپات سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان نیز توضیح داده که «معدن «جواهر زغال» روستای مهماندویه چهار تونل دارد که از تونل‌های دیگر برداشت می‌شود و حادثه در تونلی رخ داد که مدتی

انتشار گاز در تونل معدن زغال سنگ «جواهر زغال» روستای مهماندویه در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی شهر دامغان سبب جان باختن شش کارگر و یک پیمانکار این معدن شد.

● چهار نفر از جانباختگان جزو معدنکاران، یک نفر پیمانکار معدن و دو نفر از کارکنان معدن مجاور بودند که برای کمک به این آسیب‌دیدگان به تونل معدن رفته بودند. ● سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان گفته، نداشتن امکانات و تجهیزات کافی در حادثه فوت هفت نفر در معدن «جواهر زغال» روستای مهماندویه دامغان مشهود است.

ساعاتی پس از حادثه معدن «جواهر زغال» مهماندویه دامغان که سبب جان باختن هفت تن شد، رئیس کل دادگستری سمنان از تشکیل پرونده قضایی در اینباره خبر داد.

انتشار گاز در تونل معدن زغال سنگ «جواهر زغال» روستای مهماندویه در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی شهر دامغان سبب جان باختن شش کارگر و پیمانکار این معدن شد.

این حادثه در ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه هجدهم فروردین ۱۴۰۴ گزارش شد و چند ساعت عملیات امداد و نجات و خروج پیکر جانباختگان از معدن ادامه داشت.

علت این حادثه، گازگرفتگی اعلام شده، اما توضیحی درباره دلیل نشت گاز داده نشده است.

در این حادثه هفت نفر جان باختند که چهار نفر آنها معدنکاران این معدن، یک نفر پیمانکار معدن و دو نفر از کارکنان معدن مجاور بودند که برای کمک به این آسیب‌دیدگان به تونل معدن رفته بودند. همچنین سه نفر از جانباختگان این حادثه تبعه افغانستان

حادثه مرگبار دیگری در معادن ایران با یک کشته و دو زخمی

مجموعه البرز شرقی به معدن می‌رسد و بعد یک تیم دیگر با دستگاه‌های پشتیبانی بیشتر، مثل ونتیلاتورهای بادی وارد محل می‌شود. کم‌کم هلال‌احمر، اورژانس، نیروی انتظامی، نماینده دادستان و اداره کار هم می‌رسند و نیروهای امدادی داخل آن تونل طولانی می‌شوند و از شیب تندش پایین می‌روند تا برانکارها را از مسیری ۴۰ متری و بعد یک شیب ۴۵ درجه‌ای شش، هفت‌متری رو به پایین، عبور دهند و جنازه‌ها را تک‌به‌تک روی آن بگذارند و بالا بکشند.

«هم میهن» نوزده نیروهای ایمنی می‌گویند، برای فعالیت دوباره یک معدن که مدت‌ها تعطیل بوده، تهویه‌ها حیاتی است؛ مثل اکسیژن برای زنده ماندن. «اینکه پیمانکار بدون اجازه با خودنجات پایین رفته است، اشتباه بزرگی بوده و به قیمت جانش تمام شده است. این اتفاق هم به دلیل نشت گاز نبود، مربوط به کمبود اکسیژن ناشی از متوقف بودن فعالیت معدن بود. معدن مجهز به ونتیلاتور برقی بوده، از ماه آذر تا اول عید، ژنراتور برق آن را می‌برند و ونتیلاتور برقی هم روشن نمی‌شود. احتمالاً می‌خواستند اردیبهشت یا خردادماه آن را دوباره فعال کنند.»

در ادامه آمده «این را آقای محمدیان، یکی از نیروهای امدادونجات مجموعه البرز شرقی تعریف می‌کند، از زمانی که با خودنجات برای بالا کشیدن پیکرها داخل تونلی می‌رود که هرچه عمق‌اش بیشتر می‌شود، سطح اکسیژن آن هم کم‌وکمتر می‌شود. درصد اکسیژن مسیری که او با خودنجات رفت، بسیار پایین بود، بسیار کمتر از ۱۰ درصد. اکسیژن محیط اگر به ۱۲ تا ۱۶ درصد برسد، حالت تهوع و استفراغ آغاز می‌شود و فقط ۳۰ تا ۴۰ دقیقه فرصت برای زنده ماندن باقی می‌ماند.»

این شاهد عینی افزوده هر چه این درصد کمتر شود، زندگی هم دورتر می‌شود. درصد اکسیژن به کمتر از ۱۰ درصد که برسد، ضربان قلب کند می‌شود، منقبض می‌شود و نفس از سینه بالا نمی‌آید. همان‌طور که مهدی و هانی گیلکی، سعید حسنی، مرتضی یا احمد شکاری، طلاحسین ابراهیمی، مجتبی اکبری و علی ابراهیمی دیگر نفس نکشیدند.

این گزارش تأکید کرده «برای شروع به کار دوباره معدن بعد از یک وقفه طولانی، ونتیلاتورها باید اکسیژن را با لوله‌های برزنتی به سطح‌های پایین‌تر برسانند.» بیشتر مشکلاتی که ما در معادن با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم مربوط به گاز متان است که در معادن بی‌بو است، اما پایین آمدن شدید اکسیژن به‌ندرت اتفاق می‌افتد. در مسیری که این هفت نفر رفته بودند، اکسیژنی وجود نداشت، آنها حتی خودنجات هم داشتند.»

شاهد عینی به «هم میهن» گفته «سه نفر اولی که قبل از همه وارد تونل شدند و برنگشتند، خودنجات داشتند. یکی از این خودنجات‌ها باز شد اما فعال نشد، دوتای دیگر اصلاً باز نشده بود. آنهاپی که از خودنجات استفاده نکرده بودند، فرصت باز کردن آن را هم نداشتند. وقتی با کپسول اکسیژن پایین رفتیم، درصد اکسیژن ۱۲ بود اما پایین‌تر از آن، این عدد کمتر هم می‌شد.»

عدم رعایت نکات ایمنی و نبود تجهیزات لازم در بسیاری از معادن ایران تا کنون حوادثی مرگبار را در پی داشته است. در حالیکه پس از هر حادثه مقامات دولتی وعده‌هایی برای بهبود شرایط معادن می‌دهند اما در نهایت این وعده‌ها مانند اغلب وعده‌های مقامات جمهوری اسلامی به فراموشی سپرده شده و حوادث مرگبار در معادن کشور ادامه می‌یابد!

علی مظفری مدیر کل بازرسی وزارت کار تعاون و امور اجتماعی در آخرین اظهارات درباره این حادثه گفته «یکی از ابهامات حادثه معدن مهماندویه که به کشته شدن هفت معدنچی در دامغان منجر شد این است که این معدن ماه‌ها تعطیل بوده است و باید به این سوال پاسخ داد که چرا با توجه به فراهم نبودن شرایط، کارگران وارد معدن شده‌اند.» مدیرکل بازرسی وزارت کار تعاون و امور اجتماعی افزوده «ظاهراً برای نخستین بار در چند ماه اخیر اقدام به ورود به تونل‌های این معدن می‌شود که دقیقاً در همین زمان حادثه رخ می‌دهد و هفت نفر جان خودشان را از دست می‌دهند.» علی مظفری افزوده «متأسفانه مشخص شده که عده‌ای از فوت‌شدگان خارج از معدن بوده و در زمان وقوع حادثه به کمک دوستان خود می‌روند که آنها هم به دلیل فقدان اکسیژن جان خودشان را از دست می‌دهند.»

در حالیکه پیشتر دادستان استان سمنان از گشوده شدن پرونده قضایی برای پیگیری علت و شناسایی مقصران علت



حادثه در معدن مهماندویه خبر داده بود، علی مظفری هم گفته «وزارت کار با همراهی وزارت صمت به صورت جدی پیگیری پرونده این حادثه ناگوار است و گزارش‌های کارشناسی را ارائه خواهد کرد.»

روزنامه «هم میهن» در شماره امروز پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۴ در یک گزارش میدانی از معدن «جواهر زغال» پس از حادثه تهیه شده نوشته «با هر بارش برف، فعالیت معدن هم متوقف می‌شود، اما این‌بار قبل از آن‌که فکری برای تهویه آن کنند، کارگرها داخل تونل می‌روند. آنطور که کارگرهای دیگر شنیده‌اند، اول پیمانکار (احمد شکاری) و خواهرزاده‌اش (سعید حسنی) همراه با سه کارگر افغانستانی (طلاحسین ابراهیمی، مجتبی اکبری و علی ابراهیمی) وارد تونل می‌شوند، بعد که خبری از آنها نمی‌رسد، دو کارگر دیگر (مهدی و هانی گیلکی) با خودنجات‌هایشان وارد تونل می‌شوند و دیگر بر نمی‌گردند. بی‌خبری از این هفت نفر که ادامه پیدا می‌کند، یکی از کارگرها با هلال‌احمر، اورژانس، امداد و نجات البرز شرقی تماس می‌گیرد.»

این گزارش تأکید کرده «اولین تیم امدادونجات از

بر اثر سقوط یک قطعه سنگ در معدن گچ روستای آهنگ در نزدیکی شهرستان بجستان در استان خراسان «رضوی» یکی از کارگران ایمن‌سازی معدن جان باخت و دو کارگر مصدوم شدند.

دو روز پیشتر نیز حادثه در معدن زغال سنگ «جواهر زغال» روستای مهماندویه در استان سمنان سبب کشته شدن هفت تن شد.

در حالی که پس از هر حادثه مقامات دولتی وعده‌هایی برای بهبود شرایط معادن می‌دهند اما در نهایت این وعده‌ها مانند اغلب وعده‌های مقامات جمهوری اسلامی به فراموشی سپرده شده و حوادث مرگبار در معادن کشور ادامه می‌یابد!

حادثه در معدن گچ روستای آهنگ در استان خراسان «رضوی» سبب کشته شدن یک تن و مجروح شدن دو تن دیگر شد. این حادثه دو روز پس از حادثه در معدن زغال سنگ «جواهر زغال» روستای مهماندویه در استان سمنان رخ داده که منجر به مرگ هفت معدنکار شد.

بر اثر سقوط یک قطعه سنگ در معدن گچ روستای آهنگ در نزدیکی شهرستان بجستان در استان خراسان «رضوی» یکی از کارگران ایمن‌سازی معدن جان باخت و دو کارگر مصدوم شدند. این حادثه در پی ایمن‌سازی معدن پیش از ورود کارگران رخ داده است.

حمیدرضا داورکیا فرماندار بجستان توضیح داده که «این حادثه حدود ساعت ۵:۳۰ صبح رخ داد. کارگروه ایمن‌سازی معدن در حال فعالیت در کارگاه بودند که برق قطع می‌شود. آنها می‌خواهند خود را به پناهگاهی برسانند که از طبقه بالا یک سنگ روی سر کارگر سقوط می‌کند و منجر به فوت او و مصدومیت دو نفر می‌شود.»

فرماندار شهرستان بجستان با بیان اینکه «این کارگران لوازم ایمنی هم داشتند و معدن بجستان شرایط ایمنی نرمالی داشته» احتمال داده که این حادثه «بر اثر بی‌احتیاطی» رخ داده باشد.

بر اساس توضیحات حمیدرضا داورکیا «با توجه به طبقاتی بودن معدن، حادثه در طبقه دوم و در عمق ۲۰ متری، در پی جدا شدن یک سنگ از بدنه و سقوط روی یکی از نیروهای ایمنی اتفاق افتاده است.»

او با بیان اینکه برخلاف اطلاعات مطرح‌شده، معدن ریزش نکرده است، گفت: «گروه ایمنی متشکل از سه نفر بوده و تا این تیم از کارگاه خارج نمی‌شدند ۱۰۰ نفر نیروی دیگر اجازه ورود نداشتند. این افراد مشغول ایمن‌سازی دیواره‌های معدن برای ورود کارگران بوده‌اند و این حادثه منجر به کشته شدن نیروی ۴۶ ساله اهل تربت جام شد.»

دو روز پیشتر نیز حادثه در معدن زغال سنگ «جواهر زغال» روستای مهماندویه در استان سمنان سبب کشته شدن هفت تن شد.

این حادثه در ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه هجدهم فروردین ۱۴۰۴ گزارش شد و چند ساعت عملیات امداد و نجات و خروج پیکر جانباختگان از معدن ادامه داشت. از میان هفت جان‌باخته این حادثه، چهار نفر آنها معدنکاران این معدن، یک نفر پیمانکار معدن و دو نفر از کارکنان معدن مجاور بودند که برای کمک به این آسیب‌دیدگان به تونل معدن رفته بودند.

رعایت نشدن نکات ایمنی علت این حادثه ارزیابی شده اما همچنان ابهاماتی درباره این حادثه مطرح شده است.

تغییر الگوی سفر در ایران به علت تورم؛ اقامت در چادر و کاهش مراجعه به رستوران



نیست و در جزایر جنوبی عموماً در چادر اقامت داشتند. این در شأن مردم نیست که سفرهای این‌چنینی داشته باشند.»

حرم‌الله رفیعی معتقد است هزینه سفر در ایران هم از نظر اقامت، هم حمل‌ونقل، گران است و «مردم در ترافیک‌های چندساعته می‌مانند و به دلیل شرایط اقتصادی نمی‌توانند در مراکز اقامتی خوبی اسکان داشته باشند. اعلام شده است که امسال هتل‌ها ۴۰ تا ۵۰ درصد ارزان شده، اما باید گفت شما آن را ارزان نکرده‌اید، بلکه از آن استقبال نشده است.»

این فعال صنفی تأکید دارد که امسال سفر واقعی انجام نشده است: «من نمی‌گویم این آمارها اشتباه است، اما از سوی دیگر شاخص‌هایی مانند نفر-شب و تردد موبایل اعلام می‌شود؛ یعنی اگر شما از تهران به سمت شهرهای دیگر حرکت کنید، تردد و اقامت ضرب در تعداد شهرها می‌شود و آن را به عنوان ۶۰ میلیون نفر-شب-اقامت اعلام می‌کنند. این عدد در واقع ۴/۵ میلیون نفر است. امسال ۵۰ درصد سال گذشته گردشگری داشتیم و وضعیت گردشگری اصلاً مناسب نیست. در مجموع امسال شرایط مناسبی در این حوزه نداشتیم.»

مجتبی اسماعیلی، فعال گردشگری در جزیره قشم هم به روزنامه «هم‌میهن» گفته که امسال تقریباً حدود ۱۸ هزار نفر از سایت دره ستارگان این جزیره بازدید کردند، تا اواخر نوروز سه موج مسافر به آن وارد شد و تقریباً همه ۱۷۸ اقامتگاه مجوزدار جزیره قشم و حتی اقامتگاه‌های بدون مجوز هم از مسافر پر شده بودند.

او با اشاره به اینکه «قشم همیشه در عید شلوغ است، اما قدرت خرید مردم پایین آمده» گفته که «با توجه به اینکه قیمت دلار به بیش از ۱۰۰ هزار تومان رسیده و قیمت کالاهای قشم با نرخ درهم ارتباط دارد، می‌توان گفت که تقریباً قدرت خرید مردم کاهش پیدا کرده و تعداد چادرنشین‌ها نسبت به سال گذشته بیشتر شد.»

نسبت به سال گذشته خبر داده است. برخی تحلیلگران معتقدند افزایش شمار تعداد گردشگران داخلی در نوروز به این معناست که شماری از شهروندان که نوروز هر سال مسافرت خارجی داشتند به علت افزایش هزینه‌ها به سفرهای داخلی رفته‌اند. این موضوع در گزارش فعالان گردشگری در بخش توره‌های خارجی نیز نشان داده می‌شود. آنها از کاهش شدید تقاضا برای توره‌های خارجی به ویژه تورهایی به مقاصد کشورهای غیرهمسایه خبر می‌دهند.

در شرایطی که بر اساس ادعای دولت، تعداد گردشگر داخلی در نوروز نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته، اما همچنان رکود بیشتری در بخش هتلداری، اقامتگاه‌های بومگردی و رستوران‌ها رخ داده است. بخشی از شهروندان به سفرهای داخلی رفته اما به علت گرانی و کاهش قدرت خرید، در چادر اقامت داشته و یا مراجعه به رستوران در طول سفر را حذف یا به یک وعده کاهش داده‌اند. موضوعی که فعالان حوزه گردشگری به عنوان «تغییر الگوی سفر» و «کاهش کیفیت سفر» از آن یاد می‌کنند.

در همین رابطه حرم‌الله رفیعی رئیس انجمن صنفی آژانس‌های مسافرتی ایران به روزنامه «هم‌میهن» گفته شاخص‌هایی که درباره میزان تردد و شب‌اقامت مطرح می‌شود، نباید به عنوان ملاک میزان رشد سفرها در نظر گرفته شود.

رئیس انجمن صنفی آژانس‌های مسافرتی ایران گفته که اگر گردشگری را به معنای واقعی آن تعریف کنیم، نه تنها رشدی در حوزه گردشگری نداشتیم، بلکه با ریزش شدید هم روبرو بودیم: «ما بعضی آمارها را می‌شنویم که مثلاً ۴۵ میلیون گردشگر در هفته اول تعطیلات سفر کرده‌اند، ممکن است این آمار درست باشد، اما از طرف دیگر می‌بینیم که هتل‌ها، بوم‌گردی‌ها و مراکز اقامتی خالی، اما مدارس پر شده‌اند. این نشان می‌دهد شرایط اقتصادی مردم خوب

● فعالان حوزه گردشگری از کاهش کیفیت سفر مردم در نوروز امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل به علت گرانی و کاهش قدرت خرید شهروندان خبر داده‌اند. این کاهش کیفیت به ویژه در بخش هتل‌ها و اقامتگاه‌های بومگردی و رستوران‌ها بارز بوده است.

● حرم‌الله رفیعی رئیس انجمن صنفی آژانس‌های مسافرتی ایران به روزنامه «هم‌میهن» گفته شاخص‌هایی که درباره میزان تردد و شب‌اقامت مطرح می‌شود، نباید به عنوان ملاک میزان رشد سفرها در نظر گرفته شود.

● شماری از شهروندان که نوروز هر سال مسافرت خارجی داشتند به علت افزایش هزینه‌ها به سفرهای داخلی رفته‌اند.

● بخشی از شهروندان به سفرهای داخلی رفته اما به علت گرانی و کاهش قدرت خرید، در چادر اقامت داشته و یا مراجعه به رستوران در طول سفر را حذف یا به یک وعده کاهش داده‌اند.

● فعالان صنفی می‌گویند بخش گردشگری داخلی در ایران با «تغییر الگوی سفر» و «کاهش کیفیت سفر» روبرو شده است.

تورم و کاهش قدرت خرید مردم نه تنها سفر را از سید مصرفی بخشی از خانوارهای ایران حذف کرده بلکه سبب کاهش کیفیت سفر در میان بسیاری از خانواده‌هایی شده که اقدام به سفر می‌کنند. مسافرت با اتومبیل شخصی، اقامت در چادر بجای هتل یا اقامتگاه‌های بومگردی، کاهش صرف غذا در رستوران در طول سفر از جمله اقدامات خانوارها برای کاهش هزینه سفرهای نوروزی امسال بوده است.

فعالان حوزه گردشگری از کاهش کیفیت سفر مردم در نوروز امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل به علت گرانی و کاهش قدرت خرید شهروندان خبر داده‌اند. این کاهش کیفیت به ویژه در بخش هتل‌ها و اقامتگاه‌های بومگردی و رستوران‌ها بارز بوده است.

رضا صالحی‌امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی همزمان با پایان تعطیلات نوروزی با اعلام آماری گفته بود که «در بازه زمانی ۲۵ اسفندماه تا ۱۳ فروردین‌ماه، بالغ بر ۳۵ میلیون و ۸۷۱ هزار سفر در سامانه‌های رسمی ثبت شده است.»

وی افزوده بود که «این آمار نشان می‌دهد که بیش از ۱۱ میلیون خانوار از مجموع ۲۷ میلیون خانواده ایرانی معادل ۴۰ درصد در تعطیلات نوروزی به سفر رفته‌اند؛ رشدی معنادار به میزان ۲/۲۲ درصد نسبت به سال گذشته، که گویای تداوم پویایی در جریان گردشگری داخلی است.»

انوشیروان محسنی‌بندپی معاون گردشگری وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز آماری از سفرهای نوروزی ارائه کرده و گفته «نسبت به سال گذشته رشد قابل توجهی در توسعه گردشگری داخلی داشته‌ایم. ما از رصد موبایلی هم برای به دست آوردن آمارها استفاده کردیم و طبق آن، این ترده‌ها تا روز ۱۵ فروردین‌ماه ۲/۲ درصد رشد داشته و علاوه بر این ۳۶ میلیون نفر شب-اقامت ثبت شده است. راه‌آهن هم اعلام کرده است که افزایش پذیرش مسافر داشته است.»

مصطفی فاطمی از دیگر مقامات این وزارتخانه نیز از افزایش ۲۸ درصدی شمار بازدید از اماکن تاریخی و فرهنگی

تشکیل پرونده قضایی برای حادثه معدن «جواهر زغال»؛ مرگ هفت نفر به علت رعایت نشدن نکات ایمنی



فرج‌الله ایلیات افزوده که «کارفرما با پیمانکاری که تجربه همکاری قبلی داشت، برای ازسرگیری فعالیت معدنی در این تونل قرارداد بسته بود و به اذعان کارفرما، پیمانکار بدون اطلاع به او، برای بررسی وضعیت تونل وارد معدن شد.»

او همچنین گفته «نیروهای امدادی پس از تخلیه گاز و ورود به تونل، کارگران را پیدا نکردند و با جست‌وجو در عمق تونل متوجه سقوط کارگران به داخل گودال و خفگی آنان شدند.»

سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان افزوده «کمبود اکسیژن و احتمال وجود گازهای زغال سنگ از دلایل مرگ کارگران معدن مهماندویه دامغان پیش‌بینی می‌شود، اما باید برای اعلام نظر قطعی منتظر گزارش پزشکی قانونی بود.»

با اینهمه به نظر می‌رسد بار دیگر بی‌توجهی به نکات ایمنی از سوی کارفرما سبب بروز این حادثه بوده است. فرج‌الله ایلیات گفته «معدن زغال سنگ باید همیشه فعال باشند و دستگاه تهویه و اکسیژن سنج داشته باشند. اگر برای مدت طولانی تعطیل شوند، نیازمند تهویه هوا هستند.»

سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان تأکید کرده که «نداشتن امکانات و تجهیزات کافی در حادثه فوت هفت نفر در معدن «جواهر زغال» روستای مهماندویه دامغان مشهود است.»

او همچنین تأکید کرده بود بعد از بازگشایی معدن پس از مدتی توقف فعالیت، تعدادی از معدنکاران با پیمانکار برای بررسی معدن رفته بودند: «به اذعان کارشناسان، حادثه در تونلی از معدن مهماندویه دامغان رخ داد که طی بازدیدهای دوره‌ای غیرفعال و کارفرما به دنبال از سرگیری فعالیت این تونل بود. کارگران فوت‌شده داخل معدن برای بررسی رفته بودند و مشغول کار نبودند.»

افغانستان بودند. مرتضی شکاری، احمد شکاری، مهدی گیلکی، هانی گیلکی ۳۵ ساله، طلاح‌سین ابراهیمی ۲۰ ساله کارگر مهاجر افغانستان، مجتبی اکبری ۲۵ ساله کارگر مهاجر افغانستان و علی ابراهیمی ۲۵ ساله کارگر مهاجر افغانستان هفت نفری هستند که در این حادثه جان خود را از دست دادند.

ساعاتی پس از پایان عملیات امداد و نجات در این معدن محمدصادق اکبری رئیس کل دادگستری استان سمنان اعلان کرد: «به محض اطلاع به دادستان دامغان دستور داده شد، با حضور در محل نسبت به بررسی ابعاد حادثه اقدامات لازم را با بسیج نهادهای اجرایی، امدادسانی و سایر مسئولان مربوطه انجام دهد.»

بر اساس توضیحات رئیس کل دادگستری استان سمنان، چهار کارگر معدن به همراه پیمانکار معدن در تونل دچار گازگرفتگی شدند و «دو نفر دیگر نیز به محض اطلاع از این حادثه قبل از حضور نیروهای امدادسانی از معدن‌های مجاور برای نجات این حادثه دیدگان و با اختیار خویش و فداکارانه به داخل این معدن رفته بودند که همگی به علت تجمع گاز متان که منجر به کمبود اکسیژن در معدن گردیده، فوت شدند.»

رئیس کل دادگستری استان سمنان با اعلام خبر تشکیل پرونده قضایی برای پیگیری علت حادثه افزوده «گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که این معدن مجوز فعالیت داشته و از آذر سال گذشته به‌علت سرمای شدید آن منطقه، امکان ادامه فعالیت نداشته و ادامه فعالیت آن متوقف شده بود و امروز در اولین روز کاری، متأسفانه چنین حادثه دلخراشی به وقوع پیوست.»

فرج‌الله ایلیات سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان نیز توضیح داده که «معدن «جواهر زغال» روستای مهماندویه چهار تونل دارد که از تونل‌های دیگر برداشت می‌شود و حادثه در تونلی رخ داد که مدتی بدون استفاده بود و مواد معدنی از آن برداشت نمی‌شد.»

● انتشار گاز در تونل معدن زغال سنگ «جواهر زغال» روستای مهماندویه در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی شهر دامغان سبب جان باختن شش کارگر و یک پیمانکار این معدن شد.

● چهار نفر از جانب‌اختگان جزو معدنکاران، یک نفر پیمانکار معدن و دو نفر از کارکنان معدن مجاور بودند که برای کمک به این آسیب‌دیدگان به تونل معدن رفته بودند.

● سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان گفته، نداشتن امکانات و تجهیزات کافی در حادثه فوت هفت نفر در معدن «جواهر زغال» روستای مهماندویه دامغان مشهود است.

ساعاتی پس از حادثه معدن «جواهر زغال» مهماندویه دامغان که سبب جان باختن هفت تن شد، رئیس کل دادگستری سمنان از تشکیل پرونده قضایی در اینباره خبر داد.

انتشار گاز در تونل معدن زغال سنگ «جواهر زغال» روستای مهماندویه در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی شهر دامغان سبب جان باختن شش کارگر و پیمانکار این معدن شد.

این حادثه در ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه هجدهم فروردین ۱۴۰۴ گزارش شد و چند ساعت عملیات امداد و نجات و خروج پیکر جانب‌اختگان از معدن ادامه داشت.

علت این حادثه، گازگرفتگی اعلام شده، اما توضیحی درباره دلیل نشت گاز داده نشده است.

در این حادثه هفت نفر جان باختند که چهار نفر آنها معدنکاران این معدن، یک نفر پیمانکار معدن و دو نفر از کارکنان معدن مجاور بودند که برای کمک به این آسیب‌دیدگان به تونل معدن رفته بودند.

همچنین سه نفر از جانب‌اختگان این حادثه تبعه

نیروی کار افغانستانی در ایران؛ تهدید یا فرصت؟



بالا رفتن تقاضا و به هم ریختن تناسب میان عرضه و تقاضا که سبب افزایش قیمت واحدهای اجاره‌ای شده؛ تا خرید گسترده املاک یک محله یا منطقه توسط مهاجران که می‌تواند پیامدهایی حتی امنیتی در پی داشته باشد.

حضور کارگران افغانستانی در مشاغل مثل ساختمان‌سازی، به علت اینکه حاضرند با درآمد کمتری از کارگران ایرانی کار کنند و مزایای شغلی و بیمه هم نمی‌خواهند، با استقبال کارفرمایان روبرو شده است.

این حضور در بخش‌های مختلف تولیدی و صنعتی و خدماتی آنقدر زیاد بوده که پس از آنکه چند ماه پیش روند اخراج پناهجویان از ایران آغاز شد یک کارشناس حوزه کار دی‌ماه گذشته گفت: «خارج کردن ناگهانی افغان‌ها از ایران شوک بزرگی به بخش تولید کشور و به حوزه کارگری وارد کرد و عدم آنها باعث بحران کمبود نیرو کارگری شد؛ همانطور که حضور قطعی افغان‌ها در مشاغل ایران طی سال‌های متعددی اتفاق افتاد، خروجشان نیز باید روندی آهسته داشته باشد که کشور با چالش کمبود کارگر روبه‌رو نشود.»

علی حیدری، کارشناس رفاه و تامین اجتماعی معتقد بود که «کارگران افغان غیر مجاز را باید به تدریج طی ۲ تا ۳ سال از مرزهای ایران خارج و برای تامین نیروی انسانی و کارگر مورد نیاز بخش تولید، جایگزین یابند، اما متولیان تصمیم گرفته‌اند که همزمان تمام افغان‌های غیر مجاز را از ایران خارج کند که طبیعتاً جایگزین کردن این تعداد کارگر سریعاً اتفاق نخواهد افتاد.»

البته همه افغانستانی‌ها صرفاً به عنوان کارگر در ایران مشغول به کار نیستند. به تازگی گزارشی منتشر شده که نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد مغازه‌داران منطقه «درگهان» جزیره قشم را که قطب اقتصادی این جزیره به

شمار می‌رود، اتباع خارجی تشکیل می‌دهند. گزارش‌ها همچنین حکایت از آن دارد که حضور گسترده

اتباع و کاهش قیمت اجناس در این منطقه نسبت به

خودمان می‌آییم متوجه شویم ۹ میلیون افغانستانی در ایران هستند. از مدت‌ها پیش، بخش عمده‌ای از مرزهای ایران بسته و حتی دیوارکشی‌هایی هم صورت گرفته که کاری شایسته است، اما تنها به واسطه این کارها نمی‌توان تمام و کمال جلوی مهاجرت غیرقانونی به کشور را گرفت.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «در برخی بیمارستان‌های کشور، بیش از نیمی از زاد و ولدها مربوط به افغانستانی‌ها است و این آمارها تامل زیادی را می‌طلبد. در نهایت موضوع مهم دیگر، بهره‌مندی این جمعیت از یارانه‌های کشور است. در این ناترازی انرژی در کشور، بین پنج تا ۹ میلیون نفر افغانستانی از انرژی‌های موجود استفاده می‌کنند. از طرفی این افراد هم خیلی در قید و بند این نیستند که مثلاً کمتر از انرژی استفاده کنند و این نگرانی برای ما است. از این‌رو دولت باید هرچه سریع‌تر ساماندهی اتباع خارجی در ایران و مخصوصاً افغانستانی‌ها را داشته باشد و ما ظرفیت بیش از یک تا دو میلیون افغانستانی در ایران را نداریم، آن هم برای ارائه خدماتی در کشور که نیاز به نیروی انسانی است.»

رضا سپهوند به برخی ابعاد اجتماعی حضور گسترده و بدون چارچوب افغانستانی‌ها در ایران اشاره کرده و گفته «برخی از افغانستانی‌ها در ایران، ناآرامی به بار آوردند که این موضوع، کاملاً امنیتی شده است. معنی ندارد که مترو، پارک، نانوایی و خیلی جاها که می‌رویم شاهد تعداد بالای افغانستانی‌ها در مملکت‌مان باشیم. این موضوع، حس ناامنی را در بین مردم افزایش داده است و جنایت‌هایی که در یکی، دو سال اخیر مخصوصاً در تهران و اطراف تهران رخ داده، حکایت از این ناامنی دارد و اگر ادامه پیدا کند حتماً این چالش امنیتی، عمق پیدا خواهد کرد.»

اما یکی از ابعاد مهم حضور مهاجران افغانستانی در حوزه اقتصاد رخ داده است. از ایجاد مشکلاتی در بازار مسکن و اجاره‌بها در برخی محله‌ها به علت انباشت مهاجران و

نادیده گرفتن سیل مهاجران افغانستانی از سوی جمهوری اسلامی، اکنون حضور میلیون‌ها مهاجر قانونی و غیرقانونی را به مشکلی در برخی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل کرده است.

حضور کارگران افغانستانی در مشاغل مثل ساختمان‌سازی، به علت اینکه حاضرند با درآمد کمتری از کارگران ایرانی کار کنند و مزایای شغلی و بیمه هم نمی‌خواهند، با استقبال کارفرمایان روبرو شده است.

به تازگی گزارشی منتشر شده که نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد مغازه‌داران منطقه «درگهان» جزیره قشم را که قطب اقتصادی این جزیره به شمار می‌رود، اتباع خارجی تشکیل می‌دهند.

مشاور وزیر و رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور اعلام کرده که «در حال حاضر نزدیک به ۲ هزار پزشک افغانستانی در داخل ایران داریم که ۷۰۰ نفر از آنها متخصص و فوق‌تخصص هستند.»

درآمدهای ناچیز برای نیروی کار، از کارگران تا پزشک‌های استخدام‌شده در بیمارستان‌های دولتی سبب عدم تمایل نیروی کار ایرانی به اشتغال در این مشاغل شده و کارفرمایان معتقدند حضور نیروی کار افغانستانی می‌تواند راهکاری برای پر کردن خلاء نیروی کار در مشاغل مختلف باشد.

حضور میلیون‌ها مهاجر قانونی و غیرقانونی افغانستانی در ایران پیامدهای مختلفی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به همراه داشته و یکی از این پیامدها در بازار کار ایران است. اشباع بازار برخی مشاغل با مهاجران افغانستانی، بحران در برخی واحدهای تولیدی و صنعتی به علت اخراج مهاجران از کشور و عدم هزینه شدن درآمد شاغلان افغانستانی در ایران و خروج پول از کشور از جمله این پیامدها است.

نادیده گرفتن سیل مهاجران افغانستانی به ایران از سوی جمهوری اسلامی، اکنون حضور میلیون‌ها مهاجر قانونی و غیرقانونی را مشکلاتی در برخی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل کرده است.

بنا به اعلام سازمان بین‌المللی مهاجرت، از سال ۲۰۲۰ میلادی تا کنون نزدیک به هشت میلیون شهروند افغانستانی سرزمین خود را ترک کرده‌اند. سازمان بین‌المللی مهاجرت می‌گوید از این میان یک میلیون افغانستانی به کشورهای اروپایی پناه برده و ۸۵ درصد به کشورهای همسایه رفته‌اند. در گزارش این آژانس متعلق به سازمان ملل آمده است که حدود ۷۰ درصد از افغانستانی‌هایی که به ایران مهاجرت می‌کنند، می‌گویند به دلیل نبود فرصت‌های شغلی سرزمین خود را ترک کرده‌اند.

از ماه‌ها پیش هشدارهایی درباره پیامدهای سازمان‌نیافتگی مهاجران افغانستانی در ایران از سوی کارشناسان مطرح می‌شد و در بی‌تفاوتی مقاماتی که حتی برآورد مستندی از تعداد واقعی مهاجران افغانستانی در ایران نداشتند، اکنون بحران‌زا شده است.

رضا سپهوند نماینده خرم‌آباد در مجلس شورای اسلامی به تازگی در اظهاراتی گفته «منطقی نیست که مرزها باز باشد و روزی ۱۰ یا ۲۰ هزار نفر وارد مملکت شوند و زمانی که به

جمهوری اسلامی عامدانه بر آتش «جنگ آب» میان شهروندان» می‌دمد



اعتراض کشاورزان استان اصفهان - نوروز ۱۴۰۴

بین رفتن محصولات خود برگزار کردند. مقامات دولتی مانند همیشه به این اعتراضات بی‌اعتنایی کرده و سپس نهادهای نظامی برای سرکوب کشاورزان معترض وارد عمل شده و دست کم ۵۰ کشاورز را راهی بیمارستان کردند.

در نهایت با گذشت دو هفته از اعتراضات کشاورزان مسعود پزشکیان رئیس دولت و محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور دستوراتی جداگانه برای حل مشکل کشاورزان صادر کردند؛ دستوراتی که نتیجه آن دم‌دستی‌ترین راهکار یعنی بازگشایی موقت آب زاینده‌رود بود!

کشاورزان معترض در جریان اعتراضات روزهای گذشته ایستگاه‌های پمپاژ خط انتقال آب زاینده‌رود را به یزد در ورزنه در شرق استان اصفهان به آتش که این موضوع سبب قطع آب شهروندان در بخشی از نقاط شهر یزد به مدت چند روز شد.

رئیس اتاق اصناف کشاورزی شهرستان هرنند توضیح داده که کشاورزان استان اصفهان ۷۷ درصد آب زاینده‌رود را قانونی خریده‌اند، اما از سال ۷۴ بدون توافق با آنها، آب به یزد منتقل شده است.

به گفته حسین محمدی «تنها خواسته کشاورزان جاری شدن آب زاینده رود است. از زمان شیخ بهایی اجداد ما پول پرداخت کردند و حقا به خریدند و ۷۷ درصد آب رودخانه متعلق به کشاورزان حقا به دار شرق و غرب استان اصفهان است. این موضوع در قانون نیز ذکر شده و حقا به قانونا متعلق به این کشاورزان است.»

این فعال صنفی در مورد علت انتقال آب زاینده رود به یزد و اینکه آیا این انتقال با رضایت و طبق قانون صورت گرفته است یا خیر، تأکید شده «از سال ۷۴ انتقال آب و لوله کشی از زاینده رود به یزد انجام شد. هیچ توافقی صورت نگرفت و این آب ۳۰ سال به لوله‌ها رفت و به یزد انتقال دادند.»

● تخریب خط انتقال آب زاینده‌رود به یزد تنها نوک کوه یخ بحران آب در ایران است که جمهوری اسلامی طی چهار دهه تباہکاری رقم زده است.

● مقامات حکومتی تلاش دارند تغییرات اقلیمی را عامل بحران آب در ایران نشان دهند اما مدیریت ناکارآمد منابع آب و بی‌توجهی مسئولان به در نظر گرفتن راهکارهایی پایدار و کارآمد سبب تشدید بحران آب در ایران شده است.

● ابوالفضل ابوترابی نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اعتراضات کشاورزان اصفهان گفته «جنگ، جنگ، جنگ آب است؛ ما بارها سال‌های متمادی این اخطار را داده بودیم.»

● احد آزادی‌خواه عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی هشدار داده اگر موضوع آب را مدیریت نکنیم به زمین‌های برای اختلافات قومی و قبیله‌ای تبدیل می‌شود.

● برخی فعالان اصلاح‌طلب و اصولگرا در روزهای گذشته کوشیدند با مقصر دانستن کشاورزان اصفهان، صورت مسئله را پاک کرده و موضوع را به نگاه آمیخته با دشمنی شهروندان اصفهان نسبت به شهروندان یزد تبدیل کنند.

بحران آب در دو استان اصفهان و یزد در نوروز امسال که حاصل سوء مدیریت دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی است و همچنین تلاش حکومت برای نشان دادن شکاف و اختلاف عمیق میان شهروندان دو استان، هشدارها درباره «جنگ داخلی بر سر آب» را افزایش داده است.

کشاورزان شرق و غرب استان اصفهان از روز سوم فروردین‌ماه اعتراضات گسترده‌ای را به دریافت نکردن حقا به برای زمین‌های کشاورزی و خطر خشک شدن مزارع و از

سایر بخش‌های قشم، موجب اعتراض کسبه محلی شده است.

گفته می‌شود افغانستانی‌هایی که در دویی فعالیت دارند، به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی کالا، اجناس را به هموطنان خود در قشم ارسال می‌کنند. این کالاها از طریق قایق‌ها وارد جزیره شده و از آنجا که قشم منطقه آزاد محسوب می‌شود، از نظر قانونی مشمول قوانین سختگیرانه قاچاق کالا نمی‌شوند.

افغانستانی‌های تحصیل‌کرده نیز جذب بخش‌های تخصصی شده‌اند. برای نمونه نادر یاراحمدی مشاور وزیر و رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور اعلام کرده که «در حال حاضر نزدیک به ۲ هزار پزشک افغانستانی در داخل ایران داریم که ۷۰۰ نفر از آنها متخصص و فوق‌تخصص هستند.»

دکتر محمد میرخانی معاون اجتماعی و پارلمانی سازمان نظام پزشکی در گفتگو با روزنامه «همشهری» درباره حضور پزشکان افغانستانی در ایران گفته «اکثر این پزشکان کسانی هستند که در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران درس خوانده‌اند و از نظر علمی و آموزشی سطح پایینی ندارند. گروه دیگر پزشکی هستند که از خارج کشور آمده و با عبور از ارزشیابی‌های وزارت بهداشت، در نهایت شماره نظام پزشکی می‌گیرند. یک گروه دیگر هم تابعیت ایرانی دارند که در شماره نظام پزشکی آنها الف و ت قید نمی‌شود.»

معاون اجتماعی و پارلمانی سازمان نظام پزشکی همچنین گفته «در ایران با وجود تمام مشکلاتی که پزشکان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، کمبود پزشک مطرح نیست و مشکل فاصله گرفتن پزشکان از طبابت به دلایل مختلف است. به همین دلیل فعالیت پزشکان خارجی و اتباع در ایران به هیچ عنوان به معنای جایگزینی با پزشک ایرانی نیست.»

در آنسو اما درآمدهای ناچیز برای نیروی کار، از کارگران تا پزشکان استخدام‌شده در بیمارستان‌های دولتی سبب عدم تمایل نیروی کار ایرانی به اشتغال در این مشاغل شده است. برای نمونه بسیاری از پزشکان عمومی طبابت را رها کرده و به مشاغل آزاد روی آورده‌اند و البته شمار بیشتری از پزشکان نیز از کشور مهاجرت کرده‌اند.

همچنین بسیاری از کارگران حرفه‌ای و ساده حاضر نیستند با درآمدهایی که حتی هزینه‌های نیمی از ماه را نیز پوشش نمی‌دهد کار کنند و به مشاغل چون دستفروشی روی آورده‌اند.

در چنین شرایطی کارفرمایان معتقدند حضور نیروی کار افغانستانی می‌تواند راهکاری برای پر کردن خلاء نیروی کار در مشاغل مختلف باشد.

در آنسو اما یکی از موارد مطرح شده خروج درآمد کارکنان افغانستانی، از کارگر تا تاجر و پزشک، از ایران است. به بیان دیگر در حالی که میلیون‌ها افغانستانی به صورت رسمی و غیررسمی در بخش‌های مختلف بازار کار ایران اشتغال دارند اما بخش عمده درآمد بسیاری از مهاجران به چرخه اقتصاد ایران وارد نمی‌شود و از کشور خارج می‌شود.

رضا سپهوند نماینده خرم‌آباد در مجلس شورای اسلامی در اینباره گفته «امروز افغانستانی‌های حاضر در ایران، درآمد کسب می‌کنند، اما مالیات پرداخت نمی‌کنند و از طرفی، در خیلی از مواقع، درآمد خود را به طلا و ارز تبدیل و از ایران خارج می‌کنند. جالب است بدانید بازار ارز هرات به واسطه همین اتفاقات شکل گرفته و جالب‌تر اینکه روند آن‌جا روی قیمت ارز در تهران تأثیرگذار است.»

حسین محمدی افزوده «سالی ۹۰ میلیون متر مکعب آب، طبق اعلام سازمان آب منتقل می‌شود که البته آمار واقعی بسیار بیشتر از این اعداد است. یزد این مقدار آب شرب نیاز ندارد و این آب برای صنعت و گلخانه‌های یزد مصرف می‌شود.»

در این میان برخی از فعالان اصلاح‌طلب و اصولگرا نیز کوشیدند با مقصر دانستن کشاورزان اصفهان، صورت مسئله را پاک کرده و موضوع را به نگاه آمیخته با دشمنی شهروندان اصفهان نسبت به شهروندان یزد کاهش دهند. با اینهمه مسئله اصلی مشخص است؛ ناکارآمدی و سوءمدیریت دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی از دولت احمدی‌نژاد تا دولت پزشکیان!

آنچه در روزهای گذشته بر شهروندان در دو استان اصفهان و یزد گذشت، با توجه به اینکه بحران آب در سراسر ایران به شدت عمیق شده و روزهای دشواری در انتظار مردم خواهد بود، هشدارها درباره احتمال بروز درگیری‌ها و جنگ‌های داخلی میان شهروندان در شهرها و روستاهایی که با تنش شدید آبی دست و پنجه نرم می‌کنند افزایش یافته است.

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی با اشاره به آنچه در نوروز در اصفهان و یزد رخ داد نوشت باید به زودی منتظر فاجعه بزرگ آبی در منطقه مرکزی و کویر ایران بود، جایی که دستکم چندین استان از جمله فارس، اصفهان، یزد، کرمان و... را بطور جدی درگیر خواهد کرد. در بخشی از این گزارش آمده مسئله این است که با وجود این که مسئولان در سال‌های اخیر برای حل بحران آب وعده‌هایی داده‌اند، این وعده‌ها به‌ندرت به مرحله اجرا رسیده‌اند و باعث تشدید تنش‌ها میان استان‌ها شده است. به گفته کارشناسان، نبود مدیریت یکپارچه و کارآمد منابع آبی، زمینه‌ساز بروز چنین مشکلاتی است.

«اقتصاد ۲۴» تأکید کرده «شاید اکنون صدای پای تنوره خشکسالی و بی آبی و تنش‌های امنیتی پیامد این بحران پس از بیش از یک دهه اخطار مداوم بالاخره در گوش مسولان کشور نیز شنیده شود.»

مقامات حکومتی تلاش دارند تغییرات اقلیمی را عامل بحران آب در ایران نشان دهند اما مدیریت ناکارآمد منابع آب و بی‌توجهی مسئولان به در نظر گرفتن راهکارهایی پایدار و کارآمد سبب تشدید بحران آب در ایران شده است.

برای مثال در دولت اصلاح طلب محمد خاتمی او تلاش داشت در برابر هم‌استانی‌های خودش کارنامه‌ای مثبت ایجاد کند و طرح غیرکارشناسی انتقال آب به استان یزد را با توسعه کارخانجات صنعتی اجرا کرد. در دولت محمود احمدی‌نژاد نیز با ادعای «توسعه کشاورزی» در بالادست زاینده‌رود زمین‌های دیم تبدیل به زمین‌های کشت آبی شدند و کاشت محصولات آبی‌بر در این زمین‌ها در دستور کار قرار گرفت. این دو اقدام اشتباه در تشدید بحران آب در اصفهان موثر بوده است.

علی ارواحی کارشناس آب و محیط زیست در گفتگو با وبسایت «خبر آنلاین» گفته حکمرانی آب در کشور مصداق سیاست وصله‌پینه‌ای است، آب را از یک حوضه به حوضه دیگر انتقال می‌دهند بدون این‌که پیوسته‌های اجتماعی و اقتصادی آن را در نظر بگیرند، اتفاقی که آن‌قدر تکرار شده تا این انتقال‌ها رنگ و بوی منافع شخصی و گروهی به خود بگیرد.

در حالی که مقامات حکومتی مدعی هستند صنایع احداث شده در استان‌هایی چون یزد سهم ناچیزی در مصرف آب دارند، علی ارواحی گفته «ممکن است گفته

شود صنایع تنها ۵ یا ۶ درصد از حقایق حوضه را مصرف می‌کنند، اما این تصویر کاملی از واقعیت نیست. استقرار صنایع بزرگ در یک منطقه، جذابیت اقتصادی و فرصت‌های اشتغال را افزایش می‌دهد. این موضوع به مهاجرت گسترده به آن منطقه منجر می‌شود. وقتی جمعیت افزایش می‌یابد، تقاضا برای آب شرب، اشتغال و منابع معیشتی نیز بالا می‌رود.»

اکنون اما بحران آب در ایران به اوج رسیده و هشدارها درباره بروز درگیری و جنگ میان شهروندان بر سر آب افزایش یافته است.

ابوالفضل ابوترابی نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ۱۷ فروردین در مصاحبه با خبرگزاری «ایلنا» گفته «جنگ، جنگ آب است؛ ما بارها سال‌های متمادی این اخطار را داده بودیم.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی توضیح داده که «دو دوره قبل، حدود هشت سال پیش که ما استعفای دسته‌جمعی نماینده‌های اصفهان را شاهد بودیم، این روزها را می‌دیدیم که خدایی نکرده با یک سری اتفاقات ناگواری مواجه شویم.»

ابوالفضل ابوترابی در ادامه گفته «تهران با یک وضعیت فوق‌العاده حاد و خطرناک مواجه است و استان‌هایی مانند فارس، سیستان و بلوچستان و دیگر مناطق نیمه شرقی کشور نیز با مشکلات مشابهی روبه‌رو هستند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی با تأکید درباره اینکه وضعیت آب در شهر مشهد نیز بحرانی است گفته وضعیت این شهر همچون تهران، اصفهان و یزد است و در آینده‌ای نزدیک ممکن است شرایط به‌مراتب «وخیم‌تر و خطرناک‌تر» شود.

ابوالفضل ابوترابی افزوده «در حالی که با محدودیت شدید منابع آبی روبه‌رو هستیم، با استفاده از تکنولوژی آب را به کوه‌های بلند منتقل می‌کنند تا باغ‌های هلو ایجاد کنند. اما باید پرسید هلو مهم‌تر است یا فرونشست اصفهان و آب آشامیدنی یزد؟ ما اولویت‌هایمان را گم کرده‌ایم.»

احد آزادی‌خواه نایب اول رئیس کمیسیون کشاورزی در مجلس شورای اسلامی نیز گفته «درگیری‌هایی که الان در فلات مرکزی و در استان‌های کویری ما اتفاق افتاده است، ناشی از کمبود آب و اختلاف بین استان‌ها بر سر آبخیز و آبخوان‌ها است که این خودش می‌تواند زمینه‌ای برای اختلافات قومی و قبیله‌ای باشد بنابراین باید هرچه سریع‌تر برای جلوگیری از چنین معضل و مسئله‌ای، «سند جامع آب» طراحی و آماده‌سازی شود.»

احد آزادی‌خواه افزوده «مشکل اصلی در کشور عدم حکمرانی جامع آب است که در مجلس باید سریع تعیین تکلیف شود. امیدواریم بتوانیم در این دوره ان‌شاءالله این کار را به یک سرانجام خوبی برسانیم که هم اصلاح‌الگوی کشت‌مان وابسته به این سند و حکم باشد و هم موضوع آب شرب و هم بحث آبخیزداری حل شود، زیرا تا این مسئله را هم درست نکنیم، مشکل آب در کشور حل نخواهد شد.»

احد آزادی‌خواه همچنان هشدار داده «اگر نتوانیم موضوع آب را در کشور درست مدیریت و تمشیت کنیم، حتماً یکی از مسائل اجتماعی آینده کشورمان همین موضوع آب خواهد بود.»

همانطور که این نماینده مجلس شورای اسلامی نیز اشاره کرده بحران آب فراگیر شده و امکان انفجار اعتراضات بر محور بی‌آبی از نقاط مختلف ایران وجود دارد. تخریب خط انتقال آب زاینده‌رود به یزد تنها نوک کوه یخ بحران آبی ایران بود که جمهوری اسلامی طی چهار دهه تباہکاری رقم زد.

جمهوری اسلامی درباره شکست پروژه افزایش جمعیت هم «دشمن» را مقصر می‌داند

● رئیس جامعه مدرسین حوزه‌های علمیه قم اعلام کرده «ضربه بزرگی از کاهش فرزندآوری خوردیم» و بدون اشاره به دلایل اصلی خودداری زوج‌ها از فرزندآوری، مدعی شده «دشمن می‌خواهد کشور قوی باشد!»

● بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران، در سال ۱۴۰۳ مجموع متقاضیان وام فرزندآوری ۹۶۱ هزار و ۴۰۴ نفر بوده که از این تعداد، حدود ۵۸۸ هزار نفر معادل ۶۱ درصد توانسته‌اند وام دریافت کرده و ۳۹ درصد در صف مانده‌اند.

● در شرایطی که وام‌های چند صد میلیارد تومانی در روندی غیرقانونی و رانتی به «خودی‌ها» پرداخت می‌شود اما صدها هزار خانواده در صف دریافت وام ناچیز فرزندآوری قرار دارند!

● تولد سالانه ۳۰ هزار نوزاد مبتلا به انواع معلولیت در ایران آمار جدید و تکاندهنده‌ای است که با اجرای «قانون جوانی جمعیت» و ایجاد محدودیت‌هایی چون ممنوعیت سقط جنین و حذف آزمایش رایگان و اجباری غربالگری جنین رخ داده است.

● سپهر کرمی پژوهشگر حوزه جمعیت و خانواده گفته مطالعات نشان می‌دهد که ۷۲ درصد از مردان ایرانی، ناامنی شغلی را اصلی‌ترین مانع برای افزایش فرزندآوری می‌دانند.

مقامات جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری به شکست برنامه‌های دولت برای افزایش جمعیت و فرزندآوری که سال‌هاست به دستور علی خامنه‌ای در دست اجراست اعتراف می‌کنند.

افزایش جمعیت و تشویق زوج‌ها به فرزندآوری سال‌هاست که در طرح‌های قانونی از جمله «قانون جوانی جمعیت» در دستور کار دولت قرار دارد. در شرایطی که در اجرای این طرح‌ها محدودیت‌هایی از جمله در سقط جنین در ایران رخ داد و قرار بود منابعی برای کمک به خانواده‌هایی که صاحب فرزند می‌شوند تعلق گیرد اما حالا زمره‌های مسئولان در اعتراف به شکست این طرح به گوش می‌رسد.

عباس عبدی رونامه‌نگار حکومتی و فعال اصلاح‌طلب گفته «هزینه‌ها و وام‌های تشویقی برای فرزندآوری اتلاف منابع است. پول ملت را بیخود خرج می‌کنید و مشکل هم حل نمی‌شود. ملت با وام که بچه نمی‌آورند، این کارها اشتباه است!» آنچه عباس عبدی به آن اشاره کرده «بی‌تفاوتی مردم ایران به خواسته‌های حکومت است؛ چه این خواسته فرزندآوری باشد و چه هر هدف ایدئولوژیک دیگری از سوی حکومت! او اما در حالی «وام‌های تشویقی» که قرار بوده بر اساس «قانون جوانی جمعیت» به خانواده‌های دارای فرزند پرداخت شود را «اتلاف منابع» خوانده که آمارها نشان می‌دهد اصلاً این وام‌ها به درستی پرداخت نمی‌شوند!

است، دشمنان نمی‌خواهند کشور قوی باشد و کشور قوی تنها با جنگ‌افزار نیست؛ بلکه با نیروی انسانی آماده به کار است که می‌توان از جنگ‌افزار بیشتر استفاده کرد، در دوران دفاع مقدس سلاح نداشتیم، اما نیروی انسانی جنگ را اداره کرد.»

برخلاف توهم «دشمن» که از سوی امام جمعه قم مطرح شده، کارشناسان معتقدند شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران ریشه اصلی خودداری از فرزندآوری از سوی زنان و مردان است.



در همین رابطه سپهر کرمی پژوهشگر حوزه جمعیت و خانواده گفته مطالعات نشان می‌دهد که ۷۲ درصد از مردان ایرانی، ناامنی شغلی را اصلی‌ترین مانع برای افزایش فرزندآوری می‌دانند.

او همچنین گفته «حدود ۶۷ درصد از زنان شاغل، استرس ناشی از تعارض نقش‌های خانوادگی و شغلی را تجربه می‌کنند، این در حالی است که نظریه اقتصاد خانواده تأکید می‌کند که تصمیم به فرزندآوری یک انتخاب مشترک است که به توازن منابع اقتصادی و زمانی زوجین وابسته است و اگر مردان در این فرآیند مشارکت نکنند، زنان به‌طور ناخواسته تحت فشار هزینه‌های روانی و فیزیکی فرزندآوری قرار می‌گیرند.»

پژوهشگر حوزه جمعیت و خانواده افزوده «بر اساس آمارهای رسمی، نرخ باروری در ایران از حدود ۶/۵ فرزند به ازای هر زن در دهه ۱۳۴۰ به کمتر از ۱/۶ فرزند در سال‌های اخیر رسیده است.»

سپهر کرمی افزوده «در شرایطی که نرخ بیکاری مردان به ویژه در گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال به حدود ۱۵ درصد رسیده و تورم بالا نیز قدرت بیان مسئله کاهش نرخ فرزندآوری در ایران طی سال‌های اخیر را به یکی از چالش‌های جدی اجتماعی و اقتصادی تبدیل کرده است؛ سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت اغلب بر زنان متمرکز است و نقش مردان به عنوان نهاد ریاست خانواده و تأمین‌کنندگان اصلی امنیت اقتصادی نادیده گرفته می‌شود.»

جمهوری اسلامی در حالی بسترهای کاهش جمعیت در ایران را فراهم کرده که کارشناسان معتقدند روند کاهشی جمعیت در ایران، به زودی کشور را در حورزه‌های مختلف اقتصادی از جمله تأمین نیروی کار دچار مشکل می‌کند.

تولد سالانه ۳۰ هزار نوزاد مبتلا به انواع معلولیت در ایران آمار جدید و تکاندهنده‌ای است که با اجرای «قانون جوانی جمعیت» و ایجاد محدودیت‌هایی چون ممنوعیت سقط جنین و حذف آزمایش رایگان و اجباری غربالگری جنین رخ داده است.

آزمایش غربالگری که در نخستین ماه‌های بارداری و طی دو مرحله با سونوگرافی تخصصی و آزمایش خون از مادر می‌تواند تعداد زیادی از بیماری‌های ژنتیک و کروموزومی جنین را نمایان کند، با اجرای «قانون جوانی جمعیت» دیگر

به صورت رایگان و اجباری در ایران انجام نمی‌شود. همچنین وزارت بهداشت اطلاع‌رسانی درباره این آزمایش و آگاه کردن والدین از اهمیت این آزمایش را متوقف کرده است. اگرچه این آزمایش با پرداخت هزینه چند میلیون تومانی در آزمایشگاه‌های خصوصی برای متقاضیان انجام می‌شود اما بسیاری از زوجها نه تنها درباره اهمیت این آزمایش اطلاعی ندارند بلکه از پس هزینه‌های هنگفت آن نیز بر نمی‌آیند. این موضوع سبب افزایش تولد نوزادان با انواع نقص‌های کروموزومی و بیماری‌های ژنتیک در ایران شده است.

سیروس زینلی رئیس انجمن بیوتکنولوژی و رئیس شبکه پزشکی مولکولی پیشتر در همین رابطه به روزنامه «هم‌میهن» گفته بود «تأثیر اصلی محدودیت غربالگری جنین، بر تولد نوزاد با سندروم داون است و موالید با سندروم داون افزایش یافت. زنان بارداری که قبلاً به توصیه متخصص زنان برای آزمایش سندروم داون اقدام می‌کردند، دیگر این کار را نمی‌کنند و شاهد افزایش تولد نوزادان با این سندروم هستیم.»

در این میان رئیس جامعه مدرسین حوزه‌های علمیه قم اعلام کرده «ضربه بزرگی از کاهش فرزندآوری خوردیم» و بدون اشاره به دلایل اصلی خودداری زوجها از فرزندآوری، مدعی شده «دشمن نمی‌خواهد کشور قوی باشد.»

هاشم حسینی بوشهری رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و امام جمعه قم با اشاره به مسئله کاهش جمعیت گفته «برخی به این معضل توجه نمی‌کنند، ما ضربه بزرگی از کاهش فرزندآوری خوردیم و امیدواریم دیگر این تفکر وجود نداشته باشد.»

امام جمعه قم افزوده «سرمایه و اقتدار کشور، جمعیت

بر اساس داده‌های بانک مرکزی ایران، در سال ۱۴۰۳ مجموع متقاضیان وام فرزندآوری ۹۶۱ هزار و ۴۰۴ نفر بوده که از این تعداد، حدود ۵۸۸ هزار نفر معادل ۶۱ درصد توانسته‌اند وام دریافت کرده و ۳۹ درصد در صف مانده‌اند.

طبق گزارش بانک مرکزی، بیشترین نسبت افراد در صف وام فرزندآوری مربوط به ۶ بانک شامل بانک مسکن، سپه، رسالت، پست بانک، رفاه و مهر ایران است.

در بانک مسکن حدود ۶۸ درصد از متقاضیان وام فرزند در صف مانده‌اند. در بانک سپه ۶۲ درصد از متقاضیان وام

در صف هستند، این میزان در بانک رسالت و پست بانک ۶۱ درصد و در بانک رفاه و مهر ایران نیز به ترتیب ۵۸ و ۵۵ درصد است!

همانطور که آمارها نشان می‌دهند، جمهوری اسلامی حتی برای اهداف ایدئولوژیک خودش هم حاضر به هزینه کردن نیست و در شرایطی که وام‌های چند صد میلیارد تومانی در روندی غیرقانونی و رانتی به «خودی»ها پرداخت می‌شود اما صدها هزار خانواده در صف دریافت وام ناچیز فرزندآوری قرار دارند!

بر اساس مصوبه دولت این وام برای فرزند اول ۴۴ میلیون تومان است و بازپرداخت آن در سه ساله و مبلغ هر قسط آن یک میلیون و ۴۵۲ هزار تومان است. رقم وام برای فرزند دوم ۸۸ میلیون تومان با بازپرداخت چهار ساله و قسط ماهانه دو میلیون و ۱۰ هزار تومان است. برای فرزند سوم ۱۳۲ میلیون تومان با بازپرداخت پنج ساله و رقم هر قسط دو میلیون و ۷۸۰ هزار تومان است.

این وام برای فرزند چهارم ۱۶۵ میلیون تومان و رای فرزند پنجم و بعد از آن، مبلغ وام به ۲۲۰ میلیون تومان است. اقساط آن نیز به ترتیب شش ساله و هفت ساله با ارقامی بالای سه و چهار میلیون تومان خواهد بود.

«قانون جوانی جمعیت» محدودیت‌هایی از جمله ممنوعیت سقط جنین در کشور، جمع‌آوری لوازم جلوگیری از بارداری که پیشتر رایگان در مراکز بهداشت توزیع می‌شد، و خروج آزمایشات مهم غربالگری جنین از زیرمجموعه خدمات بیمه‌ای را نیز در بر می‌گرفت اما باز هم سبب افزایش جمعیت در ایران نشد!

از سوی دیگر محدودیت‌های ایجاد شده سبب افزایش تولد نوزادان مبتلا به بیماری‌های ژنتیکی و معلولیت شده است!

تعرفه ۱۰۰ درصدی برای واردات اتومبیل؛ انفجار قیمت‌ها در بازار اتومبیل ایران



را حساب کنید خیلی بیشتر از اینهاست و نتیجه این زیان به تدریج در سال جدید در قیمت خودرو خود را نشان می‌دهد و بدین ترتیب سال ۱۴۰۴ یکی از وحشتناک‌ترین سال‌ها به لحاظ افزایش قیمت خودرو است.»

زمینه‌های دیگری برای افزایش قیمت اتومبیل در سال جدید نیز وجود دارد؛ مشکلاتی که در سالهای پیش انباشته و در سال گذشته به اوج رسید.

امیرحسین کاکایی در اینباره گفته «سال ۱۴۰۳ یکی از بدترین سال‌ها در صنعت خودرو بود. در سال ۱۳۷۲ که تنها چند سال از جنگ تحمیلی می‌گذشت، ما بیشترین حجم صادرات قطعات خودرو را داشتیم. الان این چه جنگی است که نمی‌توانیم صادرات کنیم؟»

او در ادامه گفته «ما در حالی در سال ۱۴۰۴ هستیم که از برنامه چشم‌انداز خیلی عقب هستیم. یکی از دلایل این عقب‌ماندگی، کمبود شدید انواع حامل‌های انرژی و آلودگی هوا و به تبع تعطیلات زیاد در کل صنعت خودرو است. کمبود برق و گاز و قطعی ناشی از آن طبق برآورد من، در سال ۱۴۰۳، یک و نیم برابر سال ۱۴۰۲ بود. اتفاق مهم دیگر در سال گذشته تغییر سبد یا پورتفولیوی محصول بود؛ یعنی تولید در ایران خودرو و سایپا و خودروهای عمومی و اقتصادی، کم و تولید خودروهای گران‌قیمت‌تر که عمدتاً مونتاژی است، زیاد شد؛ بنابراین از این طریق تولید خودرو کاهش نیافت.»

او همچنین به تأخیر در پرداخت طلب اتومبیل‌سازی‌ها اشاره کرده و گفته «فرض کنید خودروساز باید طلبی یک میلیارد تومانی را در شهریورماه دریافت کند در حالی که دلار ۴۲ هزار تومان است. این یک میلیارد تومان به جای شهریور، در پایان اسفندماه که دلار عملیاتی بالای ۸۰ هزار تومان است، پرداخت می‌شود. این خودروساز که به دلیل نصف شدن درآمدش، زیان کرده این زیان را به گونه‌ای در قیمت محصولاتش جبران خواهد کرد.»

در احکام مالیاتی بودجه سال ۱۴۰۴ دولت موظف است که مکانیزم مناسبی را برای ثبت درخواست متقاضیان، تشخیص منشأ ارز خارجی و تأیید آن و همچنین نحوه تأمین ارز برای واردات قطعات اتومبیل تدوین کند. این فرآیند با همکاری سازمان برنامه و بودجه، وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

در چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد هدفی که از آزاد ساختن واردات اتومبیل مد نظر بود، از جمله کاهش قیمت‌ها و افزایش کیفیت اتومبیل‌های ساخت داخل تحقق پیدا کند؛ بلکه اتومبیل‌های گران‌قیمت وارداتی نیز می‌تواند به عنوان محرکی برای افزایش قیمت محصولات داخلی تبدیل شود.

در آنسو اما صنعت اتومبیل‌سازی داخلی نیز با مشکلاتی از جمله بحران کمبود انرژی، افزایش نرخ ارز و بحران در تأمین مواد اولیه و افزایش هزینه تولید روبرو خواهد شد. در چنین شرایطی این صنعت به تنهایی نیز آماده افزایش قیمت محصولات است.

در همین رابطه امیرحسین کاکایی کارشناس بازار اتومبیل معتقد است که جهش قیمت اتومبیل در سال ۱۴۰۴ قطعی است.

این کارشناس توضیح داده که سال ۱۴۰۴ یکی از وحشتناک‌ترین سال‌ها به لحاظ جهش قیمت اتومبیل است. او گفته «هر چند قیمت رسمی خودروهای ایران خودرو در سال گذشته به دلیل قیمت‌گذاری دستوری تنها ۱۸ تا ۳۰ درصد گران شد؛ اما قیمت خودرو در بازار آزاد تقریباً معادل افزایش قیمت دلار در بازار آزاد بالا رفت. به همین دلیل، با وجود اینکه قیمت خودرو در بازار گران شده؛ اما ایران خودرو و سایپا و قطعه‌سازان زیان کردند.»

امیرحسین کاکایی گفته «طبق برآورد من، زیان ایران خودرو و سایپا امسال به ۴۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد؛ ۴۰ همتی که فعلاً روی کاغذ است و اگر معادل دلار آن

● بر اساس قوانین تصویب‌شده برای سال ۱۴۰۴، دو عامل کلیدی تأثیر مستقیم بر قیمت اتومبیل‌های وارداتی خواهند داشت: افزایش ۱۰۰ درصدی حقوق ورودی و تغییر نرخ ارز مبنای محاسبه تعرفه‌های گمرکی.

● طبق قوانین جدید قیمت اتومبیل‌های برقی در سال جدید تا ۱۰۸ درصد و اتومبیل‌های هیبریدی تا ۹۹ درصد افزایش خواهد یافت.

● در چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد هدفی که از آزاد ساختن واردات اتومبیل مد نظر بود، از جمله کاهش قیمت‌ها و افزایش کیفیت اتومبیل‌های ساخت داخل تحقق پیدا کند.

● امیرحسین کاکایی کارشناس بازار اتومبیل معتقد است که سال ۱۴۰۴ یکی از وحشتناک‌ترین سال‌ها از نظر افزایش قیمت اتومبیل در بازار داخلی است.

در حالی که پس از سال‌ها ممنوعیت واردات اتومبیل، در دولت رئیسی واردات اتومبیل با هدف ایجاد رقابت و کاهش قیمت‌ها در بازار آزاد شد اما اکنون دولت پزشکیان تعرفه همه اتومبیل‌های وارداتی را صد درصد تعیین کرده است. بسیاری از کارشناسان امیدوار بودند با واردات اتومبیل نو و دست‌دوم به کشور نه تنها بازار اتومبیل ایران رونق پیدا کند بلکه شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی نیز در رقابت با ماشین‌های وارداتی نه تنها از افزایش بی‌رویه قیمت محصولات خود خودداری کنند بلکه کیفیت محصولات را نیز افزایش بدهند.

اکنون اما دولت مسعود پزشکیان قوانینی برای واردات اتومبیل در نظر گرفته که قیمت‌ها این اتومبیل‌ها را در بازار داخلی افزایش خواهد داد.

بر اساس قوانین تصویب‌شده برای سال ۱۴۰۴، دو عامل کلیدی تأثیر مستقیم بر قیمت اتومبیل‌های وارداتی خواهند داشت: افزایش ۱۰۰ درصدی حقوق ورودی و تغییر نرخ ارز مبنای محاسبه تعرفه‌های گمرکی.

طبق احکام مالیاتی بودجه سال ۱۴۰۴، بانک مرکزی موظف است حداقل دو میلیارد یورو را جهت واردات اتومبیل‌های نو و کارکرده (کارکرده با حداکثر سال ساخت پنج سال) اختصاص دهد. تعرفه ورودی این اتومبیل‌ها ۱۰۰ درصد تعیین شده و ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز با شرایط خاصی مجاز به واردات اتومبیل هستند.

بر این اساس در سال جدید تمام اتومبیل‌های وارداتی، از جمله اتومبیل‌های برقی، هیبریدی و بنزینی با حجم موتور تا ۲/۵ لیتر، مشمول تعرفه ۱۰۰ درصدی خواهند شد. این تغییر موجب افزایش چشمگیر قیمت اتومبیل‌های کم‌مصرف و پاک شده است. به عنوان مثال، قیمت اتومبیل‌های برقی تا ۱۰۸ درصد و اتومبیل‌های هیبریدی تا ۹۹ درصد افزایش خواهد یافت.

اتومبیل‌های بنزینی با موتور ۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰ سی‌سی با افزایش ۷۰ درصدی قیمت روبرو می‌شوند. مدل‌های مجهز به موتور ۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰ سی‌سی نیز با ترکیب افزایش تعرفه و تغییر نرخ ارز، تا ۴۹ درصد گران‌تر خواهند شد.

همچنین اتومبیل‌های دارای موتور ۲۰۰۱ تا ۲۵۰۰ سی‌سی، با وجود کاهش حقوق ورودی از ۱۳۵ درصد به ۱۰۰ درصد، همچنان با افزایش قیمت ۳۲ درصدی مواجه خواهند شد!

هشدار درباره فروپاشی اقتصادی ایران؛ سران قوا در توهم «وفاق» برای سرمایه‌گذاری!



درصدی دیده شده، اما در سال اول اجرای برنامه، نشانه‌های محسوسی از تحقق این هدف مشاهده نمی‌شود.

او همچنین گفته بود که «با وجود تأکید برنامه هفتم بر تقویت بخش خصوصی، هنوز نشانه‌های محکمی از حمایت عملی از این بخش دیده نمی‌شود. بخش خصوصی واقعی باید تقویت شود تا بتواند در افزایش تولید ناخالص ملی (GNP) نقش مؤثری ایفا کند.» اکنون در حالی رهبر جمهوری اسلامی سال جدید خورشیدی را سال «سرمایه‌گذاری برای تولید» نامیده که مقامات مختلف با اظهاراتی شعاری و اقداماتی نمایی به دنبال برجسته کردن این شعار هستند.

در چنین شرایطی خبرگزاری دولتی «ایرنا» از «وفاق قوا» و پیگیری «سرمایه‌گذاری برای تولید» توسط سران سه قوه جمهوری اسلامی خبر داده است. این خبرگزاری نوشته «در سال جدید هم که راهبرد و شعار سال از سوی رهبر معظم انقلاب تعیین شده است، این نشست و برخاست سران قوا که‌ماکان با آهنگ وحدت و وفاق استمرار خواهد داشت تا نتایج مطلوب در راستای بهبود معیشت مردم حاصل شود.»

خبرگزاری حکومتی «ایرنا» مدعی شده «وحدت و وفاق بین قوا برای پیگیری و اجرایی شدن شعار سال» مهم است و نوشته که نورالدین آملی مشاور مسعود پزشکیان در امور احزاب و تشکل‌ها نیز بر ضرورت ایفای نقش از سوی تشکل‌ها در این زمینه تأکید کرده و «سرمایه‌گذاری برای تولید» را پیامی روشن برای تمامی ارکان حاکمیت، فعالان اقتصادی و اجتماعی، و نهادهای مدنی می‌داند که به اعتقاد او تحقق این شعار با همکاری و هم‌افزایی همه اجزای کشور امکان‌پذیر خواهد بود.

«سال حمایت از کالای ایرانی»، «جوش تولید»، «تولید، دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» و «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» از دیگر عناوینی هستند که طی سالهای گذشته توسط علی‌خامنه‌ای برای شعار سال انتخاب و این نامگذاری نتیجه معکوس داشته بطوریکه تولید و اشتغال و توسعه اقتصادی را با بحران‌های پیچیده‌تری روبرو شده است.

ساختاری اقتصاد ایران وجود ندارد.» گفته این اقتصاددان «سیاست‌های کنترلی داخلی می‌توانند در کوتاه‌مدت برخی بحران‌ها را مدیریت کنند، اما در بلندمدت، بدون اصلاح روابط اقتصادی بین‌المللی، اقتصاد ایران همچنان در یک چرخه رکود و بحران باقی خواهد ماند.»

این نظریه‌پرداز تأکید می‌کند «هیچ نسخه تدریجی نمی‌تواند راه‌حل بحران اقتصادی ایران باشد» و «اقتصاد ایران به مرحله‌ای از عدم تعادل رسیده است که دیگر سیاست‌های اقتصادی متداول قادر به اصلاح آن نیستند.»

این سخنان در حالی مطرح شده که علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی سال ۱۴۰۴ را سال «سرمایه‌گذاری برای تولید» نامگذاری کرده است. رهبر جمهوری اسلامی بهمن‌ماه سال گذشته نیز گفته بود «مستولان نگویند رشد ۸ درصد اقتصاد نمی‌شود و به فلان قدر سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارد که معلوم است تحقق نمی‌یابد.»

رشد اقتصادی هشت درصدی از جمله هدف‌گذاری‌های جمهوری اسلامی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اخیر بوده که همچنان عملی نشده است. رهبر جمهوری اسلامی در حالی در توهم جذب سرمایه‌گذاری، ولو از سوی مردم در درون ایران، و رسیدن به رشد اقتصادی است که به عقیده کارشناسان اقتصاد ایران به شدت نیازمند جذب سرمایه‌گذاری گسترده خارجی است و رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی نیز بدون جذب سرمایه‌گذاری خارجی میسر نخواهد شد.

محمد ربیع‌زاده، اقتصاددان و از مدیران بانکی ابتدای فروردین امسال در گفتگو با خبرگزاری «مهر» تأکید کرده بود که رشد ۸ درصدی اقتصاد ایران که نیازمند تأمین ۲۰۰ میلیارد دلار سالانه، بهبود بهره‌وری و تقویت بخش خصوصی، بدون سرمایه‌گذاری خارجی با مشکل جدی روبرو خواهد شد.

محمد ربیع‌زاده تأکید کرده بود که «رشد اقتصادی بدون جذب سرمایه‌گذاری خارجی دشوار است. در برنامه هفتم، سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از عوامل اصلی رشد ۸

● قیمت ارز و طلا در سال گذشته به شدت افزایش یافت بطوری که طی یک سال قیمت نیم‌سکه طلا با افزایش ۱۵۹ درصدی روبرو شد. قیمت هر دلار آمریکا نیز بیش از صد درصد افزایش یافت.

● پارسال بحران کمبود انرژی و جیره‌بندی برق و گاز، بحران تأمین نقدینگی و بسته بودن مسیر تجارت خارجی به علت تحریم‌ها و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف از جمله مشکلات واحدهای صنعتی و تولیدی بود.

یک اقتصاددان و نظریه‌پرداز اقتصادی هشدار داده که در صورت افزایش مداوم قیمت‌ها و تشدید بی‌ثباتی اقتصادی در سال جدید، اگر دولت نتواند ارتباط معقولی با جهان خارج برقرار کند اقتصاد ایران در مسیر فروپاشی قرار می‌گیرد.

سال ۱۴۰۳ سالی بیش از پیش دشوار برای اقتصاد ایران بود و طی آن رکوردهای جدید قیمتی در بازارهای مختلف و رکود تومری کم‌سابقه‌ای ثبت شد.

قیمت ارز و طلا در سال گذشته به شدت افزایش یافت بطوری که طی یک سال قیمت نیم‌سکه طلا با افزایش ۱۵۹ درصدی روبرو شد. قیمت هر دلار آمریکا نیز بیش از صد درصد افزایش یافت.

در آنسو اما بحران‌ها و مشکلات مزمن در ساختار اقتصاد ایران نیز بر فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی موثر بود؛ از جمله بحران کمبود انرژی و جیره‌بندی برق و گاز، بحران تأمین نقدینگی و بسته بودن مسیر تجارت خارجی به علت تحریم‌ها و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف. کارشناسان معتقدند تداوم شرایط فعلی می‌تواند اقتصاد ایران را در سال ۱۴۰۴ با مشکلاتی جدی‌تر روبرو کند.

در همین رابطه مرتضی ایمانی‌راد تحلیلگر و نظریه‌پرداز اقتصادی در گفتگو با وبسایت «تجارت‌نیوز» توضیح داده که «اگر در سال ۱۴۰۴، افزایش مداوم و فزاینده قیمت‌ها رخ دهد، مشابه آنچه در ونزوئلا یا در کورئیه‌ای که دچار جنگ شده‌اند، می‌توان این فرض را مطرح کرد که اقتصاد ایران در مسیر فروپاشی قرار خواهد گرفت.»

این نظریه‌پرداز اقتصادی با تأکید بر اینکه «تا کنون، هیچ شاخص مشخص و تعریف پذیرفته‌شده‌ای از «فروپاشی اقتصادی» در اقتصاد ایران ارائه نشده» گفته «اگر دولت نتواند ارتباط معقولی با جهان خارج برقرار کند در سال جدید، اقتصاد ایران در مسیر بی‌ثباتی شدید قرار خواهد گرفت و آنوقت است که می‌توان گفت که اقتصاد ایران در مسیر فروپاشی است.»

مرتضی ایمانی‌راد در بخش دیگری از سخنانش گفته «ایران در سال‌های گذشته دچار رخوت، ایستایی و عدم پویایی در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی شده است. این رکود نه‌تنها در سطح تصمیم‌گیری‌های دولتی، بلکه در میان بسیاری از فعالان اقتصادی و نظریه‌پردازان این حوزه نیز مشاهده می‌شود. در واقع، نظریات اقتصادی زمانی می‌توانند اثرگذار باشند که انعطاف‌پذیری لازم را برای تطبیق با شرایط متغیر داشته باشند، اما در حال حاضر چنین پویایی در سیاست‌گذاری و تفکر اقتصادی ایران به چشم نمی‌خورد.»

او همچنین تأکید کرده «بدون ایجاد یک تعامل سازنده و مؤثر با اقتصاد جهانی، امکان رشد پایدار و حل چالش‌های

روزهای سخت‌تر اقتصاد ایران در پیش است؛ توافق احتمالی فقط یک مُسکن است

اقتصادی امیدوار بود.

در آنسو اما سرنوشت قیمت دلار هم به مسائل سیاسی از جمله مذاکره جمهوری اسلامی با ترامپ و نتیجه آن گره خورده است.

در همین رابطه کامران ندی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی معتقد است که «تقابل و تنش که بین ما و غرب و نه فقط ایالات متحده وجود دارد، در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورمان بازتاب دارد بطوری که سیاستمداران ایران با گفتن یک جمله که «ما مذاکرات مستقیم را می‌پذیریم» می‌توانند بازار ارز را تحت تاثیر بسزایی قرار دهند.»

اصغر سمیعی کارشناس مسائل ارز هم به بحران‌های ساختاری در اقتصاد کشور اشاره کرده و گفته «اصولا دلیل اصلی بالا رفتن قیمت ارز همان کاهش ارزش پول ملی است، که آن هم به ایجاد نائزگی‌ها و به وجود آمدن کسری بودجه بازمی‌گردد که در پی آن، رشد نامتعادل حجم نقدینگی و در اثر آن تورم بالا ایجاد خواهد شد؛ بنابراین هر چند کاهش حجم نقدینگی و نرخ تورم ممکن است بر تقاضای واقعی برای ارز اثر چندانی نداشته باشد ولی در صورت استمرار سیاست کنترل حجم نقدینگی و نرخ تورم، قطعا از انتظارات تورمی که دلیل هجوم مردم عادی، به بازار ارز و اسیر کردن ارزهای خارجی در دست مردم خواهد کاست. ضمن اینکه در اثر افزایش حجم نقدینگی و نرخ تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و افزایش نرخ ارز هم طبیعی خواهد بود.»

اصغر سمیعی افزوده «در آغاز سال ۱۴۰۳، وقتی قیمت دلار عدد ۶۰ هزار تومان را دید به معنای این بود که از اسفند ماه سال ۵۶ تا آن زمان، ۱۳ بار قیمت ارز دو برابر شده است. یعنی اتفاقی که ظرف ۴۶ سال ۱۳ بار رخ داده، بطور متوسط هر سه سال و نیم یکبار ارزش پول ملی نصف شده است. همان زمان بنده عنوان کردم که اگر روند مدیریت اقتصاد کشور تغییر جدی و پایه‌ای نکند، مسلمانا برای بار چهاردهم هم این اتفاق تکرار می‌شود. بدین معنا که دلار ۱۱۴ هزار تومانی هم در راه است و این پایان کار هم نخواهد بود. به هر حال به علت وجود اشکالات، ارزش پول ما تضعیف شده است.»

برخلاف برخی تحلیلگران که مذاکره و توافق با ایالت متحده را کارگشای بحران‌های عمیق اقتصادی ارزیابی می‌کنند، اصغر سمیعی گفته «باورم بر این است که هر نوع توافق احتمالی می‌تواند، توانایی‌های مالی بانک مرکزی را افزایش دهد، ولی آمدن مقداری پول به خزانه کشور نمی‌تواند بر واقعیت‌های اقتصادی اثر جدی بگذارد. درواقع مشکل اصلی اقتصاد کشور نه با مذاکره و نه حتی با توافق احتمالی رفع نمی‌شود. ممکن است توافقات، آزاد شدن پول‌های بلوکه شده و آزادی فروش نفت بتواند بطور موقت و مانند یک مُسکن بر روی اقتصاد کشور اثر بگذارد ولی درمان اصلی نیست.»

این تحلیلگر اقتصادی افزوده «در شرایط فعلی در اثر سیاست‌های غلط اقتصادی، ارزش پول ملی بطور چشمگیری کاهش یافته و تا زمانی که نرخ تورم در کشور بطور جدی با نرخ‌های تورم در کشورهای حوزه دلار تفاوت داشته باشد، تغییری در روند ارز حاصل نمی‌شود؛ یعنی کاهش ارزش پول ملی بطور ذاتی و واقعی ادامه پیدا می‌کند، حتی اگر همه پول‌های بلوکه شده ایران هم آزاد شود.»



حسین عادل نسبت به آن هشدار داده و گفته «در این فضا فشارهای تحریمی که منجر به کاهش صادرات نفت می‌شود، قطعا چالش بزرگی ایجاد خواهد کرد. خلاصه کلام این‌که، قبلا سهم اوراق از بودجه چیزی در حدود سیزده درصد بود اما حالا این رقم به ۳۲ درصد رسیده است. این یعنی معیشت مردم به خطر می‌افتد. تامین معیشت مردم در این نیست که پنهانی گندم و روغن و کنجاله وارد کنیم. تامین معیشت یعنی بتوانیم ثبات قیمت در کشور به وجود بیاوریم تا مردم بتوانند با درآمدی که دارند آذوقه لازم را بخرند.»

رئیس پیشین بانک مرکزی جمهوری اسلامی همچنین تأکید بر اینکه حکومت باید از فرصت‌های کنونی بهره گیرد و مهمترین اولویت خود را بر کاهش تحریم یا کاهش تأثیرات تحریم متمرکز کند، گفته «تحریم تنها در سال ۱۴۰۲ برای هر خانوار ایرانی هزینه‌ای حدود ۱۸ میلیون تومان در ماه در برداشته است.»

او همچنین تأکید کرده که «به نظر می‌رسد مهمترین چالش اقتصادی سال ۱۴۰۴ چالش سیاست خارجی باشد. ما باید بتوانیم مدیریت مناسبی داشته باشیم تا فشار تحریمی را به حداقل کاهش دهیم و از مشکلات عبور کنیم.»

تشدید بحران‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۴ از نخستین‌روزهای سال با افزایش قابل توجه قیمت دلار نمایان شده است. در شرایطی که بانک مرکزی تلاش کرده بود سال ۱۴۰۳ را با دلار کمتر از ۱۰۰ هزار تومان به پایان برساند اما از ابتدای سال جدید و با وجود چند روز تعطیلات نوروزی، قیمت دلار بالای ۱۰۰ هزار تومان تثبیت شده است.

قیمت طلا و سکه نیز پا به پای قیمت‌ها در بازار ارز با افزایش قیمت روبرو شده است. بسیاری از تحلیلگران قیمت دلار در بازار ایران را «نپض اقتصاد کشور» ارزیابی و معتقدند با توجه به واردات‌محور بودن تولید در ایران، تا قیمت دلار کاهش پیدا نکند نمی‌توان بهبود شاخص‌های

● محمد حسین عادل رئیس پیشین بانک مرکزی جمهوری اسلامی از عدم تحقق بخش‌های درآمدی لایحه بودجه امسال خبر داده و گفته پیش‌بینی فروش نفت در لایحه بودجه امسال به نوعی بیان آرزوهاست نه واقعیات. از ابتدای سال جدید و با وجود چند روز تعطیلات نوروزی، قیمت دلار بالای ۱۰۰ هزار تومان تثبیت شده است. قیمت طلا و سکه نیز پا به پای قیمت‌ها در بازار ارز با افزایش قیمت روبرو شده است.

● اصغر سمیعی کارشناس اقتصادی: هر نوع توافق احتمالی می‌تواند، توانایی‌های مالی بانک مرکزی را افزایش دهد، ولی آمدن مقداری پول به خزانه کشور نمی‌تواند بر واقعیت‌های اقتصادی اثر جدی بگذارد.

● اصغر سمیعی معتقد است مشکل اصلی اقتصاد کشور نه با مذاکره و نه حتی با توافق احتمالی رفع نمی‌شود. ممکن است توافقات، آزاد شدن پول‌های بلوکه شده و آزادی فروش نفت بتواند بطور موقت و مانند یک مُسکن بر روی اقتصاد کشور اثر بگذارد ولی درمان اصلی نیست.

در شرایطی که کارشناسان اقتصادی معتقدند در صورت عدم توافق جمهوری اسلامی با ایالات متحده تورم و قیمت ارز با افزایش قابل توجهی در سال جدید روبرو می‌شوند، یک دیپلمات و مدیر بانکی پیشین در جمهوری اسلامی هشدار داده که برای روزهای سخت‌تر اقتصاد آماده شد.

محمد حسین عادل دیپلمات و رئیس پیشین بانک مرکزی جمهوری اسلامی با اشاره به اینکه باید برای روزهای سخت‌تر اقتصاد آماده شد، گفته بخش منابع درآمدی لایحه بودجه امسال با کسری روبرو خواهد شد.

او درباره تقسیم‌بندی درآمدهای لایحه بودجه ۱۴۰۴ گفته «اگر نگاهی اجمالی به بودجه‌ی سال آینده بیندازیم، می‌بینیم حدود ۴۹ تا ۵۰ درصد درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه درآمدهای مالیاتی است. ۱۹ درصد از مجموعی درآمدها نیز درآمد نفت است و بقیه‌ی منابع درآمدی که ۳۲ درصد است از اوراق تامین می‌شود. معنی اوراق هم این است که چون پول کم می‌آوریم باید اوراق چاپ کنیم.» محمد حسین عادل در ادامه گفته «با توجه به وضعیت کسب و کار و سرمایه‌گذاری، اگر در بهترین حالت هفتاد تا هشتاد درصد این درآمد مالیاتی تحقق یابد باز هم بیست درصد کل بودجه تحقق پیدا نخواهد کرد. این عدم تحقق بیست درصدی اضافه می‌شود به سی درصد کسری که قرار است با اوراق محقق شود. البته درباره‌ی تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده در خصوص نفت هم اما و اگر وجود دارد. به نظر می‌رسد پیش‌بینی فروش نفت به نوعی بیان آرزوهاست نه واقعیات.»

او افزوده «پیش‌بینی صادرات یک میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه نفت بدان معناست که باید روزانه بیش از سه میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه نفت تولید کنیم چرا که مصرف داخلی ایران چیزی در حدود دو میلیون بشکه نفت در روز است. هر چند از میزان تولید نفت اطلاع کافی ندارم اما بعید می‌دانم تولید نفت ما به رقم پیش‌بینی شده‌ی سه میلیون و ۷۵۰ هزار بشکه‌ای برسد.»

تحقق نیافتن درآمدهای بودجه به معنی ایجاد کسری بودجه و در نتیجه افزایش تورم است. موضوعی که محمد

بحران جدی کمبود برق در سال جدید؛ احتمال قطع گسترده خطوط مخابرات و اینترنت در تابستان



کشاورزی خسارت‌های سنگینی وارد کرده که به گفته یکی از اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی امسال احتمال در پی کمبود برق، قطع گسترده خطوط مخابراتی و اینترنتی در تابستان وجود دارد.

فرهاد شهرکی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی گفته «باتری‌های دکل‌های مخابراتی به دلیل قطعی‌های مکرر برق به شدت آسیب دیده‌اند و اگر تا پیش از آغاز تابستان تعویض نشوند، قطع گسترده اینترنت و خطوط تلفن همراه در مناطق مختلف کشور دور از انتظار نخواهد بود.»

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی توضیح داده که «شد بالای مصرف انرژی و عدم توسعه متناسب اکتشافات و مخازن، دو عامل اصلی ناترازی هستند.»

فرهاد شهرکی افزوده «در حوزه حکمرانی آب و انرژی، ترکیبی از تحریم‌ها، مدیریت ضعیف و کمبود صرفه‌جویی، وضعیت بسیار پیچیده و بغرنجی را ایجاد کرده است. برای حل این مشکل، باید برنامه‌ریزی دقیقی برای صرفه‌جویی و استفاده از پتانسیل‌های داخلی انجام شود؛ اما حجم مشکلات انباشته به گونه‌ای است که حل آن‌ها در کوتاه‌مدت، امری غیرممکن به نظر می‌رسد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی همچنین گفته «رشد بالای مصرف انرژی و عدم توسعه متناسب اکتشافات و مخازن، دو عامل اصلی ناترازی هستند. اما عدم برنامه‌ریزی صحیح در حوزه انرژی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ نقش مهمتری در ایجاد این ناترازی داشته است. جبران این کمبود در کوتاه‌مدت هم امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین تنها راه حل، بهینه‌سازی مصرف انرژی است.»

«بهینه‌سازی مصرف انرژی» در سال‌های گذشته به معنای جیره‌بندی و قطع برق و گاز و آب بر روی شهروندان بوده تا با کاهش تحمیل‌شده مصرف، کمبود تولید تا حدودی مدیریت شود!

احتمالا باید برای جبران بخشی از کمبود کشاورزی و تأمین آب آشامیدنی استفاده شود.

سخنگوی صنعت برق همچنین در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه «۳۰ درصد از نیروگاه‌ها دارای عمر بالایی هستند و نیاز به تعمیرات دارند» گفت: «بخشی از تعمیرات نیروگاه‌ها که در سال گذشته به دلیل محدودیت در سوخت موقول به سال جاری شد که باید حتما تعمیرات اساسی شوند.»

مصطفی رجبی مشهدی با بیان اینکه رشد مصرف برق کشور در این دوره از سال بیش از ۶ درصد است، خواستار صرفه‌جویی در مصرف برق از سوی شهروندان شد: «از همه هموطنان تقاضا داریم که در مصرف برق مدیریت داشته باشند، همچنین مشتریان مناطق گرمسیر لازم است کولرها را روی ۲۵ درجه تنظیم کنند.»

او همچنین گفته «برای استفاده از ظرفیت نیروگاه اتمی در تیرماه و مرداد ماه و همچنین انجام عملیات تعویض سوخت، این نیروگاه از مدار خارج شده و این موضوع منجر به کاهش تولید برق در روزهای حساس پیش‌رو شده است.»

جیره‌بندی برق خانگی از فروردین‌ماه نشان می‌دهد بخش صنعت و کشاورزی نیز با جیره‌بندی برق روبرو خواهد شد. عباس علی‌آبادی وزیر نیرو نیز پیشتر اعلام کرده بود که «ناترازی برق از ۲۰ هزار مگاوات عبور می‌کند». این رقم پیش از کاهش شدید بارندگی‌ها و خالی ماندن سدها بوده است.

البته وزیر نیرو دولت پزشکیان بهمین‌ماه امسال هم گفته بود که «من انتظار دارم تابستان سال آینده مردم دیگر شاهد بی‌برقی نباشند». این در حالیست که وزارت نیرو هنوز به پایان فروردین نرسیده جدول خاموشی‌ها را منتشر کرده است!

سال‌ها تداوم کمبود برق نه تنها به بخش صنعت و

● جیره‌بندی برق در فروردین‌ماه با توجه به اینکه مصرف برق در پایین‌ترین سطح قرار دارد، نشان‌دهنده بحران عمیق کمبود انرژی در سال ۱۴۰۴ است.

● سخنگوی صنعت برق گفته «در سال جدید به دلیل خشکسالی امکان استفاده حداکثری از نیروگاه‌های برق‌آبی را نداریم و نسبت به سال گذشته فقط از یک سوم ظرفیت نیروگاه‌های برق‌آبی می‌توانیم استفاده کنیم.»

● سخنگوی صنعت برق با اشاره به اینکه «۳۰ درصد از نیروگاه‌ها دارای عمر بالایی هستند و نیاز به تعمیرات دارند» گفته «بخشی از تعمیرات نیروگاه‌ها که در سال گذشته به دلیل محدودیت در سوخت موقول به سال جاری شد که باید حتما تعمیرات اساسی شوند.»

● به گفته یکی از اعضای کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، امسال احتمال در پی کمبود برق، قطع گسترده خطوط مخابرات و اینترنت در تابستان وجود خواهد داشت.

ساعاتی پس از انتشار جدول جیره‌بندی برق از سوی وزارت نیرو، سخنگوی صنعت برق از کاهش یک سوم ظرفیت تولید نیروگاه‌های برق‌آبی نسبت به سال گذشته خبر داده و یک نماینده مجلس هشدار داده احتمال قطع گسترده خطوط مخابرات و اینترنت در تابستان وجود خواهد داشت.

وزارت نیرو صبح روز دوشنبه ۱۸ فروردین‌ماه ۱۴۰۳ جدول جیره‌بندی برق در نقاط مختلف کشور را منتشر کرد. بر این اساس هر روز در بازه زمانی ۸:۳۰ صبح تا ۲۳:۳۰ و به مدت دست‌کم یک ساعت و نیم برق مناطق خانگی در مناطق مختلف قطع خواهد شد.

جیره‌بندی برق در فروردین‌ماه با توجه به اینکه مصرف برق در پایین‌ترین سطح قرار دارد، نشان‌دهنده بحران عمیق کمبود انرژی در سال ۱۴۰۴ است.

پیشتر کارشناسان هشدار داده بودند به علت کوتاهی دولت در افزایش تولید، سال جدید خورشیدی بحران کمبود انرژی گسترده‌تر از سال گذشته خواهد بود.

وزارت نیرو در حالی جداول قطع برق را منتشر کرده که گزارش‌ها از آغاز روند قطع برق در برخی شهرها از روزهای گذشته حکایت دارد.

مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق علت قطع برق روزهای گذشته را تعمیر نیروگاه‌های حرارتی اعلام کرد اما همزمان از کاهش تولید برق در سال جاری توسط نیروگاه‌های آبی خبر داد.

سخنگوی صنعت برق گفت «در سال جدید به دلیل خشکسالی امکان استفاده حداکثری از نیروگاه‌های برق‌آبی را نداریم و نسبت به سال گذشته فقط از یک سوم ظرفیت نیروگاه‌های برق‌آبی می‌توانیم استفاده کنیم.»

این جملات به معنای تشدید بحران کمبود برق در ماه‌های پیش‌رو است چرا که از نیمه بهار میزان بارندگی‌ها در اکثر نقاط کشور به شدت کاهش یافته و از سوی دیگر به دلیل مدیریت نامناسب آب‌های سطحی و زیرزمینی، کشور دچار کم‌آبی است و آب ذخیره شده در پشت سدها

جان باختن ۸۳۸ نفر در تصادفات نروزی؛ نقش کلیدی کیفیت پایین اتومبیل‌ها



خود اختصاص می‌دهد.»

عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی افزوده «تولیدکنندگان در حوزه کیفی‌سازی اقدامات خوبی انجام نداده‌اند و این موضوع علی‌رغم این رخ می‌دهد که نمایندگان سالیانه خواهان افزایش کیفیت خودروها هستند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «واردات خودرو می‌تواند کمک شایانی به کاهش تلفات کند، زیرا ایمنی خودروهای خارجی بالاتر بوده و از استاندارد بهتری برخوردار هستند. متأسفانه دولت‌ها نیز از ظرفیت قانونی ایجاد شده برای واردات خودرو نیز بهره خوبی نبرده‌اند.»

نبود «گاردریل»، پیچ‌های خطرناک و غیراستاندارد بدون علائم هشدار، بستن مسیرها و ایجاد مسیرهای فرعی بدون علامت‌گذاری شاخص در جاده‌های پرتدد و نقاط حادثه‌خیز ترمیم‌نشده و حتی کیفیت بد آسفالت جاده‌ها و وجود چاله در جاده‌ها نیز از مشکلاتی است که در افزایش تصادفات نقش دارند.

امسال اما خاموشی بزرگراه‌ها و معابر به علت بحران کمبود برق مزید بر علت شده و سبب بروز تصادفات به علت دید محدود رانندگان شده است.

این موضوع پیشتر از سوی سرهنگ مصطفی زینی وند رئیس اداره تصادفات و مهندسی ترافیک پلیس راهور پایتخت مورد تأکید قرار گرفته بود. او گفته بود که «تاریکی معابر و خاموشی چراغ‌های راهنمایی باعث کاهش ایمنی و بروز تصادفات می‌شود.»

به گفته رئیس اداره تصادفات و مهندسی ترافیک پلیس راهور پایتخت «۵۸ درصد تصادفات در معابر تاریک رخ می‌دهد و بر لزوم تأمین برق اضطراری برای تقاطع‌ها تأکید کرد تا این مشکل کاهش یابد. همچنین ۶۱ درصد از تصادفات منجر به مرگ در پایتخت در بزرگراه‌ها اتفاق می‌افتد.»

نرفتند و بخشی دیگر که سال‌های پیش با قطار یا هواپیما مسافرت می‌کردند ناچار شدند امسال با اتومبیل شخصی و به صورت جاده‌ای مسافرت کنند تا هزینه سفر را کاهش دهند. مقامات وزارت نفت اعلام کرده‌اند در ۲۰ روز سفرهای نروزی و در فاصله ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱۴ فروردین ۱۴۰۴، در مجموع ۲ میلیارد و ۶۹۷ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر بنزین در ایران مصرف شد که این حجم مصرف بنزین در تعطیلات نروزی یک سال بی‌سابقه بوده است. پیشتر در روز ۲۹ اسفندماه ۱۴۰۳ مصرف روزانه بنزین در ایران هم به رقم اعجاب‌انگیز ۱۶۴ میلیون و ۴۰۰ هزار لیتر رسید و رکورد زد. این آمار نیز نشان از افزایش مسافرت‌های نروزی با اتومبیل شخصی به علت کاهش قدرت خرید خانوار دارد. اگرچه آمار کشته‌شدگان مسافرت‌های نروزی امسال کمی کمتر از آمار ۱۰۸۹ جانب‌خسته‌ی سال گذشته است اما علت این کاهش جزئی، کاهش تعداد مسافران نروزی بوده است.

در شرایطی که مقامات دولتی انگشت اتهام آمار تکانه‌دهنده تصادفات نروزی را به سمت رانندگان گرفته و شهروندان را متهم به خواب‌آلودگی، بی‌توجهی و عدم رعایت قوانین رانندگی می‌کنند، اما گزارش‌ها از نقش محوری کیفیت پایین اتومبیل‌های داخلی و همچنین جاده‌های غیراستاندارد در آمار بالای تصادفات جاده‌ای حکایت دارد. اگرچه مقامات دولتی همواره مردم را متهم ردیف اول تصادفات اعلام می‌کنند، این آمار صدای نمایندگان مجلس را هم درآورده و صدیف بدری عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته «علل آمار بالای تصادفات جاده‌ای در کمیسیون عمران مجلس بررسی می‌شود.»

به گفته صدیف بدری «استاندارد نبودن جاده‌ها و کیفیت خودروهای تولید داخل دو عامل مهم در افزایش تصادفات محسوب می‌شوند.» وی تأکید کرده «درواقع کیفیت خودرو بیشترین سهم در افزایش آمار تلفات انسانی در تصادفات به

رئیس پلیس راهور فراجا از کشته شدن ۸۸۰ نفر و مجروح شدن ۲۰ هزار و ۱۰۹ نفر در تصادفات نروزی و در فاصله ۲۵ اسفندماه تا ۱۵ فروردین‌ماه خبر داده است.

این آمار در حالی اعلام شده که همچنان ۲۵ درصد از مسافران نروزی از سفر بازنگشته و در نتیجه احتمال دارد طی هفته جاری و با بازگشت این مسافران شمار جانباختگان و مجروحان تصادفات نروزی افزایش پیدا کند.

اگرچه آمار کشته‌شدگان مسافرت‌های نروزی امسال کمی کمتر از آمار ۱۰۸۹ جانب‌خسته‌ی سال گذشته است اما علت این کاهش جزئی، کاهش تعداد مسافران نروزی به علت مشکلات مالی خانوارها بوده است.

مقامات دولتی همواره خطای رانندگان را به عنوان علت تصادفات برجسته می‌کنند اما گزارش‌ها از نقش محوری کیفیت پایین اتومبیل‌های داخلی و همچنین جاده‌های غیراستاندارد در آمار بالای تصادفات جاده‌ای حکایت دارد.

صدیف بدری عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته «کیفیت خودرو بیشترین سهم در افزایش آمار تلفات انسانی در تصادفات به خود اختصاص می‌دهد.»

رئیس پلیس راهور فراجا با اعلام پایان طرح ترافیک نروزی ۱۴۰۴ اعلام کرده تا پایان روز جمعه ۱۵ فروردین‌ماه ۸۸۰ نفر جان خود را در تصادفات از دست داده و بیش از ۲۰ هزار نفر مجروح شدند.

سردار تیمور حسینی رئیس پلیس راهور فراجا گفته در طول ۲۱ روز اجرای طرح ترافیک نروزی، «شاهد ۷۳۸ فقره تصادف منجر به فوت بودیم که در مجموع ۸۸۰ نفر از هموطنان جان خود را از دست دادند.»

او افزوده «همچنین ۱۵ هزار و ۸۳۳ فقره تصادف جرحی ثبت شد که طی آن ۲۰ هزار و ۱۰۹ نفر مجروح شدند و ۸۵۷۲ فقره تصادف خسارتی نیز به وقوع پیوست.»

به گفته رئیس پلیس راهور فراجا، مجموع تصادفات درون‌شهری و برون‌شهری در بازه طرح ترافیک نروزی که از ۲۵ اسفندماه تا ۱۵ فروردین‌ماه اجرا شد به یک میلیون و ۱۶ هزار و ۳۴۳ مورد رسید.

سردار تیمور حسینی افزوده «استان کرمان با ۷۹ فوتی در صدر استان‌های پرتصادف قرار گرفت و پس از آن به ترتیب استان‌های فارس با ۷۶ نفر، خراسان رضوی با ۶۰ نفر، سیستان و بلوچستان با ۵۶ نفر و خوزستان با ۵۱ نفر در رتبه‌های بعدی قرار دارند.»

این آمار در حالی اعلام شده که به گفته مسئولان همچنان ۲۵ درصد از مسافران نروزی از سفر بازنگشته و در نتیجه احتمال دارد طی هفته جاری و با بازگشت این مسافران شمار جانباختگان و مجروحان تصادفات نروزی افزایش پیدا کند.

رضا صالحی امیری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرده که حدود ۳۵ میلیون و ۸۷۱ هزار از ۲۵ اسفند تا ۱۳ فروردین سفر رفتند.

او افزوده «از ۲۷ میلیون خانوار ایرانی بیش از ۱۱ میلیون خانوار سفر رفته‌اند. بنابراین از مجموع ۸۶ میلیون نفر جمعیت کشور، حدود ۴۰ درصد سفر رفتند و ۶۰ درصد سفر نکردند.»

بخشی از شهروندان به دلیل مشکلات مالی امسال سفر

کمبود و گرانی دارو به «بحران اجتماعی- امنیتی» تبدیل می‌شود؟



● محمد جمالیان عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی: سلامت یک بحث امنیتی است. وقتی پدر یا مادری که دنبال داروی فرزندش است یا بچه‌ای که برای پدر و مادرش دنبال دارو می‌گردد و پیدا نمی‌کند یا توان پرداخت مالی آن را ندارد، باید بپذیریم این فرد می‌تواند هر کار خطرناکی بکند.

● دولت در سال گذشته به تدریج ارز دولتی برای واردات بسیاری از اقلام دارو و تجهیزات پزشکی را حذف کرد و به همین دلیل طی یک سال بیش از ۹۷۰ قلم دارویی با افزایش ۱۰۰ تا ۶۰۰ درصدی قیمت روبرو شدند.

● روزنامه «هم‌میهن» زمستان گذشته گزارش داده بود که ۶۸ درصد از مبتلایان به سرطان دچار هزینه‌های کمرشکن می‌شوند و مردم بیش از ۵۰ درصد هزینه‌های درمان را از جیب‌شان پرداخت می‌کنند.

یک عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی با اشاره به مشکلات اقتصادی و گرانی دارو گفته سلامت در کشور به یک بحث امنیتی تبدیل شده است چون فردی که به دنبال دارو می‌گردد و پیدا نمی‌کند، می‌تواند دست به کارهای خطرناکی بزند.

محمد جمالیان عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی گفته «سلامت یک بحث امنیتی است. وقتی پدر یا مادری که دنبال داروی فرزندش است یا بچه‌ای که برای پدر و مادرش دنبال دارو می‌گردد و پیدا نمی‌کند یا توان پرداخت مالی آن را ندارد، باید بپذیریم این فرد می‌تواند هر کار خطرناکی بکند و می‌تواند نسبت به همه چیز بدبین شود، ما باید اینها را پیگیری کنیم. ما باید راهکاری داشته باشیم، ولی متأسفانه هنوز آن اقدام خوب رخ نداده است.»

وی افزوده «ما منکر قاچاق دارو نیستیم به خاطر اینکه دارو در ایران نسبت به کشورهای همسایه ارزان‌تر است، قاچاقش اتفاق می‌افتد. ولی سرمنشاء این قاچاق قبل از شبکه توزیع کشور در مراکز تولیدکننده دارو است که باید وزارت بهداشت خودش به صورت جدی ورود کند.»

عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «امیدواریم دولت کمی جدی‌تر اقدام کند. مشکلات را ما درک می‌کنیم، ولی اولویت‌بندی باید انجام شود و اینها در یک زمان مناسب‌تری انجام شود، نه اینکه همه پیگیری کنند و در نهایت بینیم هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده است.»

قیمت دارو از سه سال پیش با شیب تندی افزایش یافت و بحران کمبود و گرانی دارو در سال گذشته به اوج رسید. دولت در سال گذشته به تدریج ارز دولتی برای واردات بسیاری از اقلام دارو و تجهیزات پزشکی را حذف کرد و به همین دلیل طی یک سال بیش از ۹۷۰ قلم دارویی با افزایش ۱۰۰ تا ۶۰۰ درصدی قیمت روبرو شدند.

پیشتر و در بهار سال ۱۴۰۰ تیم اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی را حذف کرد و این موضوع موجی از افزایش قیمت مواد غذایی و دارو را در پی داشت. دولت رئیسی چند هفته پس از این اقدام که به «جراحی اقتصادی» معروف شد، طرح دارویار را تصویب و اجرا کرد که بر اساس آن قرار بود بخش عمده افزایش قیمت داروها از سوی سازمان‌های

زمانی‌که روش‌های شیمی‌درمانی و پرتور درمانی جواب نداده باشد، برای بیمار پیوند انجام می‌شود که دو تا سه میلیارد تومان هزینه می‌برد. قبل از پیوند هم برخی از بیماران به دوره‌های درمانی برای آمادگی بدن نیاز دارند که هزینه آن هم دوونیم میلیارد تومان است.»

مژگان میرحبیبی عضو هیئت مدیره شبکه ملی خیریه‌ها و نیکوکاران هم به «هم‌میهن» گفته بود افراد زیادی را می‌شناسد که به دلیل هزینه‌ها، درمان را رها کرده‌اند، آنها حتی توانایی پرداخت تفاوت ۱۰ و ۲۰ درصدی بیمه‌ها را هم ندارند، در روستاها مردم گاو، زمین و... می‌فروشند، قرض می‌گیرند تا درمان شوند.

او همچنین گفته بود در برخی مناطق حتی تخت به اندازه کافی برای شیمی‌درمانی وجود ندارد. در ذفول و اهواز مواردی از این دست فراوان است، به همین دلیل افراد اصلاً مراجعه نمی‌کنند. حتی هزینه رفت و آمد ندارند تا دارو بخرند و درمان شوند. خیلی‌ها در مسیر، از ادامه درمان منصرف می‌شوند.

روزنامه «هم‌میهن» افزوده بود که گروهی از بیماران که تعدادشان کم نیست، با هزینه‌های کمرشکن درمان مواجه شده‌اند. آنها در مسیر، یا از ادامه درمان منصرف می‌شوند یا از همان ابتدا با اعلام تعرفه اولین آزمایش، دست می‌کشند و به خانه می‌روند.

همچنین علیرضا وارسته مدیرعامل موسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان خراسان هفته آخر بهمن‌ماه امسال با اشاره به افزایش قیمت دارو، از انصراف برخی خانواده‌ها از درمان سرطان کودکان به‌دلیل مشکلات مالی خبر داده بود.

پاشا مخدومی رئیس انجمن رادیوآنکولوژی ایران نیز پیشتر گفته بود که داروهای جدید سرطان وارد فهرست بیمه‌ها نشده‌اند؛ داروهایی که هر بار ۱۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد.

بیمه‌گر جبران شود اما این سازمان‌ها نتوانستند در اجرای این طرح به وظایف خود عمل کنند و در نتیجه بدهی سنگینی به داروخانه‌ها را رقم زدند.

عدم تسویه حساب سازمان‌های بیمه‌گر با داروخانه‌ها و مشکل تأمین نقدینگی در شرکت‌های داروسازی سبب بحران در چرخه تولید و توزیع دارو شد. بطوری که بهمن‌ماه گذشته انجمن داروسازان ایران با ارسال نامه‌ای به دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به «بحران نقدینگی داروخانه‌ها» و «عدم پرداخت مطالبات بیمه‌ای» نسبت به احتمال «فروپاشی زنجیره تأمین دارو» هشدار داد.

روزنامه «هم‌میهن» زمستان گذشته گزارش داده بود که ۶۸ درصد از مبتلایان به سرطان دچار هزینه‌های کمرشکن می‌شوند و مردم بیش از ۵۰ درصد هزینه‌های درمان را از جیب‌شان پرداخت می‌کنند.

جواد میلانی مدیرعامل موسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان استان آذربایجان شرقی به «هم‌میهن» گفته بود که «هزینه‌های ایمونوتراپی و تارگت‌تراپی برای یک کودک، از ۹۰۰ میلیون تا یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه می‌برد. تأمین این هزینه، برای بیشتر مردم امکان‌پذیر نیست. داروهای جدیدی که برای درمان سرطان معرفی می‌شوند، بسیار گران‌قیمت هستند.»

بر اساس گزارش «هم‌میهن» حتی کسانی که برای درمان به بخش دولتی می‌روند هم به سختی از پس هزینه‌ها برمی‌آیند. یک کارمند با حداکثر حقوق ۳۰ میلیون تومانی، باز هم نمی‌تواند این هزینه‌ها را پرداخت کند.

جواد میلانی می‌گوید: «بیشتر افرادی که به موسسه آنها مراجعه می‌کنند، کارگران روزمزد، کشاورزان و افرادی‌اند که شاید حتی بیمه هم نداشته باشند، با دلار ۹۳ هزار تومانی، چطور می‌توان داروهای خارجی ضدسرطان خرید؟ «آخرین مرحله درمان یک بیمار مبتلا به سرطان، پیوند است؛ یعنی

ایران دچار ورشکستگی آبی می‌شود؟

وضعیت منابع آبی را نگران‌کننده توصیف کرده و گفته «کاهش چشمگیر ورودی سدها موجب تداوم وضعیت بحرانی منابع آب در برخی استان‌ها شده است.»

مقامات دولتی همواره با تکیه بر «تغییرات اقلیمی» نه تنها سهم چهار دهه کارنامه سیاه حکومت در بروز بحران خشکسالی و هدر رفت منابع آبی را پنهان می‌کنند بلکه سرنوشت منابع آبی کشور را به «دست تقدیر» سپرده و برای مدیریت بحران آبی کشور نه برنامه‌ریزی و نه اقدام می‌کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اواخر سال گذشته گزارشی داد دمای هوا در ایران با میانگین ۵۰ تا ۵۴ درجه سانتی‌گراد در فصول گرم سال همچنان در حال افزایش است. گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهد منطقه خاورمیانه و ایران در دهه‌های آینده شاهد افزایش میانگین دمای ۲/۶ درجه سانتی‌گراد و کاهش ۳۵ درصدی بارندگی خواهند بود.

این مرکز همچنین اعلام کرد تغییرات اقلیمی در ایران و خاورمیانه شدیدتر از مناطق دیگر جهان است. بر اساس این گزارش تجزیه و تحلیل تغییرات میانگین دمای سالیانه نشان می‌دهد که ایران در دوره آینده نزدیک (تا سال ۲۰۴۰) با شتاب بیشتری گرم خواهد شد و یکی از پیامدهای مستقیم این تغییرات اقلیمی، افزایش شاخص فرابنفش (UV) است. کاهش پوشش ابر و افزایش دمای هوا، باعث شده است که تابش اشعه‌های مضر خورشید به سطح زمین افزایش یابد.

این در حالیست که کارشناسان معتقدند سوءمدیریت، متهم ردیف اول این بحران است. کشاورزی با مصرف ۹۴ درصد آب کشور و راندمان پایین ۳۵ درصدی، بزرگترین چالش است. حفر چاه‌های غیرمجاز و کشت محصولات آب‌بر مثل برنج در مناطق خشک، این فاجعه را عمیق‌تر کرده است.

سالیانه کارشناسان از لزوم تغییر الگوی کشت و شیوه آبیاری و شیوه حفظ ذخائر آبی کشور سخن می‌گویند اما هیچ اراده‌ای از سوی مقامات دولتی برای انجام اقدامات کارآمد در اینباره صورت نگرفته است.

در همین رابطه عباس محمدی، فعال محیط زیست، پیشتر در گفتگو با وبسایت «خبر آنلاین» گفته بود «مردم می‌دانند که سدسازی‌های پی در پی، تالاب‌های ما را به نقطه مرگ نهایی می‌رساند. مطالبه جدی مردم در این زمینه توقف برنامه‌های سدسازی یا منطقی‌کردن آن است؛ خصوصاً در جنوب کرمان - حوزه جیرفت و جازموریان - که یکی از بزرگترین تالاب‌های ایران را داراست و سدسازی، بین شمال و جنوب این استان اختلاف بزرگی ایجاد کرده است.» به گفته این فعال محیط زیست «اگر با تداوم برنامه‌های سدسازی، مثل سد صفارود، آخرین باریکه‌های آبی تالاب جازموریان قطع شود، دیگر مطلقاً شانس برای احیای این منطقه نخواهد بود.»

این فعال محیط زیست تأکید کرده بود سوءمدیریت، مقصر اصلی در نابودی منابع آبی است: «تغییر اقلیم نقش خیلی کمی در تخریب تالاب‌های ما دارد، اما مسئولان هروقت که می‌خواهند پاسخی در خصوص نابه‌سامانی وضعیت تالاب‌ها بدهند، به دستاویز تغییرات اقلیمی چنگ می‌زنند و می‌گویند بارندگی‌ها کم شده، هوا گرم شده، تبخیر افزایش پیدا کرده است.»

عباس محمدی افزوده بود «این حرف‌ها نمی‌تواند قابل قبول باشد چون ما در چندین نقطه گوناگون با اقلیم‌های کاملاً متفاوت، دریاچه‌ها و تالاب‌هایمان را از دست داده‌ایم. این ناشی از سوءمدیریت است نه تغییر اقلیم.»



کار ندارد و مهمترین بخش نبود آب، به مردم باز می‌گردد. در اصل به نظر می‌رسد که دولت فعلاً خبری از کسری آب ندارد و بر همین اساس برنامه‌های نیز برای آن نداشته است و همین موضوع باعث می‌شود که ورشکستگی آبی در کشور تا حدود زیادی افزایش یابد.»

«هم‌میهن» افزوده «بر اساس بودجه در سال جاری به نظر می‌رسد که برداشت آب از چاه‌های غیرمجاز در «ردیف درآمدی» قرار داده‌اند و در مقابل برداشت غیرمجاز نیز تنها مشمول جریمه هر مترمکعب ۱۶۰۰ تومان شده است. در اصل دولت در سال جاری محدودیتی برای حفر چاه یا برداشت غیرمجاز نداشته است و تنها جریمه نقدی را در سرلیست کارهای خود قرار داده است.»

آمارهای تک‌اندهنده‌ای از وضعیت آبی ایران اعلام شده است. عیسی کلانتری وزیر پیشین کشاورزی و رئیس پیشین سازمان حفاظت محیط زیست به تازگی اعلام کرده «برداشت سالانه ۵۱ میلیارد مترمکعب از آب‌های زیرزمینی، در برابر تغذیه ۲۰ میلیارد مترمکعبی، فاجعه‌ای زیست‌محیطی رقم زده است.» محمدمصدق معتمدیان استاندار تهران هفته نخست فروردین‌ماه جاری وضعیت ذخایر آب سدهای تأمین‌کننده آب استان را نامناسب اعلام کرد و گفته بارندگی نسبت به بلندمدت کاهش ۳۴ درصدی و نسبت به سال گذشته کاهش ۱۲ درصدی داشته است. استاندار تهران با اشاره به اینکه ۸۷ درصد مصرف آب استان به مصارف خانگی اختصاص دارد، اجرای ابزارهای کنترلی مانند افزایش تعرفه مصرف برای مشترکان پرمصرف و اعمال محدودیت‌های لازم را از جمله راهکارهای مدیریت مصرف دانسته است.

محمدرضا بختیاری مدیرعامل پیشین آبفای استان تهران نیز هشدار داده «مصرف بی‌رویه و فرونشست زمین، پایتخت را در معرض خطر جدی قرار داده است.»

فیروز قاسم‌زاده مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور نیز با اشاره به کاهش ۴۴ درصدی ورودی سدهای کشور در سال آبی جاری نسبت به متوسط پنج ساله،

● فیروز قاسم‌زاده مدیرکل دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور با اشاره به کاهش ۴۴ درصدی ورودی سدهای کشور در سال آبی جاری نسبت به متوسط پنج ساله، وضعیت منابع آبی را نگران‌کننده توصیف کرده است.

● روزنامه «هم‌میهن» تأکید کرده ایران به ورشکستگی آبی رسیده و این در حالیست که علت وقوع بیشتر جنگ‌ها در دنیا بر سر آب است؛ به نوعی آب می‌تواند اصلی‌ترین عنصر برای تعیین شرایط کشور باشد.

● مقامات دولتی همواره با تکیه بر «تغییرات اقلیمی» نه تنها سهم چهار دهه کارنامه سیاه حکومت در بروز بحران خشکسالی و هدر رفتن منابع آبی را پنهان می‌کنند بلکه سرنوشت منابع آبی کشور را به «دست تقدیر» سپرده و برای مدیریت بحران آبی کشور نه برنامه‌ریزی و نه اقدام می‌کنند.

همزمان با آغاز سال جدید هشدارها درباره بحران کم‌آبی و پیامدهای آن در ماه‌های آینده افزایش یافته است. کاهش بارندگی‌ها در پاییز و زمستان گذشته در کنار سوء مدیریت جمهوری اسلامی، تنش‌های آبی در مناطق مختلف را افزایش داده و بحران کم‌آبی را در کشور تشدید کرده است.

اگرچه ایران سال‌هاست با مشکل کم‌آبی روبروست اما امسال به علت کاهش بارندگی‌ها مخازن تعداد قابل توجهی از سدهای مهم کشور خالی مانده و در آنسو برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی سبب شده بحران کم‌آبی به پشت دروازه شهرها برسد و تأمین آب آشامیدنی در فصل گرم سال را نیز با چالش‌های جدی روبرو کند.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی هشدار داده که ایران در آستانه فاجعه بی‌آبی تمام‌عیار قرار دارد. در این گزارش تأکید شده «بررسی‌ها نشان می‌دهد که بارش‌های کشور نصف شده است و بر همین اساس محمد جوان‌بخت معاون آب و آبفای ایران با اشاره به کاهش ۴۵ درصدی بارندگی نسبت به میانگین بلندمدت از شدیدترین دوره‌های خشکسالی خبر داده و همزمان هشدار داده است که «عبور از این شرایط دشوار نیازمند تدابیر فوری، همراهی مردم و هماهنگی مستمر بین استان‌هاست.»

روزنامه «هم‌میهن» تأکید کرده ایران به ورشکستگی آبی رسیده و این در حالیست که علت وقوع بیشتر جنگ‌ها در دنیا بر سر آب است؛ به نوعی آب می‌تواند اصلی‌ترین عنصر برای تعیین شرایط کشور باشد.

این گزارش تأکید کرده طبق آمار سازمان فضایی ناسا، بجز ایران ۴۵ کشور دیگر نیز در ۳۰ سال آینده در معرض خشکسالی قرار خواهند گرفت که این خشکسالی ۳۰ تا ۳۵ سال طول می‌کشد. همچنین بر اساس گزارش سازمان ملل در آینده‌ای نزدیک ۳۱ کشور جهان با کمبود آب مواجه خواهند شد و نام ایران به عنوان یکی از بحرانی‌ترین کشورهای درگیر کمبود آب در آینده‌ای نه‌چندان دور دیده می‌شود.

گزارش «هم‌میهن» به سوء مدیریت مقامات دولتی اشاره کرده و نوشته «بررسی‌ها نشان می‌دهد سوء مدیریت عاملی شده که کشور هر سال با کاهش ذخایر آبی مواجه شود. در اصل سوء مدیریت عامل اصلی ورشکستگی آبی در کشور است. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ بیش از ۹۰ درصد از اعتبارات برای بخش عرضه و مصرف در نظر گرفته شده است و در مقابل تنها ۸ درصد از منابع مالی برای حفاظت از منابع آبی پیش‌بینی شده است. این بدان معناست که با بحران خشکسالی در کشور همچنان دولت با معضلی سر و

نمایشگاه کتاب‌های عکاسان ایران در پاریس

سمیرا کاوه ادامه می‌دهد: «در بخش اول به سراغ اولین دغدغه ذهنی‌ام در تمام سال‌هایی که در فرانسه زندگی کردم رفتم: شناخت و معرفی هنر و هنرمندان ایران به مردمی (فرانسویان) که ایران را هیچوقت از نزدیک ندیده‌اند و تنها تصویری از طریق رسانه‌های گوناگون در ذهن خود دارند. هدف اصلی من رساندن پیام آثاری بود که بتوانند بیشتر و نزدیکتر به بستر واقعیت باشند. آثاری که در مجموعه‌ای از شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خلق شده باشند و خلاقیت اساس شکل‌گرفتن آنها باشد.»

در نمایشگاه «ایتک» اثری ویدئویی از نازگل انصاری نیا

را که استودیو دیزاین گرافیک ایرانی در فاصله چند سال تدوین و طراحی کرده بود، به نمایش گذاشتیم. هدف این بود که علاوه بر هنرهای تجسمی بتوانیم دنیاهای دیگری از هنر ایران را که مجموعه‌ای از آثار تصویرگری و ادبی‌ست به مردم فرانسه معرفی کنیم.»

وی سپس می‌افزاید: «کلود ایورنه عکاس فرانسوی به من پیشنهاد داد تا کتاب‌های عکاسان ایرانی را به نمایش بگذارم و از اینجا بود که شروع به فکر و تحقیق در مورد کتاب‌های عکاسان ایرانی کردم. در این تحقیق به کمک دوستانم در ایران توانستیم بیش از ۳۰۰ کتاب عکاسی پیدا کنیم که

● سمیرا کاوه مسئول برگزاری این نمایشگاه متولد تهران و وکیل دادگستری است. او همچنین دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته حقوق هنر از فرانسه است. او در سال ۱۳۹۸ انجمن «گنبد کبود» را برای توسعه هنر و فرهنگ ایران و قوانین آثار و تألیفات بین فرانسه و ایران تأسیس کرد.

● سمیرا کاوه: «کلود ایورنه عکاس فرانسوی به من پیشنهاد داد تا کتاب‌های عکاسان ایرانی را به نمایش بگذارم و از اینجا بود که شروع به فکر و تحقیق در مورد کتاب‌های عکاسان ایرانی کردم. در این تحقیق به کمک دوستانم در



عکس از احمد رضا حلبی‌ساز



و دو عکس از عکس‌های احمد رضا حلبی‌ساز نیز به نمایش درآمد تا کتاب و عکس و ویدئو در کنار یکدیگر قرار بگیرند. اسامی کتاب‌هایی که در این نمایشگاه ارائه شدند از این قرار است: «زنده باد کارخانه» از آیدین باقری، کتاب «کودکی» از مهرداد اسکویی، «پیدا و پنهان» از محمد ابراهیم، کتاب «عالی» مجموعه آثار احمد عالی، کتاب «جناب عالی» از احمد عالی، «انقلاب پنجاه و هفت ایران» از مریم زندی، «جام تهی» از رومین محتشم، «اهل اسب» از پیمان هوشمندزاده، «پارنج مسیح» از شریف موسوی، «داربست» از مهران مهاجر، «خلیج فارس، صحنه‌های جنگ‌های بی‌پایان»، «خاک خون» از اصلان ارفع، «راهبه‌ها» از کاوه کاظمی، «سایه‌ها و یادها» از کاوه کاظمی، «سایه‌های سکوت» از بسیم قومورلو، «عمامه‌داران» از بهزاد جائز، «کاشان» از سعید شریفی، «گذشته استمراری» از تهمینه منزوی، «گنج باز یافته: عکس‌های پنجاه ساله» از محمد احصائی از موزه‌های جهان، «گیسوانم در باد» از مریم زندی، «ماهی و بشر» از پریسا رقمی، «مرگت چه بود؟» از پیمان هوشمندزاده، «منظری برای ندیدن» از محسن یزدی، «نقوش آهنی» از مصطفی حمیدی، «یک» از پیمان هوشمندزاده، «حکومت پنجاه و هشت» از مریم زندی، «عکس‌های صادق تیرافکن»، «نگاهی از بیرون» از ژوبین میراسکندری، «شب‌های روشن» از شهریار توکلی، «بیگانه آشنا» از بهمن جلالی و «تاریخی برای آینده» از صادق تیرافکن.



عکس از کتاب مریم زندی

موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرند. از انقلاب سال ۱۳۵۷، جنگ ایران و عراق در دهه ۶۰، طبیعت ایران تا عکس‌های هنری هنرمندان و در نهایت قرار شد در ۴ بخش این کتاب‌ها را نمایش دهیم.»

ایران توانستیم بیش از ۳۰۰ کتاب عکاسی پیدا کنیم که موضوعات مختلفی را در بر می‌گیرند.

● در نمایشگاه «ایتک» اثری ویدئویی از نازگل انصاری نیا و دو عکس از عکس‌های احمد رضا حلبی‌ساز نیز به نمایش درآمد تا کتاب و عکس و ویدئو در کنار یکدیگر قرار بگیرند.

کتابون حلاجان - گالری «ایتک» در پاریس نمایشگاهی از کتاب‌های عکاسان ایرانی برگزار کرد. این نمایشگاه به مدت یک ماه از تاریخ ۶ مارس تا ۶ آوریل ۲۰۲۵ به نمایش کتاب و معرفی عکاسان ایران اختصاص داشت که در آن حدود ۳۰ کتاب از عکاسان ایرانی ارائه و معرفی گردید.

سمیرا کاوه مسئول برگزاری این نمایشگاه متولد تهران و وکیل دادگستری است. او همچنین دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته حقوق هنر از فرانسه است. او در سال ۱۳۹۸ انجمن «گنبد کبود» را برای توسعه هنر و فرهنگ ایران و قوانین آثار و تألیفات بین فرانسه و ایران تأسیس کرد.

سمیرا کاوه همچنین بنیانگذار Art-in-Law است که پلتفرمی برای مالکیت و حقوق هنر ایران در سطح بین‌المللی است.

سمیرا کاوه در مورد ایده و هدف نمایشگاه عکاسان ایرانی می‌گوید: «ایده اصلی این نمایشگاه بر می‌گردد به سال ۲۰۲۲ که نمایشگاهی با نام Beaux Livres de Téhéran در گالری «ایتک» در پاریس به برگزار کردیم که در آن کتاب‌هایی

جیره‌بندی سراسری برق بخش خانگی و صنعت؛ امسال یک‌سوم تقاضای برق تأمین نخواهد شد

دارند، در تعمیرات بسر می‌برند و فعلا شرایط برای استفاده از نیروگاه اتمی بوشهر هم فراهم نیست؛ این اوضاع با برنامه ۱۴ مگا پروژه تأمین برق و اینکه در سال ۱۴۰۵ ناترازی برق نداریم، در تناقض است.»

این استاد دانشگاه ادامه داده «در اواسط فروردین که از نظر تولید و مصرف برق بهترین زمان است یعنی نه هوا سرد است که کمبود گاز برای تولید برق داشته باشیم و نه هوا به قدری گرم شده که مجبور باشیم از وسایل سرمایشی استفاده کنیم اما با این شرایط برنامه محدودیت و قطعی برق شروع شده به عبارت دیگر در نیمه فرودین نه تنها برق به اندازه نیاز مردم نداریم و بلکه امکان اطلاع‌رسانی به‌موقع خاموشی را هم نداریم.»

این کارشناس ارشد حوزه انرژی با بیان اینکه روز به روز با گرمای هوا میزان تقاضای برق افزایش پیدا می‌کند، گفته «اکنون میزان تقاضا نسبت به مدت مشابه سال قبل بیش از ۶ درصد افزایش یافته اما نه تنها ۶ درصد افزایش تولید نداشته‌ایم بلکه اوضاع بدتر از ارسال هم شده است.»

هاشم اورعی افزوده که «میزان تولید برق در سال گذشته ۶۲ هزار و ۴۰۰ مگاوات بوده است و اگر همه چیز ایده‌آل باشد و در بهترین حالت این رقم به ۶۵ هزار مگاوات می‌رسد و این در حالی است که به گفته وزیر نیرو امسال ۸۵ هزار مگاوات تقاضا خواهیم داشت که ۶ درصد افزایش تقاضا را پاسخ نمی‌دهد به عبارت دیگر هر روز و هر ساعت در بخش برق عقب می‌مانیم.»

او افزوده «در حوزه تجدیدپذیر نیز عنوان شده که تا پیک ۱۴۰۴؛ ۳۵۰۰ مگاوات ظرفیت جدید تجدیدپذیر اجرا می‌شود اما شاهدیم که در ۵ ماه ابتدای ۱۴۰۳؛ متوسط ماهانه فقط ۴۶ مگاوات و در ۷ ماهه دوم ماهانه ۵۷ مگاوات اضافه شده است.»

این کارشناس ارشد حوزه انرژی با بیان اینکه نبود سرمایه و فناوری معلول و مشکل اصلی برق مدیریت ناصحیح و دولتی است، گفته «اگر مذاکرات به نتیجه مثبت هم ختم شود قطعا برای سال جاری شرایط برق بهبود پیدا نمی‌کند، امور مربوط به احداث نیروگاه و حل مشکل صنعت برق ذاتا زمانبر است شاید در سال آینده بتوانیم از بدتر شدن وضعیت برق کشور جلوگیری کنیم.»

به گفته او «سال‌ها مسیر برق اشتباه بوده و با حل مشکل تحریم و رسیدن به توافق نهایی مشکل این صنعت یک‌شبه قابل حل نیست، اگر تفاهم ایجاد شود نه امسال و سال بعد؛ در سال‌های آتی می‌توان امیدوار بود که وضع حداقل کمتر بدتر شود.»

هاشم اورعی افزوده «نباید انتظار داشته باشیم بعد از توافق به سرعت تزریق سرمایه صورت گیرد، سرمایه ترسو است، ضمن اینکه اگر مسیر باز شود مهمترین اقدام ما باید این باشد که قوانین و مقررات بخش برق را حل کنیم، باید از این صنعت دولت‌زدایی شود، ابتدا باید دست دولت از برق کوتاه شود، دولت نباید بنگاه‌داری کند، به عبارت دیگر ضمن اینکه تحریم به حل مشکل صنعت برق کمک می‌کند نگاه و روش مدیریتی هم باید اصلاح شود، اگر همچنان صنعت برق دولتی باشد راندمان سرمایه‌گذاری پایین خواهد بود، بنابراین ما باید در مدل صنعت برق بازنگری کنیم و وقتی تحریم برداشته شد و بلافاصله استفاده لازم را داشته باشیم.»



در همین حال بهنام سعیدی نماینده جیرفت و عنبرآباد در مجلس شورای اسلامی پیشنهاد داد که اختیار قطع برق به استانداران واگذار شود تا آنها بتوانند بر اساس شرایط خاص هر منطقه تصمیم‌گیری کنند و زمان قطع برق را مدیریت کنند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «قطع برق در مناطق کشاورزی مشکلات زیادی برای کشاورزان ایجاد کرده است. اگر برق در این مناطق قطع شود، این اقدام می‌تواند به محصولات آسیب رسانده و مشکلات فراوانی برای کشاورزان به وجود آورد.»

از سوی دیگر به گفته علی‌اکبر الوندیان دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان، جیره‌بندی برق صنعت سیمان‌سازی از چند روز پیش آغاز شده است. وی با بیان اینکه «آمادگی این موضوع را به هیچ وجه نداشتیم»، هشدار داده که «این روند می‌تواند ذخیره‌سازی کلینکر را مختل کرده و در نهایت تعادل بازار سیمان را بر هم بزند.»

اینهمه در حالیست که مشکلات ناشی از کمبود برق در سال جدید تازه آغاز شده و گزارش‌ها نشان می‌دهد بحران کمبود برق با گرم شدن هوا تشدید خواهد شد.

در همین رابطه هاشم اورعی استاد دانشگاه «شریف» (آریامهر) گفته «ناترازی برق در تابستان حداقل بین ۲۲ تا ۲۴ هزار مگاوات خواهد بود و اگر ۶۵ هزار مگاوات ظرفیت تولید داشته باشیم یعنی نمی‌توانیم بیش از یک‌سوم تقاضای برق کشور را پاسخگو باشیم.»

هاشم اورعی درباره شرایط فعلی وضعیت تولید و توزیع برق در کشور گفته «آخرین اطلاعات از شرایط تولید برق نیروگاهی؛ ما امسال تنها امکان استفاده از یک‌سوم ظرفیت نیروگاه‌های برقایی را داریم، تعمیرات به تاخیر افتاده، ۸ هزار مگاوات از ظرفیت نیروگاهی به دلیل عمر بالایی که

محمد انور بجارزهی نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی؛ قطع مکرر برق در حوزه انتخابیه اینجانب، چابهار با گرمای طاقت فرسا که زود شروع شده است، پذیرفتنی نیست.

● بهنام سعیدی نماینده جیرفت و عنبرآباد در مجلس شورای اسلامی؛ قطع برق در مناطق کشاورزی مشکلات زیادی برای کشاورزان ایجاد کرده است. اگر برق در این مناطق قطع شود، این اقدام می‌تواند به محصولات آسیب رسانده و مشکلات فراوانی برای کشاورزان به وجود آورد.

● به گفته علی‌اکبر الوندیان دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان، جیره‌بندی برق صنعت سیمان‌سازی از چند روز پیش آغاز شده است.

● هاشم اورعی کارشناس ارشد حوزه انرژی؛ ناترازی برق در تابستان حداقل بین ۲۲ تا ۲۴ هزار مگاوات خواهد بود و اگر ۶۵ هزار مگاوات ظرفیت تولید داشته باشیم یعنی نمی‌توانیم بیش از یک‌سوم تقاضای برق کشور را پاسخگو باشیم.

● هاشم اورعی افزوده «اگر مذاکرات به نتیجه مثبت هم ختم شود قطعا برای سال جاری شرایط برق بهبود پیدا نمی‌کند، امور مربوط به احداث نیروگاه و حل مشکل صنعت برق ذاتا زمانبر است.»

جیره‌بندی برق با قطع روزانه برق در شهرها و روستاهای مختلف کشور و به مدت دست‌کم یک ساعت و نیم ادامه دارد آنهم در حالی که کارشناسان معتقدند این بحران با گرم شدن هوا تشدید خواهد شد. قطع برق دسترسی شهروندان به بسیاری از امکانات را محدود و به ویژه سبب زیان به کسب و کارهای کوچک فعال در محدوده شهرها می‌شود.

وزارت نیرو از نیمه فروردین‌ماه جیره‌بندی برق در استان‌های مختلف را قطع کرده و هر روز دست‌کم یک ساعت و نیم برق شهروندان قطع می‌شود. اگرچه در بسیاری از شهرها جداول خاموشی منتشر شده اما شهروندان می‌گویند در مواردی خارج از زمان اعلام شده نیز برق قطع می‌شود و بیش از یک و نیم یا دو ساعت قطع باقی می‌ماند.

قطع برق سبب عدم دسترسی شهروندان به بسیاری از امکانات از جمله اینترنت‌های خانگی، وسایل خنک‌کننده، آسانسورها و... می‌شود. دولت اعلام کرده برق را در بازه زمانی ۸:۳۰ صبح تا ۲۳:۳۰ قطع می‌کند که مردم در خانه نیستند. با اینهمه بسیاری از شهروندان سالمند یا کودک در خانه بسر می‌برند و به نظر می‌رسد دولت به دنبال قطع برق در ساعات «پیک مصرف» بوده و نه اینکه به فکر رفاه شهروندان در روند جیره‌بندی باشد!

قطع برق حتی در شهرهای جنوبی کشور هم که هوا گرم شده و مردم نیاز دارند از کولر و دیگر وسایل خنک‌کننده استفاده کنند نیز آغاز شده است.

محمد انور بجارزهی نماینده چابهار در مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۱۹ فروردین‌ماه در تذکر شفاهی به وزیر نیرو اعلام کرد «قطع مکرر برق در حوزه انتخابیه اینجانب، چابهار با گرمای طاقت‌فرسا که زود شروع شده است، پذیرفتنی نیست.»

نماینده چابهار افزوده که «آب ۵۸ روستای بخش مرکزی و چند روستای دیگر با بیش از ۵ هزار نفر سکنه ماه‌ها است که قطع است، باید زودتر تدبیر شود.»

روند نزولی نرخ اشتغال در ایران با وجود ادعای کاهش نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۳



● مرکز آمار ایران گزارش داده نرخ بیکاری در فصل زمستان به ۷/۸ درصد رسیده اما این کاهش به معنای افزایش اشتغال نیست.

● در زمستان سال گذشته نرخ اشتغال جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر با کاهش ۰/۳ درصدی به ۳۷ درصد کاهش یافت. علت این تناقض آماری، کاهش نرخ مشارکت اقتصادی است؛ به این معنا که افرادی که در سن اشتغال هستند به دلایلی از جمله مهاجرت یا ناامیدی از پیدا کردن شغل مناسب دیگر در بازار کار ایران فعال نبوده و حتی در جستجوی کار هم نیستند.

جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران ادعا می‌کند که نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۳ کاهش یافته اما کاهش ارقام در این گزارش به معنای بهبود بازار کار ایران ارزیابی نمی‌شود. جدیدترین داده‌های منتشر شده از مرکز آمار نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در زمستان ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه در سال قبل کاهش یافته است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در فصل زمستان به ۷/۸ درصد رسیده در حالی که در زمستان قبل ۸/۶ درصد بوده است.

اگرچه به نظر می‌رسد کاهش نرخ بیکاری به معنای افزایش اشتغال بوده اما جزئیات آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد کاهش نرخ بیکاری به علت کاهش نرخ مشارکت اقتصادی بوده و نه به علت افزایش فرصت‌های کاری و اشتغال نیروی کار!

در حالی که معمولا در آمارهای بازار کار، کاهش نرخ بیکاری به معنای افزایش نرخ اشتغال است اما در زمستان سال گذشته نرخ اشتغال جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر با کاهش ۰/۳ درصدی به ۳۷ درصد کاهش یافته است. به بیان دیگر در حالی که مرکز آمار ایران از کاهش نرخ بیکاری خبر داده اما همزمان نرخ اشتغال نیز با کاهش روبرو شده است.

علت این تناقض آماری، کاهش نرخ مشارکت اقتصادی است؛ به این معنا که افرادی که در سن اشتغال هستند به دلایلی از جمله مهاجرت یا ناامیدی از پیدا کردن شغل مناسب دیگر در بازار کار ایران فعال نبوده و حتی در جستجوی کار هم نیستند.

مرکز آمار اعلام کرده که نرخ مشارکت اقتصادی از ۴۰/۸ درصد در زمستان ۱۴۰۲ به ۴۰/۱ درصد در زمستان قبل رسیده است. نرخ مشارکت نشان می‌دهد که از هر ۱۰۰ نفری که در سن اشتغال قرار گرفته‌اند، چند نفر به صورت فعال (شاغل یا بیکار) در بازار کار حضور دارند. در انتهای زمستان، تعداد فعالان در بازار کار ایران ۲۶ میلیون و ۳۴۱ هزار و ۲۳۹ نفر بوده است.

در چنین شرایطی تعداد «جمعیت غیرفعال اقتصادی» در کشور افزایش پیدا می‌کند؛ موضوعی که در دیگر آمارها از جمله در افزایش شمار دانش‌آموختگان دانشگاهی بیکار و افزایش تعداد افرادی که به مشاغل کاذب مشغول هستند نیز نمایان شده است.

همچنین آمارهای اشتغال به تفکیک استانی نیز نشان می‌دهد با وجود اینکه در زمستان ۱۴۰۳ میانگین نرخ بیکاری در کشور ۷/۸ بوده اما هشت استان ایران نرخ بیکاری دو رقمی داشته‌اند.

بر این اساس در زمستان سال گذشته نرخ بیکاری کرمانشاه ۱۵/۲ درصد، کردستان ۱۳/۷ درصد، اردبیل ۱۳/۱ درصد، خوزستان ۱۲/۳ درصد، گلستان ۱۱/۲ درصد، لرستان ۱۱ درصد، همدان ۶/۱۰ درصد و اصفهان ۱۰ درصد بوده است. جزئیات دیگر در گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سهم اشتغال در بخش کشاورزی در کل کشور با ۰/۲ درصد کاهش در سه‌ماهه آخر سال ۱۴۰۳ نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۱۲/۷ درصد رسید.

کارشناسان مواردی چون خشکسالی، فرسایش خاک و افزایش هزینه‌های تولید در بخش کشاورزی را عامل کاهش فعالیت در این بخش ارزیابی کرده که سبب کاهش اشتغال در این بخش شده است.

از سوی دیگر به عقیده کارشناسان سیاست‌های حمایتی دولت از کشاورزان به اندازه کافی مؤثر نبوده است. دسترسی محدود به تسهیلات مالی، نوسانات شدید قیمت نهاده‌های کشاورزی و سیاست‌های نامناسب خرید تضمینی محصولات از جمله مسائلی هستند که انگیزه فعالیت در این بخش را کاهش داد.

همچنین سهم افراد شاغل در بخش صنعت نیز بدون تغییر در ۳۳/۵ درصد باقی ماند. از سوی دیگر، آمارها نشان می‌دهند سهم بخش خدمات در اشتغال افراد کشور، ۰/۱ درصد افزایش پیدا کرد و معادل ۵۳/۷ درصد ثبت شد.

اشتغال ناقص شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع که آمارگیری انجام می‌شود، سر کار حاضر نبوده یا کمتر از ۲۴ ساعت کار کردند. این آمار نیز ۰/۹ درصد کاهش داشت و به ۷/۷ درصد در کل کشور رسیده است.

اشتغال زنان نیز شبیه آمارهای کلی در بازار کار ایران است. نرخ بیکاری زنان در سال ۱۴۰۳، روند کاهشی داشته و از ۱۵ درصد در بهار، به ۱۳/۷ درصد در پاییز رسیده است؛ اما همچنان بالاتر از میانگین کشوری و نرخ بیکاری مردان

قرار دارد. از سوی دیگر کاهش نرخ بیکاری زنان مطلقا به معنای افزایش اشتغال آنها نیست بلکه بسیاری از زنان از بازار کار ایران دل‌سرد و از آن خارج شده‌اند.

برای نمونه آمارها نشان می‌دهد که بسیار از پرستاران که غالب آنها را زنان تشکیل می‌دهند از شغل پرستاری خارج و خانه‌نشین شده‌اند.

محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار سال گذشته اعلام کرد که با وجود کمبود پرستار در ساختار درمانی کشور اما ۵۰ هزار پرستار شغل پرستاری را رها و خانه‌نشین شده‌اند. پرستاران به دلایلی چون شیفت‌های طولانی و اجباری، فشار سنگین کار، درآمد‌های ناچیز و عقب‌افتادن پرداخت دستمزد و مزایای شغلی تمایلی به اشتغال در ساختار درمانی ایران ندارند.

در شرایطی که ماهانه چند صد پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند، بخشی از پرستارانی هم که به هر دلیل امکان مهاجرت ندارند خانه‌نشین می‌شوند.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در حالیست که بر اساس برنامه هفتم توسعه دولت باید طی پنج سال اجرای این برنامه، که سال نخست آن رو به پایان است، سالانه یک میلیون فرصت شغلی ایجاد کند. کارشناسان اما معتقدند دستیابی به چنین رقمی دست‌کم طی سال اول و دوم این برنامه غیرممکن است و اساسا دولت‌های جمهوری اسلامی در ایجاد بسترهای اشتغال پایدار ناموفق بوده‌اند.

مالک حسینی معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز درباره عملی شدن این وعده گفته «با نگاه واقع‌گرایانه ایجاد یک میلیون شغل خالص با توجه به شرایط اقتصادی کنونی و اینکه یک همبستگی جدی میان موضوع ایجاد و تثبیت اشتغال با میزان رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و هم‌بندطور تسهیل شرایط کسب و کار وجود دارد، کار بسیار دشواری است.»

خودکشی دختر جوان در ایستگاه مترو «تئاتر شهر» تهران

یک دختر جوان امروز دوشنبه ۱۸ فروردین حدود ساعت ۱۴ و ۲۵ دقیقه در ورودی تونل مترو «تئاتر شهر» خود را جلوی قطار انداخته و به گفته شاهدان عینی جان باخته است. یکی از مسافران مترو به روزنامه «هم‌میهن» گفته «دختری جوان بود با جتهای ریز. همه منتظر قطار بودیم. به محض آنکه قطار از تونل به ورودی ایستگاه رسید خود را جلوی قطار انداخت.» شاهدان عینی به روزنامه «هم‌میهن» گفته‌اند: «پیش از سال نو حداقل دو مأمور در ایستگاه می‌ایستاد تا از حوادث جلوگیری کنند اما در زمان این حادثه مأموری آنجا نبود و پلیس مترو نیز در ایستگاه حضور نداشت و همه مأموران در محوطه بالای ایستگاه بودند.»

جیره‌بندی برق در کارخانه‌های سیمان آغاز شد

علی‌اکبر الوندیان دبیر انجمن صنفی صنعت سیمان اعلام کرده «قطع برق در صنعت سیمان از ۱۶ فروردین شروع شده که با اعمال این محدودیت‌ها تولید سیمان با اختلال روبرو خواهد شد.» وزارت نیرو از روز گذشته جدول جیره‌بندی برق بخش شهری را نیز منتشر کرده که در رویدادی بی‌سابقه قطع سازمانیافته و برنامه‌ریزی شده‌ی برق از فروردین‌ماه آغاز شده است. کارشناسان انرژی پیشتر هشدار داده بودند که بحران کمبود انرژی در سال جدید خورشیدی تشدید خواهد شد و خسارت‌های سنگینی را به صنعت و تولید، و در نهایت اقتصاد وارد خواهد کرد.

امسال جیره‌بندی برق از فروردین‌ماه آغاز شد!

وزارت نیرو جدول خاموشی یا همان جیره‌بندی برق در شهرهای مختلف را منتشر کرده است. بر این اساس هر روز در بازه زمانی ۸:۳۰ صبح تا ۲۳:۳۰ و به مدت دست‌کم یک



ساعت و نیم برق مناطق خانگی در مناطق مختلف قطع خواهد شد. جیره‌بندی برق در فروردین‌ماه با توجه به اینکه مصرف برق در پایین‌ترین سطح قرار دارد، نشان‌دهنده بحران عمیق کمبود انرژی در سال ۱۴۰۴ است. پیشتر کارشناسان هشدار داده بودند به علت کوتاهی دولت در افزایش تولید، بحران کمبود انرژی در سال جدید خورشیدی گسترده‌تر از سال گذشته خواهد بود.

ریزش معدن باریت روستای عبدالله آباد مهاباد

معدن باریت روستای عبدالله آباد شهرستان مهاباد صبح روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۴۰۴ ریزش کرد. شماری از معدنکاران زیر آوار ماندند. برخی منابع گزارش دادند تعدادی از آنها جان باختند اما آمار دقیقی اعلام نشده است. معدن سنگ آهن عبدالله آباد مهاباد در فاصله ۱۵ کیلومتری این شهر و در مسیر جاده مهاباد- بوکان در جاده برهان واقع شده است؛ این معدن در زمستان امسال غیرفعال بود ولی مدتی قبل فعالیت خود را از سر گرفت. خپرگزاری «مهر» گزارش داده است پنج معدنکار در معدن سنگ آهن عبدالله آباد مهاباد کار می‌کنند.

تنبیه «آمران معروف» در مجتمع «ماه و مهر» قم توسط کسبه و مردم

بر اساس گزارش منابع محلی، جمعه شب ۱۵ فروردین‌ماه ۱۴۰۴ حدود ۳۰ «آمر به معروف» وارد مجتمع «ماه و مهر» شهر قم شدند و به بهانه تذکر به بی‌حجاب‌ها برای مردم و کسبه ایجاد مزاحمت کردند که تنبیه شدند. گفته شد این مزاحمان حدود ۳۰ نفر بودند که در نهایت پس از تنبیه، مردم آنها را از مجتمع بیرون کردند. گفته می‌شود برخی از این آمران به معروف زخمی شدند.

شاهزاده رضا پهلوی:

بجای دوگانه‌ی یا جنگ یا مذاکره باید از آلترناتیو مردم حمایت کرد

شاهزاده رضا پهلوی PahlaviReza@ در همایش «حمایت حداکثری» از مردم ایران که روز هفتم آوریل (۱۸ فروردین) به میزبانی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) و «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) برگزار شد، گفت: «دست‌کم دو دهه است می‌گویم نباید از دیپلماسی شکست‌خورده به رویارویی نظامی متوسل



شویم برای اینکه هیچکس خوستار رویارویی نظامی نیست. دولت‌های قبلی آمریکا و متحدان اروپایی آنها اعتقاد داشتند که باید دیپلماسی را امتحان کنند و اگر جواب نداد به سراغ گزینه نظامی بروند! اما باید به دنبال راه سوم باشیم که حمایت و توانمند کردن مردم ایران است به عنوان عامل اصلی تغییر؛ باید آلترناتیو برخاسته از مردم را جایگزین رژیم ایران کرد.»

تشویق علی کریمی بعد از بازی پرسپولیس و «استقلال» خوزستان

طرفداران تیم پرسپولیس تهران پس از پایان مسابقه این تیم در مقابل تیم «استقلال» خوزستان که شنبه ۱۶ فروردین‌ماه ۱۴۰۴ در استادیوم «آزادی» (آریامهر) برگزار شد علی کریمی را تشویق کردند. در این مسابقه با رأی کمیته انضباطی فقط زنان اجازه ورود به استادیوم برای تماشای مسابقه را داشتند. در طول بازی نیز از روی سکوها بارها علی کریمی تشویق شد و صدا و سیما جمهوری اسلامی مجبور شد برای دقایقی صدای تماشاگران را قطع کند.

پارلمان اروپا خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط مهوش ثابت زندانی عقیدتی بهائی شد

پارلمان اروپا قطعنامه‌ای فوری در مورد ایران تصویب کرده است که در آن بطور مشخص خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط مهوش ثابت شده است.

مهوش ثابت صرفاً به دلیل اعتقاد به آیین بهائی بیش از ۱۳ سال را در زندان گذرانده است. مهوش ثابت در آذر ۱۴۰۳ پس از سال‌ها عدم رسیدگی پزشکی و شرایط سخت زندان، تحت عمل جراحی قلب باز قرار گرفت. او اکنون با وجود وخامت وضعیت سلامتی‌اش با چشم‌انداز هولناک بازگشت به زندان برای گذراندن ادامه حکم ناعادلانه ۱۰ سال حبس خود مواجه است.

شاهزاده رضا پهلوی:

مهم‌ترین متحد کشورهای غربی مردم ایران هستند

شاهزاده رضا پهلوی PahlaviReza@ در همایش «حمایت حداکثری» که روز هفتم آوریل (۱۸ فروردین) به میزبانی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) و «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) برگزار شد، بار دیگر تکرار کرد که راه حل عبور از بحران‌های خارمیانه تغییر رژیم



در ایران است نه تغییر رفتار آن. او در بخشی از سخنان خود تأکید کرد، «ما نه پول کشورهای دیگر را می‌خواهیم و نه ارتش آنها را... طرح حمایت حداکثری و فشار حداکثری کاملاً روشن است. وقتی می‌گویم با رژیم صحبت نکنید برای اینست که DNA این رژیم تغییرناپذیر است. مهم‌ترین متحد کشورهای غربی مردم ایران هستند.»

هفت کارگر در حادثه گازگرفتگی معدن «جواهر زغال» دامغان جان باختند

به گزارش خبرگزاری‌های ایران، عصر روز دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ حادثه‌ای مرگبار در معدن زغال‌سنگ «جواهر زغال» واقع در منطقه مهماندویه دامغان رخ داد که منجر به جان باختن هفت کارگر این معدن شد. طبق اعلام منابع رسمی، چهار نفر از قربانیان ایرانی و سه نفر تبعه افغانستان بودند. علت اولیه حادثه، نشت گاز متان در یکی از تونل‌های استخراج عنوان شده است. معدن «جواهر زغال» یکی از معادن زیرزمینی زغال‌سنگ در استان سمنان است که در سال‌های اخیر با مشکلاتی در زمینه ایمنی مواجه بوده است. با این حال، تا کنون هیچ گزارش رسمی درباره وضعیت تجهیزات و استانداردهای ایمنی این معدن منتشر نشده بود.

رواج خرید و فروش جنین حیوانات در ایران

خرید و فروش جنین حیوانات به ویژه گونه‌های پرنفیس مانند «اسب پا کوتاه» در ایران رواج یافته است. در یک آگهی قیمت ۴/۵ میلیون تومان برای یک جنین «اسب پا کوتاه» درخواست شده است. نژاد اسب پا کوتاه به دلیل جثه کوچک و ظاهر خاص در میان برخی افراد محبوبیت یافته و به همین دلیل تقاضا برای آن بالا رفته است. بیشتر خرید و فروش برخی گونه‌های حیوانات غیرخانگی در ایران رواج یافته بود اما از مدتی پیش خرید و فروش جنین حیوانات نیز در میان آگهی‌ها به چشم می‌خورد. فروش و صادرات اسپرم گونه‌هایی مانند اسب اصیل ایرانی نیز از سال‌ها پیش وارد فعالیت‌های تجاری مرتبط با حیوانات شده است.

خطر اجرای حکم اعدام پخشان عزیز:

اعاده دادرسی برای دومین بار رد شد

درخواست اعاده دادرسی پخشان عزیز زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین تهران با وجود ایرادات بسیار در پرونده، از سوی دیوان عالی کشور رد شده است. پخشان عزیز در



خطر اجرای حکم اعدام پخشان عزیز:
اعاده دادرسی برای دومین بار رد شد

تداوم فشار به شهروندان به بهانه «حجاب»

مجمع خدمات رفاهی و تجاری «مهر و ماه» در اتوبان تهران- قم روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه تعطیل شد. در روزهای گذشته ویدئویی از درگیری کسبه این مجتمع تجاری با «آمران به معروف» به علت تذکر حجاب به شهروندان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود. خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همزمان با تعطیلی این مجتمع در روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه در خبری با عنوان «ضرب و شتم مردم مومن قم» نوشت که «عوامل و پرسنل مجتمع مهر و ماه با اهانت و هتاک، بر سر مردم مومن و آمران به معروف ریختند.» در شرایطی که دولت پزشک‌پسندان مدعی است اجرای «قانون حجاب و عفاف» به دستور «شورای امنیت ملی» متوقف شده اما همچنان سرکوب زنان و فشار به شهروندان به بهانه «پوشش» و «حجاب» در جریان است.

یک مشت چغاله: دو میلیون تومان ناقابل!

قیمت سرسام‌آور چغاله بادام به عنوان میوه نوبر این روزها سبب فروش آن به «گرم» شده است. بر اساس گزارش‌ها، قیمت هر کیلو چغاله بادام در میادین تره‌بار یک میلیون تومان و در دیگر فروشگاه‌ها تا ۲ میلیون است. قیمت میلیونی چغاله بادام سبب شده اکثر مغازه‌داران از درج قیمت روی آن خودداری کنند و حتی میدان مرکزی تره‌بار هم در نرخنامه روزانه خود محل قیمت چغاله بادام را خالی گذاشته است!

جمهوری اسلامی عامدانه بر آتش

«جنگ آب میان شهروندان» می‌دمد

تخریب خط انتقال آب زاینده‌رود به یزد تنها نوک کوه یخ بحران آب در ایران است که جمهوری اسلامی طی چهار دهه تباہکاری رقم زده است. مقامات حکومتی تلاش دارند تغییرات اقلیمی را عامل بحران آب در ایران نشان دهند اما مدیریت ناکارآمد منابع آب و بی‌توجهی مسئولان به در نظر گرفتن راهکارهایی پایدار و کارآمد سبب تشدید بحران آب در



جمهوری اسلامی عامدانه بر آتش «جنگ آب میان شهروندان» می‌دمد

سقوط ۲۷ هزار واحدی شاخص بازار بورس

بازار بورس ایران امروز دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ برای سومین روز پیاپی با سقوط شاخص روبرو شد. شاخص کل با ریزش حدود ۲۷ هزار واحد به رقم دو میلیون و ۷۴۶ هزار واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز با ریزش ۲۷۱۸ واحدی به سطح ۸۰۷ هزار و ۶۷۰ واحد رسید.

بهناز اکبرپور کارشناس بازار سرمایه درباره ریزش بازار سهام پس از تعطیلات نوروزی گفته «بازار سهام در مدت اخیر هیچ واکنشی به اخبار مذاکرات غیرمستقیم نشان نداده است. تمامی اخبار منتشر شده در این زمینه نه تنها از اهمیت خاصی برخوردار نیستند، بلکه تا زمانی که ابهامات سیاسی بر بازار سایه افکنده باشد، به نظر می‌رسد بازار شرایط بهتری را تجربه نخواهد کرد.»

او در ادامه به اقدامات بانک مرکزی در زمینه بازار سرمایه اشاره کرده و گفته «متأسفانه بانک مرکزی در رابطه با کاهش فاصله ۵۰ درصدی بین ارزش‌نمایی و ارزش آزاد هیچ اقدام مؤثری انجام نداده است.»

اتحادیه صنف نانویان سنگگی تهران خواستار «آزادسازی» قیمت‌ها شد

اتحادیه صنف نانویان سنگگی تهران خواستار توقف «قیمت‌گذاری دستوری» و آزاد کردن قیمت نان شد تا این اتحادیه بر اساس هزینه تولید و در نظر گرفتن حاشیه سود، قیمت نان را تعیین کند.

محمد سلیمانی رئیس اتحادیه صنف نانویان سنگگی تهران با اعلام این درخواست تأکید کرده «هر جا فشار نرخ دستوری باشد فساد ایجاد می‌شود.» قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت شکست خورده، زیان‌گسترده‌ای برای تولیدکنندگان و فروشندگان بخش‌های مختلف



اتحادیه صنف نانویان سنگگی تهران خواستار «آزادسازی» قیمت‌ها شد

اقتصاد به بار آورده است. اگرچه دولت مدعی است برای سهمیه آرد نانویایی‌ها پارانه در نظر گرفته اما از یکسو همانطور که محمد سلیمانی گفته توزیع نان پارانه‌ای سبب ایجاد شبکه فساد در روند توزیع آرد شده و از سوی دیگر قیمت تعیین شده برای نان تناسبی با هزینه‌های فزاینده نانویان نداشته و سبب زیان آنها می‌شود.

ایران شده است. ابوالفضل ابوترابی نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اعتراضات کشاورزان اصفهان گفته «جنگ، جنگ آب است؛ ما بارها سال‌های متمادی این اخبار را داده بودیم.» برخی فعالان اصلاح‌طلب و اصولگرا در روزهای گذشته کوشیدند با مقصر دانستن کشاورزان اصفهان، صورت مسئله را پاک کرده و موضوع را به نگاه آمیخته با دشمنی شهروندان اصفهان نسبت به شهروندان یزد تبدیل کنند.



عکس هفته | هایده

۲۱ فروردین ۱۴۰۴ هشتاد و سومین زادروز هایده خواننده محبوب ایران بود که ۳۰ دی ۱۳۶۸ در ۴۷ سالگی در آمریکا درگذشت.